

تقابل ادب و هنر



در مکتب اصفيهان

♦ ابوالقاسم رادفي

Literature and Art Interaction in the Esfahan School

Abulqasim Radfar

ISBN: 964-8802-68-8

مجله ادبیات و هنر در مکتب اصف
قیمت: ۳۰,۰۰۰ ریال



۱۰۴۰ (۱) - ۰۰۰ - ۲۱۳ - ۲۱۳

نویسنده متن - ۶۶۴۹۰۹۹۰

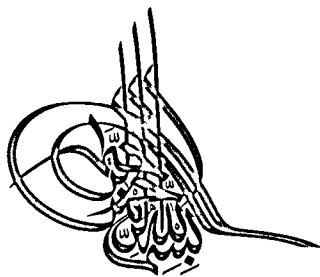


ابوالقاسم رادفر

اصفهان

تعامل ادبیات و هنر در مکتب





«به مناسبت گردهمایی بین المللی مکتب اصفهان»

آذرماه ۱۳۸۵

تعامل ادبیات و هنر
در

مکتب اصفهان

ابوالقاسم رادفر



انتشارات فرهنگستان هنر

پاییز ۱۳۸۵

سرشناسه: رادفر، ابوالقاسم	
عنوان و پدیدآور: تعامل ادبیات و هنر در مکتب اصفهان / تألیف ابوالقاسم رادفر.	
مشخصات نشر: تهران: فرهنگستان هنر جمهوری اسلامی ایران، انتشارات، ۱۳۸۵.	
مشخصات ظاهری: ۲۴۴ ص.	
شابک: 964-8802-68-8	
یادداشت: کتابنامه: ص ۲۱۹	
موضوع: هنر ایرانی - اصفهان	
موضوع: تذهیب - ایران - اصفهان.	
شناسه افزوده: فرهنگستان هنر جمهوری اسلامی ایران.	
رده‌بندی دیویی: ۷۰۹ / ۵۵	
رده‌بندی کنگره: ۷ ت ۱۵ ر / ۷۲۸۰ N	
شماره کتابخانه ملی: ۸۵-۳۱۴۳۴ م	
یادداشت: فیبا	
موضوع: مکتب نقاشی اصفهان.	



انتشارات فرهنگستان هنر

تعامل ادبیات و هنر

در مکتب اصفهان

ابوالقاسم رادفر

دبیر علمی گروه ادبیات مکتب اصفهان: دکتر احمد خاتمی

طرح جلد: فرزاد ادیبی

نمایه: داود شریفیان

چاپ اول: پاییز ۱۳۸۵

شمارگان: ۱۵۰۰ نسخه

لیتوگرافی: فرآیند گویا

چاپ: شادرنگ

ISBN: 964-8802-68-8

شابک: ۹۶۴-۸۸۰۲-۶۸-۸

کلیه حقوق چاپ و نشر برای ناشر محفوظ است.

نشانی فروشگاه شماره ۱: تهران - خیابان ولیعصر - بالاتر از تقاطع امام خمینی (ره) - کوچه شهید حسن سخنور -

شماره ۱۵ - انتشارات فرهنگستان هنر. تلفن: ۶۶۴۸۵۸۶۸، دورنگار: ۶۶۴۸۵۸۶۹ - صندوق پستی:

۱۳۱۴۵-۱۳۷۷ پست الکترونیک: publishing@honar.ac.ir www.honar.ac.ir

نشانی فروشگاه شماره ۲: میدان فلسطین - خیابان شهید برادران مظفر - شماره ۵۳ - مؤسسه فرهنگی هنری

صبا. تلفن: ۱۱-۰۸-۶۶۴۹۴۵-۹-۶۶۴۸۷۵۳۶ - صندوق پستی: ۳۹۳۳-۱۴۱۵۵

پست الکترونیک: Saba@honar.ac.ir

فهرست مطالب

عنوان	صفحه
پیشگفتار	۷
هویت فرهنگ و هنر	۱۱
خوشنویسی در مکتب اصفهان	۱۷
تذهیب و تجلید	۳۵
نگارگری / نقاشی	۴۱
نقاشی مکتب اصفهان (۱۰۰۰-۱۱۳۲ق)	۶۹
مرقعات دوره صفویان و گورکانیان هند	۹۱
معماری و موسیقی	۱۰۱
سیاهه برخی از آثار ادبی و هنری (۱۰۰۰-۱۱۳۵ق)	۱۰۵
منابع	۲۱۹
نمایه	۲۲۵

پیشگفتار

تأثیر فرهنگ ناب و عمیق اسلامی بر روح و اندیشه ایرانی از سویی و ذکاوت هنرآفرینان این مرزوبوم از سوی دیگر، ایران را - صرف نظر از فرهنگ و تمدن و هنر ایران قبل از اسلام که خود مقوله‌ای دیگر و درخور توجه است - مهد هنر در عرصه‌های گوناگونی چون کتابت و خوشنویسی، تذهیب، نقاشی و نگارگری، مینیاتور، تشعیر و جلدسازی و مقوله‌های دیگر هنری قرار داده است.

این ارتقای انواع هنری، فقط به یک دوره خاص محدود نبوده، بلکه از سده‌های چهارم و پنجم هجری با استوار شدن پایه‌های ادبیات فارسی، در کنار شعر و نثر روز به روز مراحل رشد و ترقی را پیموده است؛ به همین سبب، چه به صورت مستقل و چه در تعامل و تلفیق با هنرهای دیگر، به ویژه شعر و ادبیات، پیوندی تنگاتنگ و عمیق یافته است، تا آنجا که تفکیک عناصر خاص هنری یک پدیده یا اثر ادبی - هنری در بدو امر مشکل به نظر می‌رسد. از این‌روست که همواره هنرمندان و پژوهشگران آثار ادبی - هنری در تحلیل و بررسی میراث گرانبهای گذشته ما در زمینه‌های گوناگون به انحای مختلفی به جنبه‌های تلفیقی یا به عبارت دیگر تعامل و همگامی ادبیات، به ویژه شعر با انواع هنرهای سنتی و اصیل ایرانی و گاه غیرایرانی دخیل در هنر ایران‌زمین، اشاره می‌کنند و به چگونگی شکل‌گیری و همراهی اقسام هنر با ادبیات می‌پردازند.

دستاوردهای متعدد آثار و تحقیقات محققان و خاورشناسان در عرصه‌های گوناگون علمی، فرهنگی، ادبی و هنری و در ارتباط با ایران قدیم گویای این واقعیت است که این سرزمین در هیچ دوره تاریخی خود - حتی در بدترین شرایط سیاسی و اجتماعی‌اش،

خالی از جنبه‌های ناب فرهنگی، هنری و ادبی نبوده است. به‌ویژه زمانهایی که کشور از نظر جنبه‌های ادبی و علمی قدری دچار افول و تنزل شده. همین جنبه‌های هنری ناب و ژرف است که آن ضعفها و نارساییها را پوشانیده و چون گوهری تابناک تلالو و درخشش داشته است. وجود مکاتب هنری دوران مغول، تیموری، و مهم‌تر از آن، مکتب اصفهان و برخی مکاتب دیگر، گویای این واقعیت است که هیچ‌گاه فرهیختگان و اندیشه‌وران این مرزوبوم از پائین‌نشسته‌اند و رسالت و تعهد خود را به نحوی برتر و شایسته درک و فهم و شخصیت یک ایرانی اصیل بروز داده‌اند. حجم آثار معتابه و فراوان هنری، به خصوص آثار ادبی در تعامل و همگامی با انواع هنرها که در مراکز هنری، موزه‌ها، کتابخانه‌ها، اماکن تاریخی و باستانی و مجموعه‌های شخصی در سراسر ایران و بسیاری از کشورهای دیگر، به‌ویژه شبه‌قاره هند، پاکستان و ترکیه وجود دارد، نشان می‌دهد که هنرمندان ایرانی و بعضاً غیرایرانی، متأثر از این گنجینه عظیم ادبی-هنری در عرصه هنر اسلامی، بل جهانی، از جایگاه والایی برخوردارند.

شاید بتوان آنچه را که بیش از همه موجب رشد و ارتقا و تعالی آثار به وجود آمده در مکاتب هنری ایران اسلامی شده است، در ذوق و ابتکار و عشق هنرمندان صاحب نام و بعضاً حمایت دربارها و افراد صاحب نام و دلسوخته فرهنگ و هنر این سرزمین در بهره‌گیری از جلوه‌های معنوی و روحانی و تأمل در زیباییها و راز و رمز طبیعت اسرارآمیز و میراث شکوهمند اسلامی و ایرانی به ویژه قرآن مجید - به عنوان عظیم‌ترین و ارزشمندترین کتاب مسلمانان - دانست که همواره منشأ خیر و برکت و هنرآفرینیهای فراوان بوده است. فقط اگر نسخه‌های خطی و بعضاً غیرخطی قرآن کریم که به انواع هنرها نظیر خوشنویسی، تذهیب، تشعیر، مینیاتور، جلدسازی و دیگر فنون آراسته شده، از موزه‌ها و کتابخانه‌های کل جهان و مجموعه‌های شخصی جمع‌آوری شود، حجم معتابه‌ی را تشکیل می‌دهد. در مرتبه بعد شاهکارهای ادبی چون شاهنامه، خمسه نظامی، بوستان، گلستان، دیوان حافظ، یوسف و زلیخا، آثار امیرخسرو دهلوی، آثار جامی و بسیار آثار ادبی جای دارند که کم‌وبیش توجه هنرمندان را برانگیخته و ایشان از آن به عنوان دستاویزی برای هنرآفرینی بهره گرفته‌اند. البته نباید جنبه‌های هنری برخی آثار تاریخی و داستانی و حتی دینی و به‌ویژه آثار مهم عرفانی را که هنرمندان بدانها توجه داشته‌اند، از نظر دور داشت؛ زیرا از نظر عرفان، زیبایی صفتی وابسته به جهان مادی نیست بلکه جمال خاصیتی است روحانی و در ارتباط با روح.

و طیفه هنر هدفدار و متعهد نیز همواره این بوده و هست که توجه را به عوالم بالاتر، یعنی معنوی و روحانی جلب کند.

با بررسی روند شکل‌گیری مکتبهای هنری مشهور و ملاحظه آثار موجود، به این باور می‌رسیم که با گسترش تصوف اسلامی، جنبه‌های معنوی و روحانی آثار ابداع شده ادبی - هنری - برخلاف گذشته که بیشتر آثار مصور شده متون غیر دینی بوده - بیشتر شده است؛ وجود تصاویر زیادی از زندگانی اولیا و معصومین (ع) در عرصه نگارگری، خود شاهد این سخن است.

البته این نکته را هم نباید فراموش کرد که با وجود تنوع و غنای ادبیات شرق به‌ویژه ایران در دوره‌های میانه، تمامی آثار مصور نمی‌شدند و یا دیگر کارهای هنری بر روی آنها صورت نمی‌گرفت، بلکه در این کارگریش دقیق و مشخصی اعمال می‌شد یعنی قابلیت‌های هنری اثر، محتوا، شکل کار و جذابیت‌های مختلف اثر همواره مورد نظر بود. استقبال فراوان هنرمندان از شاهکارهایی چون شاهنامه فردوسی، خمسه نظامی، یوسف و زلیخا، آثار امیر خسرو دهلوی و از بعضی دیگر کتابها، بیشتر در کلیت اثر در ابعاد گوناگون آن بوده که کار کردن بر روی آن، کتاب را برای هنرمند آسان‌تر و دلچسب‌تر می‌کرده است؛ یا به عبارت دیگر، جهان‌بینی و دیدگاه‌های اخلاقی، فکری و بیش‌زیبایی‌شناسی نقاش و خوشنویس و به طور کلی هنرمند با آثار دینی یا ادبی مشابهت و هماهنگی بهتر و بیشتری داشته است. از این‌روست که می‌بینیم در آثار هنر ایران به‌ویژه نقاشی، کل ترکیب‌بندی - برخلاف نقاشیهای اروپایی - یکباره و در آن واحد به چشم نمی‌آید بلکه نگاه بیننده همواره از جزئی به جزء دیگر و از سویی به سوی دیگر متوجه است. به این سبب محققان آثار هنری در ارتباط با ادبیات، به‌ویژه شعر، یک اثر را از دیدگاه‌های مختلف بررسی کرده‌اند و در هر موضوع کتابها و مقالات گوناگونی نوشته‌اند، مثلاً، گاه آثار صرفاً از نظر کتابت و خوشنویسی در ابعاد مختلف آن مورد توجه قرار می‌گیرد و زمانی دیگر از نظر نگارگری، تذهیب، مینیاتور، جلد و...؛ بنابراین هنر ایرانی همچون خورشیدی است که جلوه‌های گوناگون دارد، به‌ویژه در ارتباط و همگامی با ادبیات پر بار و غنی فارسی، که سعی شده در این اثر - با تمام محدودیت‌های موجود - با توجه به تعدادی از این آثار هنری و بررسی و تحلیل پیشینه آنها، به تعامل ادبیات با سایر هنرها بپردازیم و دورنمایی از این کار گسترده و درازدامن که قلمروی بسیار پهناورتر از ایران دارد، عرضه کنیم. باشد که این اثر با تمام کاستیها و

نارساییهایش در آمدی باشد بر تحقیقات بیشتر و ارزنده‌تری در این راه.
در پایان بر خود فرض می‌دانم که از تمام عزیزانی که در این راه نگارنده را همراهی و
یاری کرده‌اند، قدردانی کنم و توفیق آنان را از درگاه خداوند منان آرزو نمایم.

ابوالقاسم رادفر
۱۳۸۵

هویت فرهنگ و هنر

آنچه بیش از همه هویت ایرانی - اسلامی ما را در عرصه جهانی، به ویژه در دنیای غرب، در کنار ادبیات، فرهنگ، تاریخ، تمدن و دیگر عناصر سازنده تاروپود یکایک ما ایرانیان، به شکل حیاتبخش و پویا نگاه می دارد، همانا هنر و انواع گوناگون آن است؛ هنری که از اعصار گذشته تاکنون در رگ و پی مردم این سرزمین و آفرینندگان و پاسداران صديق و راستین آن ریشه دوانده است. اگرچه هنر ایران به مرور زمان، و به ویژه در دوران اخیر، رنگ و بو و درخشش گذشته خود را از دست داده است، اما هرگز نمی توان به راحتی آن را به فراموشی سپرد.^(۱) هنرهایی که همیشه مایه مباهات ایران و ایرانی بوده اند - افزون بر آداب و سننی که ویژه شرقیها از جمله ایرانیان است مانند مهمان نوازی، نوع دوستی، ایثار، بخشنده گی، جوانمردی و هزاران خلق و خوی انسانی که نمونه های بارز آن در ادبیات، عرفان و فرهنگ هزاران ساله ما دیده می شود - عبارت اند از نقاشی، موسیقی، معماری، خوشنویسی، تذهیب، صحافی و تجلید و غیره که بعداً به آنها اشاره خواهد شد.^(۲)

همگامی ادبیات و هنر

ادبیات تطبیقی - به مفهوم عام آن - ظرفیت بررسی مقایسه ادبیات با دیگر هنرهای زیبا را دارد. ارسطو در آغاز کتاب فن شعر، نظریه «همانندی سخن» را مطرح می کند و یادآور

می‌شود که سخن بر شعر و سایر هنرها منطبق است. او معتقد است که حماسه و تراژدی و همچنین شعر کمدی و دیتی‌رامب^۱ و موسیقی نی و گیتار در بیشتر شکلها، همگی در مفهوم عام آن، روشهایی تقلیدی از طبیعت است. اما در هر حال آنها از سه وجه - وسیله، موضوع و سبک (شیوه) تقلید از طبیعت - با هم اختلاف دارند، به طوری که هر کدام از این وجوه از دیگری متمایز است.^(۳)

از بخشهای گوناگون مقدمه فن شعر ارسطو چنین برمی‌آید که وی در سخن خویش پیش از استادش، افلاطون، شعر و دیگر هنرها را جمع آورده و نظریه‌اش را در باب محاکات بر آنها تطبیق داده است.^(۴)

با ورود به عرصه مطالعات دوره رومی‌ها، این رویکرد را نزد هوراس می‌بینیم. او می‌گوید: وضع قصیده مثل نقاشی است. وقتی در نزدیکی نقاشی می‌ایستی، تو را به شگفتی وامی‌دارد و هنگامی که از دیگری (قصیده) دور می‌شوی، تو را شگفت‌زده می‌کند. این یکی (نقاشی) دوست می‌دارد که از زاویه خوبی به آن بنگرند و دیگری ترجیح می‌دهد که در روشنی دیده شود، چون از دیده تیزبین ناقد هراسی ندارد. قصیده برای یکبار رضایت مردم را جلب می‌کند و آن یکی دهها بار به نمایش درمی‌آید و در هر بار آنها را راضی می‌کند. اینجا است که می‌بینیم چگونه این ناقد بزرگ به جمع میان شعر و نقاشی پرداخته و از هنر نقاشی برای آرای خویش کمک گرفته است. دیدگاه جمع میان شعر و هنرهای زیبا چندین سده پس از رنسانس رواج یافت.^(۵)

در خلال سده‌های شانزدهم و هفدهم میلادی، کوششهای گوناگونی در جهت جمع میان هنرها و علوم براساس یک یا چند اصل صورت گرفت و در اواخر سده هفدهم میلادی، تفکیک میان علوم و هنرها از امور واضح و روشن گردید.

در ایتالای سده شانزدهم میلادی، اصطلاح جامعی با عنوان «هنرهای برنامه‌ریزی شده»^۲ پدید آمد؛ همچنین در فرانسه، در سالهای آغازین سده هفدهم میلادی، «هنرهای زیبا»^۳ پا به عرصه وجود گذاشت. این دو اصطلاح به هنرهای نظیر نقاشی، مجسمه‌سازی و معماری نظر دارند، با این همه گاه شعر و موسیقی نیز به آنها افزوده

1. Dithyrambos

2. Art del Disegno

3. Beaux Arts

می‌شود.

سرانجام در طی سده‌های نوزدهم و بیستم میلادی، تألیف کتابهایی مانند *آرای نقدی پیرامون شعر و نقاشی اثر آب دی‌بو*^۱، چاپ ۱۷۱۹م و *هنرهای زیبا بر اساس اصلی واحد* از شارل بتو^۲ در ۱۷۴۶م بر امر تحکیم ارتباط مفهوم هنرهای زیبا افزود.^(۶) به هر حال اصلی که میان این هنرها – از دیدگاه نویسندگان – وحدت ایجاد می‌کند همان محاکات طبیعت زیباست. این پژوهش‌های هنرهای چون موسیقی، شعر، نقاشی، پیکرتراشی و رقص را دربر دارد.

پس از شارل بتو، دیگر نویسندگان نیز درباره هنرهای زیبا از روش او پیروی کردند.^(۷) مهم‌ترین آنان نویسندگان *دایرةالمعارف* از جمله مونتسکیو، دیدرو و دالامبر بودند. آنان به رواج اندیشه‌های هنرهای زیبا به عنوان مجموعه‌ای در ارتباط با یکدیگر از دستاوردهای نوآوری بشری پرداختند و معماری را جایگزین رقص کردند.^(۸)

در ۱۷۵۰م، الکساندر فن باومگارتن^۳، به نوشتن نخستین فلسفه روشمند هنرهای زیبا مبادرت ورزید و برای آن واژه «استتیک»^۴ را برگزید. پس از وی، این واژه خاص فلسفه زیباشناسی گردید. همه این مسائل، آرتور لسینگ^۵ ناقد آلمانی را بر آن داشت تا ضمن بررسی فراگیری در این زمینه، به مقایسه میان شعر و نقاشی دست بزند.^(۹) وی در بررسی خود به این نکته پی برد که تفاوت میان شعر و نقاشی اساساً به این برمی‌گردد که شعر در چارچوب زمان جریان دارد، حال آنکه نقاشی در چارچوب مکان می‌گنجد.^(۱۰) افکار و آرای لسینگ در محققان و پژوهشگران پس از وی تأثیر بسیار برجای گذاشت. چنان که گوته، شاعر بزرگ آلمان، از روش او بسیار تأثیر پذیرفت.^(۱۱)

پس از آن، توجه فیلسوفان و نظریه‌پردازان زیبایی‌شناسی به جمع میان هنرهای زیبا در چارچوب پژوهش فلسفی واحدی معطوف گردید که در آن تحقیقات فراوانی پیرامون ارتباط هنرها با یکدیگر و مقایسه میان آنها در جهت کشف طبیعت هر یک صورت

1. A.Du Bos

2. Ch.Batteux

3. A.Von Baumgarten

4. Aesthetics

5. A.Lessing

گرفت.^(۱۲)

در سالهای اخیر تلاشهای زیادی دربارهٔ ارتباط بین ادبیات با سایر هنرها صورت پذیرفته است که به تبیین جنبه‌های گوناگون برخورد ادبیات با انواع هنر و تفسیر و بررسی آنها از وجوه مختلف می‌پردازد. در یک اثر ادبی، جزئیاتی وجود دارد که یکی از آنها تصاویر آن را توضیح می‌دهد، همچنان که جزئیات یک تابلوی نقاشی گاه از خلال یک اثر ادبی روشن می‌شود. به عبارت دیگر همچنان که اندیشه‌ها و موضوعات ادبی گاه توسط هنرهای تجسمی به‌وضوح خود را نشان می‌دهند، در مقابل موضوعات تابلوهای هنری نیز گاه به وسیلهٔ متون ادبی توضیح داده می‌شوند. علاوه بر این پژوهشهای تطبیقی بسیاری نیز دربارهٔ ارتباط زبان ادبیات با زبان هنر، سبک هر یک و حدود مشترک میان آن دو، صورت می‌پذیرد.^(۱۳)

بدین ترتیب، ملاحظه می‌شود که مقایسهٔ ادبیات با دیگر هنرها به روزگاران دور برمی‌گردد؛ رویکردی که در طول تاریخ ماندگار شده است و شرایط فراوانی به تحکیم آن یاری رسانده‌اند. به همان ترتیب که شاعران بسیاری از نقاشان و موسیقیدانان اثر پذیرفته‌اند و نقاشان نیز از شاعران بسیاری یا افسانه‌های ملی و ادبیات باستانی فراوانی تأثیر پذیرفته‌اند.^(۱۴)

در سرزمین ما نیز ادبیات و هنر همگام با یکدیگر راه تکامل را پیموده‌اند. یکی از دوران درخشان ادبیات و هنر ایران دورهٔ صفویه (۹۰۵-۱۳۵۰ق) بوده است. در این دوره شاخه‌های گوناگون هنر نظیر خوشنویسی و تذهیب، نقاشی (نگارگری)، معماری، تجلید (جلد سازی) و غیره همه از کمال و لطافت خاصی بهره داشته و ارتباط وجوه مشترک میان آنها بیانگر تأثیر هر یک از آنها بر دیگری است.^(۱۵) اما پیش از ورود به بحث دربارهٔ همگونی ادبیات و هنرهای این دوره و شکل‌گیری و رواج مکتب اصفهان در سالهای میان ۱۰۰۰ تا ۱۱۳۲ق، لازم است شمه‌ای دربارهٔ مجموعه هنرهای ایرانی و ارتباط آنها با ادبیات این سرزمین و نیز پیدایش مکتبهایی که راه را بر شکل‌گیری مکتب اصفهان هموار ساختند، آورده شود.

ارجاعات

۱. شریف میان محمد، تاریخ فلسفه در اسلام، ج ۳، ص ۲۷۱.
۲. همان جا.
۳. کفافی، محمد عبدالسلام، ادبیات تطبیقی، پژوهشی دریاب نظریه ادبیات و شعر روایی، ترجمه حسین سیدی، ص ۲۵.
۴. همان، ص ۲۶.
۵. همان.
۶. همان.
۷. همان.
۸. همان، ص ۲۸.
۹. همان.
۱۰. همان، ص ۲۹.
۱۱. همان، صص ۲۹، ۳۰.
۱۲. همان، ص ۳۰.
۱۳. همان، ص ۳۱.
۱۴. همان، ص ۳۲.
۱۵. مصاحب، غلامحسین، دایرةالمعارف فارسی، ج ۲، ص ۱۵۷۲.

خوشنویسی در مکتب اصفهانی

خوشنویسی در عالم اسلام از برترین هنرها به شمار می‌رود. خوشنویسی با الفبای عربی، با آن همه تنوعهایی که اقوام مختلف مسلمان - به‌ویژه ایرانیان و ترک‌ان - بنابر ذوق خود بدان بخشیدند، چنان زیباست که بدون در نظر گرفتن معنایی که حمل می‌کند نیز جذابیت دارد.^(۱)

ارتباط خوشنویسی با نمایه‌های عرفانی و خیال‌گراییهای شاعرانه در شعر فارسی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. برای دریافت رمز و راز این آمیختگی و پیوستگی بسیار و عمیق و ظریف میان آنها باید به تفصیل به این امر پرداخت.

رابطه خوشنویسی با مفاهیم زیبایی‌شناسی، عرفان و ادبیات فارسی مقوله‌ای بسیار گسترده در درازنای تاریخ و فرهنگ و ادب و هنر ایران زمین و سرزمینهای دیگر دیرآشنا با زبان و ادبیات فارسی است، چنانکه جلوه‌های گوناگون همگامی هنر خوشنویسی در آثار فراوان برجای‌مانده، دیده می‌شود.^(۲)

اگرچه در بیشتر آثاری که به زبانهای شرقی و اروپایی درباره هنر خوشنویسی نوشته شده، از این هنر بیشتر به شکل انتزاعی و تجربیدی سخن رفته است، اما درباره سهم آن در عینیت‌بخشیدن به اندیشه‌های عرفانی، تأثیر پسندهای عرفانی بر خوشنویسان اثربخشی عرفان بر ذهن خوشنویسان و زیبایی‌شناسی نگاشته‌های آنان، بحثی دقیق و

همه‌جانبه‌ای صورت نگرفته است؛ همچنین به بنمایه‌های خیال هنرمندان خلاق خوشنویس در آفرینشهای هنری آنان اشاره‌ای نشده است.^(۳)

با این حال، حتی با مطالعهٔ اجمالی آثار ادبی و شعری که در قلمرو هنر اسلامی - ایرانی در ارتباط با خوشنویسی وجود دارد، جایگاه ارزشمند و هنری پیوند خوشنویسی و ادبیات در ایران شناخته می‌شود. بدین معنا که پس از آشنایی اروپا با هنر اسلامی - که پیشینه‌ای نسبتاً طولانی دارد - اروپاییان به اشکال و صور گوناگون - سیاسی، نظامی، تجاری، تبلیغی و غیره - تلاش کردند با گردآوری مجموعه‌های نفیس هنری و نسخه‌های کهن فارسی و عربی، به طرق ممکن آنها را به کشورهای خود منتقل و در موزه‌های ملی و مجموعه‌های شخصی خویش جای دهند.^(۴)

حجم آثار هنری و کتابهای نفیس خطی آراسته به انواع هنرهای شرقی و اسلامی به اندازه‌ای است که تنها فهرست اجمالی مشخصات و سیاههٔ دست نوشته‌های انتقال یافته به امریکا و اروپا خود مستلزم تألیف صدها جلد کتاب می‌شود. البته خوشنویستانه بخش اعظمی از این فهرستها تهیه شده و در دسترس هنردوستان قرار گرفته است.

در هر حال، سفر نسخه‌ها به صورت‌های مختلف، زمینه لازم را برای تحقیق و تأمل هنرشناسان اروپایی دربارهٔ هنر اسلامی، به ویژه هنر خوشنویسی و تذهیب و تجلید فراهم آورد؛ به گونه‌ای که طی سدهٔ اخیر پژوهشهای باارزشی به شیوه‌های توصیفی و تاریخی دربارهٔ شعبه‌های هنری یاد شده از هنر اسلامی به همت آنان صورت گرفته است.^(۵)

یکی از نمونه‌های درخشان این گونه تحقیقات که کمتر بدان پرداخته شده، همانا پیوند میان عرفان و شعر فارسی با خوشنویسی است. ویژگی‌ای که کم‌وبیش در آثار شاعران فارسی تا پیش از سدهٔ هفتم هجری نظیر سنایی، انوری و خاقانی دیده می‌شود. اما از سدهٔ هفتم هجری به بعد، به دلیل گسترش هنر خوشنویسی و تذهیب، واژگان اصطلاحی هنرهای مذکور از جمله اسباب و ابزار شعر و شاعری گردید، به گونه‌ای که کمتر دیوانی از دیوانهای شاعران پارسی‌گوی سده‌های هفتم و هشتم هجری و پس از آن وجود دارد که سرایندهٔ آن از واژگان هنر خوشنویسی و تذهیب متأثر نشده باشد. به عنوان نمونه، در دیوان حافظ، ابهامهای دلنشینی با استفاده از واژگان اصطلاحی خوشنویسی آمده است. از آن میان می‌توان به واژه‌هایی چون مداد، مرکب، طغرائی و

طغرانیس، سواد، بیرنگ، غبار، ریحان و خط خوش اشاره کرد؛ مانند این بیت:
مطبوع تر ز نقش تو صورت نبست باز طغرانیس ابروی مشکین مثال تو^(۶)
با نفوذ و گسترش شعر فارسی در شبه‌قاره هند و پیدایش سبک هندی - مکتب اصفهان - استفاده از واژگان اصطلاحی هنرهای خوشنویسی و نقاشی در میان شاعران و سخنوران این منطقه و این سبک شعری رواج پیدا کرد؛ به طوری که می‌توان یکی از ویژگیهای سبک شعر فارسی از سده نهم هجری به بعد را فراوانی اصطلاحهای خوشنویسان و نقاشان دانست؛ امری که در بسیاری از موارد، باعث ایجاد صور خیال و عناصر شاعرانه را ایجاد شده است؛ ابیات زیر که به ترتیب از سروده‌های امیرحسین علی جلایر و صدرالدین محمد نقل شده گواه این مدعاست:
ماند به نقطه دهندش در غبار خط

لیکن چو نقطه‌ای که بود در خط غبار
می‌شکافد چو قلم جدول و از سرخی خون

می‌کشد صفحه میدان جلد را جدول^(۷)

بدین ترتیب ملاحظه می‌شود که میان اصطلاحهای مجلدان، نقاشان، مذهبیان و خوشنویسان با شعر فارسی، به ویژه سبکهای مکتب وقوع و هندی، پیوندهای بسیار ظریفی وجود دارد که در واقع از ویژگیهای سبک‌شناسی شعر فارسی در سبکهای مذکور به شمار می‌رود.^(۸)

اما پیش از بررسی خوشنویسی مکتب اصفهان (۱۰۰۰-۱۱۳۲ق) لازم است ابتدا مطالبی درباره مکتبهای خوشنویسی هرات و تبریز، که در واقع زمینه‌ساز هنر درخشان و پررونق خوشنویسان مکتب اصفهان گردیدند، ذکر شود.

با مرگ امیر تیمور، پادشاه تاتار در ۸۰۷ق، سرزمین پهناور او میان پسرانش که همه اهل دانش و هنر بودند، تقسیم شد؛ آنان در قلمرو خود از ماوراءالنهر تا خراسان و عراق به پرورش هنر و تشویق و ترغیب هنرمندان مبادرت ورزیدند. از جمله این فرزندان شاهرخ بهادر (۸۵۰۱ق) بود که هرات را پایتخت خویش قرار داد.^(۹)

پس از آن هرات در سده نهم هجری به دلیل توجه شاهرخ و دیگر امیران تیموری، به ویژه سلطان حسین بایقرا (۸۷۳-۹۱۲ق) به ارباب فضل و هنر عظمت و رونق بسیاری پیدا کرد، تا جایی که سیلی از هنرمندان، شاعران، نویسندگان و دانشمندان از

شهرهای مختلف به این مرکز فرهنگی سرازیر شد و از برکت وجود آنان در این شهر کانون فرهنگی معتبری به نام «مکتب هرات» پدید آمد.^(۱۰)

یکی از هنرمندان خوشنویس مکتب هرات، ابراهیم میرزا پسر شاهرخ بود، که زیر نظر نویسنده مشهور آن عهد، شرف‌الدین علی یزدی، به تعلیم خوشنویسی پرداخت؛ میزان مهارت وی در خوشنویسی در حدی بود که به قول دولتشاه سمرقندی در تذکرة الشعراء، با یاقوت حموی برابری می‌کرد. او در خط جلی بر سایرین پیشی گرفت. نه تنها بسیاری از نوشته‌ها و کتیبه‌های شیراز - از جمله کتیبه سر در مدخل صحن میرعلاءالدین که اکنون از میان رفته - به خط وی مزین گردیده، بلکه برخی از قرآنها موجود بر هنر ارزشمند او دلالت دارند. یکی از این قرآنها زرنگار که به خط ریحانی نوشته شده، در شیراز محفوظ است و قرآن دیگری به خط وی که تاریخ ختم آن ۸۳۰ق است، در موزه متروپولیتن نیویورک نگهداری می‌شود.^(۱۱)

شاهزاده دیگر تیموری، بایسنقر میرزا (۸۰۲-۸۳۸ق) نیز افزون بر تشویق هنرمندان خوشنویس آن دوره و تلاش زیاد در زمینه این هنر، خود پرچمدار خوشنویسان مکتب هرات شد؛ آورده‌اند که بایسنقر چهل خوشنویس را که هر یک شاخص و نادره خوشنویسی دوران بودند، در کتابخانه خود به خدمت گرفت. یکی از قرآنها وی به خط محقق در مشهد و قرآن دیگری از او در موزه کاخ گلستان تهران نگهداری می‌شود. به هر حال خوشنویسان بسیاری از جمله امیرشاهی سبزواری، محمد کاتبی ترشیزی و یحیی سیبک نیشابوری در پرتو حمایت و تشویق او در مکتب هرات درخشیدند که می‌گویند همه از شاگردان میرعلی تبریزی (ف ۸۵۰ق) بودند^(۱۲) که افزون بر خط، در شعر و ادب دستی نیز داشتند.

میرعلی تبریزی فرزند حسن تبریزی و ملقب به قدوة‌الکتاب، ظهیرالدین و واضع، از مشاهیر خوشنویسان دوره تیمور و شاهرخ بود. او ابتدا خط نسخ می‌نوشت و سپس از ترکیب خطوط نسخ و تعلیق، خط نستعلیق را ابداع کرد، چنان که سلطان علی مشهدی در منظومه خود می‌گوید:

نسخ تعلیق اگر خفی و جلی است واضع اصل، خواجه میرعلی است
او پس از سامان دادن به خط ابداعی خود آن را به فرزندش، عبدالله، آموخت و پس از آن بود که خط نستعلیق مورد استقبال خوشنویسان قرار گرفت. از آثار او می‌توان از

یک مرقع دوازده رقعۀ ای مناجات حضرت علی بن ابی طالب (ع) با ترجمۀ فارسی آن به قلم سه دانگ، دودانگ و دودانگ و نیم؛ یک نسخۀ خمسۀ نظامی و نسخۀ ای از خمسۀ امیر خسرو دهلوی (در متن و حاشیه) محفوظ در کتابخانۀ ملی ایران در تهران، به قلم خفی، و نسخۀ ای کلیات سعدی به قلم خفی را نام برد.^(۱۳)

شور و علاقۀ تیموریان به خوشنویسی در دربار سلطان حسین بایقرا (حک ۸۷۳-۹۱۲ق) نیز در هرات ادامه یافت. اگرچه سلطان حسین خود در خوشنویسی تبحر چندانی نداشت، اما استادان پیشگام این هنر را گرد خویش آورد. فرزند او بدیع الزمان میرزا (ف ۹۲۰ق) نیز از خوشنویسان آن روزگار بود و خط نستعلیق را نیکو می نوشت، او ابتدا به تبریز و پس از تسلط عثمانیها بر آن شهر به استانبول رفت و در همان جا درگذشت.

اما از میان شاخص ترین چهره های درخشان خوشنویسی مکتب هرات می توان از سلطان علی مشهدی (ف ۹۲۶ق) و همتای جوان تر او، میر علی کاتب، نام برد. آنان نه تنها از حمایت پادشاه بلکه از پشتیبانی وزیر مقتدرش، امیرعلیشیر نوایی، نیز برخوردار بودند.^(۱۴)

در واقع می توان گفت که در میان خوشنویسان نستعلیق هیچ کدام به اندازه سلطان علی مشهدی ملقب به قبلۀ الکتاب، در دوران زندگانی اش شهرت نیافتند. همه مورخان و به ویژه تذکره نویسان معاصر سلطان علی و پس از وی، در آثار خود از پرداختن به احوال او غافل نمانده اند. در هر حال، او در مشهد زاده شد؛ در هفت سالگی پدرش را از دست داد و پس از آن تحت سرپرستی مادرش پرورش یافت. در بیست سالگی در مشهد به مدرسه رفت و در آنجا به مشق خط پرداخت. ضمن آموختن خط، شاگردان زیادی را نیز تعلیم داد. اما پس از مدتی مدرسه را ترک کرد و خانه نشین شد.^(۱۵) می گویند او بعد از آن نزد ملا اظهر هروی تعلیم خط گرفت و شهرتش به حدی رسید که سلطان حسین بایقرا او را به هرات خواند و در کتابخانۀ خود به کار کتابت گماشت. سلطان علی سالها در دربار آن سلطان و وزیر دانشمند و هنرپرورش، امیرعلیشیر نوایی، با رفاه و احترام زندگی کرد اما پس از مرگ سلطان حسین و فتح هرات توسط شاهی بیگ اوزبک، به سبب رنجیدگی از فرمانروای جدید، هرات را ترک گفت و به زادگاه خود بازگشت و سرانجام همانجا در انزوا درگذشت. آثار برجای مانده از سلطان علی سه قسم اند: ۱. کتیبه ها؛

۲. کتابها؛ ۳. قطعات و مرقعات. از میان کتیبه‌های او کتیبه روی سنگ مرمر در سمت غربی مزار خواجه عبدالله انصاری در بیرون شهر هرات به قلم یک دانگ، از کتابها نسخه تحفه‌الاحرار جامی به خط خوش و به تاریخ جمادی الاول ۹۲۱ق، و از قطعات و مرقعات او ۴۷۰ قطعه در مرقعات بهرام میرزا، امیرغیب بیگ، شاه اسماعیل و شاه عباس صفوی و دیگران که به قلمهای پنج دانگ، غبار عالی، خوش و متوسط در ۸۸۵ تا ۹۰۳ق نوشته شده و در کتابخانه‌های توقفاپی سرای استانبول نگهداری می‌شود، می‌توان ذکر کرد.^(۱۶)

علاوه بر موارد یاد شده نسخه‌های خطی مکتب هرات، هم از نظر موضوع و خط و هم از نظر آرایشهای هنری (تصویر، تذهیب، نقاشی و تجلید)، در دوره خود با استقبال فراوان دوستانان هنر خوشنویسی روبه‌رو گردید و به عنوان ارمغان به هر سوسو برده می‌شد؛ به عنوان نمونه در زمان سلطان حسین بایقرا، امیر علیشیر نوایی، که خود در فن تذهیب، تصویر، و خوشنویسی تبحر داشت، نسخه‌ای خطی از کلیات جامی را به رسم تحفه برای قاضی عیسی صدر به بغداد فرستاد.^(۱۷)

نورالدین عبدالرحمان جامی (ف ۸۹۲ق)، شاعر و عارف مشهور ایرانی این دوره هم به خط خوش عشق می‌ورزید به گونه‌ای که علاقه‌وی به خوشنویسی و استفاده‌اش از اصطلاحهای این هنر باعث گردید که برخی از جمله علی احمد نعیمی در کتاب صنعتگران و خوشنویسان هرات او را در شمار خوشنویسان آورند. یکی از دلایل توجه جامی به خوشنویسی، اشعاری است که در کتاب سلسله‌الذهب در وصف نسخه قرآن آورده است. افزون بر این، بسیاری از بزرگان خوشنویسی این عهد نظیر سلطان‌علی قاینی، سلطان‌علی مشهدی، سلطان‌محمد خندان، سلطان‌محمد نور، شاه شبلی، و عبدالصمد مشهدی نیز که با جامی مصاحب و معاشر بودند، در زمان حیات او کتابهایش او را به خط خوش آراستند.^(۱۸)

یکی دیگر از خوشنویسان مشهور مکتب هرات، جعفر بایستقری (ف ۸۶۰-۸۶۲ق) است. او از مردم تبریز بود، اما به سبب اقامت بسیار در هرات، به هروی شهرت یافت. علت اشتها او به بایستقری نیز توجه و حمایت شاهزاده بایستقر میرزا از وی بود. جعفر پیش از پیوستن به دربار بایستقر و هنگام اقامت در تبریز، به دربار جلال‌الدین میرانشاه حاکم آذربایجان (حک ۸۰۷-۸۱۰ق) راه یافت. او پس از مرگ بایستقر میرزا نیز نزد

فرزند او، علاءالدوله (ف ۸۶۳ق)، به سر برد. او خط نستعلیق را از میرعبدالله، فرزند میرعلی تبریزی، و به قولی دیگر از خود میرعلی تبریزی آموخت؛ و خطوط اصول را نیز نزد شمس الدین مشرقی (ف ۸۱۲ق) فراگرفت و سرانجام گویا در بخارا درگذشت. از مشهورترین آثار او کتابت نسخه‌ای از شاهنامه فردوسی است که به شاهنامه بایسنقری شهرت یافته است.^(۱۹)

شهر مشهد نیز در سده نهم هجری از مراکز عمده خوشنویسی به شمار می‌رفت؛ زیرا آن دسته از خوشنویسان که در هرات به سر می‌بردند، بین این دو شهر تردد داشتند و گاه در مشهد و گاه در هرات می‌زیستند.

اما مکتب خوشنویسی تبریز با زوال حکومت تیموریان در اواخر سده نهم و آغاز سده دهم هجری و تأسیس حکومت صفوی توسط اسماعیل اول (حک ۹۰۵-۹۳۰ق) در تبریز پا گرفت. در عهد شاه اسماعیل، خط و خوشنویسی، که هنری اسلامی و مورد توجه پیشوایان مذهبی بود، فراگیر شد، تا جایی که بعدها بسیاری از شاهزادگان صفوی چون ابراهیم میرزا، سام میرزا و حتی شاه تهماسب صفوی در این هنر به استادی رسیدند.^(۲۰)

شاه اسماعیل اول صفوی نه تنها به خوبی شعر ترکی می‌سرود، بلکه از خط خوش هم بهره داشت؛ شاه تهماسب (حک ۹۳۰-۹۸۴ق) نیز افزون بر مهارت در نقاشی، خطوط ثلث، نسخ و نستعلیق را نیکو می‌نوشت. او نسخه‌ای از کتاب پرفروش آن عهد، یعنی مثنوی گوی و چوگان سروده عارفی را کتابت کرد. این اثر اکنون در کتابخانه عمومی سنت پترزبورگ نگهداری می‌شود.

بهرام میرزا صفوی (ف ۹۵۶ق) برادر شاه تهماسب نیز از هنرمندان عصر خود بود که در شعر، به ویژه در معما، موسیقی و خوشنویسی بر اقران برتری یافت. خوشنویس، نقاش و قاطع مشهور، دوست محمد گوشوانی هروی (ف ۹۷۲ هجری به بعد)، که مدتی به عنوان کتابدار در کتابخانه بی‌نظیر آن شاهزاده به خدمت مشغول بود، مرقعی برای وی ترتیب داد.^(۲۱) دوست محمد به قول سام میرزا در تحفه سامی، اهل گوشوان از روستاهای هرات بود که در شعر به «گامی» تخلص می‌کرد، و بجز خط نستعلیق، در نسخ، ثلث، رقاع و شکسته تعلیق نیز مهارت داشت؛ افزون بر این با هنرهایی چون نقاشی، تذهیب، صحافی و قطاعی نیز آشنا بود. بنا بر قولی، خوشنویسی را نزد مولانا

قاسم شادیشاه آموخت. از آثار او یکی نسخه قرآن کریم به سه قلم نسخ، ثلث و ریحان است که تاریخ ۹۶۸ ق را دارد و دیگری نسخه دیوان حضرت علی ابن ابی طالب (ع) اشاره کرد که متن دیوان به قلم زرعالی و ترجمه آن به نستعلیق خوش است.^(۲۲)

شاهزاده دیگر صفوی، سلطان ابراهیم میرزا متخلص به جاهی (ف ۹۸۴ ق) فرزند بهرام میرزا نیز جامع همه استعدادها، به ویژه خوشنویسی، تیراندازی و شاعری بود؛ او کتابخانه بزرگی فراهم آورد و خوشنویسی را نزد مالک دیلمی (ف ۹۶۹ ق) استاد بزرگ آن دوران فراگرفت. اما قاضی احمد میرمنشی، مؤلف گلستان هنر، گفته است که کسی را به اندازه وی شیفته خط میرعلی هروی (ف ۹۵۱ ق) استاد خوشنویسی مکتب هرات نمی داند. به همین سبب بود که آن شاهزاده حدود نیمی از آثار میرعلی را در کتابخانه خویش گرد آورد.^(۲۳) کتابخانه او قریب چهار هزار نسخه خطی داشت. ابراهیم میرزا خط نستعلیق را به خوبی می نوشت و مصوری نازک قلم بود. او از همان کودکی مورد توجه عمویش، شاه تهماسب اول صفوی، قرار داشت و با رسیدن به سن رشد، با عموزاده خویش، گوهر سلطان خانم، ازدواج کرد. او پس از آن، به مدت دوازده سال از سوی شاه در ایالت خراسان فرمانروایی کرد و سپس به قزوین بازگشت. با مرگ شاه تهماسب، شاه اسماعیل دوم به جای او بر تخت نشست که پس از چندی، به کین همه برادران و خویشان، ابراهیم میرزا را بی رحمانه و توسط فردی به نام شمخال به قتل رساند. از خوشنویسی های او دو قطعه یکی به قلم سفیداب و دیگری به زعفران، نستعلیق سه دانگ خوش، هر دو به شیوه میرعلی هروی است که اکنون در مجموعه شخصی مهدی بیانی نگهداری می شود.^(۲۴)

هنرنمایی خوشنویسان مکتبهای هرات و تبریز به مرور در خوشنویسان مکتب اصفهان تجلی یافت. شاه عباس بزرگ صفوی (حک ۹۹۶-۱۰۳۸ ق) از پایه گذاران مکتب اصفهان، دوستدار هنر خوشنویسی بود و گاه مشق خط می کرد. گویند او به اندازه ای شیفته خط خوش بود که شمعدان طلایی افروخته خود را در تاریکی شب به دست می گرفت تا خوشنویس مورد علاقه اش یعنی علی رضا تبریزی (عباسی) - که سرآمد خوشنویسان ثلث بود و بسیاری از کتیبه های بناهای عمومی اصفهان اثر او است - در روشنائی آن مشق خط کند.^(۲۵) در دوره پادشاهی شاه عباس بزرگ هم خوشنویسان بزرگی ظهور کردند که در نسخ، تعلیق و نستعلیق مهارت کافی داشتند و آثار قابل توجهی

را برای هنر خوشنویسی ایران به ارمغان آوردند.

یکی از استادان بزرگ این دوره، استاد میرعماد حسنی قزوینی ملقب به عمادالملک (ف ۱۰۲۴ق) است. میرعماد ظاهراً دوران کودکی را در زادگاه خود قزوین سپری کرد و در همان جا نیز به تحصیل مقدمات علوم و هنر خوشنویسی پرداخت. نخستین معلم خط او را ملا محمد حسین تبریزی دانسته‌اند. گویند که میرعماد برای استفاده از محضر آن استاد از قزوین به تبریز رفت و چندی نزد او رموز خطوط را آموخت. پس از آن، به روایتی، به عثمانی و از آنجا به حجاز سفر کرد و سپس به ایران بازگشت. او در بازگشت مدتی را در سمنان، دامغان، بسطام، طبرستان و خراسان به سربرد و بار دیگر به زادگاهش برگشت و او ظاهراً یک سال پس از ورود به آنجا رهسپار اصفهان شد و در آن شهر به دربار شاه عباس بزرگ راه یافت.^(۲۶)

میرعماد در اصفهان ابتدا از خطوط باباشاه اصفهانی و میرعلی هروی تا اندازه‌ای اقتباس کرد و سپس با تغییراتی در خط نستعلیق و اصول و قواعدی را برای آن ایجاد کرد. در واقع، میرعماد باعث زیبایی بیشتر و تکمیل خط نستعلیق گردید. میرعماد سرانجام بر اثر حسادت اقران از جمله علی‌رضا عباسی - دیگر خوشنویس مشهور و پراوازه این عهد - مورد خشم شاه قرار گرفت و سرانجام توسط عده‌ای از مزدوران شاه به قتل رسید.^(۲۷)

علی‌رضا عباسی ملقب به «نادرالعصر والزمان» هم از چهره‌های برجسته هنر خوشنویسی مکتب اصفهان در سده یازدهم هجری است. او مانند بسیاری دیگر از هنرمندان این مکتب به دربار شاه عباس بزرگ پیوست و به همین سبب از علی‌رضا تبریزی به علی‌رضا عباسی، تغییر نام داد. علی‌رضا تا پایان حیات در خدمت این شاه به سربرد و همیشه از الطاف او بهره‌مند گردید، به طوری که شاه عباس وی را لقب شاهنواز بخشید.^(۲۸)

آورده‌اند که علی‌رضا ابتدا در زادگاهش تبریز نزد ملاعلاء بیگ تبریزی اصول خط را فراگرفت. اما پس از یورش عثمانیها به آذربایجان، از آنجا گریخت و رهسپار قزوین شد. و در طول دوره فترت، در آن شهر به کار کتابت در دستگاه فرهادخان قرامانلو (مقتول در ۱۰۰۷ق) از امرای شاه عباس بزرگ، پرداخت تا آنکه شاه او را به دربار خویش در اصفهان فراخواند.

به روایتی، شاه به علی‌رضا بیش از میرعماد عنایت داشت و به همین دلیل از وی خواست که خط نستعلیق را به‌خوبی فراگیرد. علی‌رضا نیز در مدتی کوتاه، با تمرین و ممارست بسیار قواعد و نکات نستعلیق را آموخت و خط نستعلیق را به جایی رساند که مرقعی از خطوط وی و میرعلی هروی فراهم آوردند. همچنین او جز در خط نستعلیق، در انواع دیگر خط نیز دستی قوی داشت. مهم‌ترین اثرش کتیبه طلابی ضریح امام رضا (ع) در مشهد مقدس است که سالهاست از ضریح جدا و در حال حاضر در موزه آستان قدس رضوی نگهداری می‌شود.^(۲۹)

بجز علی‌رضا عباسی، شاگردان میرعماد نیز در مکتب اصفهان، خط نستعلیق را به سوی کمال سوق دادند، اگرچه سایر خطوط نیز مورد توجه خوشنویسان این مکتب قرار داشت.

یکی از شاگردان میرعماد در مکتب اصفهان نورالدین محمد لاهیجی (ف ۱۰۵۰ یا ۱۰۵۲ق) مشهور به «نورا» است. نورا ابتدا در لاهیجان می‌زیست، اما بعد از آنکه مورد توجه دربار شاه عباس قرار گرفت به اصفهان کوچید. گویند در میان شاگردان میرعماد، خط نستعلیق نورا به استادش شبیه‌تر بود و میرعماد به وی علاقه خاصی داشت. همچنین آورده‌اند که در دوره شاه عباس بزرگ او منزلت بسیار یافت و مورد الطاف آن پادشاه قرار داشت. به روایتی، نورا پس از قتل استادش با خاطری آزرده اصفهان را ترک کرد و به زادگاهش رفت، اما پس از مدتی شاه عباس او را به اصفهان خواند و به وی امر کرد قرآنی به خط نستعلیق بنویسد. او در خوشنویسی از شیوه میرعماد پیروی می‌کرد. و ظاهراً نورا پس از مرگ او شهرت بسیار یافت. از آثارش می‌توان به مجموعه دیوان حافظ، دیوان مغربی و دیوان اوحدی و جز آنها به قلم جلی خوش و به تاریخ ۱۰۳۲ق اشاره کرد. این مجموعه در کتابخانه شخصی دکتر مهدوی در تهران محفوظ است.^(۳۰)

گفتنی است که در سده یازدهم هجری، خوشنویسان برای سرعت بخشیدن به کتابت خویش، خط شکسته را در انواع خطوط پدید آوردند؛ چنانکه به سبب دشوار بودن خط نستعلیق در نوشتن نامه‌ها و مکاتبه‌ها، شکسته آن را وضع کردند. به‌گونه‌ای که در نیمه دوم این سده، بسیاری از خوشنویسان به این خط جلوه و رونق خاصی بخشیدند.^(۳۱)

یکی از خوشنویسان سرشناس این دوره محمد شفیع هروی حسینی مشهور به

«شفیعا» است؛ از زندگانی او اطلاعی در دست نیست، جز آنکه گفته‌اند در خط شکسته مهارت بسیار داشت. دیگر خوشنویس مشهور این عهد شاه قاسم کاتب (۱۰۲۸ ق) است که با میرعماد معاصر بود او بیشتر در هرات می‌زیست و ظاهراً ابتدا در کتابخانه سلطان علی چگنی و بعدها در کتابخانه حسن خان شاملو حاکم خراسان، که خود از خوشنویسان روزگار بود، به کتابت اشتغال داشت. آثار خطی با ارزشی از وی به یادگار مانده که عبارت‌اند از: نسخه‌ای از دیوان حافظ به قلم کتابت عالی و تاریخ ذیحجه ۱۰۱۰ ق؛ نسخه‌ای از بوستان سعدی، به قلم کتابت جلی خوش و تاریخ صفر ۱۰۱۴ ق – که هر دو در کتابخانه سلطنتی تهران نگهداری می‌شوند – نیز یک نسخه‌ای از قصاید عربی مختلف به قلم کتابت خفی خوش و تاریخ محرم ۱۰۱۳ ق که در کتابخانه دانشگاه حیدرآباد واقع در سند پاکستان محفوظ است.^(۳۲)

در مکتب اصفهان افزون بر نستعلیق‌نویسان، نسخ‌نویسان بزرگی نیز به کار خوشنویسی و کتابت مشغول بودند که با هنرنماییهای خود این مکتب را اعتلا بخشیدند. شاید بتوان احمد نیریزی را شاخص‌ترین نسخ‌نویس این دوره قلمداد کرد، او ابتدا در محضر آقا محمد صادق اردستانی مشق خط کرد و سپس به سلک شاگردان آقا محمد ابراهیم قمی درآمد و پس از مرگ این استاد، از قم به نیریز رفت و در آنجا پس از مدتی تمرین و ممارست، به مقام استادی رسید. آن‌گاه شیوه نوینی را در خط نسخ پایه نهاد، و سپس رهسپار اصفهان شد و در آنجا سکنا گزید. این استاد خوشنویس در طول عمر دراز خود آثار بسیاری برجای گذاشت که مهم‌ترین آنها تحریرهای متعدد او از قرآن کریم و دعاهاست. نسخه قرآن رحلی با قلم نسخ عالی و نستعلیق خوش و به تاریخ ۱۲۶۰ ق از آن جمله است. این نسخه در کتابخانه سلطنتی نگهداری می‌شود.^(۳۳)

در سده یازدهم هجری زنانی هم بوده‌اند که در خوشنویسی مهارت فراوان کسب کردند. یکی از آنان گوهرشاد (ف ۱۰۳۸ ق) دختر میرعماد قزوینی خوشنویس مشهور این دوره است که نستعلیق‌نویسی را از پدر هنرمندش فراگرفت و سرآمد زنان نستعلیق‌نویس گردید. یک نسخه گلستان سعدی با قلم کتابت عالی به خط وی در قم موجود است.^(۳۴) اما خوشنویسی مکتب اصفهان دوره صفوی در سلسله تیموریان هند نیز ادامه یافت. هنگامی که ناصرالدین همایون (حک ۹۳۷-۹۶۳ ق) پسر بابر (حک ۸۹۹-۹۳۷ ق) در دوره پادشاهی شاه تهماسب چندی در ایران سکنا گزید، با عده‌ای از خوشنویسان آن

عهد ایران آشنا گردید و در بازگشت به هند آنان را با خود همراه کرد.

جلال‌الدین اکبر تیموری (۹۶۳-۱۰۱۴ق) فرزند همایون نیز استادان خوشنویس بسیاری را در دربار خویش گرد آورد، چنانکه ابوالفضل علامی در کتاب *آیین اکبری* نام هجده تن از خوشنویسان دربار او را به دست داده است.^(۳۵) از مشهورترین خوشنویسان هندی دوره او، محمدحسین کشمیری، ملقب به زرین‌قلم (ف ۱۰۲۰ق)، است که از مقربان اکبر و استاد شاهزادگان بود و تا دوره جهانگیر عنوان میرکاتبی دربار را برعهده داشت. برخی او را شاگرد عبدالعزیز و بعضی شاگرد میرعلی هروی دانسته‌اند؛ از او آثار فراوانی برجای مانده است از جمله شش قطعه از مرقع گلشن به قلم سه و دو و نیم دانگ و کتابت خوش به تاریخ ۱۰۱۷ق که اکنون در کتابخانه سلطنتی نگهداری می‌شود. از دیگر آثار بارزش او مرقعی بزرگ از مجموعه خطوط وی شامل پنجاه و سه قطعه از پنج دانگ تا کتابت خفی خوش و عالی به تاریخ ۹۹۹ق است.^(۳۶)

عبدالقادر بداونی / بدایونی مؤلف *منتخب‌التواریخ* نیز می‌گوید: میرمنشی اشرف‌خان سیدی حسینی از اهالی مشهد که سرآمد انواع شیوه‌ها بود، به خط نستعلیق تکامل بیشتری بخشید و تقریباً تمام فرمانهای نوشته شده در هند به قلم او است. میردوری کاتب‌الملک هراتی نیز، به گفته بداونی، از استادان ممتاز خوشنویسی در هند بود. او حمزه‌نامه را خوشنویسی کرد. جز او استادان خوشنویس بسیاری بودند که هفت قلم را نیکو می‌نوشتند.^(۳۷)

اما در میان استادان خوشنویس هندی، میرمحمد معصوم نامی (ف ۱۰۱۹ق) جایگاه والایی داشت. وی دولتمرد، پزشک، تاریخنگار و شاعری فارسی‌گوی و ایرانی تبار بود؛ که در بهکر به دنیا آمد. در آنجا کمی صرف و نحو و نظم و نثر آموخت و سپس به دلیل تنگدستی به گجرات کوچید؛ تا اینکه در آنجا به پایمردی یکی از همدرسان پیشین خود به ملازمت حاکم گجرات درآمد. او مدتی بعد به سند رفت و در لاهور به حضور جلال‌الدین اکبر رسید؛ پس از آن در کنار عبدالرحیم خان خانان، سپهسالار اکبر، خدمات نظامی مهمی انجام داد. پس از مرگ اکبر شاه نزد فرزند او جهانگیر نیز تقرب یافت. تا اینکه پس از مرگ، پیکرش در نزدیکی بهکر به خاک سپرده شد. میرمحمد معصوم در خوشنویسی و کتیبه‌نگاری کم‌نظیر بود. او سردر دروازه قلعه اکبرآباد و مسجد جامع فتحپور سیکری و غیره را به خط نستعلیق آراست.^(۳۸)

عبدالرحیم خان خانان نیز، چون مخدوم خود، حمایت از هنرهای زیبا را به اوج رساند؛ در زمان او بسیاری از هنرمندان از جمله خوشنویسان برای کاریبی از وی کمک می‌گرفتند. یکی از آن هنرمندان عبدالرحیم عنبرین قلم هراتی بود که بعدها به دربار جهانگیر گورکانی پیوست. عنبرین قلم موضوع مینیاتور نفیسی را که در پایان نسخه‌ای از *خمسۀ نظامی* آمده بود، به خط خود برای پادشاه مغولی هند کتابت کرد.^(۳۹) او مدتها در کتابخانه عبدالرحیم خان خانان به کار کتابت مشغول بود و به وسیله او به دربار راه یافت. عبدالرحیم از شاه القاب «عنبرین قلم» و «روشن رقم» گرفت، گاه نیز در نوشته‌هایش لقب خود را «جهانگیر شاهی» می‌نوشت؛ دوران خوشنویسی او را بین سالهای ۹۹۹ و ۱۰۳۴ ق ضبط کرده‌اند؛ از دیگر آثار عنبرین قلم می‌توان، دو قطعه یکی به قلم نیم‌دانگ و کتابت و غبار و دیگری به قلم دودانگ و کتابت خوش به تاریخ ۹۹۹ ق و سه قطعه از یک مرقع به قلم دودانگ و نیم‌دودانگ و کتابت خفی خوش با تاریخ ۱۰۳۲ ق را ذکر کرد.^(۴۰)

جهانگیر شاه نیز خود از شیفتگان خط نستعلیق خوش بود، اما خطی هنرمندانه و قلمی استادانه نداشت؛ شاهجهان گورکانی (حک ۱۰۳۷-۱۰۶۸ ق) فرزند او هم مانند پدر تعلیم خوشنویسی دید، اما خط درشت، کشیده و خمیده‌وی چندان خوش نبود. در روزگار او خوشنویسان ایرانی مشهوری نظیر عبدالله مشکین قلم، محمدحسین زرین قلم و عبدالرحیم عنبرین قلم در هنر خوشنویسی خوش درخشیدند.

اما بهترین خوشنویس در میان پادشاهان گورکانی هند را می‌توان داراشکوه (ف ۱۰۶۹ ق) دانست.^(۴۱) او پسر کهنین شاهجهان بود و در فضل و هنر مقام بلندی داشت. نستعلیق را به شیوه عبدالرشید دیلمی (رشیدا)، استاد خط خویش می‌نوشت. از آثار او چند قطعه را می‌توان نام برد: قطعه اول به تاریخ ۱۰۴۱ ق در موزه باستان‌شناسی دهلی نگهداری می‌شود، و قطعه دوم را دکتر کونل در *تاریخ خطوط اسلامی* آورده است. این دو قطعه هر دو به قلم دودانگ و کتابت خوش است.^(۴۲)

کاتب هندوی داراشکوه، چندربهان برهمن، نیز چون مخدوم خود نزد عبدالرشید دیلمی شاگردی کرد و از او خط آموخت. پسر داراشکوه، محمد سلیمان هم در محضر استاد مشهور خوشنویسی آن دوره یعنی میرمؤمن اکبرآبادی مشکین قلم (ف ۱۰۹۱ ق) تعلیم گرفت. غیر از آنها برادر جوان‌تر داراشکوه، یعنی اورنگ‌زیب عالمگیر، نیز

خوشنویسی را نزد یکی از استادان پیشرو این فن، سیدعلی تبریزی جواهرقلم که مانند رشیدا از مکتب میرعماد پیروی می‌کرد، آموخت.^(۴۳)

اورنگ‌زیب خوشنویسی توانا بود. وجود نسخه‌های قرآنی او در موزه‌های گوناگون دلیل این ادعاست. همان‌گونه که بسیاری از فرزندان و نوادگان بابر ذوق شاعری را از وی به ارث بردند، علاقه به خوشنویسی نیز تا پایان سلسله تیموریان هند در آنان ادامه یافت. بهادرشاه ظفر، آخرین پادشاه این سلسله (حک ۱۲۵۳-۱۲۷۵ق) نیز افزون بر کسب مهارت‌های لازم در خوشنویسی، شاگردان زیادی را تعلیم داد. وی به سبب خطاطی ریز خود بر تصاویر چهره‌ها، گلها و چیزهای دیگر به قلم طغرا، از شهرت زیادی برخوردار گردید.

نوشته‌های نقرشده بر تابوتهای سنگ‌آهکی پادشاهان قطب شاهی دکن در گلکنده نیز بر پیشرفت خوشنویسی در دکن دلالت دارد. لطف‌الله حسینی تبریزی (ف ۱۶۳۳م) بسیاری از بناهای یادبود شهر حیدرآباد را که در ۱۰۰۹ق توسط سلطان محمد قلی قطب شاه احداث گردید، به خط خویش مزین و آراسته کرد.^(۴۴)

امروز، کتابهای خطی کتابخانه سلطنتی قطب‌شاهیان در سراسر جهان پراکنده شده است. از نسخه‌های متعدد این کتابخانه می‌توان به این موارد اشاره کرد: دیوان بیخودی که در ۱۰۲۴ق به خط جلی استنساخ شده و تذهیب‌کاری زیبایی دارد؛ دیوان شریف کاشی که در ۱۰۲۶ق توسط خود شاعر به قطب شاه اهدا گردیده؛ نجوم السماء که در ۱۰۳۳ق به قطب شاه تقدیم شده؛ و سرانجام کتاب مطول و دیوان طوسی که در ۱۰۲۶ق به خط حسن بن عبدالحسین برادرزاده مولانا بیکسی تحریر شده است.^(۴۵)

سلاطین عادل شاهیه (عادل شاهیان) در بیجاپور هند نیز نه تنها از حامیان فنون ظریفه و ادبیات بودند، بلکه در شعر، نقاشی، خوشنویسی و موسیقی هم مهارت داشتند. اخبار دانش‌پروری، ادب‌نوازی و بخششهای گرانبهای شاهان دکن، توجه بسیاری از دانشوران و هنرمندان را به بیجاپور جلب کرد.^(۴۶)

بدین ترتیب، خوشنویسی در دربار عادل شاهیان بیجاپور شکوفا گردید؛ جایی که حتی نخستین حکمران و مؤسس آن سلسله، یعنی یوسف عادل شاه، از خط نستعلیق خوشی بهره داشت. ابراهیم عادل شاه دوم، جذاب‌ترین حکمران بیجاپور نیز به خوشنویسی صفحه‌هایی چند همت گماشت. عصمت‌الله از خوشنویسان دربار این

پادشاه، نسخه‌ای از اثر وی با عنوان کتاب نورس را به خط خوش نوشت. اما مشهورتر از همه نسخه‌ای بود که میرخلیل‌الله شاه کتابت کرد. این استاد که خود از جمله شاگردان سید احمد مشهدی بود، در عصر صفوی رهسپار هند شد و به سبب تحریر کتاب نوری از ابراهیم عادل شاه لقب «پادشاه قلم» گرفت.^(۴۷)

به نظر می‌رسد ابراهیم عادل شاه، شیوه خوشنویسی نسخ را، که بیشتر نسخه‌های کتابش بدان قلم کتابت شده بود، به انواع دیگر خطوط ترجیح می‌داده است. لوحه‌های خوش نوشته‌ای از او که بخشهای گسترده‌ای از روضه ابراهیم (آرامگاه شاه) را در بیجاپور می‌پوشاند، از کیفیت هنری والایی بهره دارد.^(۴۸)

ارجاعات

۱. نامور مطلق، بهمن، «دفتر حسن»، فصلنامه خیال، ش ۴، ص ۴۵.
۲. شیمیل، آن ماری، خوشنویسی و فرهنگ اسلامی؛ ترجمه اسدالله آزاد، ص ۸.
۳. همان.
۴. همان.
۵. همان.
۶. همان، صص ۹، ۱۰.
۷. همان، ص ۱۱.
۸. همان، ص ۱۲.
۹. حبیبی، عبدالحی، هنر عهد تیموری و متفرعات آن، ص ۳۵.
۱۰. دانشنامه ادب فارسی ۳؛ ادب فارسی در افغانستان، به سرپرستی حسن انوشه، ص ۱۱۰۰.
۱۱. شیمیل، آن ماری، خوشنویسی و فرهنگ اسلامی؛ ترجمه اسدالله آزاد، ص ۹۹.
۱۲. خوشنویسی و فرهنگ اسلامی؛ ترجمه اسدالله آزاد، صص ۹۹، ۱۰۰.
۱۳. بیانی، مهدی، آثار و احوال خوشنویسان، ج ۲، صص ۴۴۱، ۴۴۳، ۴۴۴.
۱۴. شیمیل، آن ماری، خوشنویسی و فرهنگ اسلامی؛ ترجمه اسدالله آزاد.
۱۵. بیانی، مهدی، آثار و احوال خوشنویسان، ج ۱، صص ۲۴۱، ۲۴۲.
۱۶. آثار و احوال خوشنویسان، صص ۲۴۴، ۲۴۵، ۲۴۸، ۲۵۵، ۲۵۷، ۲۶۱.

۱۷. حبیبی، عبدالحی هنر عهد تیموری و متفرعات آن، صص ۳۶، ۳۷.
۱۸. سرمدی، عباس، «جامی، خط و خطاطان»، نامواره محمود افشار، ج ۱۲، صص ۷۰۷، ۷۱۰، ۷۱۱.
۱۹. بیانی، مهدی، آثار و احوال خوشنویسان، صص ۱۱۴-۱۱۶، ۱۱۸.
۲۰. سرمدی، عباس، «تأثیر عوامل اقلیمی و اجتماعی بر روی هنر خوشنویسی در روند تاریخی»، فصلنامه چلیپا، ش ۲، صص ۳۸، ۳۹.
۲۱. شیمیل، آن ماری، خوشنویسی و فرهنگ اسلامی، ترجمه اسدالله آزاد، صص ۱۰۰، ۱۰۱.
۲۲. بیانی، مهدی، آثار و احوال خوشنویسان، صص ۱۸۸، ۱۹۰، ۱۹۱.
۲۳. شیمیل، آن ماری، خوشنویسی و فرهنگ اسلامی، ترجمه اسدالله آزاد.
۲۴. بیانی، مهدی، آثار و احوال خوشنویسان، صص ۱۰-۱۲.
۲۵. شیمیل، آن ماری، خوشنویسی و فرهنگ اسلامی، ترجمه اسدالله آزاد.
۲۶. بیانی، مهدی، آثار و احوال خوشنویسان، ج ۲، صص ۵۱۸-۵۲۲.
۲۷. نقشی تبریزی، محمد، «میرعماد الحسنی قزوینی»، هنر و مردم، ش ۱۸، ص ۲۴.
۲۸. کاویانی، مصطفی، «شاه عباس آمیزه‌ای از اضداد»، پردگیان خیال، صص ۳۶۰، ۳۶۱.
۲۹. بیانی، مهدی، آثار و احوال خوشنویسان، صص ۴۵۶-۴۵۸، ۴۶۱.
۳۰. بیانی، مهدی، آثار و احوال خوشنویسان، ج ۳، صص ۸۲۷-۸۲۹.
۳۱. قاضی میراحمد منشی قمی، گلستان هنر، به کوشش احمد سهیلی خوانساری، صص ۱۹-۲۰.
۳۲. بیانی، مهدی، آثار و احوال خوشنویسان، صص ۲۹۰، ۲۹۱، ۲۹۳.
۳۳. بیانی، مهدی، آثار و احوال خوشنویسان، ج ۴، صص ۱۹، ۲۰.
۳۴. دایرةالمعارف زن ایرانی، (به سرپرستی مصطفی اجتهادی)، ج ۲، صص ۷۹۳، ۷۹۴.
۳۵. شیمیل، آن ماری، خوشنویسی و فرهنگ اسلامی، ترجمه اسدالله آزاد، صص ۱۰۰، ۱۰۳.
۳۶. بیانی، مهدی، آثار و احوال خوشنویسان، صص ۷۰۲-۷۰۴.
۳۷. شیمیل، آن ماری، خوشنویسی و فرهنگ اسلامی، ترجمه اسدالله آزاد، صص

۱۰۳-۱۰۰

۳۸. برزگر کشتلی، حسین «نامی بهکری»، دانشنامه ادب فارسی ۴: ادب فارسی در شبه قاره، بخش ۳، صص ۲۵۰۸، ۲۵۰۹.
۳۹. شیمل، آن ماری، خوشنویسی و فرهنگ اسلامی، ترجمه اسدالله آزاد، ص ۱۰۴.
۴۰. بیانی، مهدی، آثار و احوال خوشنویسان، صص ۳۸۹-۳۹۰.
۴۱. شیمل، آن ماری، خوشنویسی و فرهنگ اسلامی، ترجمه اسدالله آزاد، ص ۱۰۴.
۴۲. بیانی، مهدی، آثار و احوال خوشنویسان، ج ۱، ص ۱۸۵.
۴۳. شیمل، آن ماری، خوشنویسی و فرهنگ اسلامی، ترجمه اسدالله آزاد، ص ۱۰۵.
۴۴. شیمل، آن ماری، خوشنویسی و فرهنگ اسلامی، ترجمه اسدالله آزاد، ص ۱۰۶.
۴۵. امیرحسن عابدی، «زبان فارسی در حیدرآباد و قطب شاهیان»، گفتارهای پژوهشی در زمینه ادبیات فارسی، صص ۲۵۷-۲۵۸.
۴۶. شریف النساء انصاری، «جنبه های سیاسی و اجتماعی و ادبی عادل شاهیه دکن»، قند پارسی، ش ۸، صص ۲۷۶، ۲۷۷.
۴۷. شیمل، آن ماری، خوشنویسی و فرهنگ اسلامی، ترجمه اسدالله آزاد، ص ۱۰۶.
۴۸. شیمل، آن ماری، خوشنویسی و فرهنگ اسلامی، ترجمه اسدالله آزاد، ص ۱۰۷.

تذهیب و تجلید

همگام و در رابطه با هنر خوشنویسی، هنرهای دیگری چون تذهیب و تجلید نیز از دیرباز در سرزمین ایران مد نظر بوده و هنرمندان این زمینه‌ها، پیوسته با هنر نمایهای خویش به آثار خوشنویسی غنا می‌بخشیده‌اند. از این رو، لازم است که در ادامه بحث خوشنویسی مکتب اصفهان به این هنرها نیز پرداخته شود.

تذهیب در لغت به معنای «زاندود کردن»^(۱) و «طلاکاری کردن» است؛ اما در عرف نسخه‌آرایی، به نقوش منظمی اطلاق می‌شود که با خطوط مشکی و آب طلا کشیده مزین و رنگ دیگری در آن به کار نرفته باشد. ممکن است طلایی که در تذهیب از آن استفاده می‌شود، دارای رنگهای گوناگونی باشد، بدین معنا که وقتی زر خالص با مقدیری نقره و مس مخلوط گردد، رنگ آن زرد، سبز و سرخ می‌نماید، اما این به منزله استفاده از الوان دیگر در تذهیب نیست، چرا که اگر در نقوش مذکور به جای طلا، رنگ لاجوردی یا دیگر رنگها به کار رود، در عرف مذهبیان به آن تصریح می‌گویند نه تذهیب.^(۱)

هنر نسخه‌آرایی در فرهنگهایی که متون دینی داشته‌اند، کم و بیش مرسوم بوده است. مسلمانان در سده اول هجری برای نخستین بار آرایه‌های رنگین را بر خوشنویسی قرآن کریم افزودند. طبق سنتی معنوی، حضرت علی (ع) به عنوان نخستین

خوشنویس و مذهب دنیای اسلام شناخته شده است.^(۲)

پس از فتح اسلام در ایران، هنرمندان بومی کشور، خطوط مورد قبول اعراب و انواع فنون تذهیب را که در آن زمان در دیگر سرزمینهای اسلامی رواج داشت، پرورش دادند.^(۳)

در عهد سلجوقیان (۴۲۹-۵۵۲ق)، تغییرات عمده‌ای در فن کتابسازی و کتاب‌آرایی صورت گرفت. به طور نمونه قطع کتابها از مستطیل افقی به مستطیل عمودی تغییر یافت و آرایه‌ها و تزیینهای نسخ نیز متناسب با آن دگرگون گردید.^(۴) همچنین خط نسخ - که در مقایسه با خط کوفی ساده و غیرترسیمی است - رواج پیدا کرد که ویژگی آن امکان استفاده از آرایه‌ها و تزیینهای مستقل را فراهم آورد. در دوره سلجوقی، وجود قرآنهایی که در صفحه‌های پایانی آنها اطلاعاتی درباره کاتب، محرر و مذهب آمده، بر تذهیب ایرانی دلالت دارد.^(۵)

در عین حال، به نظر می‌رسد که ایرانیان خود مخترع و مبدع هنر تذهیب و مروج و تکامل‌دهنده آن بوده‌اند، به گونه‌ای که تاریخ تحول تذهیب با تاریخ ایران گره خورده و توأم با آن اوج و افول داشته است. هنگامی که این هنر در ایران به اوج خود رسید، در دیگر کشورهای اسلامی همچنان در مراحل ابتدایی بود.^(۶)

آورده‌اند که در دوره حکومت ایلخانی (۶۵۴-۷۵۰ق) بود که برای نخستین بار اوراق کتابها به نقش‌های تزیینی و انتزاعی آراسته گردید؛ این را می‌توان ناشی از نفوذ چینی‌ها دانست، چراکه آنان نقاشی را مجاز می‌دانستند و چون خطاطی شاخه‌ای از هنر نقاشی به شمار می‌رفت، ناگزیر از تأثیر آن برکنار نماند.

در نسخه‌های مذهب این دوره ترکیبهای هندسی بسیار زیبایی دیده می‌شود؛ رنگهای طلایی و آبی بیش از سایر رنگها در این دوره مورد توجه قرار گرفتند.^(۷)

پس از یورش مغولان به ایران تا پایان سده هفتم هجری، تذهیب دوران فترت خود را گذراند؛ اما پس از اسلام آوردن حاکمان مغول تا پایان سلطنت ایلخانی، هنر تذهیب به تدریج متحول گردید. از اواخر سده هفتم هجری، در تذهیب دیوانها و برخی کتابهای مصور سبک خاصی ایجاد شد که ظرافت و ریزنقشی آن در مقایسه با تذهیب قرآنهای این دوره بیشتر بود.^(۸) این شیوه طی قرن نهم و با روی کار آمدن تیموریان (حدود ۷۷۱-۹۱۶ق) و حمایت جانشینان تیمور، به ویژه در شهر هرات به الگوی مناسبی برای

تحول تذهیبهای قرآنی تبدیل شد. انتخاب رنگ نیز در اواخر عهد مغول متناسب با سلیقه مغولان تحول یافت و رنگ آبی در کنار رنگ قرمز تند و گاه در کنار سبز قرار گرفت.^(۹)

تیمور علی‌رغم ستیزه‌جوییهایش برای هنرمندان و صنعتگران احترام خاصی قائل بود، تا جایی که آنان را در پایتخت خود (سمرقند) گرد آورد. بر اثر توجه امیران تیموری به هنرهای کتاب‌آرایی نظیر تذهیب، تشعیر، مجلس‌آرایی، جدول‌کشی، طلاندازی و حاشیه‌سازی؛ این هنرها بیش از پیش مدارج ترقی را پیمود.^(۱۰) در دوره بایسنقر تیموری (درگذشته ۸۳۸ق)، فن تذهیب پیشرفت شایانی کرد و افزون بر نقوش ترنج، تاج، شمشه و سرلوحه، حاشیه‌های صفحه‌های اول و دوم کتابها به طور کامل تذهیب می‌گردید و بقیه صفحه‌ها نیز به هنر تشعیر آراسته می‌شد.^(۱۱) بایسنقر خود فردی هنرمند بود و بافنون‌کتابت، خوشنویسی، تذهیب و نقاشی آشنایی داشت. او هنرمندان بسیاری از سراسر امپراتوری تیموری در دربار و دارالعلم و کتابخانه‌ای که در هرات تأسیس کرده بود، گرد آورد. در هرات، کاغذساز، خطاط، تذهیب‌کار، صحاف، رنگساب، نقاش و نظایر آنان در تهیه کتابهایی که می‌توان بعضی از آنها را نفیس‌ترین کتابها خواند، با یکدیگر همکاری و همیاری داشتند. در آن زمان، ترسیم اشکال نباتات، گلها، مناظر طبیعی و گاه اشکال پرندگان بیش از سایر چیزها توجه هنرمندان را به خود جلب می‌کرد.^(۱۲) قرآنهاى این دوره هم، به‌ویژه آنهایی که برای شاه‌رخ و بایسنقر تیموری فراهم شده بود، در شمار زیباترین تذهیب‌کاریها هستند. طلا و لاجورد یکی از لوازم اساسی کار مذهبان بود و در همه حال از آنها برای آرایش و تذهیب کتاب و قرآن کریم استفاده می‌شد.^(۱۳)

مکتب شیراز نیز یکی از مکتبهای هنری عهد تیموری بود که از مکتب هرات پیروی می‌کرد. اگرچه این مکتب در هنر کتابسازی و نگارگری پیشرفتهای بسیاری کرد و تذهیب و مجلس‌آرایی را به حد کمال رساند، اما انسجام و هماهنگی بین رنگهای آن در مقایسه با مکتب هرات کمتر است، افزون بر این ویژگیهایی دارد که آن را از مکتب هرات متمایز می‌کند.^(۱۴)

صنعت تذهیب پس از آنکه در دوره تیموری رشد فزاینده‌ای پیدا کرد، در عهد صفوی نیز ادامه یافت. در این دوره ابتدا تبریز و سپس قزوین و اصفهان مرکز تجمع

هنرمندان شد و هنروران این دوره هنر اسلیمی را به کمال رساندند؛ همچنین تک‌نگاره‌های گیاهی بدیعی چون گل‌های صدتومانی و گل سرخ برنقوش تذهیب افزوده گردید.

صفحه آغازین نسخه‌ای از خمسه نظامی (تحریر ۹۴۶ تا ۹۴۹ق) بیانگر افزایش ظرافت و پهنای نوار حاشیه توسط مذهبان در این دوره است.^(۱۵) در این نسخه حاشیه‌های تودرتو با تاج و کتیبه ترکیب شده، از یک پهلوی به نیم ترنجی تکیه داده و آن ضلعش که رو به عطف نسخه است با خطوطی رنگارنگ تکرار گردیده و از اطراف سه ضلع دیگرش شرفه‌هایی بسیار ظریف به سمت لبه‌های کاغذ کشیده شده است. همچنین رنگ آبی که تیره‌تر از دوره‌های پیشین است - با دو رنگمایه طلایی مایل به زرد و مایل به سبز - اصلی‌ترین رنگ‌های تذهیب این عهد را تشکیل می‌دهد.^(۱۶) بسیاری از نسخه‌های بازمانده از این دوره حاشیه بزرگی دارند که در آنها مناظر طبیعی و اشکال انسان و حیوان با رنگهای طلایی، سبز و زرد نقاشی شده است.^(۱۷)

در دوران شاه اسماعیل و شاه تهماسب، از ادغام تدریجی سبکهای تذهیب محلی هرات و تبریز، سبک درباری واحدی به وجود آمد؛ نظیر آنچه در تصویرسازی کتاب رخ داد. علاوه بر این دو سبک باید سبک شیراز را نیز در این تغییر سبکی و وارد شدن عناصر و ترکیب‌بندیهای جدید به تذهیب صفوی مؤثر دانست.^(۱۸)

از میان مذهبان مشهور و برجسته اوایل عهد صفوی می‌توان مولانا محمود، میرک مذهب و پسرش، قوام‌الدین مسعود، مولانا حسن بغدادی و مولانا عبیدالله شیرازی را نام برد.^(۱۹)

در زمان شاه عباس اول صفوی (حک ۹۹۶-۱۰۳۸ق) هم مذهبان معروفی می‌زیستند که ملا هلال مذهب، غیاث‌الدین مذهب، زین‌العابدین مذهب اصفهانی، استاد عبدالله سلطانی و خواجه قوام‌الدین حسین مذهب از آن جمله‌اند.

در آغاز سده دوازدهم هجری تغییراتی در شیوه نقاشی و تذهیب پدید آمد و ظرافت و زیبایی این هنرها رو به کاهش گذاشت. با این حال، نمی‌توان هنرمندی مذهبانی چون ابوالقاسم حسینی مذهب، لطف‌الله مذهب و محمد ابراهیم قمی مذهب را نادیده گرفت.^(۲۰)

درباره هنر تجلید (جلدآرایی) صفوی نیز می‌توان گفت که پس از تشکیل مکتبهای

فرهنگی تبریز، شیراز و اصفهان به وسیله پادشاهان این سلسله، تغییراتی در فن و شیوه صحافی و جلد سازی ایجاد گردید. یکی از آثار این دوره، جلدی است که اکنون در کتابخانه ملی پاریس نگهداری می شود. رویه این جلد کاملاً دست ساخت و زیباترین مهرکوبی و طلاکوبی را دارد. در برخی از جلدهای عهد صفوی هم شمشه های منقوش پرمایه و ربعیهای زاویه - چه مهرکوبی شده و چه تزیین شده - با مهرهای ریزنقش در بخشهایی قرار گرفته که پس زمینه را حفظ و یا تغییر داده اند. نکته قابل ذکر این است که اولاً قالب این جلدها مسی و یا فولادی بودند، دیگر اینکه بیشتر جلدهای این دوره حاشیه ای مرکب از یک رسته ترنج دارد که قاب بندهای زاویه ای آنها را قطع می کنند. در برخی جلدها زمینه با طومارهای تاکگون و قندیلهای ابر چینی وار تزیین شده و در برخی دیگر یک قاب بند تزیینی و ربعیهای زاویه ای بادقت تمام اجرا گردیده اند.^(۲۱)

تیم استنلی^۱ هم معتقد است که آشنایی هنرمندان این فن با منابع تیموری در هرات، تحولاتی در امر صحافی و کتاب آرایی آنان ایجاد کرد. از آنجا که ابداع صحافی لاکي را به دربار آخرین پادشاه تیموری نسبت داده اند، می توان گفت که صفویان وارث این هنر شدند. در این نوع سبک صحافی، شیوه سنتی پوشش چرم جای خود را به نقاشی و پوشاندن آن با لایه های لاک داد. این گونه آثار و شیوه تولید آنها از نمونه های چینی متأثر بود.^(۲۲)

ارجاعات

۱. مایل هروی، نجیب، کتاب آرایی در تمدن اسلامی، صص ۵۹۴، ۵۹۵، ۷۸۵.
۲. یزدانجو، پریرسا، «تذهیب»، دانشنامه جهان اسلام، ج ۶، ص ۷۹۶.
۳. شریف، میان محمد، تاریخ فلسفه در اسلام، ج ۳، ص ۲۷۵.
۴. یزدانجو، پریرسا، «تذهیب»، دانشنامه جهان اسلام، ج ۶، ص ۷۹۷.
۵. یزدانجو، پریرسا، «تذهیب»، دانشنامه جهان اسلام، ج ۶.
۶. زراعی مهرورز، عباس، میراث جاویدان، ش ۲، ص ۱۲۶.
۷. شریف، میان محمد، تاریخ فلسفه در اسلام، ج ۲، ص ۲۷۵.

۸. یزدانجو، پریرسا، «تذهیب»، دانشنامه جهان اسلام، ج ۶، ص ۷۹۸.
۹. یزدانجو، پریرسا، «تذهیب»، دانشنامه جهان اسلام، ج ۶.
۱۰. پرنده، غلامرضا، «هنر تذهیب در عهد تیموری»، مجموعه مقالات کنگره بین‌المللی کتاب و کتابخانه در تمدن اسلامی، ج ۱، ص ۹۸۸.
۱۱. همایونفرخ، رکن‌الدین، «هنر کتابسازی در ایران»، راهنمای کتاب، ش ۴-۶، ص ۲۴۸.
۱۲. برزین، پروین، «نگاهی به تاریخچه تذهیب قرآن»، هنر و مردم، ش ۴۹، ص ۳۹.
۱۳. یزدانجو، پریرسا، «تذهیب»، دانشنامه جهان اسلام، ج ۶.
۱۴. پرنده، غلامرضا، «هنر تذهیب در عهد تیموری»، مجموعه مقالات کنگره بین‌المللی کتاب و کتابخانه در تمدن اسلامی، ج ۱، ص ۹۹۱.
۱۵. یزدانجو، پریرسا، «تذهیب»، دانشنامه جهان اسلام، ج ۶، ص ۷۹۹.
۱۶. یزدانجو، پریرسا، «تذهیب»، دانشنامه جهان اسلام، ج ۶، ص ۷۹۹.
۱۷. برزین، پروین، «نگاهی به تاریخچه تذهیب و قرآن»، هنر و مردم، ش ۴۹، ص ۴۰.
۱۸. پوروش، بیتا، «بررسی کتاب در جستجوی بهشت»، گلستان هنر، ش ۱، ص ۱۲۳.
۱۹. یزدانجو، پریرسا، «تذهیب»، دانشنامه جهان اسلام، ج ۶، ص ۷۹۹.
۲۰. قاضی میراحمد منشی قمی، گلستان هنر، به تصحیح و اهتمام احمد سهیلی، ص ۴۸.
۲۱. ایهام پوپ، آرتور، سیر و صور نقاشی ایران، ترجمه یعقوب آژند، صص ۲۹۱-۲۹۳.
۲۲. پوروش، بیتا، «بررسی کتاب در جستجوی بهشت»، گلستان هنر، ش ۱، ص ۱۲۴.

نگارگری / نقاشی

از ویژگیهای نقاشی ایران در سده‌های پس از استقرار اسلام در این سرزمین، پیوستگی آن با ادبیات فارسی است. نقاش ایرانی، با بهره‌جویی از مضامین متنوع ادبی، اشخاص و صحنه‌های گوناگون داستانها را به تصویر می‌کشد و سخن شاعر یا نویسنده را به زبان خط و رنگ مجسم می‌کند. با این حال، کار او چیزی بیش از مصورسازی در معنای متعارف آن است.^(۱)

ادبیات فارسی و هنر ایرانی همیشه دارای پیوند درونی و همخوانی ذاتی بوده‌اند، زیرا هنرمند و سخنور مسلمان هر دو براساس بینشی یگانه و ذهنیتی مشابه، اثر خویش را خلق می‌کردند. آنان، در عین آفرینش زیباییهای این جهان، همواره به عالم ملکوت توجه داشته‌اند و دست‌یافتن به صور مثالی و درک حقایق ازلی، اهداف آنان را تشکیل می‌داده است. علاوه بر این در هنر آنان، پیوسته قرابتی بین قلمرو زیبایی با جهان معنی وجود داشته است.^(۲)

میراث بزرگ ادبیات فارسی از طریق کتابهای خطی به دست ما رسیده است. ادبیات و کتابهای خطی – که وسیله‌ای برای گسترش سخنوری بود – هنر کلام و نگارش، تزیین کتاب و مصورسازی، در طی سده‌های متمادی، هیچگاه از تحول و توسعه دایمی غافل نمانده است.^(۳)

ادبیات فارسی در خطهٔ وسیعی شکل گرفت. این گسترش موفقیت‌آمیز نه تنها به دلیل کوچ شاعران و کارگزاران فرهنگی، بلکه به خاطر ارسال کتابهای خطی، به ویژه کتابهای خطی مزین به تصویر بود. از جملهٔ این مصورسازی می‌توان ادبیات غیردینی نظیر رساله‌های علوم طبیعی، کتابهای تاریخی و بیشتر دیوانهای شعر را نام برد که به نقاشی آراسته می‌گردید.^(۴)

در پی تنوع و گسترش سخنوری، امکانات بیشتری نیز برای مصور کردن دیوانهای اشعار فراهم گردید. منظومه‌ها، گونه‌های شعر و طرحهای داستانی نو، هم تنوعی در نقاشی کتاب پدید آوردند و هم آن را با موضوعات تازه‌ای غنا بخشیدند.

در پیوند میان شعر و ادبیات پس از اسلام با افسانه‌ها و داستانهای کهن به زبانهای پارسی میانه تردیدی وجود ندارد. اما نباید فراموش کرد که ادبیات کلاسیک فارسی و نقاشی کتاب، پدیده‌ای در ارتباط با دوره‌ای متفاوت است که بنابر خواستها و اهداف خاص آن دوره پیشرفت داشته است.^(۵)

نقاشی، اکنون در کتابهایی صورت می‌گرفت که به خط عربی نوشته شده بود و مانند یکی از عناصر کتاب‌آرایی، ملزم به رعایت سبک نگارش و شیوهٔ طرح کلی کتاب بود. هنر کتاب‌آرایی به وحدت ناگزیر تمامی عناصرترین و لازم و ملزوم بودن آنها نیاز داشت. انتظام دقیق و تناسب بین متن نوشته و تصویرهای میان متن و حاشیه‌ها و نیز همنوایی موزون در خط و نقاشی، همسانی اصل دو بُعدی در نقاشی و زیستکاری دو بُعدی در کتاب‌آرایی، همه و همه در جریان تحول این هنر به وجود آمد.

از اواخر سدهٔ هشتم تا سدهٔ یازدهم هجری، به موازات تحول نقاشی، خوشنویسی نیز متحول گردید و همبستگی میان این دو هنر استحکام بیشتری یافت. نمونه‌گویای این امر، پیوند نقاشی رضا عباسی با خط شکستهٔ نستعلیق است.^(۶)

در روند هنر کتاب‌آرایی ایرانی، به تدریج نظام زیبایی‌شناسی کاملی پدیدار شد که ساختار آن در تمام اجزا و در کل از منطقی یگانه برخوردار بود. تطبیق متقارن عناصر، تقسیم متناسب سطوح، تنظیم هندسی نقوش، تلفیق موزون خطها و ترکیب متعادل رنگ‌ها، همه از دستاوردهای هنر اسلامی – ایرانی بوده که باعث وحدت مضمونی و بصری در نسخه‌های خطی فارسی گردیده‌اند. بدین‌گونه، پیوندی درونی میان اجرای مختلف کتاب – از جلد و سرلوح تا صفحات متن و تصویر – به وجود آمد که محصول

پیروی هنرمندان و صنعتگران از الگوی فرهنگی واحدی بود.

هدف مشترک استادان خطاط، نقاش، مذهب و صحاف، نیل به آن زیبایی متعالی بوده است که نه تنها چشمها را بنوازد، بلکه دلها را نیز روشنی بخشد. جلوه‌های کامل این هنرها را در نفیس‌ترین نسخه‌های خطی سده‌های نهم و دهم هجری نظیر نسخه‌های شاهنامه بایسنقری و شاهنامه شاه تهماسبی می‌توان مشاهده کرد.^(۷)

اما مهم‌ترین وظیفه نقاشی را می‌توان مصورسازی شمرد. نقاشی به ارائه تصویری بصری از طرح ادبی می‌پرداخت و وسیله‌ای هنری برای یاری‌رساندن به درک سخن پرآب و تاب شخصیت داستان بود. هنر نقاشی در مسیر تحول خود، به کندوکاو زبانی شاعرانه و هنری پرداخته است تا از طریق آن آرایش ظریف و پرداخت کامل و نیز استعاره و بدیع و پیرایش زیبایی را با هم بیامیزد. نقاشی و تصویرسازی کتاب، سرانجام پس از یک دوره تحول طولانی و دشوار که با شرایط تاریخی و از بسیاری لحاظ با مراحل گوناگون دگرگونی‌های ادبی در ارتباط بود، همسازی ژرفی را با شعر به دست آورد.^(۸)

علی‌رغم ویرانیها و خرابیهای حاصل از حمله مغول به آسیای مرکزی ایران در سده‌های هفتم و هشتم هجری، شیراز - مرکز حکومت فارس - با تحول جدیدی در مسیر پیشرفت حیات فرهنگی، ادبی و هنری خود روبه‌رو گردید. در کنار این تحول، هنر - شاید با آهنگی کندتر - هنوز در خور اعتنا بود. شماری از نقاشیهای کتابها را در شیراز، که به سده هشتم هجری تعلق دارد، می‌توان دلیل این ادعا دانست.^(۹)

اما در بحث همگامی ادبیات با هنر نقاشی، از تأثیرات شاهنامه فردوسی بر نگارگری و نقاشی ایرانی نمی‌توان غافل ماند. شاهنامه از همان سده‌های اولیه آفرینش آن به وسیله حکیم ابوالقاسم فردوسی، بزرگ‌ترین شاعر حماسه‌سرای ایران در سده چهارم و اوایل سده پنجم هجری، به صور گوناگون در فرهنگ و هنر ایران تأثیرات و جلوه‌های بسیار برجای گذاشته است؛ اشعار حک شده بر کتیبه‌های کوفی کاخ غزنوی شهر غزنین نمونه‌ای از این تأثیرپذیری است، غیر از آنها می‌توان به اشعار و مفاهیم شاهنامه‌ای تزیینهای داخلی گنبد علویان اشاره کرد. بخش عمده‌ای از آثار نگارگری ایران که توسط استادان ماهر این فن صورت گرفته، از اشعار شاهنامه الهام پذیرفته و موضوع آنها نیز بیشتر به نبرد رستم و سهراب، رستم و افراسیاب و دیگر قهرمانیها و دلاوریها برای تقویت روحیه سلحشوری، ملیت‌گرایی و حفظ وحدت در میان توده مردم ایران،

اختصاص یافته است. قدیم‌ترین نسخه‌های مصور شاهنامه همزمان با دوره ایلخانی است.^(۱۰) ایلخانیان اگرچه در ایران بیگانه بودند، اما به هنرهای ملی علاقه می‌ورزیدند و نقاشان دربار خود را به خلق تصاویری از داستان‌های شاهنامه تشویق و ترغیب می‌کردند. بهترین و مشهورترین نشانه رشد نقاشی در عصر ایلخانی شاهنامه‌ای است که به شاهنامه دموت شهرت یافته است.^(۱۱)

شاهنامه دموت که به احتمال زیاد در ۷۲۰ ق در تبریز استنساخ شده، ۵۵ مجلس تصویر دارد که سبک آنها تقلید و آمیزه‌ای از نقاشی چینی و ایرانی است و به صورت کمرنگ کشیده شده است. رنگ‌آمیزی مناظر طبیعی در این شاهنامه ضعیف و به سبک چینی است، اما رنگ تصاویر اشخاص و البسه و عمارات پُررنگ و به شیوه نقاشی ایران است.^(۱۲) درباره این اثر هنری بزرگ می‌توان گفت که افزون بر صفحه‌های آرام‌تر و تزئینی‌تر کتاب که از نظر غنای رنگ و وقار به آثار هنری سده بعد شباهت دارند، صحنه‌های بسیار مؤثر و جالب‌یکنرنگ مانند صحنه خاکسپاری اسفندیار—که اکنون در موزه متروپولیتن نیویورک نگهداری می‌شود—در آن دیده می‌شود. این شاهکار کم‌نظیر مقام جداگانه‌ای در میان آثار هنر نقاشی ایران کسب کرده است.

از مرکز قدیمی شیراز هم چندین شاهنامه پدید آمده که برخی از آنها میان سالهای ۸۰۲-۸۰۷ ق تنظیم شده‌اند. بر روی زمینه‌های سرخ، آبی و زرد این شاهنامه‌ها، طرح‌های نسبتاً خشن و در عین حال قدرتمند دیده می‌شود که به عقیده برخی از منتقدان برگرفته از سبک و سنت قدیم‌تری هستند، اما چهره‌ها و منظره‌های مغولی فراوانی نیز در آنها وجود دارد و می‌توان سبک آن را مکتب ولایتی (محلی) خواند.^(۱۳)

همچنین شاهنامه‌ای به تاریخ ۷۳۳ ق در کتابخانه دولتی سنت‌پترزبورگ نگهداری می‌شود که تصویرهای آن نمونه‌های خوبی از نقاشی نسخ شیراز در آن دوره است. این شاهنامه را دومین نسخه از کهن‌ترین کتابهای خطی و مصور شاهنامه فردوسی دانسته‌اند.^(۱۴)

از دوره تحول سبک نیمه دوم سده هشتم هجری /نیمه اول سده چهاردهم میلادی تا آخرین دهه این سده نیز دو شاهنامه کم‌ارزش وجود دارد که هر دو در شیراز، یکی در ۷۷۲ ق و دیگری در ۷۹۵ ق تهیه شده و فاقد کیفیت مطلوب هستند. با این حال، آثار سبک جدید کاملاً در آنها مشهود است: اولی مرقع و کار بغداد است که صفحه‌های آن

میان موزه بریتانیا و مجموعه چستربیتی تقسیم شده و دومی که مهم‌تر است، خمسه خواجهی کرمانی است که در ۷۹۸ق در بغداد و در عهد جلایریان استنساخ شده و اکنون در موزه بریتانیا نگهداری می‌شود.^(۱۵) در این دو کتاب، به‌ویژه خمسه خواجهی کرمانی، سبک نقاشی ایرانی که تا حدی زیر نفوذ شیوه نقاشی چین و بین‌النهرین قرار داشت، بار دیگر با تمام مظاهر خود جلوه‌گر شده است. سبک خمسه خواجهی کرمانی سبکی تزیینی است و میزان استادی نقاش آن در انتخاب رنگ و استفاده از طرح‌های ظریف در حد بالایی قرار دارد. خمسه خواجهی کرمانی رقم میرعلی تبریزی است. گویند او مخترع خط ظریف و زنانه مشهور به نستعلیق بوده است. میرعلی در آفرینش تصویرهای کتاب مذکور به سبک فرنگی که همانا استفاده از مناظر و مریا در جهت برجسته‌کردن و مؤثر بودن صحنه‌ها بود، توجهی نداشته و از سایه زدن و سایه روشن کردن صحنه‌ها به قصد ایجاد اثر روحی بیشتر امتناع ورزیده است. تصویرهای او همه عروسکی و به رنگ ساده خالص کشیده شده و صحنه اطراف آنها همه یکسان، یعنی آسمان محدود و کوچک، افق بلند، گل و بوته نزدیک و صخره‌ها و درختها به شکل قراردادی است.^(۱۶)

در دوره تیموری، شاهنامه‌های متعددی با روشهای گوناگون نوشته و نقاشی شده است. یکی از بهترین آنها شاهنامه بایسنقری به خط جعفر بایسنقری، نستعلیق‌نویس مشهور که در ۸۳۳ق، استنساخ شده است. این شاهنامه که از کارهای مشهور مکتب هرات به شمار می‌رود، دارای بیست و دو مجلس تصویر از نقاشان نامور دوره تیموری نظیر مولانا خلیل مصور، مولانا علی و قوام‌الدین است و اکنون در موزه کاخ گلستان نگهداری می‌شود.^(۱۷)

از دیگر شاهنامه‌های تصویری، شاهنامه‌ای است که شاه عباس صفوی در ۱۰۱۹ق شخصاً نسخه آن را سفارش داد. این نسخه که ۴۴ نگاره بزرگ را دربر دارد، تلفیقی دقیق و درست از سبک شاهنامه بایسنقری نسخه ۸۳۳ق موجود در موزه کاخ گلستان است. چنین می‌نماید که نگاره‌های این شاهنامه هم ترکیب‌بندیهای اصیلی دارد و هم موضوع نگاره‌های آن با نگاره‌های نسخه تهران مطابقت دارد، اما مستقیماً از آن اقتباس نشده است.

جز این شاهنامه‌ها، دو نمونه زیبا نیز از شاهنامه مصور به تاریخ ۱۰۰۱ق کار مکتب

هرات در نمایشگاه آقای کل نقی ارائه شد. شاهنامه مصور زیبای دیگری هم به تاریخ ۱۰۰۸ ق/ ۱۵۹۹ م که در مکتب هرات کار شده بود، در نیویورک به فروش رسید.^(۱۸) جدای از این موارد دستنویسهای مصور و مهم بی شماری از شاهنامه در کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مجموعه‌های خصوصی هند وجود دارد که پاره‌ای از آنها تاکنون برای دانش‌پژوهان، دانشمندان و دوستداران این حماسه سترگ ناشناخته مانده است. از میان این دستنویسها می‌توان به شش دستنویس مصور در موزه حیدرآباد، هشت دستنویس مصور در موزه ملی دهلی‌نو، شش دستنویس مصور در کتابخانه عمومی شرقی خدابخش، در بانکپور، پتنا، دو دستنویس مصور در موزه دولتی در الوار (راجستان) و یک دستنویس مصور در انجمن آسیایی بنگال در کلکته اشاره کرد. جز آنها دستنویس مصور باارزشی نیز در کتابخانه دیوان ناصرعلی در هند نگهداری می‌شود که مینیاتورهای زیبایی دارد.^(۱۹)

در عصر صفوی نیز چندین شاهنامه مصور تهیه گردید که شاید مهم‌ترین آنها نسخه شاهنامه شاه تهماسبی مشهور به شاهنامه هوتن^۱ باشد که اکنون در موزه متروپولیتن نیویورک نگهداری می‌شود. اهمیت این نسخه به سبب مینیاتورهای آن است که از لحاظ استادی در صحنه‌سازی، قدرت رنگ‌آمیزی، بزرگی مجالس و صورتها از نمونه‌های عالی عهد صفوی به شمار می‌رود.^(۲۰)

اما پیش از بررسی مکتب نقاشی اصفهان، لازم می‌آید که به پیش‌زمینه‌های آن، که همانا مکتبهای نقاشی هرات، تبریز، بخارا و قزوین است، پرداخته شود.

دوره نقاشی تیموری در سده نهم هجری / پانزدهم میلادی، یکی از درخشان‌ترین دوره‌های تکامل مینیاتور به شمار می‌رود. در این دوره، ارزشهایی از هنر متجلی گردید که در هنرهای متقدم ناشناخته بود.^(۲۱) تیمور علی‌رغم بیرحمی و سنگدلی، دوستدار هنر و ادب بود و به خواندن اشعار حافظ و نظامی علاقه بسیار داشت. در کتابهای تاریخی آمده که وی پس از آنکه سمرقند را پایتخت فرمانروایی پهناور خویش قرار داد، عده‌ای از استادان نقاش، صورتگر و هنرور را از بغداد و تبریز و دیگر شهرهای متصرفات خویش در آنجا گرد آورد.^(۲۲)

پس از مرگ تیمور، فرزندان و جانشین او، شاهرخ، در هرات بر تخت پادشاهی نشست. او نیز مانند پدرش به حمایت از فرهنگ و هنر برخاست، تا جایی که هنرمندان پس از برقراری آرامش در کشور، به تکامل آموخته‌های پیشین پرداختند و شیوه‌ای به دور از عوامل بیگانه بنیان نهادند. بدین ترتیب شهر هرات در دوره شاهرخ و فرزندان او شاهد اوج نگارگری و تصویرگری در کتابها گردید.^(۲۳)

گویند شاهرخ تیموری در مرکز هرات کتابخانه مشهوری احداث کرد و تعداد زیادی از هنرمندان آن عهد را برای استنساخ و مصور کردن کتابهای این کتابخانه به استخدام خویش درآورد. یکی از مشهورترین نقاشان دوره او، خلیل نقاش بود.^(۲۴)

سه فرزند شاهرخ نیز هر یک دوستدار و حامی دانش و هنر بودند، چنانکه الغ بیگ دارالعلمی در سمرقند، بایستقر میرزا دارالصناعی در هرات و ابراهیم سلطان مکتب خطاطی و نقاشی بزرگی تأسیس کردند. آورده‌اند بایستقر بر اثر علاقه بسیار به هنر نقاشی و خطاطی و به خاطر اعتلای این هنرها از خزانه پدرش بسیار برداشت می‌کرد و همواره مقدم هنروران نگارگر و خوشنویس را به دربار خود در هرات گرامی می‌داشت.^(۲۵) نقاشان هنرستان هرات اگرچه مانند پیشینیان در خلق آثار خود از مضامین شاهنامه الهام می‌گرفتند، اما از پرداختن به موضوعهای خیالی و تمثیلی، مانند موضوع داستانهای خمسه نظامی و بوستان و گلستان سعدی نیز غافل نبودند. بیان زنده و پراحساس تصویرهای مکتب هرات نشان می‌دهد که نقاشان این مکتب، برای ارائه موضوعهای تازه و بدیع، شیوه کار خود را به تناسب موضوع تعدیل می‌کردند و یا تغییر می‌دادند. امیرشاهی سبزواری (ف ۸۵۷ق) و غیاث‌الدین از جمله نقاشان دوره بایستقر میرزا بودند.^(۲۶)

امیرشاهی که نامش امیر آق‌ملک و تخلصش سبزواری بود، ابتدا در سبزواری روزگار می‌گذراند. سپس به هرات رفت و در سلک هنرمندان دربار بایستقر قرار گرفت و مقام والایی کسب کرد. پس از مدتی به دعوت ابوالقاسم بابر تیموری برای تزیین نقاشی و کشیدن تصویرهای کوشک گل افشان رهسپار استرآباد شد. او در نقاشی متون و تذهیب شهرت داشت و افزون بر این انواع خطوط را نیکو می‌نوشت. او سرانجام در سبزواری درگذشت.

غیاث‌الدین نقاش و پیر احمد زکوب نیز از نقاشان هنرمند این عهد بودند. آورده‌اند

که بایسنقر میرزا در ۸۲۳ق غیاث‌الدین را همراه هیئتی به چین فرستاد تا مناظری را که در طول راه خود می‌بیند، به تصویر کشد و در بازگشت به آن شاهزاده تقدیم دارد و او چنین کرد.^(۲۷)

در دوره بایسنقر، به سفارش او کتابهای زیادی را مصور کردند که از مهم‌ترین آنها می‌توان به این موارد اشاره کرد: نسخه گلستان سال ۸۳۰ق موجود در کتابخانه چستربیتی که توسط خلیل نقاش تذهیب شده؛ نسخه شاهنامه موجود در تهران که در ادبیات به «کتاب سترگ» شهرت دارد و نیز دو نسخه کلیله و دمنه که در کتابخانه توقاپی سرای استانبول نگهداری می‌شود. بزرگ‌ترین این نسخه‌ها، دو نسخه از شاهنامه تهران است که هر دو از شاهکارهای باشکوه و از نسخه‌های نمایشی کتابخانه بایسنقر به‌شمار می‌روند. نگاره‌های این دو نسخه، بزرگ جزییات آنها ظریف و بی‌نظیر، پرداخت آنها بسیار عالی و رنگ نگاره‌ها نیز بسیار درخشان است؛ اما پیکره‌ها و ترکیب‌بندی‌های آنها تا حدودی خشک و رسمی می‌نماید. در مورد نسخه گلستان سعدی موجود در کتابخانه چستربیتی و کلیله و دمنه توقاپی سرای استانبول هم می‌توان گفت که این نسخه‌ها از لحاظ دقت اجرا و زیبایی تذهیب با نسخه شاهنامه تهران قابل قیاس نیستند. نگاره‌های این دو نسخه بسیار جاندار و طبیعی است و پیکره‌های آنها هم به طور چشمگیر لاغر هستند.^(۲۸)

پس از مرگ شاهرخ تیموری (۸۵۰ق) اختلاف شدیدی میان شاهزادگان این خاندان بروز کرد که تا سالها به طول انجامید تا اینکه سرانجام سلطان حسین میرزا بایقرا بر سریر سلطنت نشست. او در طی ۳۵ سال پادشاهی، با توجه و عنایت بسیار به اهل فضل و هنر، خراسان و به‌ویژه هرات را به مرکز فرهنگی مهمی چون شهر غزنین در ایام سلطنت سلطان محمود غزنوی، تبدیل کرد. در عهد وی و وزیر دانشمندش امیرعلیشیر نوایی، هنرمندان از احترام و عزت بسیاری بهره‌مند شدند. نقاشان مشهور عهد سلطان حسین میرزا همه دست پرورده استادان دوران شاهرخ بودند. بر اثر تشویقها و حمایت بسیار سلطان حسین و امیرعلیشیر نوایی ستارگان درخشانی در عرصه هنر نقاشی ایران ظهور کردند که از آن جمله می‌توان میرک هروی، محمود مذهب، یاری مذهب، حاجی محمد، محمدی هروی، جلال‌الدین یوسف نقاش، میرعصд مذهب، قاسم علی چهره‌گشا و مهم‌تر از همه استاد کمال‌الدین بهزاد را نام برد.^(۲۹)

روح‌الله میرک هروی یا خواجه میرک نقاش (ف ۹۱۳ق) از سلالهٔ سادات کمانگر و مقیم شهر هرات بود. او ابتدا به قرائت قرآن کریم و کتابت خطوط مشغول بود. سپس به تصویرسازی روی آورد و نزد استادانی نظیر ولی‌الله و احمد موسی این هنر را فرا گرفت و در تذهیب و نگارگری مهارت یافت؛ مشهورترین شاگرد او بهزاد بود. از میان آثارش می‌توان به تصویری با عنوان «ملاقات علی فارسی» که در موزهٔ بریتانیا نگهداری می‌شود و نیز تصاویر کتاب‌گوی و چوگان اشاره کرد.^(۳۰) جز آن‌ها، از کارهای باارزش میرک هروی، همکاری در تهیهٔ تصاویر نسخهٔ خمسهٔ نظامی سال ۹۰۰ق است که در کتابخانهٔ موزهٔ بریتانیا نگهداری می‌شود. نگاره‌های او در این نسخه نشانگر نوعی پرداخت عالی و نگارگری زیبا و درخشان است، با این حال در پیکره‌های وی نوعی رسمیت آکادمیک دیده می‌شود.^(۳۱)

کمال‌الدین بهزاد، شاگرد میرک هروی و مشهورترین نقاش و مینیاتورист ایرانی نیز در هرات زاده شد. او در کودکی پدرش را از دست داد و پس از آن نزد استاد میرک هنر نقاشی را فرا گرفت. برخی چون مصطفی عالی مورخ ترک و مؤلف کتاب مناقب هنروران^۱ نیز از فردی به نام پیر سید احمد تبریزی به عنوان معلم او یاد کرده‌اند. از این رو به نظر می‌رسد که بهزاد در هنر نقاشی از هر دو استاد مذکور بهره گرفته است.^(۳۲)

قرائن نشان می‌دهد که بهزاد در هرات مورد توجه و عنایت سلطان حسین بایقرا و وزیر او امیرعلیشیر نوایی — که خود شاعر، موسیقیدان و نقاش بود — قرار گرفت و در هنر نقاشی به مقام والایی دست یافت. او تا افول ستارهٔ تیموریان و زوال دولت آنان در ۹۱۳ق توسط محمد خان شیبانی در هرات به سر برد. تا اینکه شاه اسماعیل اول صفوی در ۹۱۶ق بر هرات تسلط یافت و بهزاد را به پایتخت خود، تبریز، برد؛^(۳۳) از آن پس، هنر نگارگری و مینیاتورسازی بهزاد در مکتب نقاشی تبریز ادامه یافت. از میان نگاره‌های بهزاد در مکتب هرات می‌توان به این موارد اشاره کرد: مینیاتورهای نسخهٔ بوستان سعدی به تاریخ ۹۸۴ق که در کتابخانهٔ ملی قاهره نگهداری می‌شود؛ مینیاتورهای منطق‌الطیر عطار به تاریخ ۸۸۹ق که در موزهٔ متروپولیتن نیویورک محفوظ است و مینیاتورهای خمسهٔ نظامی به تاریخ ۸۹۸ق که در کتابخانهٔ موزهٔ بریتانیا در لندن

موجود است. (۳۴)

اما یکی از زیباترین آثار دوره تیموری و مکتب هرات، نسخه کتاب کلیله و دمنه اثر ابوالمعالی نصرالله منشی است که در کتابخانه کاخ گلستان تهران یافت می شود. تصاویر این کتاب به شکل نگاره‌هایی جدا از متن و کاملاً مستقل ترسیم گردیده است. از ویژگیهای تصاویر آن استفاده از رنگ زرد طلایی در نقاشی آسمان و تنوع گلها و برگهای آن است. نویسندگان کتاب سیر تاریخ نقاشی ایرانی نگارگر این نسخه را خلیل نقاش دانسته‌اند و معتقدند که نسخه نخست این کتاب در زمان شاهرخ تهیه گردید و همین سرمشق نسخه دیگری از این کتاب برای بایسنقر شد. (۳۵)

اثر مشهور دیگر مکتب هرات، شاهنامه بایسنقری به خط میرزا جعفر بایسنقری است که پیش از این به آن اشاره شد. این شاهنامه که نام نگارگر آن مشخص نیست، یکی از زیباترین نسخه‌های مصور مکتب هرات به شمار می رود که رنگ آمیزی چشمگیری دارد و از ویژگیهای آن استفاده دقیق و زیبا از رنگ سفید است. گروهی از پژوهشگران احتمال داده‌اند که نگارگری این شاهنامه از خلیل نقاش یا غیاث الدین باشد. به احتمال دیگر، دو نفر در کشیدن نگاره‌های این شاهنامه دست داشته‌اند. نسخه این شاهنامه مصور اکنون در موزه کاخ گلستان محفوظ است. (۳۶)

شاهنامه محمد جوکی هم از نمونه‌های برجسته نگارگری در حد فاصل هنر تیموری و مکتب هرات به شمار می رود که برای شاهزاده تیموری محمد جوکی (ف ۸۴۸ق)، برادر بایسنقر، تهیه شده است و به واسطه دوره تیموری تعلق دارد؛ رنگ آمیزی نگاره‌های این اثر، به ویژه رنگهای سبز و آبی آن بسیار جذاب است و تصاویر آن از قوه تخیل و طراحی قدرتمند نگارگر یا نگارگران آن حکایت دارد.

در هر حال بسیاری از محققان، توفیق هنر از جمله هنر نقاشی دوره سلطان حسین بایقرا را مدیون فعالیت‌های وزیر او، امیرعلیشیر نوایی دانسته و آن وزیر دانشمند را بنیانگذار و حامی اصلی مکتب هرات قلمداد کرده‌اند. به طور کلی شیوه هرات را می توان به دو دوره بخش کرد: در دوره اول، در نگاره‌های آن نرمی و لطافت و نیز هماهنگی رنگهای طلایی و آبی و نیز آزادی حرکتهای آدمها دیده می شود، نسخه تاریخ علاءالدین عطاالملک جوینی از آن جمله است، دوره دوم که سبک نگاره‌های آن ظریف و خیالی و رنگها متنوع و درخشان است، مانند نسخه خمس نظامی که در مجموعه لویی

کارته در پاریس نگهداری می شود.^(۳۷)

پس از آنکه مرکز هنری هرات در ۹۱۳ق توسط شیانی خان از یک سقوط کرد و بدیع الزمان میرزا حاکم وقت هرات به تبریز گریخت، بسیاری از هنرمندان و استادان فنی هرات به تبریز و گروهی دیگر به سمرقند و بخارا عزیمت کردند. با این حال، بهزاد استاد شاخص مکتب هرات در همان جا ماند تا آنکه شاه اسماعیل اول صفوی در ۹۱۶ق در جنگ مرو محمدخان شیانی را شکست داد و بهزاد را با خود به تبریز برد.^(۳۸)

اما پس از تسخیر هرات، بسیاری از هنرمندان هرات همراه شیبک خان شیانی به پایتخت وی، بخارا رفتند و در آنجا شیوه بخارا را پی ریزی کردند. گویا مکتب بخارا با تأثیر از دو گرایش آن زمان شکل گرفت: نخست گرایش به نقاشان هرات و شاگردان آنان که عازم بخارا شدند، دوم شیوه مستقل بخارا که در فرایند شکل گیری قرار داشت. محمود مذهب یکی از نقاشانی بود که در انتقال مکتب هرات به بخارا نقش داشت. وی شاگرد میرعلی هروی خوشنویس مشهور بود و احتمالاً همراه وی به بخارا رفت. آثاری که در نسخه های گوناگون نظیر مخزن الاسرار نظامی به تاریخ ۹۵۲ق؛ بوستان سعدی به تاریخ ۹۵۶ق و بهارستان جامی از وی، باقی مانده، نشان دهنده مهارت وی در صخره سازی، قلم گیری هنرمندانه و تناسب میان پیکرهاست. محمود مذهب تأثیر بسیاری بر نگارگری مکتب بخارا گذاشت. شاگرد او، عبدالله هم شیوه تازه ای در این مکتب پدید آورد. آثار این نگارگر را می توان در نسخه دیوان جامی به تاریخ ۹۳۷ق که در کتابخانه ملی قاهره نگهداری می شود و همچنین در دو نقاشی از نسخه بوستان سعدی به تاریخ ۹۸۳ق، مشاهده کرد.^(۳۹)

پس از سال ۹۴۱ق و تسخیر مجدد هرات به وسیله ازبکان نیز نگاره های درخشانی با تأثیر از شیوه بهزاد برای شاهان ازبک تهیه گردید. بی تردید هنرمندان بومی ازبک در آن هنگام زیر نظر هنرمندان کوچنده ایرانی تعلیم می گرفتند و از سبک آنان بهره می جستند. یکی از هنرمندان نگارگر ایرانی در مکتب بخارا عبدالعزیز نام داشت، اکثر نگاره های او از کیفیت والایی برخوردار بود که از جمله آنها نگاره های نسخه گلستان سعدی به تاریخ ۹۴۹ق است که در پاریس نگهداری می شود و در آنها از سبک بهزاد پیروی شده است. آورده اند که پس از مرگ عبدالعزیز مکتب نقاشی بخارا یکنواخت و بی بار گردید.^(۴۰)

در هر حال، مینیاتورهایی که در نیمه اول سده دهم هجری / شانزدهم میلادی در مکتب بخارا پدید آمد، از لحاظ ثابت بودن رنگها و تابش آنها و نیز پیدایی تأثیر بهزاد در آنها بر دیگر مینیاتورهای این دوره رجحان دارد، به آن دلیل که مکتب بخارا پیوسته در طول و امتداد مکتب هرات حرکت می‌کرده است. سرانجام مکتب نقاشی بخارا در انتهای سده دهم هجری به پایان راه خود رسید و بدین ترتیب شهرهای ماوراءالنهر با هنر نقاشی ایران بیگانه گردید.^(۴۱)

پس از آنکه شاه اسماعیل اول صفوی (حک ۹۰۵-۹۳۰ ق) به حکومت خان خانی و ملوک الطوائفی ایران پایان داد و پس از چندین سده موفق به تجدید وحدت کشور ایران گردید، تقریباً تمام پایتختهای بزرگ هنری دوره‌های مختلف، مانند تبریز، اصفهان، شیراز، هرات و بغداد که هر کدام به وسیله یک فرمانروا اداره می‌شد، در سر حد سیاسی کشور صفوی قرار گرفت. چون شاه اسماعیل شهر تبریز را به عنوان پایتخت خود برگزید، هنرمندان ایرانی به قصد خدمت به آن پادشاه بزرگ از نقاط گوناگون کشور به سوی دربار او سرازیر شدند.

آورده‌اند که شاه اسماعیل به هنر نقاشی علاقه بسیار داشت، تا جایی که علی‌رغم درگیریهای متعدد با دشمنان، نقاشان مشهور را از چهار گوشه ایران به شهر تبریز فراخواند و حتی سلطان محمد مصور استاد بزرگ نقاشی آن عهد را برای تعلیم فرزندش تهماسب میرزا به خدمت گرفت.^(۴۲)

یکی از اقدامهای مهم شاه اسماعیل در گسترش هنرهای آن عهد، صدور فرمان در تاریخ ۲۷ جمادی الاول ۹۲۸ ق، مبنی بر تفویض سرپرستی کتابخانه سلطنتی فنون کتاب‌نویسی خود به استاد بهزاد نقاش مشهور مکتب هرات، بود. بدین ترتیب، آن استاد ریاست تمام کارکنان کتابخانه سلطنتی از جمله خطاطان، مذهبان و نقاشان را بر عهده گرفت و به یاری هنرمنایهای خود و سایر هنروران مکتب جدیدی را در تبریز بنا نهاد. به گفته سلطان محمد فخری مؤلف لطائف‌نامه، در آن هنگام بهزاد دوران پیری خود را می‌گذراند و شخصی خراسانی به نام درویش محمد شاگرد و دستیار وی بود. فرد مذکور ابتدا رنگساز بود، اما بعد استاد بهزاد همه کارهای خویش را به او محول کرد.^(۴۳)

در میان نگارگران و نقاشان بسیاری که در دوره شاه اسماعیل رهسپار تبریز شدند، می‌توان از قاسم علی چهره‌گشا، شیخ‌زاده و میرک هروی، که در کوچ بهزاد به تبریز همراه

وی بودند، و همچنین از خواجه عبدالعزیز، که گویا در آن هنگام در اصفهان سکونت داشت، نام برد.^(۴۴)

شیخزاده که به نظر می‌رسد همراه بهزاد از هرات به تبریز کوچیده و در آنجا ندیم و جلیس استادان بزرگ نقاشی نظیر میرک، سلطان محمد و بهزاد شده بود، از نقاشان مشهور عهد شاه اسماعیل اول و شاه تهماسب صفوی در اواسط سده دهم هجری به شمار می‌رود. او در چهره‌سازی، منظره‌پردازی و مجالس بزمی و رزمی ماهر بود. افزون بر این در تذهیب، تشعیر، حلّ کاری و حتی خوشنویسی نیز دستی قوی داشت. از وی چند نگاره با ارزش بر دیوان امیرعلیشیرنویی یادگار مانده که از میان آنها می‌توان به تصویر «شیخ صنعان و دختر ترسا» به شیوه مکتب هرات، تصویر «فرهاد کوهکن و شیرین»، که از بهترین آثار وی به شمار می‌رود، و نیز منظره «رزم اسکندر کبیر با داریوش»، اشاره کرد. یکی دیگر از کارهای هنرمندانه وی تصویر مجلس وعظ مؤمنین در نسخه‌ای از گلستان سعدی است. این اثر پرپیرایه، مجموعه سرشاری از هنر تذهیب، ترصیع و نقوش هندسی محسوب می‌شود. جز اثر اخیر، سایر آثار او در کتابی به نام *Royal Persian Manuscripts, No. 11, 12, 14* به صورت رنگی چاپ شده‌اند.^(۴۵)

قاسم‌علی چهره‌گشا هم از نقاشان اواخر سده نهم و اوایل سده دهم هجری و از برجسته‌ترین شاگردان بهزاد بود. آثار او در مکتب هرات با تصاویر بهزاد شباهت بسیار داشت و به‌خاطر تسلط بسیار بر جمله فنون نگارگری، به‌ویژه متون چهره‌پردازی و شبیه‌سازی، به چهره‌گشا لقب گرفت. نقوش طلایی و پرآذین وی همه نشانه استادی او در تصویرسازی است.^(۴۶)

چهره سرشناس دیگر این مکتب همان کمال‌الدین بهزاد بود که پیشتر بدان اشاره شد؛ او با روی‌کارآمدن سلسله صفوی تمام هنر و تجربه خود را برای این خاندان به ارمغان برد و مکتبی در نقاشی این دوره پدید آورد که سالیان دراز الهام‌بخش نقاشان ایرانی گردید. گویند شاه اسماعیل به او علاقه وافری پیدا کرد. بهزاد افزون بر تربیت شاگردان زیادی در مکتب نقاشی هرات در تبریز نیز به تعلیم بسیاری از نقاشان همت گماشت. سبک و شیوه نقاشیهای مینیاتور او مورد استفاده اکثر نقاشان بود. او در تبریز ادامه مکتب هرات را که خود بنیان نهاده بود، در پیش گرفت؛ مراعات تناسب میان اجزای تصویر و انتخاب ماهرانه رنگهای مناسب از مهارت و استادی او حکایت داشت.

همچنین دقت در طبیعت و مهارت در به کار بردن رنگهای نو تا مرز ابتکار نیز از ویژگیهای سبک او به شمار می‌رفت. شاخه‌های پُر شکوفه چارچوبها، شبکه‌های خوش نقش پنجره و دیوار، نقشهای روشن و نمایان قالیها و تنوع رنگهای مناسب، همه به قلم هنرمندانه این استاد بزرگ بر تصاویر نقش می‌بست.^(۴۷)

اما مکتب تبریز چهره شاخص دیگری نیز داشت و آن سلطان محمد مصور تبریزی بود. بررسیها نشان می‌دهد که این نقاش بزرگ نخستین مراحل زندگانی هنری خویش را در دربار سلطان یعقوب آق‌قویونلو و در کنار هنرمندانی نظیر شیخی یعقوبی، درویش محمد و استادان دیگر کارگاه هنری کتابخانه سلطنتی تبریز گذراند و به تدریج هنرش را ارتقا بخشید. اما پس از آنکه شاه اسماعیل اول صفوی در ۹۰۶ ق تبریز را از چنگ ترکمانان آق‌قویونلو بیرون آورد، سلطان محمد را به دربار خود برد و او در پروژه‌های مختلف کارگاه هنری شاه اسماعیل مشارکت کرد و با یاری دیگر هنرمندان آثار زیبایی پدید آورد. یکی از آن پروژه‌ها، پروژه ناتمام شاهنامه فردوسی بود که سلطان محمد با قلم هنرمندانه خود نگاره «رستم در خواب» را برای آن رقم زد. از دیگر کارهای هنری او در این عهد شرکت در تکمیل تصاویر خمسه نظامی سال ۸۸۵ ق موجود در کتابخانه موزه بریتانیا و تصویرگری برای دیوان خطایی شاه اسماعیل، مثنوی جمال و جلال محمد آصفی، دیوان ترکی امیرعلیشیر نوایی در ۹۳۳ ق، مثنوی گوی و چوگان عارفی و شاهنامه شاه تهماسبی بود.^(۴۸)

آورده‌اند که شاه اسماعیل پس از آنکه فرزندش تهماسب میرزا از هرات به تبریز بازگشت، مقدمات کتاب‌آرایی شاهنامه‌ای را که بعدها به شاهنامه شاه تهماسبی شهرت گرفت، برای او فراهم آورد و در این میان سلطان محمد مصور یکی از کسانی بود که برای تصویرسازی این شاهنامه برگزیده شد. او برای شروع این کار، از نگاره‌گری شاهنامه دیگری که در دست تهیه داشت، چشم پوشید. با مرگ شاه اسماعیل در ۹۳۰ ق، کار اجرای شاهنامه جدید ادامه یافت و سرپرستی صد صفحه نخست آن به سلطان محمد محول گردید. پس از وی، میر مصور نقاش و آقامیرک اصفهانی به ترتیب اداره اجرای این شاهنامه را بر عهده گرفتند.^(۴۹)

از تصاویر باارزش سلطان محمد بر شاهنامه شاه تهماسبی، که به شاهنامه هوتن نیز شهرت دارد، یکی تصویر «بارگاه کیومرث» است که دوست محمد، نقاش معاصر او، در

مقدمه مرقع بهرام میرزا صفوی - موجود در کتابخانه تویقایی سرای استانبول - از آن یاد کرده است و نگاره دیگر با عنوان «کشتن هوشنگ، دیو سیاه را» به تاریخ ۹۲۹ ق و نگاره «مرگ ضحاک» است. جز آنها نگاره «معراج پیغمبر اکرم» بر نسخه‌ای از خمسة نظامی از کارهای دیگر او در این دوره محسوب می‌شود.^(۵۰)

گفتنی است که سلطان محمد با تصویر «بارگاه کیومرث» در شاهنامه شاه تهماسبی استادی و پختگی خود را به اثبات رسانیده است؛ اهمیت این تصویر بدان دلیل است که نگارگر پیکره‌ها را در حلقه‌ای باز و گسترده قرار داده تا توجه بیننده را به کیومرث و فرزندش که هر دو درشت‌تر از پیکره‌های روبه‌روی خود هستند، معطوف سازد. همچنین در این نگاره، سلطان محمد در طراحی پیکره‌های انسانی، یعنی سیمای پهن، شانه‌های باریک، تنه کشیده و دستها و پاها ی غیرعادی کوچک، از معیار تناسب متمایزی بهره گرفته که بیشتر آنها در پیکره‌های ایستاده این ترکیب‌بندی دیده می‌شود. ویژگی دیگر این اثر استفاده دقیق تصویرگر از رنگ است که به تشخیص عناصر متعدد یاری رسانده است.^(۵۱)

در پی مرگ شاه اسماعیل در ۹۳۰ ق و بر تخت نشستن فرزندش شاه تهماسب (حک ۹۳۰-۹۸۴ ق)، این شاه جوان نیز که چون پدر از شیفتگان هنر نقاشی بود با سلطان محمد مصور، استاد نقاشی دربار خود دوستی و صمیمیت داشت. در آغاز پادشاهی او بهزاد درگذشت و کتابخانه سلطنتی و همه نقاشان بزرگ آن که بیشترشان از شاگردان یا پیروان بهزاد بودند، از پدرش برای او به میراث ماند.^(۵۲)

بسیاری از نقوش مهم مکتب تبریز در دوره شاه تهماسب پدید آمد، و احتمال داده‌اند بسیاری از تصویرگرهایی که در دوران شاه اسماعیل بر نسخه کتابها صورت گرفت، به دلیل ناتمام ماندن کار، در عهد شاه تهماسب به پایان رسیده است.^(۵۳) به هر حال از کارهای بارزش دوره او، یکی کتاب‌آرایی و تصویرگری بر نسخه‌ای از خمسة نظامی به تاریخ ۹۴۶-۹۵۱ ق است که اکنون در موزه بریتانیا در لندن نگهداری می‌شود. گفتنی است کتابت این نسخه به وسیله شاه محمود نیشابوری و نگاره‌های آن نیز به دست هنرمندانی چون سلطان مصور، آقامیرک، میرسیدعلی، مظفرعلی و میرزا علی (فرزند سلطان محمد) به اجرا درآمد.^(۵۴) اکنون در این نسخه هفده مجلس وجود دارد که چهارده تای آنها در زمان شاه تهماسب و سه تای دیگر در اواخر سده یازدهم هجری

توسط نقاشی به نام محمدزمان تهیه شده است. نقاش اخیر برخی چهره‌ها را دستکاری کرده و بر حاشیه صفحه‌ها نیز تشعیری به شیوه سده یازدهم افزوده است. احتمال دارد که سه نقاشی مرقوم میرسیدعلی از کتاب حذف شده باشد. مجالس این نسخه از خمسه نظامی نشان‌دهنده مرحله اوج در روند تحول مکتب نقاشی تبریز است و در آنها عناصر عقلی و عاطفی به تعادل کامل دست یافته‌اند. استادان نسل اول (سلطان محمد و آقامیرک) در کنار استادان نسل دوم (میرزاعلی، میرسیدعلی، و مظفرعلی) هر یک به شیوه خود نهایت توانایی و مهارت فنی خویش را در این نسخه به کار برده‌اند.^(۵۵)

شش نگاره بر دیوان امیرعلیشیرنویی هم از آثار مهم عهد شاه تهماسب محسوب می‌شوند. یکی از نگاره‌های این دیوان به تاریخ ۹۳۳ ق به وسیله سلطان محمد و پنج تایی دیگر آن به وسیله شیخ‌زاده اجرا گردید. ظاهراً در همین ایام سلطان محمد نگاره‌های دیوان حافظ را نیز برای سام‌میرزا اجرا کرد. آورده‌اند که شاه تهماسب کتاب‌آرایی دیوان اخیر را برای هدیه کردن به برادرش، سام‌میرزا حاکم هرات، سفارش داده بود.^(۵۶)

اما نسخه شاهنامه قاسمی را می‌توان کاری دیگر یا از آخرین کارهای گروه هنرمندان مکتب بهزاد در تبریز - به‌ویژه نسل دوم آنان نظیر میرسیدعلی فرزند میرمنصور مذهب - دانست. میرسیدعلی که هنگام آغاز کار تهیه شاهنامه شاه تهماسبی به عنوان دستیار سلطان محمد مصور برگزیده شد، وظیفه اجرا و پرداخت ریزه‌کاریهای استادان مشهور آن کار را برعهده گرفت. سپس در تهیه مجلس نبرد «قارن با بارمان» شاهنامه قاسمی با سلطان محمد همکاری کرد. توانایی و مهارت وی در تهیه این مجلس باعث شد که تصویر مجلس «هفت خوان رستم» این شاهنامه نیز به طور مستقل به او سپرده شود. همچنین میرسیدعلی چند مجلس از نسخه خمسه نظامی ۹۴۵-۹۴۶ ق از جمله مجلس «لیلی و مجنون» را برای شاه تهماسب اجرا کرد.^(۵۷) در شرح حال این هنرمند نگارگر آمده است که وی به احتمال زیاد زیر نظر پدرش میرمصور، که از نقاشان فعال و زبده کتابخانه سلطنتی شاه اسماعیل اول صفوی بود، نقاشی را فراگرفت و سپس به تدریج خود به نقاش بزرگی تبدیل شد. پس از آن بود که به عنوان یکی از دستیاران سلطان محمد برای تهیه شاهنامه شاه تهماسبی در حدود ۹۲۸ ق و ۹۵۱ ق برگزیده شد. سپس در اواخر بیست‌سالگی پنج نگاره از نسخه خمسه نظامی ۹۴۵-۹۴۹ ق را اجرا کرد. همزمان با مراحل پایانی این نسخه شاه تهماسب اشتیاق خود را نسبت به هنر و

هنرمندان از دست داد و در نتیجه بسیاری از هنروران از جمله میرسیدعلی با مشکلاتی عدیده روبه‌رو شدند و برای فرار از مخمصه به دربارهای کشورهای دیگر پناه بردند. گویند در آن زمان (۹۵۱ق) همایون، پادشاه هند، به حال تبعید در تبریز به سر می‌برد. او چون آثار میرسیدعلی و همکارش عبدالصمد نقاش را دید، به تشویق آنان پرداخت.^(۵۸) چون همایون شاه در ۹۵۳ق کابل را بازپس گرفت، میرسیدعلی و عبدالصمد را با خود به آنجا برد و آن دو هنرمند تا محرم ۹۶۲ق نزد همایون در کابل ماندند و سپس در همان سال با پس‌گیری دهلی، آنان همراه پادشاه بدان شهر وارد شدند و در سلک نقاشان نگارخانه سلطنتی امپراتور به خدمت مشغول شدند. احتمالاً در این دوره بود که میرسیدعلی تصویر یک عالم جوان ناشناخته را ارائه داد. پس از مرگ همایون در ۹۶۳ق، میرسید علی به خدمت فرزند و جانشین او، اکبرشاه، درآمد. از مطالب بدایونی در منتخب‌التواریخ چنین برمی‌آید که میرسیدعلی در عهد اکبر مشغول طراحی و نگارگری نسخه‌ای از حمزه‌نامه بوده است. در هر حال، میرسیدعلی اکثر اوقات خود را در دهلی و آگره گذراند تا آنکه میان سالهای ۹۶۷ق و ۹۷۷ق با کسب اجازه از امپراتور به زیارت خانه خدا شتافت و پس از آن دیگر اطلاعی از وی در دست نیست.^(۵۹) از ویژگیهای آثار میرسید علی می‌توان به هماهنگی کامل میان رنگهای درخشان، تفاهم کامل شکلها، رسمهای متین و استوار و بالاخره دقت و بررسی در پرداخت ریزه‌کاریهای تزیینی — در حدی که کمپوزیسیون و طراحی را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد — اشاره کرد.^(۶۰)

در دوران پادشاهی پنجاه و چهار ساله شاه تهماسب، علاوه بر شاه اغلب شاهزادگان نیز به نقاشی و بسط و گسترش آن علاقه بسیار داشتند که از میان آنان می‌توان بهرام میرزا و پسرش ابراهیم میرزا را نام برد. گفتنی است که در زمان شاه تهماسب، همایون، پادشاه تیموری هند، به ایران سفر کرد و هنگام بازگشت، با اجازه شاه ایران، گروهی از هنرمندان به ویژه نقاشان را به کشورش برد. خواجه عبدالصمد زرین‌قلم، استاد منصور میرمصور و فرزندش میرسیدعلی، مولانا فارسی، دوست مصور، درویش محمد، استاد یوسف و دیگران در شمار نقاشان کوچنده به هند بودند.^(۶۱)

در اینجا باید به یکی دیگر از نقاشان مکتب تبریز اشاره کرد و آن محمدی هروی (استاد محمدی)، هنرمند نیمه دوم سده دهم هجری، است. بعضی او را فرزند و برخی

دیگر شاگرد سلطان محمد مصور پنداشته‌اند. اما می‌توان حدس زد که وی در جوانی به دلیل علاقه به هنر نقاشی، دیار خود را ترک کرد و در تبریز به جمع هنرمندان و نگارگران کارگاه هنری شاه تهماسب پیوست. او در آن کارگاه به تدریج موفقیت‌های زیادی کسب کرد تا جایی که موفق به ارائه مکتب تازه‌ای در نقاشی گردید؛ مکتبی که در آن تا حد امکان از دشواریها و آرایشهای غیرضروری کاسته و در عوض عمق مطلب و خواسته‌های تصویرساز در آن به شیوایی جلوه‌گر شده است؛ این مکتب بعدها پیروان زیادی چون رضا عباسی، معین مصور، محمدیوسف و محمدقاسم، که همه از شاخص‌ترین نگارگران مکتب اصفهان بودند، به دست آورد.^(۶۲) استاد محمدی در طراحی با قلم بسیار ماهر بود و در بیشتر طرحهای وی تهرنگ خفیفی وجود داشت. از ویژگی مهم کارهای او تصویر اشخاص بلند قامت با صورت گرد و کوچک و نیز واقع‌بینی در ترسیم چشم‌اندازها و مناظر زندگی روزانه در آبادیها و نواحی روستایی است؛ سبک محمدی اصالت و گیرایی خاصی دارد و در آثارش نشاط و طنز سرزنده‌ای دیده می‌شود. در برخی از نگاره‌های او برای نخستین بار شاهد ساختمانهایی در پس‌زمینه تصویر هستیم که همه با رعایت علم مناظر و مرایا (پرسپکتیو) نقش شده‌اند.^(۶۳)

به هر صورت هنرمندان و نقاشان مکتب تبریز پس از بهزاد، تحولی اساسی در محیط تازه خود ایجاد کردند. در جریان این تحول سبکی پدید آمد که چهره‌نگاری به شیوه چینی را در نقاشیهای ایرانی منسوخ کرد و به چهره اشخاص رنگ ایرانی داد. این سبک همچنین باعث نزدیکی نقاشی با طبیعت گردید و در آن آثار زندگی آفرید و توجه به روابط و عواطف شخصیت‌های نقاشی را اهمیت بخشید.^(۶۴)

پس از آنکه شاه تهماسب در ۹۵۵ ق پایتخت صفوی را از تبریز به قزوین انتقال داد، بسیاری از هنرمندان در آن شهر مستقر شدند و به خلق آثار هنری ارزنده‌ای پرداختند. گویند شاه تهماسب در آخرین سالهای عمرش، به دلیل تعصبات دینی، یا بر اثر عدم

۱. برای آشنایی بیشتر با نگاره‌های فراوان این هنرمند نک: احوال و آثار نقاشان قدیم ایران و برخی از مشاهیر

نگارگری هند و عثمانی، ج ۳.

توفیق در کسب مهارت‌های هنری، یا به قولی در نتیجه بیماری، از حمایت هنرهای خطاطی و نقاشی دست کشید که این بی‌توجهی، بسیاری از هنرمندان به ویژه نگارگران را پراکنده کرد. با این همه، سنت پشتیبانی از هنرمندان به وسیله برادرزاده شاه تهماسب، شاهزاده ابراهیم میرزا، در مشهد ادامه یافت.^(۶۵)

بعد از مرگ شاه تهماسب در ۹۸۳ق، بر سر جانشینی وی میان فرزندان او اختلاف افتاد، دو تن از آنان به نامهای محمد خدابنده و حیدر، هر یک مدت کوتاهی بر تخت شاهی نشستند، تا آنکه فرزند دیگر شاه، یعنی اسماعیل میرزا، که پیش از مرگ پدرش به امر او به زندان افتاده بود، توسط هواخواهان آزاد شد و پس از کشتن تمام برادران خود به سلطنت دست یافت. اما عمر شاه اسماعیل دوم صفوی (حک ۹۸۴-۹۸۵ق) نیز کوتاه بود و او پس از یک سال درگذشت.^(۶۶)

شاه اسماعیل دوم در طول دوره کوتاه حکومتش به قصد تجدید اعتبار گذشته هنر و هنرمندان، کارکنان و هنروران گوناگونی را در کتابخانه خویش جمع آورد؛ به دستور او نسخه‌ای بزرگ از شاهنامه تهیه گردید که اکنون تعدادی از نگاره‌های آن به صورت پراکنده موجود هستند. برخی از نگاره‌های این شاهنامه، که تاریخ سال ۹۸۸ق را دارد، به وسیله نقاشان مشهور آن دوره چون سیاوش گرجستانی، صادقی، مظفرعلی و زین‌العابدینی پدید آمده و بعضی نگاره‌های آن به شیوه‌های دیگر است. از این نسخه ۵۶ نگاره شناخته شده که دوازده مجلس آن در موزه رضا عباسی نگهداری می‌شود و رقم چند نگارگر معروف دیگر این دوره نظیر صادقی (صادقی بیگ افشار) را در بردارد.^(۶۷)

سیاوش بیگ از اهالی گرجستان، ابتدا از نقاشان دربار شاه تهماسب محسوب می‌شد، او در کودکی به امر شاه مذکور به نقاشخانه شاهی فرستاده شد. در آنجا نزد مولانا مظفرعلی شاگردی کرد و به تدریج مراحل تکامل این هنر را آموخت.^(۶۸)

در مورد استادان وی اختلاف است: اسکندر بیگ منشی در عالم‌آرای عباسی او را شاگرد استاد حسینعلی مصور، مصطفی عالی افندی در مناقب هنروران وی را شاگرد استاد حسن بغدادی رئیس نگارخانه شاه تهماسب می‌داند و بعضی دیگر او را شاگرد استاد خواجه عبدالحی قلمداد کرده‌اند. بدین ترتیب پیداست که سیاوش بیگ از محضر چند استاد مشهور دوران فیض برده است.^(۶۹) به گفته نویسنده عالم‌آرای عباسی چون

نزاكت قلمش مورد پسند طبع شاه تهماسب قرار گرفت، در شاگردی آن پادشاه مراحل ترقی را پیمود. او بسیار نازک‌قلم بود و در سیاهی قلم و کوه‌پردازی کسی به پای او نمی‌رسید، در مجلس‌سازی نیز مهارت بسیار داشت. وی در دوران شاه اسماعیل دوم هم به سلک هنرمندان کتابخانه آن پادشاه پیوست. در زمان نواب او نیز همراه برادرش، فرخ‌بیگ، به خدمت شاهزاده سلطان حمزه‌میرزا درآمد و پس از آن در اواخر حیات ملازمت شاه عباس بزرگ را اختیار کرد.^(۷۰) کار او در نسخه بزرگ شاهنامه یاد شده، از مهارت و قدرت اجرایی نسبتاً سریع وی حکایت دارد. مینیاتورهای او اغلب زنده و باروح و بدون شلوغی فراوان هستند. صورتها در کار او گرد و همراه با چشمانی بازمانده هستند؛ گل و بوته‌های درشت موجود در کار او نیز نشانه‌ای از ذوقیات مکتب قزوین دارد، اگرچه برخی از گلها و گیاهان وی تخت و بی‌روح‌اند.^(۷۱)

استاد دیگر مکتب قزوین و یکی از نگارگران شاهنامه دوران شاه اسماعیل دوم، مظفرعلی تربتی، فرزند حیدرعلی و خواهرزاده بهزاد بود که در تربت‌جام زاده شد. ابتدا نقاشی را از بهزاد آموخت و سپس در شهرهای تبریز و قزوین از دیگر استادان این فن کسب فیض کرد و خود به مقام استادی رسید. صادقی بیگ افشار نزد او نقاشی را فرا گرفت. به قول وی، شاه عباس بزرگ بارها پس از دیدن آثار این هنرمند، هنر او را بر بهزاد ترجیح داده بود. مظفرعلی قطعه‌های خطاطی مولانا میرعلی هروی و مولانا سلطان‌علی را با مهارت تقلید می‌کرد. گاه نیز شعر می‌سرود تا اینکه سرانجام در قزوین درگذشت و در قبرستان شاهزاده‌حسین این شهر به خاک سپرده شد.^(۷۲)

نمونه‌هایی از هنر قطاعی او در مرقع / امیرغیب بیگ، مرقع / امیرحسین بیگ و مرقع بهرام‌میرزا در کتابخانه خزینه اوقاف استانبول نگهداری می‌شود. از آثار منسوب به او می‌توان به این موارد اشاره کرد: مینیاتور «بهرام‌گور در شکارگاه» محفوظ در موزه بریتانیا در لندن؛ دو مینیاتور در نسخه هفت‌اورنگ جامی که یکی تصویر «نجات یوسف از چاه» و دیگری نگاره «دیدار مجنون از لیلی» (مضبوط به شماره 23Lr در گالری فریر)، که عکسهای رنگی این دو نگاره در کتاب *Royal Persian Manuscripts, No. 111. 112* وجود دارد و سرانجام تصویر «رستم زال در نخجیرگاه» که در شاهنامه شاه تهماسبی (هوتن) آمده است.^(۷۳)

نگارگر دیگر این شاهنامه صادقی بیگ افشار متخلص و مشهور به صادقی افشار و

صادقی کتابدار (۹۳۳/۹۴۰-۱۰۱۷ق) است. او از بزرگان ایل خدابنده لوی افشار بود. پدرش در زمان شاه اسماعیل اول صفوی با ایل خود به ایران آمد و بدین ترتیب صادقی بیگ در ایران زاده شد؛ در جوانی به ملازمت استاد مظفرعلی نقاش درآمد و زیر نظر او در این فن تربیت یافت و به مهارت رسید اما به سبب بازار کساد نقاشی در آن هنگام، از این هنر دست کشید و با لباس قلندران به سیر و سیاحت پرداخت. چون حاکم همدان، امیرخان موصولو، به احوالش پی برد، او را از کسوت قلندران بیرون آورد و ملازم خود کرد. پس از آن چندی نیز به خدمت بدرخان و اسکندرخان، از امرای سلطان محمد خدابنده، درآمد. سپس در دوره پادشاهی شاه اسماعیل دوم به سلک هنرمندان کتابخانه سلطنتی وی پیوست. در همین زمان بود که او در کنار دیگر نقاشان بزرگ این عهد به نگارگری برای نسخه‌ای از شاهنامه پرداخت تا اینکه^(۷۴) پس از آن، در دوران شاه عباس بزرگ به کتابداری آن پادشاه منصوب شد. او افزون بر نقاشی، با شعر، خطاطی و موسیقی نیز آشنایی داشت. صادقی هنگام تهیه تصویرهای شاهنامه مذکور هنوز با اوج توانایی خود در هنر نقاشی فاصله داشت. مینیاتورهای او در این شاهنامه، که به قول پروفیسور رابینسون شمار آنها به شش می‌رسد، قدری خشک و بدون انعطاف‌اند. با این حال، اجرای آنها به ویژه در شیوه تهورآمیز و متنوع پرداخت صخره‌ها - که صادقی آشکارا از کشیدن آن لذت می‌برده است - دقیق و مؤثر است.^(۷۵) در هر حال، صادقی بیگ پس از محمدی (که یکی از استادان وی بود)، در نگارگری برای کتاب، تحول و دگرگونی زیادی ایجاد کرد و طرحی نو در این هنر افکند که بیشتر متکی به حرکات خطوط بود بدین معنی که در نقشهای او، خط بیش از رنگ در جلوه دادن موضوع و تجسم آن اهمیت داشت.^(۷۶)

نمونه دیگر نقاشی مکتب قزوین در آثار نقدی بیگ، به ویژه نگاره‌های او در نسخه شاهنامه سال ۹۸۴ق دیده می‌شود. از احوال او اطلاع چندانی در دست نیست. تنها می‌دانیم که وی در ارائه مجالس بزمی و چهره‌پردازی و نشان دادن حالات گوناگون اشخاص، به ویژه در چهره‌آرایی و زیبانگری دستی قوی داشته است. تصویرگریهای او در شاهنامه مذکور نشان می‌دهد که وی افزون بر نقوش گوناگون در تذهیب و ترسیم اشکال هندسی نیز مهارت کافی داشته و با شیوه‌های مختلف این هنر به خوبی آشنا بوده است. پنج نگاره از نگاره‌های شاهنامه سال ۹۸۴ق را به او نسبت داده‌اند. از میان این

نگاره‌ها می‌توان به تصویر «رفتن جندل به خواستگاری دختران شاه یمن» و تصویر «پذیرفتن رودابه هدایایی از زال» اشاره کرد. تصویر این دو اثر در صفحه‌های ۱۱۵ و ۱۱۹ کتاب گالری کل نقی (Colnachi) لندن با نام *Persian and Mughal Art* به چاپ رسیده است.^(۷۷) در کارهای نقدی بیگ آدمها نسبتاً درشت و با چهره‌ای تقریباً کشیده تصویر شده‌اند. او صخره‌ها و کوهها را به‌خوبی ترسیم کرده و به‌گل‌های درشت و دورنماهای خود دلبستگی نشان داده است. ممکن است برخی از طرحهای حیوانات او که روی پارچه لباسها و ساختمانها کشیده شده، از کار نقاشان سده نهم هجری / پانزدهم میلادی که اکنون در جنگها و آلبومهای موزه توپقاپی سرای استانبول نگهداری می‌شود، ملهم شده باشد.^(۷۸)

زین العابدین (میرزین العابدین)، از تصویرگران نسخه شاهنامه سال ۹۸۴ق، نیز در شمار نقاشان مکتب قزوین است. چهار نگاره از شاهنامه مذکور را به وی انتساب داده‌اند. او نوه سلطان محمد مصور، نقاش مشهور، بود و در خدمت آن استاد بزرگ نقاشی را آموخت. گویند وی به همان میزان که در نقاشی تبحر داشت، در تذهیب نیز هنرمندی زبده بود. تذهیب نفیس صفحه‌های آغازین شاهنامه موجود در چستر بیتی از اوست. با اینکه شیوه کار او در این شاهنامه در مقایسه با نقاشان دیگر این نسخه قدیمی به نظر می‌رسد، اما همه مینیاتورهای او از لحاظ اجرا و رنگ‌آمیزی غنی و ممتازند. چهره‌ها و صخره‌های نگاره‌های او در کمال مهارت و ظرافت نقاشی شده و طرح‌زنی‌هایش نیز همیشه با قلمی محکم و استوار صورت گرفته است.^(۷۹) نگارگر دیگر شاهنامه شاه اسماعیلی، مولانا علی اصغر کاشی، مشهور به جواهررقم، پدر آقارضا نقاش معروف مکتب نقاشی اصفهان است. علی اصغر ابتدا در خدمت شاهزاده ابراهیم میرزای صفوی به سر می‌برد و پس از آن در کتابخانه شاهی شاه اسماعیل دوم صفوی مشغول به کار شد. او استادی بی‌قرینه و مصوری ماهر و چیره‌دست بود؛ در پرداخت و رنگ‌آمیزی بی‌رقیب و در کوه‌پردازی و درخت‌سازی بر دیگران رجحان داشت.^(۸۰) از میان آثارش می‌توان به چهار نگاره با ارزش که عکس آنها در کتاب *Persian and Mughol Art, No. 110-113* گالری کل نقی لندن موجود است، اشاره کرد.^(۸۱) در این آثار که در مکتب قزوین نقاشی شده، اسبها با تردستی و مهارت به تصویر درآمده و منظره کوه و درختان جلوه دلپذیری دارد. از دیگر ویژگیهای این آثار

توانایی و پرمایگی نقاش در کشیدن صورتهای سیاوش، رستم، کیخسرو و همراهان آنهاست.^(۸۲)

به گفته پروفیسور رابینسون، سه نگاره دیگر شاهنامه شاه اسماعیل نیز به محراب و سه نگاره دیگر آن هم به فردی به نام مراد دیلمی منسوب است. به اعتقاد رابینسون، همه نقاشان این نسخه در موقعیت دشواری قرار داشتند، چرا که از یک سو کشورشان دوران پر آشوبی را می گذراند و از سوی دیگر خود این هنرمندان میان دو دوره متفاوت - دوره سلطان محمد و دوره رضا عباسی که هر کدام برای خود دوران درخشانی بود - به سر می بردند. به طور کلی نگاره های این شاهنامه هر چند از لحاظ نمایشی جالب هستند، اما اصالت آگاهانه یا تمایز ویژه ای ندارند و هر چند همگی از فضای نسبتاً گلخانه آثار بعدی دربار شاهزاده ابراهیم میرزا در مشهد عاری هستند، ولی از دستیابی به ضوابط و معیارهای عالی اجرا و پرداخت مورد نظر آن شاهزاده با فرهنگ ناکام مانده اند.^(۸۳)

نسخه مشهور دیگری که در ارتباط با مکتب قزوین است و در موزه رضا عباسی نگهداری می شود، نسخه شاهنامه قوام الدین بن محمد شیرازی است. این نسخه با ۳۷ نگاره بدون رقم، به شیوه مکتب قزوین، در ۱۰۰۰ ق به خط نستعلیق قوام الدین مذکور کتابت شده و به خاطر نگاره های متین و جلد زیبای آن یکی از نسخه های مشهور شاهنامه و این مکتب به شمار می رود. مکتب قزوین ابتدا تا حدودی ادامه سبک مکتب تبریز بود، اما به تدریج در اثر ورود تصاویر اروپایی به ایران، اشتیاق نقاشان و حامیان آنان و نیز درباریان به موضوعهای طبیعی و حقیقی دگرگون. پس از آن بود که آرایه های بسیار این مکتب کاستی گرفت و نگاره های آن به سادگی گرایید. در هر حال با انتقال پایتخت به اصفهان، دوران کوتاه مکتب قزوین به پایان رسید و نقاشی ایران به مرحله تازه ای گام نهاد.^(۸۴)

ارجاعات

۱. اشرفی، م. م. همگامی نقاشی با ادبیات در ایران، ترجمه رویین پاکباز، ص ۱۰.
۲. اشرفی، م. م. همگامی نقاشی با ادبیات در ایران، ترجمه رویین پاکباز، ص ۱۱.
۳. اشرفی، م. م. همگامی نقاشی با ادبیات در ایران، ترجمه رویین پاکباز، ص ۲۱.

۴. اشرفی، م. م. همگامی نقاشی با ادبیات در ایران، ترجمه رویین پاکباز، ص ۲۳.
۵. اشرفی، م. م. همگامی نقاشی با ادبیات در ایران، ترجمه رویین پاکباز، ص ۲۴.
۶. اشرفی، م. م. همگامی نقاشی با ادبیات در ایران، ترجمه رویین پاکباز، ص ۲۴.
۷. اشرفی، م. م. همگامی نقاشی با ادبیات در ایران، ترجمه رویین پاکباز، ص ۲۴.
۸. اشرفی، م. م. همگامی نقاشی با ادبیات در ایران، ترجمه رویین پاکباز، ص ۲۵.
۹. اشرفی، م. م. همگامی نقاشی با ادبیات در ایران، ترجمه رویین پاکباز، صص ۲۶، ۲۷.
۱۰. ساریخانی، مجید، «تأثیر شاهنامه بر هنر نگارگری ایران»، سریرسرخ، س ۱، ص ۱۱۵.
۱۱. ساریخانی، مجید، «تأثیر شاهنامه بر هنر نگارگری ایران»، سریرسرخ، س ۱، ص ۱۱۶.
۱۲. دیماند، س. م.، راهنمای صنایع اسلامی، ترجمه عبدالله فریار، چ ۲، ص ۵۳.
۱۳. د. برت، «هنر ایران در دوره اسلام»، میراث ایران، ترجمه احمد بیرشک، ص ۲۲۹.
۱۴. شریفزاده، عبدالمجید، تاریخ نگارگری در ایران، ص ۹۲.
۱۵. شریفزاده، عبدالمجید، تاریخ نگارگری در ایران، ص ۲۳۱.
۱۶. شریفزاده، عبدالمجید، تاریخ نگارگری در ایران، ص ۲۳۲.
۱۷. قندی، سیاوش، «نقش شاهنامه در هنرهای بومی»، کتاب ماه هنر، ش ۳۹، ۴۰، ص ۳۲.
۱۸. رابینسون، ب. و.، هنر نگارگری در ایران، ترجمه یعقوب آژند، صص ۷۶، ۷۷.
۱۹. عابدی، امیر حسن، «شاهنامه، کتاب شاهان»، گفتارهای پژوهشی در زمینه ادبیات فارسی، صص ۲۴۵، ۲۴۶.
۲۰. عابدی، امیرحسن، «شاهنامه، کتاب شاهان»، گفتارهای پژوهشی در زمینه ادبیات فارسی، ص ۱۹.
۲۱. اشرفی، م. م.، بهزاد و شکل‌گیری مکتب مینیاتور بخارا در قرن ۱۶ میلادی، ترجمه نسترن زندگی، ص ۴۳.
۲۲. محمد حسن، زکی، تاریخ نقاشی در ایران، ترجمه ابوالقاسم سبحان، ص ۶۸.
۲۳. شریفزاده، عبدالمجید، تاریخ نگارگری در ایران، ص ۱۰۰.
۲۴. مایل هروی، نجیب، لغات و اصطلاحات فن کتابسازی، ص ۱۱۱.

۲۵. مایل هروی، نجیب، لغات و اصطلاحات فن کتابسازی، ص ۱۰۸.
۲۶. محمد شریف، میان، تاریخ فلسفه در اسلام، ص ۱۸۳.
۲۷. کریم‌زاده تبریزی، محمد علی، احوال و آثار نقاشان قدیم ایران و برخی از مشاهیر نگارگری هند و عثمانی، ج ۱، صص ۹۲، ۴۱۵، ۴۱۶.
۲۸. رابینسون، ب.و.، هنر نگارگری در ایران، ترجمه یعقوب آژند، ص ۲۳.
۲۹. قاضی میر احمد منشی قمی، گلستان هنر، به کوشش سهیلی خوانساری، ص ۳۹.
۳۰. کریم‌زاده تبریزی، محمد علی، احوال و آثار نقاشان قدیم ایران و برخی از مشاهیر نگارگری هند و عثمانی، ج ۱، صص ۲۰۹، ۲۱۱.
۳۱. رابینسون، ب.و.، هنر نگارگری در ایران، ترجمه یعقوب آژند، ص ۴۷.
۳۲. چغتایی، محمد، «سخنی پیرامون هنر بهزاد و آقارضا»، ترجمه محمد ریاض، هنر و مردم، ش ۲۸۲، ص ۳۱.
۳۳. محمد حسن، زکی، تاریخ نقاشی در ایران، ترجمه ابوالقاسم سحاب، ص ۸۰.
۳۴. اشرفی، م.م.، بهزاد و شکل‌گیری مکتب مینیاتور بخارا در قرن ۱۶ میلادی، ترجمه نسترن زندی، ص ۹۳.
۳۵. شریف‌زاده، عبدالمجید، تاریخ نگارگری در ایران، ص ۱۰۲.
۳۶. شریف‌زاده، عبدالمجید، تاریخ نگارگری در ایران، صص ۱۰۵، ۱۰۶.
۳۷. شریف‌زاده، عبدالمجید، تاریخ نگارگری در ایران، صص ۱۰۸-۱۱۰.
۳۸. محمد حسن، زکی، تاریخ نقاشی در ایران، ترجمه ابوالقاسم سحاب، ص ۸۸.
۳۹. شریف‌زاده، عبدالمجید، تاریخ نگارگری در ایران، ص ۱۱۴.
۴۰. رابینسون، ب.و.، هنر نگارگری در ایران، صص ۶۹، ۷۰.
۴۱. محمد حسن، زکی، تاریخ نگارگری در ایران، صص ۱۳۰، ۱۳۱.
۴۲. بهنام، عیسی، «مکتب دوم هنر نقاشی ایران در تبریز»، هنر و مردم، ش ۸۸، ص ۱۰.
۴۳. میرجعفری، حسین، «نامه‌ای از کمال‌الدین بهزاد به پادشاه صفوی»، هنر و مردم، ش ۱۴۲، ص ۸.
۴۴. شریف‌زاده، عبدالمجید، تاریخ نگارگری در ایران، ص ۱۲۹.
۴۵. کریم‌زاده تبریزی، محمد علی، احوال و آثار نقاشان قدیم ایران و برخی از مشاهیر نگارگری هند و عثمانی، ج ۱، صص ۲۴۹، ۲۵۰.

۴۶. کریم‌زاده تبریزی، محمد علی، صص ۵۲۴، ۵۲۵.
۴۷. شکفته، صغری بانو، «مدیریت هنری در دوره کمال‌الدین بهزاد و تأثیر امیرعلیشیر نوایی در شکل‌گیری مکتب هرات»، فصلنامه دانش پاکستان، ش ۷۶-۷۷، صص ۸۰، ۸۱، ۸۳.
۴۸. آژند، یعقوب «سلطان محمد، شیر بیشه تصویر»، فصلنامه هنر، ش ۶۳، صص ۹۸، ۹۹.
۴۹. آژند، یعقوب، «سلطان محمد، شیر بیشه تصویر»، فصلنامه هنر، ش ۶۳، صص ۱۰۰.
۵۰. ولش، استوارت کری، نقاشی ایرانی؛ نسخه نگاره‌های عهد صفوی، ترجمه احمد رضا تقاء، صص ۳۱، ۳۵، ۳۹.
۵۱. سوچک، پریسیلا، «سلطان محمد تبریزی»، دوازده رخ، ترجمه یعقوب آژند، صص ۱۸۶.
۵۲. پرایس، کریستین، تاریخ هنر اسلامی، ترجمه مسعود رجب‌نیا، صص ۱۵۲.
۵۳. شریف‌زاده، عبدالمجید، تاریخ نگارگری در ایران، صص ۱۲۹.
۵۴. آژند، یعقوب، «سلطان محمد، شیر بیشه تصویر»، فصلنامه هنر، ش ۶۳، صص ۱۰۰.
۵۵. اشرفی، م. م.، بهزاد و شکل‌گیری مکتب مینیاتور بخارا در قرن ۱۶ میلادی، ترجمه نسترن زندی، صص ۹۷، ۹۸.
۵۶. آژند، یعقوب، «سلطان محمد، شیر بیشه تصویر»، فصلنامه هنر، ش ۶۳.
۵۷. نفیسی، نوشین دخت، «مجلس‌های نعاره شاهنامه قاسمی»، میراث جاویدان، ش ۴، صص ۱۱۲.
۵۸. ولش، آنتونی، «دید جهانی میرسید علی»، ترجمه یعقوب آژند، دوازده رخ، صص ۲۳۹، ۲۴۰.
۵۹. ولش، آنتونی، «دید جهانی میرسید علی»، ترجمه یعقوب آژند، دوازده رخ، صص ۲۴۱، ۲۴۲.
۶۰. نفیسی، نوشین دخت، «مجلس‌های نعاره شاهنامه قاسمی»، میراث جاویدان، ش ۴، صص ۱۱۲.
۶۱. منشی قمی، قاضی میراحمد، گلستان هنر، به کوشش سهیلی خوانساری، صص ۴۱.
۶۲. کریم‌زاده تبریزی، محمد علی، احوال و آثار نقاشان ایران و برخی از مشاهیر نگارگری هند و عثمانی، ج ۳، صص ۱۱۰۳، ۱۱۰۴.

۶۳. شریف‌زاده، عبدالمجید، تاریخ نگارگری در ایران، ص ۱۴۰.
۶۴. ذیلابی، نگار، «تبریز، مکتب»، دانشنامه جهان اسلام، ج ۶، ص ۴۱۴.
۶۵. شریف‌زاده، عبدالمجید، تاریخ نگارگری در ایران، ص ۱۴۳.
۶۶. شریف‌زاده، عبدالمجید، تاریخ نگارگری در ایران، ص ۱۴۵.
۶۷. شریف‌زاده، عبدالمجید، تاریخ نگارگری در ایران، صص ۱۴۵، ۱۴۶.
۶۸. منشی قمی، قاضی میراحمد، گلستان هنر، به کوشش سهیلی خوانساری، ص ۱۴۸.
۶۹. شریف‌زاده، عبدالمجید، تاریخ نگارگری در ایران، ص ۱۴۶.
۷۰. اسکندریبگ ترکمان، تاریخ عالم‌آرای عباسی، به کوشش ایرج افشار، ج ۱، ص ۱۷۶.
۷۱. شریف‌زاده، عبدالمجید، تاریخ نگارگری در ایران.
۷۲. صادقی‌بیگ، مجمع‌الخواص، ترجمه عبدالرسول خیامپور، ص ۲۵۷.
۷۳. کریم‌زاده تبریزی، محمد علی، احوال و آثار نقاشان ایران و برخی از مشاهیر نگارگری هند و عثمانی، صص ۱۱۶۶، ۱۱۶۸، ۱۱۶۹.
۷۴. منشی قمی، قاضی میراحمد، گلستان هنر، به کوشش سهیلی خوانساری، صص ۱۵۲، ۱۵۳.
۷۵. شریف‌زاده، عبدالمجید، تاریخ نگارگری در ایران، ص ۱۴۷.
۷۶. همایونفرخ، رکن‌الدین، «هنر کتابسازی در ایران»، راهنمای کتاب، ص ۲۳۹.
۷۷. کریم‌زاده تبریزی، محمد علی، احوال و آثار نقاشان ایران و برخی از مشاهیر نگارگری هند و عثمانی، صص ۱۳۹۳، ۱۳۹۴.
۷۸. شریف‌زاده، عبدالمجید، تاریخ نگارگری در ایران، صص ۱۴۷، ۱۴۸.
۷۹. شریف‌زاده، عبدالمجید، تاریخ نگارگری در ایران.
۸۰. منشی، اسکندریبگ، تاریخ عالم‌آرای عباسی، به کوشش ایرج افشار، ص ۱۷۶.
۸۱. کریم‌زاده تبریزی، محمد علی، احوال و آثار نقاشان ایران و برخی از مشاهیر نگارگری هند و عثمانی، ج ۱، صص ۳۷۳، ۳۷۴.
۸۲. شریف‌زاده، عبدالمجید، تاریخ نگارگری در ایران.
۸۳. رابینسون، ب.و.، هنر نگارگری در ایران، ص ۶۴.
۸۴. شریف‌زاده، عبدالمجید، تاریخ نگارگری در ایران، ص ۱۴۹.

نقاشی مکتب اصفهان (۱۰۰۰-۱۱۳۲ق)

نقاشی هنری است که هم معماری و هم زندگی روزانه دربار صفوی را - آن گونه که صفویان دوست داشتند تصویر شود - به ما نشان می دهد. شاید بتوان در تاریخ از بین هنر همه هنرمندان عهد صفوی، نقش نقاشان را مهم تر از سایر هنرمندان قلمداد کرد. نقاشان به دلیل حمل و نقل آسان ابزار کارشان به همراه شاه به سفر می رفتند و در نتیجه شاه نیز همواره بر کار آنان نظارت می کرد و گاه نیز خود شاه شخصاً به نقاشی می پرداخت؛ از سوی دیگر، طرحهایی که نقاشان و تصویرگران در کتابخانه دربار خلق می کردند، مورد استفاده هنرمندان دیگر نظیر فلزکاران، بافندگان، نقشبندان و کاشیکاران قرار می گرفت و چنین شد که نقاشی باعث ایجاد وحدت سبک در همه شاخه های هنری دوره صفویه گردید.^(۱)

پس از آنکه شاه عباس بزرگ (حک ۹۹۶-۱۰۳۸ق) فتنه و آشوب دشمنان خود را سرکوب کرد، پایتخت صفویان را از قزوین به اصفهان انتقال داد و در این شهر بر تخت سلطنت نشست. او با بریدن کوهها، هموار کردن راههای زیاد و برپاساختن عمارات و ابنیه باشکوه بر زیبایی این شهر افزود و بدین طریق توجه خوشنویسان، مذهبیان و نقاشان بزرگ را بدین شهر جلب کرد، تا جایی که اصفهان در دوران او به جایگاه دانش و فنون گوناگون هنر تبدیل گردید.^(۲)

با آغاز حکومت شاه‌عباس بزرگ هنرمندان نقاش، خوشنویس، معمار و صنعت‌کار همه به خدمت آن پادشاه درآمدند و به مرمت آثار باارزش دوران گذشته و اجرای سفارش‌های تازه پرداختند؛ به ویژه فعالیت زیادی از سوی هنرمندان برای ساختن و آراستن کاخها، کوشکها و بناهای عمومی آغاز گردید. هنرمندان نقاش در این دوره افزون بر نگارگری کتابها، به کار ساختن رقع‌های مصور از شاهزادگان، زوجهای عاشق و معشوق، نقاشیهای تکچهره و دیوارنگاری مشغول شدند.^(۳)

این پدیده در سده یازدهم هجری توسط رضاعباسی، بنیانگذار برجسته مکتب نقاشی اصفهان، و شاگردان بی‌شماری شکل گرفت. بدین ترتیب نقاشی با جدا شدن از کتاب‌آرایی، کارکرد عمده خود یعنی مصورسازی را از دست داد. از آن پس به تدریج تصویرهای ریز نقش، تکچهره‌ها و دیوارنگارها جانشین مصورسازی گردید و از آن پس تصویر کتاب به نقاشی با مقیاس بزرگ‌تر استحاله یافت. تمام این تغییرات به تدریج به کاهش نقش و اهمیت نقاشی کتاب در سده‌های میانه منجر شد و بر هنر مصورسازی کتاب تأثیر بسیار برجای گذاشت.^(۴)

اما همان‌گونه که قبلاً ذکر شد، شاه‌عباس بزرگ صفوی، پس از تحکیم قدرت خود، هنرمندان و معماران را زیرچتر حمایت خویش قرار داد. او چند تن از هنرمندان و نقاشان برجسته دوره‌های پیش را که در خدمت دربار شاه تهماسب، ابراهیم‌میرزا و شاه اسماعیل دوم بودند، در کتابخانه سلطنتی خود گرد آورد. مهم‌ترین این نقاشان صادقی‌بیگ افشار بود که به سمت کتابدار شاه منصوب شد، اما وی پس از مدتی فعالیت در آن کتابخانه، به دلیل طبع سرکش و غرور بیش از حدش، از کار برکنار گردید؛ صادقی‌بیگ، علی‌رغم این واقعه، از نگارگری دست نکشید و کارهای هنری خود را ادامه داد تا اینکه با درخشش نقاشی به نام رضا، پسر علی‌اصغر، بازارش کساد شد.^(۵) با این همه، آثار صادقی‌بیگ افشار حرکت جدیدی در هنر صفوی به‌ویژه نقاشی، به‌وجود آورد و تصویرهای او به منزله پیش‌درآمدی شد بر سبک واقع‌گرایی (رئالیسم) فراینده اواخر سده یازدهم و اوایل سده دوازدهم هجری.^(۶)

قاضی احمد منشی قمی در کتاب گلستان هنر از نقاشی به نام آقارضا یاد کرده و تصویرگری و چهره‌گشایی و شبیه‌کشی او را ستوده است؛ به گفته وی همه مصوران برجسته دوران صفوی در استادی آن نقاش اتفاق نظر داشتند و یکبار او چنان تصویر

زیبایی آفرید که شاه عباس به عنوان جایزه بر دستش بوسه زد. قاضی میراحمد می‌افزاید که با این حال، آقارضا تنبلی، اختلاط با نامردان و کشتی‌گیری را پیشه کرد و بدین راه زندگی خود را تباه ساخت.^(۷)

اسکندر بیگ ترکمان هم در تاریخ خود آورده که آقارضا پسر مولانا علی اصغر کاشی بوده و در فن تصویر و صورت‌آرایی و چهره‌گشایی مهارت بسیار داشته است، تا جایی که او را اعجوبه زمان می‌خواندند. به نوشته اسکندر بیگ، با این همه آقارضا به زور آزمایی و هرزه‌گری روی آورده و چنان تنگ‌حوصلگی و بدمزاجی بر او مستولی شده، تا جایی که به سبب این اطوار ناهنجارش به پریشان حالی و مفلسی افتاده است.^(۸) نویسنده دیگر، محمد علی کریم‌زاده تبریزی، هم پس از اشاره به آنچه قاضی احمد و اسکندر بیگ در احوال آقارضا نوشته‌اند، آورده که نقاش مذکور سرانجام به دلیل اختلاط با نامردان و پریشان حالی از دربار شاه عباس طرد شد و ناچار همراه فرزندش، ابوالحسن، در حدود سال ۱۰۰۷ ق به هند کوچید. کریم‌زاده در ادامه افزوده است که آقارضا کاشی پس از ورود به هند مورد توجه جلال‌الدین اکبر و فرزندش، جهانگیر گورکانی (حک ۱۰۱۴-۱۰۳۷ ق)، قرار گرفت و با همیاری فرزندش، ابوالحسن نادرالزمان، در آن دیار سبکی با تلفیق دو شیوه صفوی و هند به وجود آورد. وی در پایان مطالب خود به برخی از آثار این نقاش اشاره کرده است؛ از جمله «تصویر شاه سلیم» در مرقع گلشن، تصویری بر نسخه انوار سهیلی به تاریخ سال ۱۰۱۹ ق محفوظ در کتابخانه موزه بریتانیا، تصاویر نسخه‌ای از دیوان حافظ به تاریخ سال ۱۰۱۷ ق و تصاویر نسخه‌ای از خمسه امیر خسرو دهلوی محفوظ در کتابخانه ملی ایران.^(۹)

اما در کتاب تاریخ نگارگری در ایران تألیف عبدالمجید شریف‌زاده و نیز در پانویس کتاب همگامی نقاشی با ادبیات ایران اثر م.م. اشرفی از دو نگارگر عهد شاه عباس بزرگ به نامهای آقارضا مصور هروی و آقارضا مصور کاشی در دو مدخل جداگانه یاد شده و هر دو این منابع آنچه را که کریم‌زاده در احوال آقارضا کاشی به مطالب قاضی احمد و اسکندر بیگ ترکمان افزوده، به آقارضا مصور هروی نسبت داده‌اند.

در احوال آقارضا هروی آمده که وی در ۹۷۰ ق در هرات به دنیا آمد و به تدریج از نقاشان چیره‌دست مکتب هنری آن سامان شد، سپس در زمان سلطنت شاه عباس بزرگ (۱۰۰۰ ق) به اصفهان رفت و مدت هفت سال در آنجا به سربرد اما چون کارهایش مورد

استقبال قرار نگرفت، ناگزیر از طریق مشهد و قندهار به سوی هند شتافت و در آن سرزمین به دربار شاه سلیم یا جهانگیر پادشاه راه یافت؛ او به تقلید از رضاعباسی نام خود را آقارضا جهانگیری رقم می‌کرد. از کارهای او تصاویری در نسخه مرقع گلشن به تاریخ سال ۱۰۰۸ و ۱۰۳۰ ق بود.^(۱۰)

پریسیلا سوچک^۱ نیز آقارضا هروی را در شمار نقاشانی آورده که در عهد شاه عباس بزرگ به هند کوچیدند. به نوشته این پژوهشگر، نقاش مذکور در ۹۹۷ ق، یعنی سال تولد پسرش ابوالحسن، در دربار گورکانیان هند می‌زیسته و پس از آن ساکن لاهور شده بود. او می‌نویسد: «سبک نقاشی و منظره‌پردازی آقارضا در انوار سهیلی در ترکیب‌بندی نقاشی تک‌صفحه‌ای او هم که در مرقع گلشن آمده، دیده می‌شود... جنبه ایرانی سبک او در دو تصویر که او از دابشلیم، فرمانروای هندی راوی بخشی از حکایت در انوار سهیلی، کشیده، به وضوح آشکار است... شاهد دیگری برای ذکاوت آقارضا و استفاده او از نقاشی برای رساندن پیامهای خصوصی به حامی خود [جهانگیر] نگاره‌ای برای دیوان حافظ است که پس از جلوس جهانگیر برای او تهیه شد».^(۱۱)

محمد چغتایی هم در مقاله‌اش از نقاشی به نام آقارضا یا آقارضا مصور یاد کرده و آورده که یکی بودن او با رضاعباسی نقاش دیگر عهد صفوی، تصویری غلط است. او با استناد به تاریخ عالم‌آرای عباسی اسکندربیک ترکمان و توزوک جهانگیری اثر جهانگیر پادشاه، آقارضا را فرزند علی‌اصغر کاشی، نقاش و پدر ابوالحسن نادرالزمان، دانسته و معتقد است که وی در کهنسالی به هند آمده و همراه فرزندش در خدمت جهانگیر گورکانی به سر برده‌اند. چغتایی در ادامه مطالب خود آورده که نمونه‌های برجسته و تصاویر مینیاتورهای آقارضا در کتاب مینیاتورهای فارسی *Les Miniatures Persanes* اثر مارتیو ویمر، که به زبان فرانسه نوشته شده، درج گردیده است.^(۱۲)

اما رضا عباسی (ف ۱۰۴۴ ق) دیگر چهره سرشناس هنر نقاشی عهد شاه عباس و مکتب صفوی، هنرمندی است که، به قول کریم‌زاده تبریزی، نه به هند پا گذاشته و نه با نامردان و گشتی‌گیران رابطه داشته است. از زندگی او اطلاع چندانی در دست نیست، تنها می‌دانیم که پیش از دریافت لقب «عباسی» نام خود را به صورت گوناگون نظیر «رضا»،

«رضا مصور» و «کمینه رضا» در آثارش ذکر می‌کرد و پس از آنکه در ۱۰۲۰ ق لقب عباسی گرفت، آثار خود را با نام «رضاعباسی» و «کمینه رضا عباسی» رقم می‌زد. با استفاده از مطالبی که ذیل یکی از تصویرهای او آمده، می‌توان گفت که وی نزد استاد محمدی شاگردی کرده و یا مقلد آثار او بوده است. رضا عباسی جز تصاویر ابداعی از صورت پریرویان و ساقیان دربار، در گرفت‌وگیر، جانورسازی و آرایش مجالس رنگی بر پارچه‌ها و کاشی نیز مهارت داشت.^(۱۳)

آثار نخستین رضاعباسی به برخی از آثار آقارضا مصور کاشی شباهت دارد، اما او بعدها به شیوه تازه‌ای دست یافت که توسط شاگردانش تا اواخر سده یازدهم هجری دنبال شد. به طور کلی این هنرمند به بازنمایی نموده‌های عینی تمایل داشت و در ضبط حرکات و سکانات آدمها تلاش بسیار می‌ورزید. در آثار متأخر او پیکرها بیش از حد باوقار و ساختگی، چهره‌ها درشت و چین‌وشکن جامه‌ها و سایر جزئیات خشک و یکنواخت به نظر می‌رسد. او در رنگ‌آمیزی تصاویر نیز تحولی پدید آورد و در کارهای خود از رنگهای ارغوانی و انواع قهوه‌ای استفاده می‌کرد.^(۱۴) علاوه بر این او در نقش صورت‌سازی روی کاشی – که در دوران سلجوقی نیز رواج داشت – هم مکتب تازه‌ای به وجود آورد. در هر حال استقبال از شیوه‌های ابداعی او باعث شد که مکتب اصفهان در زمان شاه عباس با نام رضاعباسی مترادف گردد و بیشتر نگارگران از سبک وی پیروی کنند.^(۱۵) بعضی محمد شفیع عباسی (ف ۱۰۸۵ ق) از نقاشان مشهور دوره شاه عباس دوم (حک ۱۰۵۲-۱۰۷۷ ق) را به اشتباه فرزند رضاعباسی دانسته‌اند؛ حال آنکه به نظر می‌رسد نقاش مذکور یکی از شاگردان اواخر حیات وی باشد، اما تحت شرایطی از جمله با بررسی آثار بازمانده از رضا عباسی، می‌توان محمدباقر نقاش را تنها فرزند وی خواند. از میان آثار فراوان رضا عباسی می‌توان به این موارد اشاره کرد: تصویر جوانی به نام شاه‌درویش بهشتی همدانی، به تاریخ سال ۱۰۳۴ ق، محفوظ کتابخانه گلستان تهران؛ تصویر مجلس استحمام شیرین، به تاریخ صفر ۱۰۴۲ ق؛ تصویر پیرمرد مغول، محفوظ در موزه استکهلم؛ و تصویر تمام قد خدمتکار جوانی با لباس عهد صفویه و سینی قهوه.^(۱۶) غیر از اینها صور زیبای دیگری را به رضاعباسی انتساب داده‌اند که عبارت‌اند از: تصویر شاه [عباس] صفوی در حالی که به طبیب مشهور، محمدشمسا، جام باده‌ای را تعارف می‌کند؛ تصویر بانویی از وزرای شاه عباس که محفوظ در کتابخانه ملی پاریس، و

هفده تصویر بر نسخه‌ای از خمسه نظامی - تاریخ یکی از تصویرها ۱۰۴۲ ق است - که در موزه ویکتوریا و آلبرت لندن نگهداری می‌شود.^(۱۷)

همچنین در موزه متروپولیتن نیویورک دو نسخه خطی از شاهنامه که در عهد شاه عباس بزرگ تهیه شده‌اند، وجود دارد. نسخه اول به تاریخ ۹۹۶ ق با ۴۰ تصویر بزرگ و نسخه دوم به تاریخ ۱۰۱۴-۱۰۱۶ ق شامل ۸۵ نگاره بزرگ است. نام نقاشان تصاویر این نسخه‌ها مشخص نیست، اما دیموند^۱ با توجه به سبک صور اشخاص و مناظر طبیعی تصویرها، آنها را به رضا عباسی نسبت داده است. رضا عباسی شاگردان زیادی را در مکتب خود پرورش داد که هر یک از آنان به سهم خود از استادان طراز اول و برجسته دوران خود به شمار می‌رفتند. مهم‌ترین آنان معین مصور بود که استادش علاقه بسیار به او داشت، تا حدی که در بسیاری از آثارش از وی به نیکی یاد کرده و او را فرزند عزیز خود خوانده است. شفیع عباسی، افضل مصور حسینی یا افضل تونی، شیخ محمد، حبیب‌الله مشهدی، و شاه قاسم نیز از دیگر شاگردان رضاعباسی بودند.^(۱۸)

اما شایلا کنبی^۲ در مقاله‌ای رضا عباسی را همان آقا رضا دانسته و در شرح حال او آنچه را که قاضی احمد منشی و اسکندریگ ترکمان درباره آقارضا یا آقارضاکاشی نوشته‌اند، آورده است. در هر حال، وی آثار متعددی را به رضا عباسی نسبت داده است: مرد جوان باردای آبی، به تاریخ ۱۵۸۷ م، موجود در موزه آرتور سکلر؛ شکارچی سواره، به تاریخ حدود ۱۵۹۵ م، موجود در موزه ویکتوریا و آلبرت لندن؛ مردی با پوشش خزدار، به تاریخ حدود ۱۶۰۰ م، موجود در موزه متروپولیتن نیویورک؛ نشمی کماندار، به تاریخ ۱۶۳۰ م، موجود در موزه آرتور سکلر؛ رستم فیل دمان را می‌کشد، در نسخه‌ای از شاهنامه فردوسی، به تاریخ حدود ۱۵۹۵ م موجود در کتابخانه و نگارخانه هنر شرقی چستر بیتی؛ جوان و درویش، در نسخه‌ای از مخزن الاسرار نظامی به تاریخ ۱۶۱۴ م، موجود در مجموعه سابق روچیلد.^(۱۹)

رایینسون هم معتقد است که رضاعباسی آثار متأخرش را - که شاید هم منسوب به او باشند - با نام رضا یا آقارضا امضا کرده است. اما در پایان سده دهم هجری وی لقب افتخاری «عباسی» را، که احتمالاً از سوی شاه عباس به او تفویض شده بود، به آن افزود.

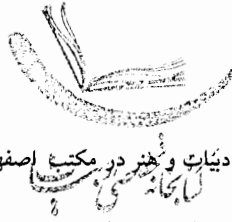
به گفته رابینسون، پیش از تحقیقات سچوکین در کتاب *Les peintures des Manuscrits de Shah Abbas 1 a fin des Safavis* از دیدگاه پژوهشگران آقارضا یا رضا و رضا عباسی دو نقاش متفاوت بودند، اما بررسیهای وی یکی بودن آنان را به اثبات رساند.^(۲۰)

رضا عباسی شیوه و سبک خاصی را ابداع کرد که در آن خط بیش از رنگ اهمیت داشت. او با چند حرکت قلم مو دختران و مردان زیبایی را نقش می‌کرد که تمام ویژگیهای ایرانی در آنها جمع بود. در واقع می‌توان گفت که پیش از رضاعباسی، نقاشی بیشتر جنبه تزئینی داشت و حرکات و حالات اشخاص در آن کمتر مورد توجه قرار می‌گرفت.^(۲۱)

شاه عباس بزرگ پس از جلوس بر تخت پادشاهی، به پیروی از نیاکان خویش، دستور اجرای نسخه باشکوهی از شاهنامه فردوسی را صادر کرد. نگاره‌هایی از این نسخه سالم اکنون در کتابخانه چستر بییتی نگهداری می‌شود که در میان آنها چندین اثر برجسته از صادقی بیگ، نظیر تصویر «زال و سیمرغ» و «فریدون با فرزندان و زنان»، و همچنین نقوش استادانه‌ای از رضا [احتمالاً رضا عباسی] مانند نگاره «تهمورث و دیوها» و «رستم و فیل دمان» جای دارد.

از دیگر آثار درخشان اوایل عهد شاه عباس بزرگ، نسخه‌ای از *انوار سهیلی* ملاحسین واعظ کاشفی است که گویا شاه مذکور در ۱۰۰۱ ق آن را به صادقی بیگ سفارش داده بود. به نظر می‌رسد که صادقی بیگ کار تصویر و تذهیب کمتر از ۱۰۷ نگاره از این نسخه را برعهده داشته است.^(۲۲)

افزون بر چند برگ از نسخه‌های متعدد شاهنامه، که همگی به شیوه مکتب اصفهان نقاشی شده و اکنون به صورت اوراق پراکنده در موزه رضا عباسی تهران نگهداری می‌شوند، دو نسخه دیگر از شاهنامه نیز در این موزه موجود است: یکی به شماره ۵۹۶ به تاریخ حدود ۱۰۵۳ ق که بیست و سه مجلس را دربر دارد و متعلق به مکتب اصفهان است و دومی به شماره ۱۲۲۷-۱۹۴۵ به تاریخ ۱۰۶۰ ق، که شامل دوازده مجلس است. نسخه دیگری از شاهنامه هم به شماره ۴۳۳۶ و با دوازده مجلس به همین سبک در موزه ملی (ایران باستان) نگهداری می‌شود. غیر از اینها سه نسخه دیگر نیز از شاهنامه به شیوه مکتب اصفهان در کاخ موزه گلستان یافت می‌شود که اولی به شماره ۲۲۳۶ تاریخ



۱۰۲۱ق با دوازده مجلس، دومی به شماره ۱۹۴۶ به تاریخ ۱۰۴۸ق با هشتاد و دو مجلس و سومی به شماره ۲۲۳۹ که دارای نود و سه مجلس است. احتمال می‌رود که نگاره‌های نسخه سوم توسط محمدیوسف در حدود ۱۰۶۰-۱۰۷۰ق تهیه شده باشد. (۲۳)

محمدیوسف حسینی مصور (۱۰۶۸ق) از شاگردان بااستعداد رضا عباسی و یکی از پویندگان مکتب اصفهان بود. او در تصویرسازی، چهره‌پردازی، اجرای مجالس رزمی و بزمی و همچنین در کشیدن نقوش گل و مرغ تبحر داشت و در خلق آثارش از شیوه استاد خویش و نیز معین مصور پیروی می‌کرد. از میان آثار متعدد وی می‌توان به تصویر برزو و افراسیاب، به تاریخ ۱۰۵۸ق، تصویر جوانی در صحرا با جامه دوران صفوی، به تاریخ ۱۰۶۶ق و تصویر صحبت پیرمرد عصابه دست با زنی به تاریخ ۱۰۶۸ق، اشاره کرد. (۲۴)

از دیگر شاگردان مشهور رضا عباسی، معین مصور یا آقامعینا (ف ۱۱۱۵ق) است؛ از زندگانی و احوالش اطلاع زیادی وجود ندارد، گویند نزد مردم روزگار خویش به آقامعین و آقامعینا مشهور بود و پس از آنکه به مرور زمان در هنرش ارتقا پیدا کرد خود را معین مصور نامید. معین با بعضی از رجال و اعیان دوران روابط صمیمانه و تماس خالصانه داشت و به نظر چنین می‌رسد که همه عمر را در اصفهان گذراند. وی در شبیه‌سازی و چهره‌پردازی توانا بود و مجالس بزمی و رزمی و مناظر گوناگون را نیکو اجرا می‌کرد. چهره‌پردازیهای معین به شیوه مکتب اصفهان و حال و قیافه مردم آن شهر بود و در کارهایش شیوه مغولی و چینی مرسوم در میان گذشتگان را برنمی‌تافت. علاوه بر این در نقاشی آبرنگ، سیاه‌قلم و قلمدان‌سازی نیز مهارت داشت، هر چند بیشتر آبرنگ کار می‌کرد. در شیوه حل‌کاری و تذهیب زمینه و اطراف نیز چیره‌دست بود و نقش جانوران، دشت و دمن و سایر شیوه میرکی را ماهرانه می‌کشید. (۲۵)

آثار اولیه معین مصور با کارهای استادش، رضا عباسی، پیوند نزدیکی داشت؛ اما در پایان سده یازدهم هجری سبک ویژه‌ای ابداع کرد که سیال، سریع و زیبا، توأم با شیوه رضا عباسی در پس زمینه کار بود. او را صاحب طولانی‌ترین زندگی هنری در تاریخ نگارگری ایران دانسته‌اند. (۲۶)

از طرحهای اولیه او یکی «تکچهره یک جوان» نام دارد که آن را در تاریخ ۲۷ رمضان ۱۰۴۷ق در خانه دوستش شفیع اجرا کرده است. «عشاق» نیز که در ۱۱ محرم ۱۰۵۲ق

به شیوه خط موج کشیده شده، جزو کارهای نخستین معین به شمار می‌رود. معین مصور بجز تصویرپردازی برای شاهنامه معروف به شاهنامه کوجران، نگارگری پنج نسخه مشهور دیگر از شاهنامه به تاریخهای ۱۰۴۰-۱۰۵۰ ق و چند نسخه از تاریخ عالم‌آرای عباسی را بر عهده داشته است. از میان آثار منفرد او می‌توان به تصویر حمله ببر به یک جوان به تاریخ ۱۰۸۲ ق؛ تصویر حمله ازدها به یک انسان به تاریخ ۱۰۸۷ ق؛ تصویر جوان و خروس؛ به تاریخ ۱۰۶۶ ق؛ و تصویر تک‌چهره رضا عباسی به تاریخ ۱۶۷۳ م، اشاره کرد.^(۲۷)

نقاش دیگر مکتب اصفهان، محمد قاسم مصور تبریزی (۱۰۳۲ ق) بود. او در تبریز به دنیا آمد؛ پس از تحصیل مقدمات نقاشی به اصفهان رفت و نزد نقاشان مشهور آن شهر به تکمیل آموخته‌های خود پرداخت. تصاویرش با کارهای استاد محمدی و دیگر استادان پیشتاز مکتب اصفهان برابری می‌کرد. در سایه‌پردازی شیوه خاصی داشت و در آن از قلم ریز تا درشت بهره می‌برد. محمد قاسم در تذهیب و حل‌کاری نیز ماهر بود و جز آن در خوشنویسی و خط نستعلیق توانایی داشت. او آثار بسیاری آفرید که از میان آنها می‌توان به تصویر زن زیبایی که پیراهن سرخ رنگ پوشیده به تاریخ ۱۰۰۴ ق؛ تصویر فلک کردن شاگرد تنبل به تاریخ ۱۰۱۴ ق؛ و تصویر نشسته شاه عباس در زیر سایه یک درخت به تاریخ ۱۰۳۲ ق اشاره کرد.^(۲۸) غیر از اینها گروهی نگاره دیوارهای عمارت عالی قاپو در اصفهان را هم که مملو از نقش مردان و زنان ساغر به دست و تصویر پیکره‌هایی با جامه‌های محلی و با کلاه فرنگی هستند و به رضا عباسی منسوب هستند، از کارهای محمد قاسم دانسته‌اند.^(۲۹)

افضل حسین تونی یا افضل محمد حسینی نیز یکی از نقاشان مشهور مکتب اصفهان و از شاگردان رضا عباسی بود. او در نقاشی از شیوه استادش پیروی می‌کرد و در ترسیم نقوش بزمی و رزمی، رنگ‌آمیزی و زیبانگاری استعداد خوبی داشت.^(۳۰) همچنین نگاره‌های مستقل وی در زمینه مسائل عاشقانه و گرایشهای منحط آن دوران، از بیان قوی برخوردارند. افضل در اجرای نگاره‌های چشمگیر و توانمند شاهنامه بزرگ سال ۱۰۵۱-۱۰۶۱ ق که در کتابخانه سنت‌پترزبورگ نگهداری می‌شود، بیش از نقاشان دیگر سهم داشت.^(۳۱) در ترکیب‌بندیهای افضل، آرایه‌های سنجیده، که از ویژگیهای همه نقاشیهای این نسخه است، به وضوح دیده می‌شود، یکی از تصاویر این نسخه، صحنه

رزمی است که در آن اسبهایی در حال تاختن هستند و حرکت برق‌آسای تن و دُم آنها و نیز چکمه سیاه جنگجویان ضرباهنگ تندی دارد که باعث شده تصور کاملی از یک جنگ سخت به نمایش درآید. افضل این نمای تصویری را از طریق شگردهای تزینی ناب آفریده، حال آنکه پیکره آدمها را عمداً به طرزی ایستا و با ضرباهنگ کندتری نشان داده است. (۳۲)

شاگرد دیگر رضا عباسی در مکتب اصفهان، محمدشفیع، مشهور به شفیع عباسی (ف ۱۰۸۵ق)، نقاش دربار شاه صفی اول (حک ۱۰۳۸-۱۰۵۲ق) و شاه عباس دوم صفوی (حک ۱۰۵۲-۱۰۷۷ق) است. گروهی او را فرزند رضا عباسی پنداشته‌اند؛ حال آنکه خود نقاش در هیچ یک از آثارش به این نسبت اشاره‌ای نکرده است. شفیع عاشق طبیعت بود و در تصاویرش از زیباییهای آن الهام می‌گرفت. او جز نقاشی در انواع خطوط نیز تبحر داشت. وی گویند اواخر عمر رهسپار هند شد تا اینکه سرانجام در آگره درگذشت. فرزند وی به نام محمدتقی از وی به یادگار ماند که او نیز در هنر نقاشی توانا بود. از کارهای مهم محمدشفیع عباسی می‌توان به تصویر مرغ سینه سرخ در روی ساقه نرگس، به تاریخ ۱۰۶۲ق و سه اثر زیبای دیگر اشاره کرد: اولی، تصویر مرغ شانه به سر به تاریخ ۱۰۴۴ق؛ دومی، تصویر طوطی روی شاخه‌های فندق، به تاریخ ۱۰۶۳ق؛ سومی، تصویر کبک چاق روی شاخه گل سیب، به تاریخ ۱۰۶۶ق. این سه تصویر به ترتیب با شماره‌های ۷۱، ۷۲ و ۷ در آلبوم رنگی موزه ارمیتاژ سنت‌پترزبورگ به چاپ رسیده‌اند. (۳۳)

در اینجا باید از دو نقاش برجسته دیگر پایان سلطنت شاه عباس اول به نامهای حبیب‌الله مشهدی و محمدحسین اصفهانی یاد کرد. حبیب‌الله مشهدی هنرمندی بود که نقشهای زیبای خود را به شیوه مکتب اصفهان و سبک رضا عباسی می‌آفرید. پیکره‌های عالی تمام قد نظیر «تصویر جوانی با تفنگ»، موجود در کتابخانه برلین، و چند نگاره زیبای منضم به نسخه بهزادی منطق‌الطیر عطار نیشابوری از کارهای اوست. نسخه منطق‌الطیر را شاه عباس به خانقاه اجدادی خود در اردبیل تقدیم کرد، اما اکنون در موزه هنری متروپولیتن در نیویورک نگهداری می‌شود.

محمدحسین اصفهانی، دیگر نقاش شایسته مکتب اصفهان، نیز سالها به خلق آثار هنرمندانه مشغول بود. سرلوح دو صفحه‌ای «سلیمان و ملکه سبا» در نسخه شاهنامه

۱۰۵۸ ق متعلق به قصر وینزور، از کارهای مهم او محسوب می‌شود.^(۳۴)

اما جز مردان، زنانی هم بودند که در نقاشی دوره صفوی و مکتب اصفهان آثاری از خود به یادگار گذاشتند. یکی از آنان به نام امینه، در نقاشی مینیاتور پیرو مکتب رضاعباسی هنرمند سرشناس دوره صفوی بود. از امینه تنها دو اثر مینیاتور باقی مانده است: اثر اول، سه مرد مست را در حال صحبت با یکدیگر نشان می‌دهد و اثر دوم، منظره‌ای است که در آن قوچ شاخداری از پشت کوه نمایان شده است.^(۳۵)

دیگر نقاش زن در سده یازدهم هجری مسکینه است. او در شبیه‌سازی تصاویر حیوانات چیره‌دست و توانا بود. از آثار زیبای این هنرمند نقاش دو تصویر شبیه‌سازی در یکی از مرقعات ایران بوده است.^(۳۶)

اما نسخه مهم دیگری از شاهنامه در دوره شاه‌عباس تهیه گردید که اکنون در مجموعه اسپنسر کتابخانه عمومی نیویورک نگهداری می‌شود. گویا این نسخه را شاه عباس در ۱۰۱۹ ق سفارش داد. چهل و چهار نگاره این نسخه همه تلفیقی دقیق و درست از شیوه شاهنامه بایسنقر ۸۳۳ ق موجود در تهران است. نسخه دیگری از شاهنامه در این دوره پدید آمد که اگرچه هر سه نگاره آن به شیوه آل اینجو است، اما در اواخر سده دهم هجری اجرا گردیده است.^(۳۷)

جز اینها در خلال دهه دوم سده یازدهم هجری سه نسخه مصور (دیوان فارابی، دیوان هاتفی، دیوان شاهی) برای حسن‌خان شاملو، حاکم هرات تهیه شد که سبک همه آنها به‌ویژه از نظر طراحی با سبک مکتب اصفهان مشابهت داشت.^(۳۸)

همانگونه که قبلاً اشاره شد، شاه عباس بزرگ توجه زیادی به تصاویر و نقش و نگار عمارات داشت که آثار این علاقه‌مندی در دو کاخ سلطنتی او در اصفهان مشهود است. بسیاری از تصاویر این کاخها آمیخته‌ای از سبک نقاشی اروپایی و شیوه ایرانی است. احتمال می‌رود که پدیدآورنده این تصویر یوحنا هلمندی باشد که چند سالی را در خدمت آن پادشاه گذراند. در پایان دوره صفویه تأثیر نقاشان اروپایی باعث شد نقاشان ایرانی از میدان تنگ کتابت و تصویر و تذهیب کتاب به میدان پهناور ترسیم صور مستقل و آرایش عمارات و دیوار نگارگری پای نهند.^(۳۹)

اگرچه در دوره صفویه نقاشان ایرانی به اقتباس از کار نقاشان اروپایی پرداختند، اما در نقاشی کتابهای خطی همچنان از شیوه‌های پیشین پیروی می‌کردند. نمونه‌هایی از این

روش در تصاویر نسخه خطی منظومه یوسف و زلیخا به تاریخ ۱۰۲۹ق و تصاویر نسخه خطی مثنوی مولوی به تاریخ ۱۰۱۲ق، که در موزه دارالآثار العربیه نگهداری می شوند، مشهود است.^(۴۰)

اما در عهد شاه عباس بزرگ به دنبال افت چشمگیر تصویرگری کتاب، نقاشان از دربار فاصله گرفتند و کوشیدند تا آثاری با سرعت بیشتر و وقت و خرج کمتر پدید آورند تا افراد کم درآمد هم بتوانند به این آثار دست یابند. در نتیجه کارهای آنان از ریزه کاریها و پرکاریهای شیوه گذشته عاری گردید؛ همین طور تعداد آدمهای نگاره ها و رنگها کاستی گرفت. نمونه هایی از این تصویرگریها به صورت تمام رنگی، طرحهای مقدماتی متعدد مدادی یا با گچ رنگی وجود دارد. برخی طرحها دارای تهرنگ مختصری است و برخی نیز به شیوه آبرنگ تهیه شده اند.^(۴۱)

در عهد شاه عباس دوم (حک ۱۰۵۲-۱۰۷۷ق) نیز به دلیل علاقه بسیار او به هنر و هنرمندان اروپایی، نماینده یک شرکت مستقر هلندی در اصفهان به دو نقاش هلندی به نامهای انجل و لوکار مأموریت داد نقاشی را به شاه بیاموزند. در این دوره بود که شاه عباس دوم چند تن از نقاشان جوان و با استعداد را به رم فرستاد که مشهورترین آنها محمدزمان نام داشت.^(۴۲)

محمدزمان (۱۱۱۰ق) از نقاشان نوگرای اواسط سده یازدهم هجری و فرزند محمدیوسف قمی بود. جز نقاشی در کار تذهیب، قلمدان سازی و خطاطی نیز مهارت داشت. تاکنون احوال او به درستی معلوم نگردیده است و آنچه تاکنون درباره وی نوشته اند پایه محکمی ندارد. به گفته پژوهشگران ایرانی و خارجی، او برای بهره گیری از الگوهای غربی به رم رفت؛ در آنجا پس از چندی به دین مسیح گروید و نام خود را به پائولو تغییر داد. سپس به ایران بازگشت، اما از بیم فاش شدن مذهب جدیدش رهسپار هند شد و در آنجا به دربار شاهجهان گورکانی پیوست.^(۴۳) اما کریمزاده تبریزی این گفته ها را مردود می شمارد و معتقد است که وی هنرمندی قمی بوده که با سفر به شهرهای هنری ایران در نقاشی تجربه اندوخته است. به گفته او، محمدزمان هرگز به سفر افسانه ای و ساختگی تراویده از افکار بعضی نویسندگان نرفته، بلکه با بهره گیری از استادان برجسته کشورش، نظیر شیخ عباسی و معین مصور، هنر نقاشی خود را اعتلا بخشیده بود. در ادامه مطالب کریمزاده روشن می شود که محمدزمان در نتیجه تلاش

بسیار و ممارست طولانی در نقاشی، به نگرش تازه‌ای دست یافت که به شیوه محمدزمانی شهرت گرفت. او در تصویرسازی گل و شکوفه - به‌ویژه گل‌های تزیینی - و همچنین در اجرای حالات گرفت‌وگیر، مجالس بزمی و رزمی، و نیز تصاویر دشت و دمن و باغ مهارت بسیار داشت؛ او نقش ابر را به شیوه کلاسیک می‌کشید و قواعد پرسپکتیو را در موضوعهای کپی و تقلیدی به دقت اجرا می‌کرد. منبع تمرینی وی تقلید و کپی استادانه‌ای از باسمه‌ها، گراورها و پوستره‌های تبلیغی و مذهبی بود.^(۴۴)

محمدزمان در ۱۰۸۶ق به نقاشی و تکمیل سه صفحه سفید و خالی نسخه‌ای از خمسة نظامی پرداخت. این نسخه حدود ۱۴۰ سال پیش به دستور شاه تهماسب و به خط شاه محمود نیشابوری نوشته شده بود و نقاشان مشهوری چون میرک، میرسیدعلی، میرزا علی و سلطان محمد، در ۹۴۶-۹۵۰ق، آن را مصور کرده بودند. تصاویر لباس اشخاص نقاشی شده توسط محمدزمان در این نسخه بزرگ در مواردی به سبک اروپایی است و مناظر و دورنمای آنها نیز از روی نقاشیهای ایتالیایی آن دوران اقتباس شده است. همچنین در این دوران محمدزمان خمسة دیگری را مصور کرد که اکنون در کتابخانه پیرپونت مورگان در نیویورک نگهداری می‌شود.^(۴۵) گویند محمد زمان تصاویر این خمسة را در طول چهارده سال پدید آورد. موضوع یکی از تصاویر این خمسة «سلطان سنجر و پیرزن متظلم» است و رقم ۱۰۸۶ق را دارد. جز آنها محمدزمان برای نسخه‌ای از شاهنامه نقوشی آفرید. دو نگاره از مجموع پانزده نگاره این شاهنامه به موضوع «تولد رستم» و «ظهور سیمرغ بر رودابه» اختصاص دارد که سبک و شیوه محمدزمان در آنها به‌خوبی آشکار است. این نسخه اکنون در کتابخانه چستربیتی لندن نگهداری می‌شود. وی همچنین تصاویری بر مبنای داستانهای حضرت مسیح خلق کرد که شیوه شمایل نگاری ایتالیایی به‌طور کامل در آنها دیده می‌شود.^(۴۶)

از دیگر آثار محمد زمان می‌توان به این موارد اشاره کرد: قلمدان تابوتی شکل با گل‌های تزیینی متنوع، بارقم یا صاحب‌الزمان به تاریخ ۱۰۷۰ق؛ منازعه بهرام‌گور با اژدها به تاریخ ۱۰۸۶ق؛ سنبل کوهی به تاریخ ۱۰۹۴ق، محفوظ در موزه ارمیتاژ در سنت‌پترزبورگ، قربانی ابراهیم به تاریخ ۱۰۹۶ق، موجود در موزه ارمیتاژ؛ شکوفه بادام به تاریخ ۱۱۰۵ق، محفوظ در موزه ارمیتاژ، هدیه انگلستان به تاریخ ۱۱۰۶ق، موجود در موزه ارمیتاژ.^(۴۷)

سبک محمدزمان پیروان زیادی پیدا کرد که علیقلی جبه‌دار، شیخ عباسی و پسر او، علینقی، از آن جمله بودند. علیقلی جبه‌دار یا جبادار به نامهای علیقلی بیگ فرنگی، علیقلی جبه‌دار عباسی و علیقلی آرنائوت در صحنه نقاشی و تصویرسازی ایران مشهور بود. به نظر می‌رسد که وی جوانی آلبانیایی بوده که در عهد شاه عباس دوم صفوی به ایران آمده و در جبه‌خانه - انبار آلات و ادوات جنگی - دولتی مشغول به کار شده است. علیقلی به دلیل قابلیت بسیار خود در هنر نقاشی به دربار ایران راه یافت و پس از آن به دین اسلام درآمد و نام علیقلی، را برای خود برگزید. او بیشترین آثار خود را در دوره شاه سلیمان صفوی خلق کرد. شیوه وی در نقاشی آمیخته‌ای از سبک کلاسیک اروپایی و مکتب مینیاتورسازی ایرانی بود اما افزون بر این از شیوه مغولی یا هند و ایرانی نیز در آثارش بهره می‌برد. علیقلی در چهره‌سازی و شبیه‌پردازی و ارائه مجالس بزمی و رزمی مهارت داشت و در نقش حیوانات و پرندگان و دشت و دمن نیز قوی دست بود. همچنین قواعد پرسپکتیو را می‌دانست و در تذهیب و حل‌کاری مکتبی نیکو داشت. گویا عمری طولانی کرد و در حدود ۸۵ تا ۹۰ سالگی درگذشت. بسیاری از آثار علیقلی در آلبوم بزرگ موزه ارمنی‌اثر سنت‌پترزبورگ نگهداری می‌شود. از آن جمله می‌توان به تصویر اجتماع دراویش و نوازندگان در مهتاب شبانه، تصویر سفیر روس آرتمی پتروویچ ولنسکی، به تاریخ ۱۱۲۹ق، و تصویر مجنون، به تاریخ ۱۰۹۹ق، اشاره کرد.^(۴۸)

هنرمند نقاش دیگر این دوران که پیرو و مقلد شیوه زمان و علیقلی جبه‌دار بود، شیخ عباسی نام داشت. او در روزگار شاه عباس دوم به دلیل شایستگی هنر خویش به دربار تقرب پیدا کرد و از شاه لقب «عباسی» گرفت. از زندگانی وی اطلاعی در دست نیست، تنها دانسته شده که دو پسر به نامهای محمدتقی و علینقی داشت که هر دو چون پدر به هنر نقاشی مشغول بودند. از آثار شیخ عباسی می‌توان اینها را برشمرد: «تصویر جلوس شاه عباس دوم» به تاریخ ۱۰۷۴ق که در کتاب شاه عباس و هنر اصفهان رابینسون به چاپ رسیده؛ تصویر شاهزاده هندی با جام شراب، به تاریخ ۱۰۸۴ق که در کتاب *Islamic Painting* آمده؛ تصویر درویشان و محفل اخوت، به تاریخ ۱۰۹۸ق که در موزه هنرهای تزئینی تهران نگهداری می‌شود؛ تصویر بهمن دلاور در شکارگاه، که در نسخه‌ای از شاهنامه وجود داشته و تاریخ ۱۰۶۰ق را دارد و تصویر مرغ زیبا، به تاریخ ۱۰۸۲ق.^(۴۹)

همانگونه که پیشتر ذکر شد، علینقی (۱۱۱۲ق) فرزند شیخ عباسی هم از هنرمندان نقاش این دوره بود. شیوه کار او نشان می‌دهد که مکتب محمدزمان و پدرش شیخ عباسی را درک کرده و تصاویر خود را بر مبنای مکتب آن دو می‌آفریده است. علینقی نیز چون پدر در چهره‌سازی و ارائه مجالس بزمی مهارت داشت و در پرنده‌سازی، تذهیب و نقوش هندسی هم قوی دست بود. از زندگانی او نیز اطلاعی در دست نیست. از او آثاری باقی مانده که از آن میان می‌توان به اینها اشاره کرد: تصویر پیرمرد، با آبرنگ و به شیوه مکتب اصفهان؛ تصویر پیرشاهت سلطان بایزید در کنار شیراهلی به تاریخ ۱۰۹۶ق؛ تصاویری بر نسخه شاهنامه موجود در موزه متروپولیتن نیویورک از جمله تصویر عروسی سیاوش با فرنگیس دختر افراسیاب به تاریخ ۱۱۰۴ق، تصویر جلوس افراسیاب روی تخت سلطنتی شش‌گوشه، به تاریخ ۱۱۰۴ق، تصویر بی‌تابی فریدون در مقابل جسد فرزندش به تاریخ ۱۱۰۸ق.^(۵۰)

غیر از هنرمندان یاد شده، نقاشان بسیار دیگری در این دوره می‌زیسته‌اند که همه به شیوه مکتب اصفهان و از پیروان رضاعباسی، بانی اصلی این مکتب، بودند. از میان آنان می‌توان محمد ابراهیم (۱۰۸۵ق)، محمد امینی، محمدباقر (۱۰۶۹ق)، محمدطاهر، محمد محسن‌خانی (۱۰۵۹ق)، میرسیدمحمد نقاش، محمودای نقاش (۱۰۱۱ق) و عنایت‌الله اصفهانی را نام برد.^(۵۱)

در هر حال، یکی از ویژگیهای نقاشی سده یازدهم هجری تغییر در اندازه پیکر اشخاص نقاشی بود؛ به طوری که تقریباً همه با قامتی بلند و رعنا تصویر شده‌اند. دیگر ویژگی تصویرسازی این دوره تقلیل تعداد اشخاص در نقاشیهاست که اغلب به جای افراد زیاد یک یا دو نفر در تصویر دیده می‌شود؛ حال آنکه در سده پیش، صفحه‌های نقاشی مملو از صور بزرگان، اتباع، تماشاچیان و جز آنها بود. در این دوره همچنین استادان نقاشی از آرایشهای ترکیبی و تزیینهای گوناگون در تصویرسازی دوری جستند و تنها به آرایش متن و زمینه تصویر با درختچه‌های کوچک و بوته‌دار و شاخه‌های گلدار اکتفا کردند. بدین ترتیب موقعیت و مقام اشخاص به‌خوبی در نقاشیها ظاهر و آشکار گردید.^(۵۲)

در اینجا باید درباره تأثیر نقاشی عهد صفوی و مکتب اصفهان بر هنر نگارگری تیموریان هند و مکتب هندوایرانی آن دیار مطالبی ذکر شود.

گروهی از نقاشان ایرانی نظیر آقارضا، دولت، احمد نقاش، میرزا غلام و محمد مقیم مصور، که در زمان شاه تهماسب صفوی به هند کوچیدند، شاگردان بسیاری را در آن سرزمین تربیت کردند. با تأثیر از سبک آن استادان هنرمند بود که مکتبی میان شیوه هند و ایرانی به وسیله میر مصور، میر سیدعلی، عبدالصمد و چند تن از دیگر نقاشان ایرانی ساکن هند پای گرفت.^(۵۳)

همان طور که پیشتر در مکتب تبریز بدان اشاره شد، همایون شاه در بازگشت از ایران هنرمندان نقاشی نظیر سیدعلی تبریزی و عبدالصمد شیرازی را که از پیروان مکتب بهزاد بودند، با خود به هند برد. سیدعلی از هنرمندانی بود که در شکل دادن به مکتب نقاشی اصفهان تلاش ورزید، او و عبدالصمد با بهره‌گیری از سنتهای نقاشی عهد صفوی، بنیاد نقاشی سبک مغولی هند را پایه‌گذاری کردند. این شیوه همانا از آمیزش نفوذ چینی و نقاشیهای بهزاد در هرات - به‌ویژه در دربار سلطان حسین بایقرا - به وجود آمد. بدین ترتیب نقاشی مغولی در هند براساس تداوم و انتقال شیوه‌های کمال یافته تیموریان و مکتبهای اولیه صفوی شکل گرفت.^(۵۴)

نخستین بخش فعالیت عبدالصمد در سلک نقاشان گورکانی در حد فاصل آخرین سالهای پادشاهی همایون و آغاز جلوس جلال‌الدین اکبر قرار داشت. او در مشاغل مانند سرپرستی کارگاه کتابت دربار اکبر، سبک و فن نقاشی ایرانی را انتقال داد. بارزترین نشانه تأثیر وی بر کارهای نسل بعدی نقاشان در نقاشیهای دو فرزندش، بهزاد و محمدشریف، مشهود است. بلندپروازانه‌ترین نقاشی این شاگردان، تصویر امیر جوانی با لباس زرین در حال سواری در حومه شهر است. برخی این نقاشی را که در مرقع جهانگیر وجود دارد، به خود عبدالصمد نسبت داده‌اند. تصویرهای نسخه‌خمس نظامی ۱۰۰۳-۱۰۰۴ ق نیز از نمونه‌های همکاری عبدالصمد و فرزندش بهزاد به شمار می‌رود.^(۵۵)

اما نقاشان ایرانی پس از ورود به هند، به «یکه‌صورت‌سازی» یا به اصطلاح امروز «پرتره‌سازی» برای پادشاهان تیموری هند و درباریان پرداختند. یکی از نقاشان هندی به نام بشنداس با بهره‌گیری از شیوه استادان ایرانی چندان در این کار مهارت یافت که جهانگیر شاه او را برای تهیه تصویری از شاه عباس بزرگ به دربار آن پادشاه گسیل داشت. پس از آنکه بشنداس تصویر شاه عباس را به جهانگیر تقدیم کرد، جهانگیر

رضایت کامل خود را به وی اعلام داشت. بشنداس در نقاشی به روش ایرانیها کار می‌کرد، اما در «یکه صورت سازی» تخصص یافت.^(۵۶) او در جوانی به سبب لیاقت و ذوق هنری خویش به جمع محدود هنرمندان تصویرگر مرقع گلشن پیوست. از دیگر آثار او می‌توان به تصویر سلطان بغداد و دختران چینی در کتاب *انوار سهیلی* موجود در موزه بریتانیا در لندن، تصویر محفل هنرمندان، تصویر راجه سورج دایی جهانگیر و تصویر سالروز تولد جهانگیر در کتاب *جهانگیرنامه* اشاره کرد. محمدعلی کریم‌زاده تبریزی در کتابش *مشخصات پنج تصویری* را که بشنداس از شاه عباس بزرگ کشیده، ذکر کرده است.^(۵۷)

جهانگیر شاه نیز چون پدر و جدش به هنر نقاشی علاقه وافر داشت. به همین سبب نزد چند تن از استادان آن دوره این هنر را به‌خوبی فراگرفت. از نقاشان برجسته دوره او، جز بشنداس می‌توان از فرخ‌بیگ، محمدنادر، محمدمراد، آقارضا، استاد منصور نادرالعصر، کشور، منوهر، مادو و تلسی نام برد. موضوع نقاشیهای عهد جهانگیر مانند موضوع نقاشیهای مکتب اصفهان بیشتر به ساختمانها، گلها، حیوانات، پرندگان و مناظر طبیعی اختصاص داشت. همچنین دوره او از نظر پیشرفت و تکامل مکتب نقاشی مینیاتوری مغول که در زمان اکبر شاه آغاز شده بود، نیز اهمیت خاصی یافت.^(۵۸)

فرخ‌بیگ مصورگر جی‌زاده تازه‌مسلمانی بود که ابتدا در زمان شاه تهماسب همراه برادرش سیاوش‌بیگ به ایران آمد و به دربار پادشاه تقرب یافت؛ وی سپس به جرگه معتمدان نایب سلطنت، سلطان حمزه‌میرزا، پیوست. او پس از قتل حمزه‌میرزا، به دلیل تزلزل مقام، به دربار اکبرشاه در هند روی آورد و با اثبات شایستگی هنری‌اش به کتابخانه اکبری راه یافت؛ بعد از چندی به تشویق اکبرشاه به بیجاپور در جنوب هند رفت و فعالیت هنری خود را در آنجا آغاز کرد. پس از مرگ اکبر، فرزندش، جهانگیر، او را به دربار فراخواند و بعد از مرگ دسونده، وی را به ریاست نقاشخانه سلطنتی برگزید. او در پرتره‌سازی و شبیه‌سازی مهارت داشت و نقش جانوران، پرندگان و دشت و دمن را نیز نیکو اجرا می‌کرد، افزون بر این در تذهیب و حل‌کاری و آرایش صحنه‌ها توانا بود. از میان آثار متعدد او می‌توان به این موارد اشاره کرد: تصویر شاهزاده جوان با کلاه عمامه‌ای پردار، در مرقع گلشن (ص ۴۷ نسخه چاپی)؛ تصویر پرشاهت شاه تهماسب در جوانی، موجود در آلبوم کتابخانه چستربیتی لندن؛ دو اثر مرقع شاه جهان، محفوظ در

موزه چستر بیتی و پنج مجلس از مجالس نسخه‌خمس نظامی زمان اکبرشاه.^(۵۹)

نقاش دیگر دوره جهانگیر، محمدنادر سمرقندی بود که از دوران کودکی و جوانی او اطلاعی در دست نیست، تنها می‌دانیم که در اواسط سده یازدهم هجری در هند ساکن بوده است. محمدنادر نیز چون بسیاری از نقاشان مکتب اصفهان در شبیه‌سازی و چهره‌پردازی، دقیق و ریزه‌کار بود و نقش گل و مرغ را زنده و باطراوت می‌کشید. افزون بر این در تذهیب و تشعیر نیز مهارت داشت. از آثارش می‌توان تصویر خلیل‌الله‌خان، تصویر گل‌نرگس بلند و خوش‌خراش، تصویر اعظم‌خان کوکا و مظفرحسین فدایی‌خان، به تاریخ ۱۰۹۷ ق موجود در موزه بریتانیا، تصویر شیخ شیراحمد و تصویر باز شکاری در مقابل یک گل زیبا را نام برد.^(۶۰)

در اینجا باید از محمدخان مصور هندی، نقاش اواسط سده یازدهم هجری که از پیروان شیوه مکتب اصفهان بود، یاد کرد. در مورد او می‌توان سه حدس را مطرح ساخت: اول آنکه استادان اولیه‌اش ایرانی بوده‌اند، دوم آنکه به اصفهان رفته و در آن شهر به کسب هنر نقاشی پرداخته است و سوم آنکه کارهایش را از روی آثار مشاهیر نقاشان اصفهانی کپی و تقلید می‌کرده است. در هر حال محمدخان، چهره‌ساز خوش‌نقشی بود و صورتها را بسیار شبیه می‌کشید. افزون بر این او در رنگ‌آمیزی، تزئین، انواع البسه، منظره‌سازی و شکوفه‌آرایی مهارت داشت. از تصاویر او در شیوه مکتب اصفهان می‌توان به تصویر شاهزاده‌ای جوان با کلاه عمامه‌ای سبز روشن به تاریخ ۱۰۴۳ ق اشاره کرد.^(۶۱)

اما دسونده، دیگر نقاش هندی، فرزند نامه‌رسانی فقیر و شاگرد با استعداد میرسیدعلی و عبدالصمد شیرازی بود. به گفته ابوالفضل علامی در کتاب آیین اکبری، اکبرشاه با دیدن نمونه‌ای از نقاشیهای وی را برای تعلیم به خواجه عبدالصمد سپرد تا اینکه به‌زودی سرآمد روزگار خود شد. اما گویا دیری نگذشت که از شدت بیماری سودا دیوانه شد و در ۱۰۰۵ ق در حالی که هنوز جوان بود، درگذشت. از مهم‌ترین آثار او یکی تصاویر رزمنامه جیپور است که به سرپرستی میرسیدعلی و عبدالصمد شیرازی و همکاری سه نقاش دیگر به نامهای لعل، فاضل، و بساون تهیه گردیده است.^(۶۲)

بساون، دیگر نقاش هندوی اواسط سده یازدهم هجری بود. او نیز از شاگردان خواجه عبدالصمد شیرازی، ملقب به شیرین‌قلم، و میرسیدعلی به شمار می‌رفت و در

کارهایش از شیوه آنها بهره می‌جست. او پدر منوهر نقاش معروف هندی است. ابوالفضل علامی در آیین اکبری می‌نویسد که بساوند در طراحی، چهره‌گشایی، رنگ‌آمیزی و شبیه‌نگاری و دیگر فنون نقاشی به چنان مهارتی دست یافت که بعضی او را به دسولته ترجیح می‌داده‌اند. از آثار این هنرمند هندو می‌توان به تصویر دختر زیبای هندی کمانچه به دست، محفوظ در موزه گیومه پاریس، و تصویر سفر پادشاه هند - که اقتباسی از موضوعهای کتاب جامع‌التواریخ بوده و در مرقع گلشن ضبط شده - اشاره کرد. (۶۳)

اما یک هنرمند نقاش زن ایرانی هم از مکتب اصفهان در دربار جهانگیر گورکانی به فعالیت هنری مشغول بوده است. او نادره‌بانو دختر میرزاتقی بود. نادره‌بانو زیر نظر رضاعباسی، نقاش مشهور دوران شاه عباس بزرگ، رموز هنر نقاشی را فراگرفت و در آن ماهر شد. پس از آن همراه پدر به هند رفت و به دربار جهانگیر پادشاه راه یافت و شهرت و اعتبار بسیاری کسب کرد. دو اثر امضادار نادره‌بانو در کتابخانه سلطنتی ایران موجود است. (۶۴)

ارجاعات

۱. پوروش، بیتا، «بررسی کتاب: در جستجوی بهشت، هنرهای ایران در دوره صفویان»، گلستان هنر، ش ۱، ص ۱۲۳.
۲. محمد حسن، زکی، تاریخ نقاشی در ایران، ترجمه ابوالقاسم سحاب، ص ۱۴۴.
۳. خان سالار، زهرا، «پژوهشی در تصویر سازی عامیانه و کتاب‌آرایی دوره قاجار» فصلنامه فرهنگ مردم، ش ۱۴، صص ۱۷۹، ۱۸۰.
۴. اشرفی، م. م.، همگامی نقاشی با ادبیات ایران، ترجمه رویین پاکباز، صص ۱۸۱، ۱۸۲.
۵. رابینسون، ب. و.، هنرنگارگری ایران، ترجمه یعقوب آژند، ص ۷۲.
۶. فتوحی، محمود، نقد خیال، ص ۵۲.
۷. منشی قمی، قاضی میراحمد، گلستان هنر، به تصحیح و اهتمام احمد سهیلی خوانساری، صص ۱۴۹، ۱۵۰.
۸. ترکمان منشی، اسکندریگ، تاریخ عالم‌آرای عباسی، به کوشش ایرج افشار، ج ۱، ص ۱۷۶.

۹. کریم‌زاده تبریزی، محمد علی، احوال و آثار نقاشان قدیم ایران و برخی از مشاهیر نگارگری هند و عثمانی، ج ۱، صص ۲۰۰-۲۰۴.
۱۰. شریف‌زاده، عبدالمجید، تاریخ‌نگارگری در ایران، صص ۱۵۲، ۱۵۳؛ اشرفی، م.م. همگامی نقاشی با ادبیات در ایران، ص ۱۸۲.
۱۱. سوچک، پریسیلا، «هنرمندان ایرانی در هند گورکانی»، ترجمه عباس آقاجانی، گلستان هنر، ش ۲، صص ۱۳۴-۱۳۷.
۱۲. محمد چغتایی، «سخنی پیرامون بهزاد و آقارضا مصور»، ترجمه محمد ریاض، هنر و مردم، ش ۱۸۲، صص ۳۴، ۳۵.
۱۳. کریم‌زاده تبریزی، محمد علی، احوال و آثار نقاشان قدیم ایران و برخی از مشاهیر نگارگری هند و عثمانی، صص ۱۸۵، ۱۸۶، ۱۸۸.
۱۴. اشرفی، م.م.، همگامی نقاشی با ادبیات در ایران، ص ۱۸۳.
۱۵. شریف‌زاده، عبدالمجید، تاریخ‌نگارگری در ایران، ص ۱۵۶.
۱۶. کریم‌زاده تبریزی، محمد علی، احوال و آثار نقاشان قدیم ایران و برخی از مشاهیر هند و عثمانی، صص ۱۸۹-۱۹۲.
۱۷. محمد حسن، زکی، تاریخ نقاشی در ایران، صص ۱۵۸، ۱۵۹.
۱۸. کریم‌زاده تبریزی، محمد علی، احوال و آثار نقاشان قدیم ایران و برخی از مشاهیر نگارگری هند و عثمانی، ص ۱۹۰.
۱۹. کنبی، شیلا، «سن و سال در نگاره‌های آقارضا»، دوازده رخ، ترجمه یعقوب آژند، صص ۲۰۹، ۲۱۵، ۲۱۹، ۲۲۳، ۲۲۶، ۲۲۸، ۲۲۹، ۲۳۲.
۲۰. رابینسون، ب.و.، هنر نگارگری در ایران، ترجمه یعقوب آژند، ص ۷۳.
۲۱. رزاقی، حسین، «هنر ایرانی»، مجموعه مقالات کنگره بین‌المللی کتاب و کتابخانه در تمدن اسلامی، چاپ اول، ص ۱۰۲۹.
۲۲. رابینسون، ب.و.، هنر نگارگری در ایران، ترجمه یعقوب آژند، صص ۷۳ و ۷۴.
۲۳. شریف‌زاده، عبدالمجید، تاریخ‌نگارگری در ایران، صص ۱۵۸-۱۵۹.
۲۴. اثرآفرینان، زیر نظر عبدالحسین نوایی، ج ۵، ص ۱۸۳.
۲۵. کریم‌زاده تبریزی، محمد علی، احوال و آثار نقاشان قدیم ایران و برخی از مشاهیر نگارگری هند و عثمانی، ج ۳، صص ۱۱۷۴، ۱۱۷۵، ۱۱۸۱-۱۱۸۳.

۲۶. رایینسون، ب. و.، هنر نگارگری در ایران، ترجمه یعقوب آژند، صص ۷۷، ۷۸.
۲۷. فرهاد، معصومه، «آئینه زمان، معین مصور»، ترجمه یعقوب آژند، دوازده رخ، صص ۲۸۹، ۳۰۱، ۳۰۴، ۳۰۵، ۳۰۸.
۲۸. اثرآفرینان، زیر نظر عبدالحسین نوایی، ج ۵، صص ۱۷۶، ۱۷۷.
۲۹. شریف‌زاده، عبدالمجید، تاریخ نگارگری در ایران، ص ۱۶۲.
۳۰. کریم‌زاده تبریزی، محمد علی، احوال و آثار نقاشان قدیم ایران و برخی از مشاهیر نگارگری هند و عثمانی، ج ۱، ص ۸۳.
۳۱. شریف‌زاده، عبدالمجید، تاریخ نگارگری در ایران، ص ۷۸.
۳۲. م. م. اشرفی، همان، ص ۱۸۵.
۳۳. کریم‌زاده تبریزی، محمد علی، احوال و آثار نقاشان قدیم ایران و برخی از مشاهیر نگارگری هند و عثمانی، صص ۲۴۳-۲۴۵.
۳۴. رایینسون، ب. و.، هنر نگارگری در ایران، ترجمه یعقوب آژند، ص ۷۴.
۳۵. رجبی، محمد حسن، مشاهیر زنان ایرانی پارسی‌گوی.
۳۶. دایرةالمعارف زن ایرانی، به سرپرستی مصطفی اجتهادی، ج ۲، ص ۸۵۵.
۳۷. رایینسون، ب. و.، هنر نگارگری در ایران، ترجمه یعقوب آژند، ص ۷۶.
۳۸. رایینسون، ب. و.، هنر نگارگری در ایران، ترجمه یعقوب آژند، ص ۷۷.
۳۹. محمد حسن، زکی، تاریخ نقاشی در ایران، ترجمه ابوالقاسم سحاب، ص ۱۵۳.
۴۰. محمد حسن، زکی، تاریخ نقاشی در ایران، ترجمه ابوالقاسم سحاب، ص ۱۵۵.
۴۱. شریف‌زاده، عبدالمجید، تاریخ نگارگری در ایران، صص ۱۵۶، ۱۵۷.
۴۲. همان، ص ۱۳۶.
۴۳. اثرآفرینان، زیر نظر عبدالحسین نوایی، ج ۵، صص ۱۶۵-۱۶۶.
۴۴. کریم‌زاده تبریزی، محمد علی، احوال و آثار نقاشان قدیم ایران و برخی از مشاهیر نگارگری هند و عثمانی، صص ۷۲۷، ۷۳۷، ۷۴۳-۷۴۵، ۷۴۸، ۷۵۸، ۷۷۲.
۴۵. ذکاء، یحیی، «محمد زمان»، سخن، ش ۹ و ۱۰، ص ۱۰۱۴.
۴۶. شریف‌زاده، عبدالمجید، تاریخ نگارگری در ایران، ص ۱۶۵.
۴۷. کریم‌زاده تبریزی، محمد علی، احوال و آثار نقاشان قدیم ایران و برخی از مشاهیر نگارگری هند و عثمانی، صص ۷۸۲، ۷۸۴.

۴۸. کریم‌زاده تبریزی، محمد علی، ج ۱، صص ۳۸۸، ۳۸۹، ۳۹۱، ۳۹۲، ۳۹۶، ۳۹۷.
۴۹. همان، صص ۲۵۱، ۲۵۲.
۵۰. همان، صص ۴۰۴، ۴۰۵.
۵۱. اثر آفرینان، زیر نظر عبدالحسین نوایی، ج ۴، ص ۲۱۳ و ج ۵، صص ۱۴۷، ۱۵۰، ۱۵۲، ۱۷۱، ۱۷۸، ۱۸۳، ۳۲۶.
۵۲. محمد حسن، زکی، تاریخ نقاشی در ایران، ترجمه ابوالقاسم سحاب، ص ۱۵۶.
۵۳. منشی قمی، قاضی میراحمد، گلستان هنر، به تصحیح و اهتمام سهیل خوانساری، ص ۴۵.
۵۴. عزیزاحمد، تاریخ تفکر اسلامی در هند، ترجمه نقی لطفی و محمد جعفر یاحقی، ص ۱۹۱.
۵۵. پریسلا سوچک، سلطان محمد تبریزی، ترجمه یعقوب آژند، صص ۱۳۰، ۱۳۲، ۱۳۳.
۵۶. بهنام، عیسی، «نقاشان ایران در هندوستان»، هنر و مردم، ش ۲۳، ص ۶.
۵۷. کریم‌زاده تبریزی، محمد علی، احوال و آثار نقاشان قدیم ایران و برخی از مشاهیر نگارگری هند و عثمانی، ج ۱، صص ۱۰۱، ۱۰۲.
۵۸. شیروانی، ریاض احمد، «غنی کشمیری»، سرینگر، جمون‌الله کشمیر اکیدمی آف ارت کلچرایند لینگویجز، ص ۷۴.
۵۹. کریم‌زاده تبریزی، محمد علی، احوال و آثار نقاشان قدیم ایران و برخی از مشاهیر نگارگری هند و عثمانی، ج ۲، صص ۵۰۳، ۵۰۴، ۵۰۶، ۵۰۹.
۶۰. همان، ج ۳، صص ۱۰۸۹، ۱۰۹۰.
۶۱. همان، ج ۲، ص ۷۱۲.
۶۲. همان، ج ۱، ص ۱۷۲.
۶۳. همان، ص ۱۰۰.
۶۴. دایرةالمعارف زن ایرانی به سرپرستی مجتبی اجتهادی، صص ۸۸۷، ۸۸۸.

مرقعات دوره صفویان و گورکانیان هند

در تعریف مرقع آورده‌اند که عارفان صاحب‌دل پس از پشت‌پازدن به دنیا به قصد خوار و بی‌مقدار جلوه دادن جامه‌های زیبا در چشم اهل دنیا، از کهنه‌پاره‌ها و ژنده‌های فرسوده مرقعی فراهم می‌آوردند و با رقعۀ دوختن و وصله بر وصله زدن، تن‌پوش بی‌مقداری برای خود می‌ساختند. این مرقع غالباً از خرقة‌ها، رقعۀ‌ها و وصله‌های پشمی تهیه می‌گردید تا در سرمای زمستان از آن استفاده شود.^(۱) حافظ دربارهٔ مرقع می‌گوید:

من این مرقع پشمینه بهر آن دارم که زیر خرقة کشم می‌کس این گمان نبرد
در اصطلاح نیز مجموعه‌ای از اوراق پراکنده را که از ترکیب و تنظیم قطعه‌های منتخب خطوط خوشنویسان و صفحه‌های تصویری نقاشان چیره‌دست توسط وراقان و صحافان زبردست تهیه می‌گردید و به مرقع درویشان شباهت داشت، مرقع گفته‌اند.^(۲)
اما امروز از آن به آلبوم هنری تعبیر می‌شود: مجموعه‌ای دلنشین و چشم‌نواز از قطعات خوشنویسی، نگارگری و طراحی که برخی از هنرمندان برای حامیان خویش فراهم می‌آوردند.

مرقع‌سازی از زمانی آغاز شد که هنر و هنرمندان برای خود پیشینه‌ای اندوخته بودند و گردآورندهٔ مرقع می‌توانست به ترتیب تاریخی و با حفظ گاهشماری آثار هنری، آنها را

در کنار یکدیگر قرار دهد و حتی تاریخ پرورش و سیر تاریخی آثار هنری را به حامی خویش بنمایاند.^(۳)

معمولاً مرقع ساز، به قصد توضیح و تشریح آثار گردآوری شده و به نیت آگاهی هر چه بیشتر حامی هنر، دیباچه‌ای نیز بر مرقع می‌نوشت و در ابتدای آن قرار می‌داد. امروزه این دیباچه‌ها از مهم‌ترین تاریخچه‌های هنری ایران به شمار می‌روند که از میان آنها می‌توان به این موارد اشاره کرد: دیباچه دوست محمد گواشوانی بر مرقع بهرام میرزا، دیباچه مالک دیلمی بر مرقع امیرحسین بیگ، دیباچه خواجه‌عبدالله مروارید، دیباچه شمس‌الدین وصفی بر مرقع شاه اسماعیل دوم، دیباچه محمد صالح بر مرقع ولی محمدخان، دیباچه امیرعلی حسینی بر مرقع مغولان اعظم و دیباچه خواندمیر بر مرقع کمال‌الدین بهزاد. مرقع سازی، به‌ویژه از سده دهم هجری رونق و رواج یافت و تألیف و ترکیبی جدید برای شناسایی و احوال هنرمندان گردید.^(۴)

در دوره صفویه، شاهزادگان هنردوست این خاندان به تهیه مرقعهای خط و نقاشی اقدام کردند که امروزه آثار ارزنده‌ای در این زمینه در کتابخانه‌ها و موزه‌های استانبول، لندن و پاریس نگهداری می‌شود. پس از آنان، پادشاهان گورکانی هند نیز به پیروی از اسلاف خود در جمع‌آوری خطوط و نقاشی تلاش بسیار کردند.^(۵) باید افزود که در دوره صفویه، برخی هنرشناسان مقدمه‌هایی بر مرقعات نوشته‌اند که امروزه از مهم‌ترین منابع شناخت هنر ایرانی و از نخستین تلاشها در تاریخ‌نگاری هنر ایران محسوب می‌شود.^(۶)

میان مرقعات مهم این دوره می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. مرقع شاه تهماسب، با دیباچه قطب‌الدین محمد قصه‌خوان در ۹۶۴ ق «فرخندگی» که به خط، خطاطان و نقاشان اختصاص دارد. نسخه‌هایی از این مرقع امروزه در کتابخانه ملی و کتابخانه دانشگاه لس‌آنجلس محفوظ است و گویا نسخه‌هایی هم از آن در کتابخانه ییلدیز استانبول به شماره ۳۸۱۸ و ۱۴۲۲ نگهداری می‌شود.

۲. مرقع امیرحسین بیگ خزانه‌دار، از درباریان شاه تهماسب صفوی، با دیباچه‌ای از مالک فیلواگوش قزوینی دیلمی در تاریخ خوشنویسی و نقاشی، که در ۹۶۷ ق «گلشنی از قطعه‌های دلگشا» تهیه شده است. در این مرقع خطوط سلطان علی مشهدی، شاه محمود نیشابوری، جعفر تبریزی بایسنقری، سلطان محمد خندان، سلطان محمد نور، علاءالدین

محمد هروی، مالک دیلمی، استاد مظفر علی و دیگران آورده شده است. نسخه‌ای از آن در موزه توقیفی سرای استانبول نگهداری می‌شود.^(۷)

۳. مرقع امیرغیب بیگ، که مرقعی بزرگ و جزو نفایس خزینه اوقاف استانبول است. این مرقع با تلاش امیرغیب‌بیگ از امرای هنرمند دربار شاه تهمااسب اول صفوی تهیه شده که در آن مجموعه‌ای از بهترین قطعه‌های خطوط خوشنویسان، نقاشان و مذهبان آن دوره آمده است. جامع و مباشر تنظیم این مرقع سیداحمد مشهدی، خوشنویس آن عهد است که انشای دیباچه و مقدمه این مرقع را هم به عهده داشته است. ظاهراً تهیه این مرقع در مدت سه سال صورت گرفته است.^(۸)

۴. مرقع خوب، که قطعات شیوایی از استادان خط نستعلیق نظیر سلطان‌علی مشهدی، میرعلی هروی، محمود بن اسحاق شهابی، محمدحسین تبریزی، میر معز کاشانی، سید احمد مشهدی و جز آنان و نیز چندین مجلس تصویر مینیاتور عالی را دربردارد. محمد صالح هروی، که خود را در این مرقع «الکاتب الخاقانی» نامیده در ۱۰۱۸ ق آن را به نام محمد بهادرخان، که به نظر می‌رسد همان ولدجان محمدخان امیر بخارا (۱۰۱۴-۱۰۱۸ ق) باشد، فراهم کرده و مقدمه‌ای هم بر آن نوشته است.^(۹)

۵. مرقع مظفرعلی، مظفر علی فردی شاعر و نقاش بود که نزد بهزاد شاگردی کرد و صادقی‌بیگ افشار نیز در محضر وی نقاشی آموخت. طرح تصویرهای دولتخانه‌همایون و مجلس ایوان چهل ستون در زمان شاه تهمااسب از وی است.^(۱۰)

۶. مرقع بهرام میرزا، این مرقع به دستور شاهراده ابوالفتح بهرام‌میرزا صفوی از علاقه‌مندان خوشنویسی و توسط دوست محمد گوشتوانی هروی - از خوشنویسان کتابخانه شاه تهمااسب - در ۹۵۱ ق تهیه شد. مرقع مذکور دارای ۱۴۸ ورق دو صفحه‌ای است و هر صفحه آن غالباً چند قطعه خطوط خوش و تصاویر مینیاتور عالی با حواشی زرفشان و بهترین تذهیبات را دربر دارد. مجموع مجالس تصویری آن به شصت و یک مجلس می‌رسد.^(۱۱)

۷. مرقع ابوالفتح سلطان‌میرزا جاهی، این مرقع در مشهد فراهم آمده و خطوط استادان پیشین خوشنویسی و تصویر استاد بهزاد را دربر دارد. گویند گوهر سلطان‌خانم (بیگم) همسر ابوالفتح میرزا پس از مرگ وی این مرقع را به آب شست تا شاه اسماعیل دوم آن را نبیند. در این مرقع دیوان مصور ابوالفتح همراه با تصویر خود او و خادمش و

نیز هفت مجلس نقاشی آبرنگ وجود داشته است. انشای این مرقع توسط جمال مشهدی نوشته شده و همدم او به نام عبدالله مذهب شیرازی در ۹۸۹ق آن را در مشهد آراسته است. برخی نیز گویند که ترتیب دیوان و دیباچه این مرقع از گوهرشادبیگم دختر ابوالفتح میرزاست.^(۱۲)

۸. مرقعات مصور، که جنگ بسیار نفیسی شامل خط و مینیاتور است، نمونه‌هایی از کارهای خوشنویسان مشهور نظیر شاه‌محمود نیشابوری، باقر، محمدقاسم، محمدحسین تبریزی، رضا، محمدرضا، محمدصادق و مالک دیلمی را دربر دارد. این جنگ به خط نستعلیق عالی توسط کاتبان گوناگون در سده‌های دهم و یازدهم هجری نوشته شده است که نسخه‌ای از آن اکنون در موزه توقیاتی سرای استانبول نگهداری می‌شود.^(۱۳)

۹. مرقع یا خرقة نامی یا خرقة مانی، گویند شاه عباس بزرگ صفوی از نظام‌الدین علیرضا عباسی تبریزی ملقب به شاهنواز، که در ۱۰۰۱ق به دربار او پیوسته بود، خواست این مرقع را درباره خطوط استادان نادر و نقاشان مصور تحریر کند و او تا ۱۰۰۷ق کار خود را به شاه تحویل داد.

۱۰. مرقع شاه عباس، در نسخه طلایی و رنگین این مرقع، که در دارالکتب قاهره نگهداری می‌شود، خط عماد حسینی، نوشته ۹۸۱ق، زرین‌قلم، نوشته ۱۱۱۵ق، عبدالله حسینی، میرعلی، محمدحسین تبریزی، محمدصالح، و محمدحسین کشمیری و نیز نقش و پیکره‌های رنگینی به روش تیموریان هند با نام بهزاد و مانی وجود دارد.^(۱۴)

۱۱. مرقع حمزه‌نامه یا قصه امیرحمزه یا رموز حمزه، که ریشه آن را باید در داستان حمزه آذرک سیستانی جستجو کرد. نگارش و تصویر این داستان در دوره همایون شاه آغاز شد و در عهد جلال‌الدین اکبر به پایان رسید. تصویرهای مجالس این داستان از میرسید علی جدایی تبریزی، نقاش و شاعر، و نیز خواجه عبدالصمد مصور شیرازی مشهور به شیرین‌قلم است. در کتابهای آیین اکبری، طبقات اکبری، رقعات ابوالفضل، منتخب التواریخ بداونی، و نقایس المآثر، از این مرقع سخن رفته است. داستان حمزه در دوازده یا شانزده دفتر نقاشی شده است. این مرقع پراکنده گردیده و اکنون تنها ۱۵۰ قطعه آن در گنجینه‌ها نگهداری می‌شود.^(۱۵)

۱۲. مرقع گلشن و گلستان، بر این مرقع محمدحسین کشمیری، ملقب به زرین‌قلم، در

۱۰۱۹ ق دیباچه‌ای نوشته و در آن شش قطعه او نوشته سالهای ۱۰۱۷ ق و ۱۰۱۸ ق آمده است. نسخه‌ای از این مرقع در کاخ موزه گلستان یافت می‌شود. آندره گدار و بازیل گری در کتاب *ایران، مینیاتور ایرانی* (چاپ ۱۹۵۶ م) از مرقع گلشن یاد کرده و لوحه‌هایی از آن را به نمایش گذاشته‌اند.

۱۳. مرقع پادشاهی گلشن فردوس یا چمن یا گلستان شاه‌جهانی، که گویا از شهاب‌الدین سلطان خرم ملقب به شاه جهان (۱۰۳۷-۱۰۶۸ ق) است که ابوطالب کلیم کاشانی (ف ۱۰۶۱-۱۰۶۲ ق) در دو بند شعر خود آن را ستوده و تاریخش را در مرقع بی‌نظیر دانسته است. به نظر می‌رسد که تاریخ آغاز این مرقع ۱۰۳۷ ق بوده است. در این مرقع، دو نقاشی از محفل درباری سلطان حسین میرزا اثر بهزاد، نقشی از دربار جهانگیر، صحنه‌ای درباری اثر رضایی، مرید سلیم پادشاه، صحنه نشان دادن یک پیکره نقاشی توسط اکبر شاه به پدرش همایون پادشاه، اثر عبدالصمد و دو نقش از پیکره دو شتر در حال خوابیدن یکی از بهزاد و دیگری از نانهای آمده است.^(۱۶)

۱۴. مرقع داراشکوه، نسخه‌ای از این مرقع در کتابخانه دیوان هند یافت می‌شود. محمد عبدالله جغتایی در *مجله آرینتل کالج مگزین* (۱۳: ۳، صص ۹۷-۱۰۳) دیباچه این مرقع را برگرفته از نگارستان منیر لاهوری دانسته است. محمد شفیع لاهوری نیز در همین مجله (۳۱: ۲، صص ۱-۳۵) نه قطعه از خطوط خوشنویسان این مرقع را نشان داده و سرگذشت خوشنویسان آن را ذکر کرده است. در مرقع داراشکوه، تصویری از یک نوجوان ایرانی اثر محمدخان مصور در ۱۰۴۳ ق دیده می‌شود. گویا داراشکوه در ۱۰۵۱ ق این مرقع را به همسرش نادره بیگم، دختر سلطان پرویز، پسر جهانگیر، هدیه کرده بود. در ۲۱ رجب سومین سال جلوس جهانگیر (۱۰۷۱ ق) این مرقع در اختیار پیروش، سرپرست کتابخانه زیب‌النسا بیگم، قرار گرفت؛ اما در رمضان ۱۰۷۸ از او مصادره گردید و به محمد مظفر سپرده شد. از میان خوشنویسان این مرقع می‌توان سلطان‌علی مشهدی، سلطان محمد خندان، میرعلی کاتب هروی و شاه‌محمود نیشابوری را نام برد. محمدخان مصور نیز از نقاشان این مرقع بوده است.^(۱۷)

۱۵. مرقع نقاشی و خط، به تاریخ ۱۰۷۹ ق که مهر اورنگ‌زیب عالمگیر بر آن دیده می‌شود. این مرقع در ۱۱۹۰ ق نزد نواب اود، وزیرالممالک آصف‌الدوله آصف‌جاه یحیی‌خان بهادر بوده است.

۱۶. مرقع نقاشی و خط، این مرقع به روش هندی و برای معتمدالدوله همت‌یار خان‌بهادر معتمد جنگ امیر دربار نظام‌الملک آصف‌جاه فراهم آمده است.

۱۷. بیاض یا مرقع ظفرخان احسن تربتی، در این مرقع که به احسن تربتی ملقب به ظفرخان (ف ۱۰۷۳ ق) دولتمرد و شاعر ایرانی تبار هند اختصاص داشته، هر یک از شاعران در یک صفحه غزلی را به خط خویش نوشته و بر پشت آن صفحه تصویر خود شاعر رسم شده بود. احتمال می‌رود که این تصویرها کار بشنداس نقاش هندو باشد. از این مرقع در تذکره سرخوش و مآثرالامرا یاد شده است. بندار ابن داس خوشگو، شاعر و تذکره‌نویس هندی، نیز این مرقع را رؤیت کرده است.^(۱۸)

۱۸. مرقع، این مرقع برای شاهدخت زیب‌النسا، متخلص به مخفی (ف ۱۱۱۴ ق) دختر اورنگ‌زیب عالمگیر، پادشاه تیموری هند (۱۰۶۸-۱۱۱۸ ق) و دلرس بانوبیگم دختر شاهنوازخان صفوی، که شاگرد ملا محمد سعید اشرف مازندرانی ملقب به جواهررقم رنگین‌نویس بود، فراهم شده است که در آن نمونه‌هایی از خط و نقاشی هنرمندان خوشنویس و نقاش آمده و دیباچه‌ای هم به قلم ملا محمد رضای راشد دهلوی دارد. نسخه این مرقع اکنون در دست نیست، اما دیباچه آن موجود است.

۱۹. مرقع خط و تصویر، این مرقع با همکاری هنرمندان ایرانی و هندی فراهم شده و در آن تصاویری از شاه عباس، جلال‌الدین اکبر، جهانگیر، شاه جهان و اورنگ‌زیب، عالم‌خان، طعماج‌خان، بهزاد، درویش عبدالمطلب و درباریان هند به تاریخهای ۱۱۴۷، ۱۰۲۸-۱۰۳۴، ۱۰۴۱-۱۰۴۳، ۱۰۶۳ و ۱۰۶۶ ق و خطهایی از عبدالرشید دیلمی، عماد حسنی اصفهانی و میرعلی کاتب حسنی سلطانی، نقش بسته است. نقاشیهای آن از میرن یا میرکلان، علیقلی جبه‌دار، شفیع عباسی و محمدرضای هندی (۱۱۶۶ ق) یا محمدرضای عباسی است.

۲۰. مرقع نقش و تصویر، این مرقع که در تاریخ ۱۱۴۴ ق تهیه شده به رای رایان آندرای دهلوی لاهوری، متخلص به مخلص (ف ۱۱۶۴ ق) شاعر هندو و از نزدیکان نواب اعتمادالدوله قمرالدین‌خان اختصاص داشته است.^(۱۹)

۲۱. مرقع، این مرقع به شماره H2166 در موزه توپقاپی سرای استانبول نگهداری می‌شود و شامل ۲۷ برگ با تصویر و نقوشی از علی‌رضا و آقارضا درباره زندگی شهری و روستایی و دورنمای آنها و نیز نقاشیهایی به شیوه ایلخانی و تیموری است.

۲۲. مرقع، این مرقع نیز با شماره H2147 محفوظ در موزه توپقاپی سرای استانبول و دارای ۲۲ برگ و نه مجلس نقاشی به سبک صفوی است. در آن پیکره شاه اسماعیل صفوی بر تخت سلطنت، کارهای ولی جان نقاش و اشعار زین الدین محمود و میر محمد سمرقندی وجود دارد.^(۲۰)

۲۳. مرقع خطوط و نقاشی، در این مرقع، که کتابت آن توسط خوشنویسی به نام عبدالله به تاریخ ۱۰۲۹ ق صورت گرفته، قطعه‌ای از رضا عباسی به صورت مینیاتور سیاه قلم آمده است. در این قطعه تصویر مرد جوان صراحی به دست همراه با دو پیرمرد نقاشی شده است. در قطعه دیگر این مرقع نیز تصویر جلوس نادرشاه افشار و محمد شاه گورکانی به شیوه آبرنگ روغنی دیده می‌شود.^(۲۱)

۲۴. مرقع خطوط و نقاشی، در این مرقع خطوط نسخ، نستعلیق، شکسته و کتابت عالی میرعماد الحسنی به تاریخ ۱۱۱۷ ق، عبدالرشید و ابوالفتح اینجو به تاریخ ۱۰۷۰ ق، محمدحسین نیریزی و دیگران همراه با چهار قطعه نقاشی آمده است. قطعه اول نقاشی مینیاتور آبرنگ و تصویر مرد جوان با یک خربزه، اثر استاد شمس الدین محمد کاشی به تاریخ ۱۰۴۱ ق؛ قطعه دوم نقاشی آبرنگ پیکره‌ها... از کارهای استاد رضا مصور است؛ قطعه سوم نقاشی آبرنگ تصویر اورنگ‌زیب و قطعه چهارم تصویر اکبرشاه سوار بر اسب با دو غلام را دربر دارد. (قطعه‌های اخیر به شیوه هندی است).^(۲۲)

۲۵. مرقع خطوط و نقاشی، در این مرقع که به خط نستعلیق نورالدین محمد لاهیجی در تاریخ ۱۰۴۶ ق نوشته شده است، چهار رقع نقاشی آبرنگ تصویر مرد و زن جوان از کارهای عبدالله سلطانی، یک رقع نقاشی آبرنگ تصویر حضرت موسی (ع) هنگام شبانی از علیقلی جبادار و سه رقع نقاشی آبرنگ از نقاشی ناشناخته آمده است.

۲۶. مرقع خطوط و نقاشی، این مرقع به خط علی رضا عباسی در ۱۰۱۸ ق کتابت شده و در آن دو قطعه مینیاتور سیاه قلم از رضا عباسی، یکی تصویر زنی در حال دوشیدن گاو به تاریخ ۱۰۴۰ ق و دیگر تصویر مبارزه بین دو سوار مشاهده می‌شود.^(۲۳)

۲۷. مرقع خط و نقاشی، در این مرقع که توسط علی رضا عباسی در ۱۰۱۷ ق کتابت شده، دو قطعه از نقاشیهای آبرنگ رضا عباسی، یکی صورت درویش بهشتی همدانی و دیگر تصویر مردی جوان با شاخه گلی در دست به تاریخ ۱۰۳۴ ق دیده می‌شود.

۲۸. مرقع خط و نقاشی، در این مرقع که در ۱۰۹۴ ق به خط هدایت‌الله کتابت شده،

قطعه‌ای از محمد قاسم، مصور دوره صفوی، آمده است. این قطعه تصویر نیم‌تنه مرد جوانی است که نامه‌ای در دست دارد علاوه بر این قطعه‌ای نقاشی مینیاتور آبرنگ اثر بهزاد و قطعاتی دیگر هم در آن وجود دارد.^(۲۴)

۲۹. مرقع خط و نقاشی، این مرقع توسط میرعماد حسنی به تاریخ ۱۰۱۵، عبدالرشید دیلمی به تاریخ ۱۰۴۶ق، محمد صالح اصفهانی به تاریخ ۱۰۹۲ق و میرعلی سلطانی، کتابت شده که در میان قطعات آن دو قطعه نقاشی آبرنگ دیده می‌شود: یکی تصویر بلبل روی یک شاخه شکوفه که سبک آن به شیوه محمدزمان است و دیگری تصویر بلبل روی یک شاخه که روی پارچه نقاشی شده است.^(۲۵)

۳۰. مرقع خط و نقاشی، در این مرقع که به وسیله جواهررقم در ۱۰۸۳ق کتابت شده، چهار قطعه نقاشی آبرنگ عالی از انواع گل برگ از آثار محمد مسیح، به تاریخ ۱۱۱۵ق و محمد مهدی نقاش وجود دارد.

۳۱. مرقع خط و نقاشی، این مرقع نیز توسط جواهررقم کتابت شده و در آن تصویر شاه عباس از آثار بشنداس، تصویر پادشاه گورکانی اثر منوهر و تصاویری دیگر از آثار لچتر، کوردهن، چترمن، بالچند، مراد، ظفر، هاشم، منصور نادرالعصر، فرخ بیگ، ابوالحسن نادرالزمان، مسکینه بانو، که همه از نقاشان ایرانی و هندی سده یازدهم هجری و در دربار اکبر شاه و جهانگیر شاه می‌زیسته‌اند، آمده است.^(۲۶)

ارجاعات

۱. حقیقت، عبدالرفیع، تاریخ هنرهای ملی و هنرمندان ایرانی، بخش ۱، ص ۵۲۸.
۲. همان، ص ۵۲۹.
۳. آژند، یعقوب، «سیمای سلطان محمد تبریزی در منابع دوره صفوی»، فصلنامه هنر، ش ۶۳، ص ۷۷.
۴. همان، صص ۷۷، ۷۸.
۵. حقیقت، عبدالرفیع، تاریخ هنرهای ملی و هنرمندان ایرانی.
۶. وحدتی دانشمند، مهرداد، «بررسی کتاب دیباچه‌نگاری بر تصویر»، فصلنامه خیال، ش ۱۱، ص ۱۰۶.
۷. دانش‌پژوه، محمد تقی، «مرقع‌سازی و جنگ نویسی»، فرخنده پیام؛

صص ۱۹۵، ۱۹۶.

۸. حقیقت، عبدالرفیع، تاریخ هنرهای ملی و هنرمندان ایرانی، صص ۵۲۹، ۵۳۰.
۹. حبیبی، عبدالحی، هنر عهد تیموریان و متفرعات آن، صص ۱۹۷، ۱۹۸.
۱۰. دانش‌پژوه، محمد تقی، «مرقع سازی و جنگ‌نویسی»، فرخنده‌پیام، ص ۱۹۷.
۱۱. حقیقت، عبدالرفیع، تاریخ هنرهای ملی و هنرمندان ایرانی.
۱۲. دانش‌پژوه، «مرقع سازی و جنگ‌نویسی»، فرخنده‌پیام، ص ۱۹۹.
۱۳. ه. سبحانی، توفیق، فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه دانشگاه استانبول، ص ۶۲۱.
۱۴. دانش‌پژوه، محمد تقی، «مرقع سازی و جنگ‌نویسی»، فرخنده‌پیام، صص ۲۰۰، ۲۰۲.
۱۵. همان، صص ۲۰۳، ۲۰۴.
۱۶. همان، صص ۲۰۷، ۲۰۸.
۱۷. همان، صص ۲۰۸-۲۱۰.
۱۸. همان، ص ۲۱۱.
۱۹. همان، صص ۲۱۱، ۲۱۲.
۲۰. همان، ص ۲۱۳.
۲۱. آتابای، بدری، فهرست مرقعات کتابخانه سلطنتی، ص ۲۷۰.
۲۲. همان، صص ۲۷۰، ۲۷۳.
۲۳. همان، صص ۲۸۹، ۲۹۲.
۲۴. همان، صص ۲۹۷، ۲۹۹.
۲۵. همان، ص ۳۱۲.
۲۶. همان، صص ۳۱۲، ۳۱۵، ۳۲۱-۳۲۳.

معماری و موسیقی

در اینجا به اختصار درباره دو هنر دیگر یعنی معماری و موسیقی در عصر صفوی و مکتب اصفهان مطالبی ذکر می‌شود.

معماری

شاه عباس اول در ۱۰۰۷ ق اصفهان را پایتخت و مرکز حکومت خود قرار داد. او شهر جدید اصفهان را در جنوب غربی شهر کهنه برپا کرد و در آن کاخها، مساجد، کوشکها، باغها، میدانها و بازارهای متعدد ساخت.^(۱) او برخلاف شاه تهماسب، به معماری و کارهای عمرانی علاقه داشت؛ به همین سبب در دوره او برای نخستین بار در بیشتر بناهای مذهبی ایران از پوشش کاشیکاری - آن هم به شیوه معرق - استفاده شد. بناهای اولیه عهد وی، نظیر مسجد مقصود بیگ، مسجد شیخ لطف الله، سردر قیصریه و سردر مسجد شاه، همه نمونه‌هایی از این شیوه هستند.^(۲)

یکی از مهم‌ترین مجموعه‌های باقیمانده از دوران شاه عباس اول مسجد شاه است. این مسجد ایوانی در مدخل، دو مناره بلند و حیاطی در وسط دارد و محل نماز مسجد در پشت مدخل و رو به قبله ساخته شده است، سراسر دیوارها، گنبد و منارها نیز با کاشیهای ریز و کاشیهای چهارگوش لعابی پُر نقش تزئین گردیده‌اند.^(۳) ارتفاع گنبد

پیش‌تاق بیرونی آن ۲۷ متر و بلندی مناره‌ها به ۳۳ متر می‌رسد که بلندای مناره‌های بالای شبستان آن از همه بیشتر است. نمای درونی حیاط مسجد با دالانها، طاقچه‌ها و مقرنسهای روشن و کتیبه‌های سفید درخشان آراسته شده است؛ جلوخان ورودی و شبستان مسجد هر دو از شاهکاری معماری به شمار می‌روند. میان اشکال متضاد گنبد، قاب و چارچوب در و مناره‌های شبستان هماهنگی زیبایی دیده می‌شود.^(۴)

نمونه‌ای دیگر از معماری مکتب اصفهان، عمارت یا کاخ عالی‌قاپو است که در غرب میدان شاه قرار دارد. در طبقه چهارم این ساختمان شش طبقه ایوانی پرستون وجود دارد که جایگاه شاه در مراسم و جشنهای مختلف بوده است. سقف اتاقهای عالی‌قاپو به گچکاری با نقاشیهای سرخ، آبی، سفید و طلایی آراسته شده و در بعضی از اتاقها طاقچه‌هایی از گچ به شکل ظرفهای چینی و بلورین دیده می‌شود. بنای زیبای چهلستون هم در پشت این کاخ قرار گرفته است.^(۵)

شاهکار دیگر معماری این دوره، مسجد شیخ لطف‌الله است که روبه‌روی کاخ عالی‌قاپو قرار دارد. این بنا به شیوه چهارتاقی سنتی دوره ساسانی احداث شده و گنبد تک‌پوشه‌ای آن بر روی چهار تاقی قرار دارد. اتاق چهارگوش چهار تاقی از همان پایه به هشت گوشی گنبددار با قابهای بسیار جدی و عناصر اصلی و جنبی متضاد تعدیل شده است. پی چهارگوش بنا به سه کنجی‌هایی که از زمین تا بالای بنا امتداد یافته، به صورت هشت گوش درآمده است. این هشت سه کنجی با تاق‌نما، حاشیه‌ای به رنگ فیروزه‌ای روشن و نوارهای پهنی دارد از کتیبه‌های سفید زیبایی که روی متنی از آبی تیره لاجوردی به خط علیرضا عباسی - خوشنویس بزرگ این عهد - قرار گرفته‌اند.^(۶)

دیگر بنای مشهور این دوره، کاخ کوچک هشت‌بهشت است. هشت‌بهشت ساختمانی هشت ضلعی گنبدداری است که در میان باغ بلبلان قرار دارد. این کاخ کوشک‌مانند دارای چهار ایوان دو طبقه با آب‌نماها و آبشارهایی از مرمر است و بنای خود آن نیز بر پایه‌ای مرمرین استوار شده است. هشتیهای ضلع شمالی و جنوبی آن شامل سقفهای بلندی است که بر ستونهای گرد بسیار بلند (بیست متری) تکیه دارند. این ستونها در زمان خود آینه‌کاری شده بود. هشت‌بهشت یک تالار مرکزی هشت گوش بزرگ نیز دارد که در میان آن حوضی، که در اصل نقره‌کاری بود، دیده می‌شود. این حوض با گنبدی کوچک با مقرنسهای بسیار زیبا، ظریف و رنگارنگ پوشیده شده است.^(۷)

غیر از اینها از دیگر آثار زیبای معماری مکتب اصفهان می‌توان به بازسازی مجموعه مرقد امام رضا(ع) در مشهد مقدس، مقبره خواجه ربیع در همان شهر، مدرسه کاروانسرای مادرشاه، مسجد و مدرسه شاه سلطان حسین صفوی و نیز حمامها، پلها، بازارها و کاروانسراهای متعدد اشاره کرد.^(۸)

موسیقی

موسیقی که در زمان شاه اسماعیل اول صفوی به دلیل سخت‌گیریهای مذهبی بی‌رونق شده بود، در دوران شاه عباس بزرگ حیاتی تازه یافت، جایگاه رامشگران در بخشهای شاه‌نشین کاخهایی چون عالی‌قاپو بر این امر دلالت دارد. آورده‌اند که در زمان شاه عباس اول یکی از سرگرمیهای گروههای مختلف مردم آن روزگار، به‌ویژه مردم اصفهان جمع شدن در قهوه‌خانه‌ها، شربتخانه‌ها و دیگر اماکن و گوش دادن به صحبت شاهنامه‌خوانان و راویان داستانهای ملی بود. در کنار این سرگرمیها، برنامه‌های نوازندگی و آوازخوانی نیز رواج داشت به همین سبب نوازندگان و خوانندگان هنرمند بسیاری در این دوره به شهرت رسیدند. از میان موسیقیدانان مشهور این عهد می‌توان میرزا محمد کمانچه‌ای، استاد یوسف مودود، استاد سلطان محمود تنبوره‌ای، میرزا حسین تنبوره‌ای، احمد کمانچه‌ای و استاد حافظ مجلسی تنبوره‌ای را نام برد.^(۹) اما به طور کلی درباره موسیقیدانان دوره صفوی و مکتب اصفهان می‌توان گفت که چون بسیاری از آنان در زمان شاه تهماسب، به دلیل سخت‌گیریهای شاه و متعصبان دینی، همراه دیگر هنرمندان به کشورهای دیگر به ویژه هند کوچیدند، شمار اندکی از آنان در کشور باقی ماندند. این عده از طریق شرکت در مجالس مذهبی، با مرثیه‌سرایی، تعزیه‌داری، نوحه‌خوانی، دسته‌گردانی و نقالی تا حدودی به جبران این کمبود پرداختند و بدین ترتیب گوشه‌هایی از دستگاههای موسیقی ایران را در آوازهای مذهبی حفظ کردند. بدین جهت، در این عهد آوازاها و ترانه‌خوانیهای جمعی جای خود را به تک‌خوانی و تک‌نوازی داد و شعر و آواز جانشین ترانه‌خوانی و نوازندگی گردید.^(۱۰)

ارجاعات

۱. پرایس، کریستین، تاریخ هنر اسلامی، ترجمه مسعود رجب‌نیا، ص ۱۶۲.

۲. آیت‌اللهی، حبیب‌الله، کتاب ایران؛ تاریخ هنر، ص ۲۷۵.
۳. پرایس، کریستین، تاریخ هنر اسلامی، ترجمه مسعود رجب‌نیا، ص ۱۶۴.
۴. آیت‌اللهی، حبیب‌الله، کتاب ایران؛ تاریخ هنر، ص ۲۷۷.
۵. پرایس، کریستین، تاریخ هنر اسلامی، ترجمه مسعود رجب‌نیا، ص ۱۶۵.
۶. آیت‌اللهی، حبیب‌الله، کتاب ایران؛ تاریخ هنر، صص ۲۷۷، ۲۷۸.
۷. همان، ص ۲۸۱.
۸. همان، صص ۲۷۸، ۲۸۰-۲۸۲.
۹. البرز، پرویز، گامی در قلمرو شعر و موسیقی، تهران، ص ۱۶۲.
۱۰. همان، ص ۱۶۳.

سياهه برخى از آثار ادبى و هنرى (۱۰۰۰-۱۱۳۵ق)

آتشکده لطفعلی بیگ آذر

- خط شکسته نستعلیق، صفر ۱۰۴۹ق، ۲۳۷ برگ، ۲۱ سطری، کاغذ نازک آهارزده براق، جلد تیماج سرخ ضربی با ترنج مطلا.
آرایش: مجدول مطلا و لاجوردی، عنوانها قرمز، سرلوحة مذهب مرصع.

آتشکده لطفعلی بیگ آذر

- خط شکسته نستعلیق ممتاز، ظاهراً سده یازدهم هجرى، ۲۰۸ برگ، ۱۹ سطری، هامش ۳۴ سطری، ۵ ستونی، کاغذ آهارزده نازک براق، جلد روغنی با تصویر.
آرایش: مجدول طلايى و مشكى، سرلوحة مذهب و مرصع، مزدوج نفیس، عنوانها طلايى و الوان، روى صفحات مثلثهای مذهب.

آثار بهاءالدین محمد عاملی

- دو قطعه به قلمهای ثلث دو دانگ، نسخ کتابت، رقاع کتابت، شکسته نستعلیق، کتابت جلی، توقیع کتابت، نستعلیق کتابت خوش، با رقم و تاریخ «ذره بی مقدار تحریر نمود بهاءالدین محمد عاملی، فی سنه ۱۱۲۸».

اختیارات بدیعی من مفردات الطب علی بن حسین الانصاری

- خط نستعلیق، ظاهراً سده یازدهم هجری، ۱۳۸ برگ، ۲۸ سطری، کاغذ آهارزده، جلد تیماج آلبالویی ضربی، با ترنج و سرترنج و لولا.
آرایش: عنوانها قرمز، سرلوحه مذهب.

اخلاق محسنی حسین واعظ الکاظمی

- خط نستعلیق خوش، کاتب عبدالرحیم درویش محمد نعمتی، ۱۰۳۸ ق، ۱۲۹ برگ، ۲۱ سطری، کاغذ زرد آهارزده، جلد تیماج آلبالویی مطلای کمندی.
آرایش: مجلد قرمز، سرلوحه مذهب ساده، عنوانها و پاره ای علامات قرمز.

اسکندرنامه نظامی

کتابخانه سلطنتی، ۲۴۰×۱۴۰، جلد ساغری مشکی ضربی نمای مستعمل، اندرون میشن سرخ عنابی، کاغذ خانبالغ جدول و کمند زرین، دو سرلوح مذهب مرصع عالی بر سر هر مثنوی، دو مجلس تصویر مینیاتور عالی، ۳۸۴ صفحه ۲۳ سطری، خط نستعلیق غبارخوش، بدون رقم و تاریخ، تحریر قرن یازدهم هجری، ش ۵۶۶.

اسکندرنامه نظامی

کتابخانه سلطنتی، ۲۸۶×۱۵۵، جلد تیماج عنابی ترنج و سرترنج و کنج ضربی، اندرون تیماج تریاکی ترنج و سرترنج و کنج سوخت معرق مذهب، زمینه فیروزه ای و مشکی عالی، کاغذ دولت آبادی شکری، متن زرفشان غبار، جدول زرین و کمند، در تمامی صفحات دو لچکی بوته لاجوردی، عنوانها به زر در سرسخنهای بوته اندازی، دو صفحه اول و دو صفحه میانه متن و حاشیه بین سطور طلااندازی منقش، حاشیه گلکاری و هر یک سرلوح مذهب مرصع مزدوج عالی دارد که در سرلوح اول در کتیبه ای به سفیداب روی متن زر نوشته شده است: اسکندرنامه موسوم به اقبال نامه. دور دوم به سیاهی نوشته شده: خردنامه اسکندری. یک مجلس تصویر مینیاتور خوش، ۴۴۲ صفحه، ۱۶ سطری، خط نستعلیق کتابت خوش، رقم روزه شیرازی، تاریخ تحریر سال ۱۰۱۰ ق، ش ۵۶۹.

اشعة اللمعات فی شرح مشکات (جلد اول) از عبدالحق الدهلوی.

- خط نستعلیق، ظاهراً سده یازدهم قمری، ۳۵۵ برگ، ۲۵ سطری، کاغذ آهارزده بسیار فرسوده، جلد مقوایی عطف و حاشیه میشن لولادار.
آرایش: عنوانها قرمز، روی پاره‌ای عبارات خط قرمز کشیده، فهرس در آغاز، گاه محشی به عربی و فارسی.

اشعة اللمعات فی شرح مشکات المصابیح (جلد دوم) از عبدالحق بن سیف الدین دهلوی

- خط نستعلیق، ظاهراً سده یازدهم هجری، ۴۸۱ برگ، ۲۵ سطری، کاغذ آهارزده کرم‌خورده، جلد مقوایی سبز عطف و حاشیه میشن لولادار.
آرایش: عنوانها قرمز، بین سطور خطهای بریده قرمز.

اشعة اللمعات فی شرح مشکات المصابیح (جلد رابع) از عبدالحق بن سیف الدین دهلوی

- خط نستعلیق، ظاهراً سده یازدهم هجری، ۵۷۹ برگ، ۲۳ سطری، کاغذ آهارزده الوان کرم‌خورده، جلد مقوایی الوان، عطف و حاشیه میشن لولادار.
آرایش: عنوانها قرمز، خط بریده قرمز روی پاره‌ای عبارات کشیده.

افسانه‌های هندی

نسخه خطی موجود در کتابخانه آستان قدس رضوی، تاریخ تحریر حدود اوایل سده دوازدهم هجری، در موضوع ادبیات و فلسفه، گجراتی، چند برگ از اول و آخر نسخه افتاده است. کتاب مشتمل بر داستانهای مذهبی و اساطیر بودایی و هندوان است. دارای سی و پنج مجلس تصویر، عناوین با شنگرف، اوراق با کمند زرین و تحریر مشکی و یک جدول زرپوش منقش به گل و برگ به طرح اسلیمی. (معرفة الآثار، ۳۷-۴۰).

انیس العشاق شرف الدین رامی

- خط نستعلیق ممتاز، ظاهراً سده یازدهم هجری، ۷۰ برگ، ۱۱ سطری، کاغذ آهارزده آب‌رسیده، جلد تیماج آلبالویی ضربی با ترنج و لولا.
آرایش: عنوانها قرمز.

ایضاح المعانی فی شرح حرز الامانی از قاسم بن فیره بن احمد بن اشاطی حسین بن عثمان قصیده‌ای به نام شاطیبه در قرائت قرآن که حسین بن عثمان آن را به فارسی گزارش کرده است.

- خط نسخ، ظاهراً سده یازدهم هجری، ۳۲۰ برگ، ۲۰ سطری، کاغذ زرد آهارزده آب‌رسیده، جلد تیماج تریاکی ضربی مطلا لولادار.
آرایش: عنوانها قرمز، پاره‌ای اوراق متن و حاشیه شده.

بازیابی به حضور سلطان، براساس شاهنامه فردوسی، ۳۹۹-۴۰۰ ق، نسخه ۱۰۷۴ ق
- نسخه خطی انستیتوی خاورشناسی فرهنگستان علوم جمهوری ازبکستان، موسوم به بیرونی، تاشکند، ۳۴۶۳، ص ۴۲۶. این نگاره نشانگر یک صفحه سنتی بازیابی درباری است. سفیری به جامه اروپایی با یقه چین دار و کلاه لبه پهن پرداز در میان درباریان در سمت راست تصویر شده است. شاه نیز جامه‌ای مشابه اروپاییان بر تن دارد، ولی تاج سنتی شرقی بر سر گذاشته است. احتمال می‌رود که اطلاعات نقاش درباره زنان اروپایی صرفاً از دریچه تصاویر نسخه‌های خطی ایرانی و هندی بوده و همین امر موجب چهره‌پردازی بسیار تقریبی زن اروپایی در تصویر شده است.

بدایع الافکار فی صنایع الاشعار از حسین واعظ کاشفی
- خط نستعلیق، کاتب: خلیل بن اسمعیل، ربیع الثانی ۱۱۶۲ ق، ۴۷ برگ، ۲۱ سطری، کاغذ آهارزده، جلد تیماج زیتونی لولادار.
آرایش: سرلوحه مذهب نفیس، مجدول طلایی فرسوده، عنوانها قرمز.

بوستان سعدی

کتابخانه سلطنتی، ۲۶۰×۱۵۵، جلد (فقط یک لنگه) ساغری مشکی حاشیه مذهب اندرون تیماج سرخ حاشیه بند-رومی سوخت تحریر بوته مشکی جدول مذهب، صفحات متن و حاشیه قطعه‌سازی، کاغذ متن سمرقندی حاشیه الوان زرافشان غبار جدول زرین و کمنددار، عنوانها روی متن زر به سرخی در سرفصلهای مذهب مرصع نوشته شده، ثه صفحه اول و دو صفحه آخر بین سطور طلاندازی، دو صفحه اول

حاشیه بوته‌اندازی مذهب عالی، یک سرلوح مذهب مرصع عالی، خط نستعلیق نیمه‌دودانگ متوسط، بدون رقم و تاریخ تحریر، سده یازدهم هجری، از آخر یک ورق ساقط، ش ۳۴۵.

بیاض صائب تبریزی

کتابخانه سلطنتی، ۳۱۰×۱۹۰، جلد تیماج ترنج و نیم‌ترنج منگنه‌حنایی، اندرون میشن ساده سیاه، کاغذ دولت‌آبادی نخودی جدول و کمند زرین و عنوانها به شنگرف و لاجورد، صفحه اول متن و حاشیه بوته‌اندازی منقش، یک سرلوح مذهب مرصع متوسط که در کتیبه آن «بسمله» نوشته شده، فهرست عنوانها در یازده صفحه پیش از شروع متن در جدول‌هایی نوشته شده است، ۴۰۲ صفحه، ۲۳ سطری، خط نستعلیق کتابت متوسط بدون رقم و تاریخ تحریر، سده یازدهم هجری، بی‌شماره.

تاریخ ایاصوفیه از درویش احمد

خط نسخ ممتاز معرب، کاتب: درویش احمد، ظاهراً سده یازدهم هجری، ۵۴ برگ، نه سطری، کاغذ آهارزده آب‌رسیده با متن حاشیه شده، جلد تیماج آلبالویی ضربی منقش مطلا و کمندی با ترنج و سرترنج. آرایش: مجدول الوان و طلایی، عنوانها قرمز، سرلوحه مذهب.

تاریخ عالم‌آرای عباسی از اسکندر بیگ منشی

- خط نستعلیق، ظاهراً سده یازدهم هجری، ۳۹۷ برگ، ۲۳ سطری، کاغذ آهارزده با متن حاشیه شده، جلد تیماج مشکی ضربی با ترنج. آرایش: عنوانها قرمز و لاجوردی، مجدول الوان.

تجارب السلف هندو شاه نخبجوانی

- خط نستعلیق ممتاز، ظاهراً سده یازدهم هجری، ۲۱۹ برگ، پانزده سطری، کاغذ زر آهارزده با متن حاشیه شده، جلد تیماج آلبالویی ضربی، با ترنج و سرترنج و کمند مطلا و لولادار.

آرایش: مجدول طلایی و الوان، سرلوحه مذهب مزدوج نفیس، در ۲۱۷ قسمت فوقانی ورق خالی رها شده است. طلائندازی بین سطور.

تجزیه الامصار و تزجیه الاعصار از وصاف الخضره

- خط نسخ ممتاز، کاتب: ابراهیم بن حاجی عبدالجلیل الشروانی، ذی الحجه ۱۰۵۰ ق، ۳۷۲ برگ، ۲۵ سطری، کاغذ آهارزده، جلد روغنی، عطف و حاشیه میشن مطلا و لولادار.

آرایش: عنوانها قرمز و سبز، مجدول طلایی و لاجوردی، محشی، پنج سرلوحه ساده (در ب ۱، ب ۸۰، ب ۱۴۲، ب ۲۱۶ و ب ۳۴۰)، فهرس در آغاز.

تجزیه الامصار و تزجیه الاعصار از وصاف الخضره

جلد اول و دوم کتاب است.

- خط نسخ خوش، ظاهراً سده یازدهم هجری. جلد مقوایی الوان، عطف و حاشیه متن لولادار.

آرایش: عنوانها قرمز، مجدول طلایی و مشکی، کمندی قرمز، دو سرلوحه مذهب (در ب ۱ و ب ۱۱۴).

تجزیه الامصار و تزجیه الاعصار از وصاف الخضره

جلد سوم تاریخ وصاف است.

- خط نسخ خوش، جمادی الاول ۱۱۶۲ ق، جلد مقوایی الوان عطف میشن ملفف به پارچه سبز و لولادار.

آرایش: عنوانها قرمز، کمندی قرمز، سرلوحه مذهب.

تجزیه الامصار و تزجیه الاعصار از وصاف الخضره

جلد چهارم تاریخ وصاف است.

- خط نسخ، ظاهراً سده یازدهم هجری، ۲۰۰ برگ، ۲۵ سطری، کاغذ آهارزده، جلد

مقوایی الوان عطف می‌شن.

آرایش: عنوانها قرمز، مجدول طلایی، کمندی قرمز، سرلوحه مذهب.

تجزیه‌الامصار و تزجیه‌الاعصار از وصاف الخضره

مجلدات ۱ تا ۵ تاریخ وصاف است.

- خط شکسته نستعلیق، کاتب: صالح‌الاسکداری، شعبان ۱۱۷۵ق، جلد تیماج
آلبالویی ضربی مطلای منقش با ترنج، سرترنج، کمند و لولا.

آرایش: مجدول طلایی و قرمز، عنوانها قرمز، محشی، پنج سرلوحه مذهب (در ب
۱، ب ۵۸، ب ۱۰۵، ب ۱۸۲ و ب ۲۰۰) مفهرس در آغاز، فهرست الحاقی است.

تجزیه‌الامصار و تزجیه‌الاعصار از وصاف الخضره

مجلد اول تاریخ وصاف است.

- خط نستعلیق خوش، ظاهراً سده یازدهم هجری، ۱۱۹ برگ، ۲۹ سطری، کاغذ زرد
آهارزده براق، جلد مقوایی الوان عطف و حاشیه می‌شن لولادار.

آرایش: مجدول قرمز، محشی به توضیح لغات، سرلوحه مذهب مزدوج، ورق ۱ و ۲
مجدول مطلا.

تجزیه‌الامصار و تزجیه‌الاعصار از وصاف الخضره

- خط نستعلیق ممتاز، کاتب: قنبرعلی کحوری، صفر ۱۰۹۶ق، جلد تیماج سرخ مطلای
منقش با ترنج و سرترنج، کمندی.

آرایش: عنوانها شنگرفی، مجدول مطلای کمندی، سرلوحه‌ها مذهب و مرصع (در
ب ۱، ب ۹۵، ب ۱۷۲، ب ۲۶۸، و ب ۴۱۸).

تجزیه‌الامصار و تزجیه‌الاعصار از وصاف الخضره

- خط نستعلیق ممتاز، کاتب: محمد یمین، ۱۱۲۷ق، ۵۱۰ برگ، ۲۵ سطری، کاغذ الوان
آهارزده، جلد تیماج تریاکی ضربی مطلای لولادار جدید.

آرایش: عنوانها طلایی و لاجوردی و قرمز، مجدول طلایی، پنج سرلوحه مذهب (در

ب ۱، ب ۱۱۴، ب ۲۰۱، ب ۳۰۵ و ب ۴۶۹).

تجوید القرآن از محمد بن علی بن محمد الحسینی

در یک مقدمه و شش باب (۷۰۴-۸۳۶ ق)

- خط نسخ، رمضان ۱۱۱۴ ق، ۷۲ برگ، هفت سطری، کاغذ زرد آهارزده، جلد تیماج
تریاکلی لولادار.

آرایش: عنوانها به خط جلی و قرمز.

تحفة الاحرار از جامی

کتابخانه سلطنتی ۲۲۰×۱۳۵، جلد مقوای روغنی عالی، بوم زرد، بوته گل سرخ و
سوسن و غیره، حاشیه بوم سرخ گل ریزه نقاشی، اندرون بوم سرخ برگ مویی مذهب
ریخته، کاغذ ختایی نخودی جدول و کمند زرین، متن زرافشان غبار، ۱۵۸ صفحه،
دوازده سطری، هر سطر یک بیت، عنوانها به شنگرف، دو صفحه اول مذهب مرصع
عالی، حاشیه بوته اندازی ریز به قلم لاجورد، خط نستعلیق کتابت جلی عالی، رقم
میرعماد، تاریخ تدوین ۱۰۱۶، ش ۲۷۰۳.

تحفة العراقین از خاقانی

- خط نستعلیق، ظاهراً سده یازدهم هجری، ۱۰۸ برگ، دو ستونی پانزده سطری، کاغذ
آهارزده آب رسیده و لکه دار، جلد تیماج قهوه ای ضربی مطلقا فرسوده.
آرایش: مجداول طلایی و لاجوردی، درون جدولها زرافشان، جای سر لوحه ها
خالی.

تحفة العراقین از خاقانی

کتابخانه سلطنتی ۲۴۵×۱۴۵، جلد ساغری مشکی، حاشیه مذهب، اندرون تیماج
حنایی ساده، کاغذ اصفهانی آبی متن زرفشان غبار، صفحه ها تماماً متن و با حاشیه،
حاشیه تشعیر سازی مذهب عالی و بین مصراعها تسمه مذهب، دو صفحه اول و دو
صفحه آخر بین مصراعها تسمه مذهب مرصع، حاشیه مینیاتور سیاه قلم ممتاز، تصویر

اشخاص به شیوه رضای عباسی، عنوانها به سفیداب و لاجورد روی زمینه زر نوشته شده و سرسخنها عموماً مذهب مرصع، یک سر لوح مزدوج مذهب مرصع ممتاز که در کتیبه آن به خط کوفی تزیین به قلم سفیداب نوشته شده است: «الله ولاسواه»، ۱۹۸ صفحه، سیزده سطری، خط نستعلیق، کتابت عالی، رقم محو شده (به احتمال قوی به خط شاه قاسم)، تاریخ تحریر سال ۱۰۱۵، آخر صفحه متن کتاب به دو لوح مذهب مرصع باریک تمام می شود، ش ۱۲۲۲۵.

تحفة العراقین از خاقانی

کتابخانه سلطنتی ۲۴۸×۱۵۵، جلد تیماج لاجوردی حاشیه منگنه مذهب، صفحات متن و حاشیه شده، کاغذ متن سمرقندی نخودی زرافشان و حواشی قطعه الوان، حاشیه ها عکاسی ساده قدیم و بعضی عکاسی مذهب، سه صفحه آخر بین سطور طلا کشیده، عنوانها به شنگرف، یک سرلوح مذهب مرصع خوش، ۲۶۹ صفحه، دوازده سطری، خط نستعلیق کتابت خفی خوش، رقم محمد بن ملامیر، تاریخ تحریر سال ۱۰۳۵ ق، ش ۳۰۳.

تحفة العراقین (منتخب) از خاقانی

کتابخانه سلطنتی ۲۹۰×۱۸۰، جلد مقوای ابره زری گل دار، آستر کاغذ سورمه ای، صفحات قطعه سازی، کاغذ متین دولت آبادی نخودی حاشیه اصفهانی زرفشان که هر صفحه سه جدول زرین و یک کمند و یک حاشیه لاجوردی بوته مذهب دارد. بین سطور تماماً طلا اندازی، یک سرفصل و یک سرلوح مذهب مرصع عالی که در کتیبه آن روی متن زر با ترنج عنوان کتاب نوشته شده و در آخر نسخه یک ترنج مذهب مرصع عالی دارد، ۶۶ صفحه، دوازده سطر، خط نستعلیق کتابت خیلی عالی، رقم عبدالرشید دیلمی، بدون تاریخ، سده یازدهم هجری، ش ۳۰۵.

تذکرة الشعراء از دولتشاه سمرقندی

- خط نستعلیق ممتاز، جمادی الثانی ۱۰۴۱ ق، ۲۳۸ برگ، هفده سطری، کاغذ آهارزده، جلد تیماج قهوه ای روشن.

آرایش: مجدول طلایی، عنوانها قرمز، سرلوحه مذهب.

تذکره شعرا [تحفه سامی] از سام میرزا ابن شاه اسماعیل صفوی
- خط نستعلیق ممتاز، ظاهراً سده یازدهم هجری، ۱۸۱ برگ، پانزده سطری، کاغذ الوان
آهارزده، جلد، تیماج مشکی ضربی منقش.
آرایش: عنوانها طلایی و الوان، مجدول قرمز.

ترجمه چهل کلمه منظوم جامی

کتابخانه سلطنتی ۲۴۰×۱۶۰، جلد دولایی ابره قلمکار موم کشیده سجاف و اندرون
تیماج مشکی بوته اندازی، صفحات متن و حاشیه، کاغذ متن ختایی الوان، حاشیه
دولت آبادی جدول و کمنددار، بین سطور طلاندازی، یک سرلوح مذهب مرصع
خوش، شانزده صفحه، سطر بندی صفحات مانند نسخه شماره ۱۱۶۴۴، کلمات به زر و
شنگرف و لاجورد، خط کلمات نستعلیق نیم دودانگ و متن کتابت خفی عالی، رقم
عبدالرشید دیلمی، تاریخ سال ۱۰۳۲ ق، ش ۱۱۱۱۹.

تواریخ شاهنامه با هفت لشکر از احمد بن علی محمد

درباره این کتاب و مؤلف آن اطلاعی به دست نیامد.

- خط نستعلیق ممتاز، کاتب: احمد بن مرحوم آقاخواند ملاعلی محمد لرستانی فیلی،
ظاهراً سده یازدهم هجری، ۲۴۹ برگ، ۲۰ سطری، کاغذ کم آهار آب رسیده و متن و
حاشیه شده، جلد تیماج زیتونی ضربی با ترنج، سرترنج و کمندی تعمیر شده و فرسوده.
آرایش: مجدول الوان، عنوانها قرمز، سیزده مینیاتور متوسط (در آ ۱۶، ب ۲۵، ب
۴۸، آ ۵۹، آ ۶۱، ب ۶۴، ب ۷۵، آ ۸۷، آ ۸۸، ب ۹۳، آ ۱۰۳، آ ۱۹۹ و ب ۲۰۴) دارد.

تیمورنامه از هاتفی

- خط نستعلیق خوش، کاتب: ابراهیم بن مصطفی، ربیع الاول ۱۰۷۰ ق؛ ۱۰۳ برگ دو
ستونی، کاغذ آهارزده، جلد تیماج قهوه ای کمندی.

آرایش: مجداول طلایی در ب ۱ و آ ۲، دیگر اوراق مجداول قرمز، عنوانها قرمز.

جامع عباسی از بهاءالدین محمد بن محمود آلاملی [عاملی]
کتابی در احکام فقه.

خط نستعلیق، کاتب: خداداد قمی، جمادی الثانی ۱۰۵۷ ق، ۳۵۴ برگ، ۲۳ سطری،
کاغذ آهارزده الوان، جلد تیماج مشکی ضربی با ترنج و سرترنج منقش.
آرایش: عنوانها قرمز، آغاز افتادگی دارد.

جنگ

کتابخانه سلطنتی ۱۹۰×۹۲ به قطع بیاضی، جلد تیماج دولایی ابره ضربی طلاپوش،
اندرون سوخت تحریر زمینه تیماج سفید گل و بوته و پروانه، حاشیه بندرومی زمینه
لاجوردی خوش، کاغذ اصفهانی لطیف جدول و کمند زرین، عنوانها به شنگرف، متن
نوشته کتاب زرفشان غبار، دو صفحه اول متن و حاشیه بوته اندازی مذهب منقش عالی،
یک سرلوح مذهب مرصع عالی که در کتیبه آن روی متن زر به سفیداب به خط ثلث
تزیینی «بسمله» نوشته شده است، خط شکسته نستعلیق غبار عالی، رقم شفیعا، بدون
تاریخ تحریر، سده یازدهم هجری، ش ۴۶۲۳.

جلاءالعیون از محمدباقر بن محمدتقی [مجلسی]

خط نسخ، ظاهراً سده یازدهم هجری، ۱۹۸ برگ، ۲۱ سطری، کاغذ آهارزده آب رسیده،
جلد تیماج سرخ.

آرایش: مجداول طلایی و الوان کمندی، روی کلمات مهم خط قرمزی کشیده اند.

جواهرالاسرار و زواهرالانوار کمال الدین حسین بن حسن الخوارزمی

خط نستعلیق خوش، رمضان ۱۰۱۴ ق، ۱۳۶ برگ، ۲۵ سطری، کاغذ آهارزده لکه دار،
جلد تیماج کبود لولادار.

آرایش: عنوانها و پاره ای علامات قرمز، دو سرلوحه مذهب (در ب ۱ و آ ۸).

جواهرالاسرار و زواهرالانوار (شرح مثنوی) از حسین بن حسن خوارزمی
کتابخانه سلطنتی ۳۰۰×۱۹۰، جلد میشن تریاکی ترنج و نیم ترنج و سرترنج بریده ضربی
طلاپوش لولادار ترکی، کاغذ بغدادی نخودی جدول زرین، یک سرلوح اکلیلی الحاقی
در اول و دو سرلوح مذهب مرصع ترکی خوش در میانه، عنوانها به شنگرف، ۹۵۸
صفحه، ۲۳ سطری، خط نستعلیق تحریر کتابت ترکی متوسط، بدون رقم و تاریخ تحریر،
سده یازدهم هجری، ش ۲۷۱۶.

جهانگیرنامه از جهانگیر نورالدین محمد سلیم بن اکبرشاه
خط نستعلیق، ظاهراً سده یازدهم هجری، ۱۳۲ برگ، چهارده سطری، کاغذ آهارزده
کرم خورده، جلد تیماج آلبالویی ضربی با ترنج و سرترنج منقش و کمندی.
آرایش: سرلوحه مذهب، مجدول قرمز، عنوانها قرمز.

چوپان (مکتب اصفهان)

نقاش: رضا عباسی، ۱۰۴۴ ق.

مجموعه تصاویر کتابخانه دولتی موسوم به سالتیکف شدردین، سنت پترزبورگ،
مجموعه جدید نسخه های خطی فارسی و تاجیکی در کتابخانه سالتیکف شدردین،
فهرست الفبایی، تنظیم کننده: گ.ا. گاستیگووا، سنت پترزبورگ، سال ۱۹۷۳، ۴۸۹، ص
۷۳ ب.

این نگاره به جست و جوی چندین ساله رضا عباسی از تصویر واقع گرایانه انسان در
چارچوب هنر نقاشی پایان بخشیده و جزو بهترین آثار آخرین دوره خلافت این نقاش
مکتب اصفهان است. در آثار وی، سیمای رعایا برای نخستین بار در تاریخ نقاشی،
اهمیتی مستقل کسب می کند. اندامواره شبان مسلط بر ترکیب بندی است و با برهم زدن
تناسبات شکل گرفته از سده نهم بین انسان و محیط، تقریباً تمام فضای نگاره را اشغال
می کند. نقاش، در عین رعایت ایجاد منظره ای تخت (فاقد پرسپکتیو)، با استفاده از خط
و رنگ، به عنوان عوامل اصلی که انعکاس رنگ پوست و سایه روشن ملایم چهره شبان
را ممکن ساخته اند، در توصیف انسان و حیوانات توهّم حجم را آفریده است.

حجة الهند از عمر محرابی

احتمالاً ترجمه‌ای است از داستانی هندی. سؤال و جواب است.
خط نستعلیق ممتاز، ظاهراً سده یازدهم هجری، ۸۰ برگ، هفده سطری، کاغذ زرد
آهارزده، جلد تیماج سرخ ضربی مطلاً با ترنج و سرترنج.
آرایش: عنوانها قرمز.

حدیقة الحقیقه از سنایی

به خط محمد قاسم بن محمد میرک حسینی از کاتبان خوشنویس گمنام سده یازدهم
هجری، به قلم کتابت خفی خوش، که چنین تمام می‌شود: «تَمَّتِ الْكِتَابُ بِعَوْنِ الْمَلِكِ
الْكَرِيمِ الْوَهَّابِ، عَلِيِّ بْنِ عَبْدِ الْعَزِيزِ الْمَذْنِبِ رَاجِي مُحَمَّدَ قَاسِمَ بْنِ مُحَمَّدِ مِيرْكَ الْحُسَيْنِيِّ
الْإِسْتَادِيِّ، فِي شَهْرِ سَنَةِ ١٠٥١».

حدیقة الحقیقه از سنایی

خط نستعلیق، کاتب: محمد شفیع پنجو، ۱۰۹۸ ق، ۳۸۷ برگ، دو ستونی پانزده سطری،
کاغذ آهارزده نسبتاً فرسوده، جلد تیماج قهوه‌ای ضربی با ترنج و سرترنج ملفف به
پارچه.

آرایش: عنوانها قرمز، مجدول طلایی، چهار لوحه مذهب (ب ۱، ب ۳، آ ۲۵، ب
۲۹) باز (آ و ب ۱، ب ۳، آ ۴، ب ۱۱، آ ۱۲ و آ ۲۵) مذهب و منقش، فهرس در
آ و ب ۲۸.

حدیقة الحقیقه از سنایی

خط نستعلیق ممتاز، کاتب: ابراهیم بیک منشی، ربیع الآخر ۱۰۹۳ ق، ۲۷۴ برگ، دو
ستونی، نوزده سطری، کاغذ آهارزده، جلد تیماج سرخ مطلاً.
آرایش: عنوانها قرمز، مجدول طلایی و لاجوردی و مشکی، سرلوحه مذهب مرصع
مزدوج نفیس.

حدیقة الحقیقه از سنایی

کتابخانه سلطنتی ۲۲۵×۱۱۰، جلد تیماج یشمی ترنج و سرترنج و گوشه منگنه جدید،

کاغذ اصفهانی جدول زرین، عنوانها به شنگرف، ۳۹۷ صفحه، نوزده سطری، خط نستعلیق شکسته کتابت متوسط، رقم را محو کرده‌اند، تاریخ تحریر سال ۱۰۷۰ ق، ش ۳۶۵.

حديقة الحقیقه سنایی

کتابخانه سلطنتی ۲۳۰×۱۲۰، جلد ساغری مشکی ترنج و سرترنج و گوشه ضربی، زمینه زربوته سرخ، اندرون تیماج سرخ بغدادی ساده، جدول مذهب لولادار، کاغذ بخارایی جدول زرین، حاوی عنوانها بیاض، یک سرلوح مذهب مرصع مزدوج خوش، صفحه اول و صالی شده، خط نستعلیق کتابت خفی متوسط، رقم قطب‌الدین بن حسن، تاریخ تحریر سال ۱۰۲۵ ق، ش ۳۶۳.

حديقة الحقیقه از سنایی

کتابخانه سلطنتی، ۲۲۵×۱۲۰، جلد جدید تیماج سبز ترنج و سرترنج منگنه، طلاپوش اندرون تیماج سرخ ساده کار «محمد ناصر»، کاغذ کشمیری جدول زرین، عنوانها به شنگرف؛ دو صفحه اول متن و حاشیه بین مصراعها تسمه مذهب منقش، حاشیه حل‌کاری، یک سرلوح مذهب مرصع خوش که «بسمله» در کتیبه آن نوشته شده است، ۵۵۰ صفحه، ۲۱ سطری، خط نستعلیق، کتابت خفی متوسط، بدون رقم و تاریخ تحریر، سده‌های یازدهم و دوازدهم هجری، ش ۳۰۱۵.

حقایق الدقایق (شرح مثنوی) از احمد رومی (ف ۱۰۴۱ ق)

- خط نستعلیق خوش، ظاهراً سده یازدهم هجری، ۱۷۱ برگ، سطور مختلف، کاغذ ضخیم آهارزده کرم خورده، جلد پارچه‌ای عطف میشن. آرایش: عنوانها قرمز، فهرس در آغاز.

خرقه (باه‌نامه) از مرتضی قلی بن حسن شاملو
کتاب سی بنخیه دارد در طبیعیات.

خط نستعلیق خوش، ظاهراً سده یازدهم هجری، ۶۲ برگ، هفده سطری، کاغذ زرد آهارزده، جلد تیماج آلبالویی مطلای کمندی.

آرایش: عنوانها قرمز، مجداول طلایی و الوان، سرلوحه مذهب، ورق آخر (ب ۶۲) نیز مذهب.

خلاصة القصص از محمود بن احمد بن حسن الفاریابی
خط نستعلیق ممتاز، جمادی الثانی ۱۰۵۸ ق، ۱۶۸ برگ، پانزده سطری، کاغذ آهارزده، درون جدول زرافشان، جلد تیماج آلبالویی ضربی، با ترنج، سرترنج و لولا.
آرایش: مجداول طلایی و الوان، سرلوحه‌ای مذهب در آ ۳، مفهرس در آغاز.

خط محمد صالح مشهدی
یک نسخه مجالس المؤمنین در کتابخانه سلطنتی است به خط محمد صالح مشهدی، از کاتبان گمنام قرن یازدهم هجری، به قلم کتابت متوسط، با رقم و تاریخ «قد تمّ هذا الكتاب ... محمد صالح بن کمال الدین حسین المشهدی، فی يوم الاربعاء دویم شهر ذی الحجة الحرام سنه ۱۰۷۲».

خطوط ابوالمعالی حسینی
از خوشنویسان نیمه اول قرن دوازدهم هجری. آثار موجود شاهد هنرمندی وی است که شکسته و نستعلیق را از خفی و جلی و کتیبه، خوش می‌نوشته، و از آن جمله است:
۱. کتیبه پیشانی ایوان تعمیری شاه سلطان حسین، در مسجد جامع اصفهان، که به قلم کتیبه دودانگ خوش نوشته است و چنین رقم دارد: «کتبه المذنب ابوالمعالی النقیب الحسینی ۱۱۱۲»؛
۲. یک نسخه نثراللالی در کتابخانه سلطنتی، به قلم نستعلیق کتابت خوش.
۳. دو قطعه به قلم نستعلیق و شکسته کتابت خوش به زر تحریردار، در مجموعه مهدی بیانی، با رقمهای ابوالمعالی حسینی.

خطوط احمد نیریزی
از بزرگ‌ترین نسخ‌نویسان روزگار بود. از آثاری که به خط او دیده شده ۹۹ مجلد قرآن است و ۷۷ صحیفه و بسیاری از ادعیه و مرقعات دیگر. بعضی قطعات اشعار نیز به خط

آن استاد دیده شده است. نستعلیق و شکسته را نیز خوش می‌نوشت و از این قبیل خطوط وی دیده‌ام:

قرآن: رحلی، دو صفحه اول متن و حاشیه مذهب، نسخ کتابت عالی، با رقم «...» ۱۱۲۷، در کتابخانه سلطنتی؛

قرآن: رحلی، جلد ساغری، دو صفحه افتتاح متن و حاشیه مرصع عالی نسخ کتابت عالی، نستعلیق کتابت خوش، با رقم «...» ۱۱۱۱. خواص سور نستعلیق: «اسدالله الشیرازی ... فی شهر ربیع الثانی سنة ۱۲۶۰... حسب الفرمایش میرزا آقاخان وزیر لشکر...»، در کتابخانه سلطنتی؛

قرآن: رحلی، بدون جلد، دو صفحه اول مذهب. دو صفحه افتتاح متن و حاشیه مرصع نسخ، کتابت جلی ممتاز با رقم: «... باتمام رسید فی سنة ۱۱۲۴ به محروسه اصفهان...»، در کتابخانه سلطنتی؛

قرآن: رحلی، جلد روغنی عالی، تمام صفحات متن و حاشیه مذهب. دو صفحه اول و آخر متن و حاشیه مرصع عالی نسخ، کتابت جلی ممتاز و رقاع ممتاز، با رقم «...» سنة ۱۱۱۷، (این نسخه به امر فتحعلی شاه قاجار تذهیب و تجلید شده است)، در کتابخانه سلطنتی؛

قرآن: وزیری، جلد روغنی ممتاز، دو صفحه افتتاح متن و حاشیه مذهب عالی، نسخ کتابت خوش با رقم «... فی ۱۱۴»، در کتابخانه سلطنتی؛

قرآن: نسخ کتابت جلی عالی و آخر رقاع خوش با رقم، در کتابخانه مجلس، ش ۴۱۲۵؛

دعای صباح نیم‌ربعی نسخ و رقاع نیم‌دودانگ جلی عالی بلکه ممتاز، جلد روغنی رقاع نیم‌دودانگ سفیداب عالی نقش به شاخ و برگ مویی مذهب، با رقم «...» به محروسه اصفهان صانهاالله...، کتیبه جلد روغنی: «حرره العبد احمد النیریزی فی ۱۱۳۲»، توسط دکتر خویی.

سور قرآن و ادعیه نسخ و رقاع نیم‌دودانگ عالی با رقم «... فی سنة ۱۱۴۳»، در مجموعه موقر منا[؟].

قرآن: رحلی جلد روغنی عالی، دو صفحه اول مذهب، دو صفحه افتتاح متن و حاشیه مرصع، دو صفحه بعد حاشیه مذهب، نسخ کتابت عالی با رقم ... فی دارالسلطنة

اصفهان، ۱۱۴۵، در کتابخانه سلطنتی؛

قرآن وزیری کوچک: با جلد روغنی عالی و نسخه مذهب به قلم کتابت جلی و آخر رقاع خوش: با رقم ... ۱۱۲۵، در کتابخانه مرحوم حاج سید نصرالله تقوی؛

قرآن وزیری: نسخ کتابت خفی متوسط و قسمت آخر که به نظر می‌رسد فقط آن خط نیریزی باشد، رقاع کتابت جلی عالی، با رقم ... فی سنة ۱۰۹۴.

متفرقه

- دعای کمیل جانمازی: جلد روغنی، سرلوح مرصع، نسخ کتابت عالی، با رقم: «کته... احمد النیریزی السلطانی باصفهان...»، «سنة سبع و مائة بعدالالف ۱۱۰۷»، در کتابخانه سلطنتی.

- صحیفه سجادیه: وزیری، جلد ساغری ضربی مذهب. دو صفحه اول متن و حاشیه مذهب مرصع، نسخ کتابت عالی، با رقم «... فی سنة ۱۰۹۶»، در کتابخانه سلطنتی.

- دعای کمیل: نیم‌ربعی، جلد روغنی، سرلوح مرصع، دو صفحه اول متن و حاشیه مذهب، نسخ کتابت خفی متوسط، با رقم «... ۱۱۵۲»، در کتابخانه سلطنتی.

- دعای صباح و غیره: وزیری، جلد روغنی، سرلوح مذهب عالی، نسخ کتابت خوش با رقم «... ۱۱۵۱»، در کتابخانه سلطنتی.

- دعای توسل: نیم‌ربعی، جلد روغنی مذهب، سرلوح مرصع، نسخ کتابت عالی با رقم «... سنة ۱۱۱۶»، در کتابخانه سلطنتی.

- دعوات: نیم‌ربعی، جلد روغنی، دو صفحه اول متن و حاشیه مذهب عالی، نسخ کتابت خوش، با رقم «... فی ۱۱۲۵»، در کتابخانه سلطنتی.

- دعوات الاسبوع: نیم‌ربعی، جلد روغنی مذهب، نسخ کتابت خفی متوسط، با رقم «... فی سنة ۱۱۴۶»، در کتابخانه سلطنتی.

- سور و ادعیه: وزیری، جلد روغنی عالی، سرلوح مرصع عالی، نسخ کتابت عالی و نستعلیق کتابت خفی متوسط، با رقم «... ۱۱۱۰»، در کتابخانه سلطنتی.

- مناجات خمسة عشر: وزیری، جلد روغنی عالی، سرلوح مذهب عالی، نسخ کتابت ممتاز، با رقم ... در سنة ۱۱۱۱، در کتابخانه سلطنتی.

- جوشن صغیر: نیم‌ربعی، جلد روغنی، سرلوح مرصع، متن و حاشیه مذهب تشعیرسازی، تماماً نسخ کتابت عالی، با رقم ... فی ۱۱۱۲، در کتابخانه سلطنتی.

- سورة الفتح: وزیرى كوچك، جلد روغنى عالى، متن و حاشیه تماماً تشعیر سازی مذهب عالى، نسخ كتابت به سفیداب عالى، با رقم، فى ۱۱۱۳، در كتابخانه سلطنتى.
- خطبه حضرت امیر: وزیرى، مذهب، جلد روغنى عالى، نسخ كتابت عالى، رقاع كتابت ممتاز، با رقم ... فى دارالسلطنة اصفهان، در كتابخانه سلطنتى.
- دعای احتجاج: نیم ربعى، جلد روغنى، سرلوح مرصع مذهب، نسخ كتابت عالى، با رقم «... فى دارالسلطنة اصفهان... سنة ۱۱۱۸»، در كتابخانه سلطنتى.
- صحیفه سجادیه: وزیرى، جلد روغنى عالى، یک سرلوح مرصع عالى، نسخ كتابت عالى، با رقم «... فى سنة ۱۱۲۰ به محروسة اصفهان...»، در كتابخانه سلطنتى.
- دوازده امام خواجه نصیر: وزیرى كوچك، سرلوح مرصع، دو صفحه اول متن و حاشیه مذهب، نسخ كتابت خوش، با رقم «... فى ۱۱۲۵ من الهجرة به محروسة اصفهان»، در پشت صفحه آخر به خط رقاع كتابت خوش تصدیق رقم نیریزی، «حرره العبد زین العابدین فى ۱۲۲۲ فى اصفهان»، در كتابخانه سلطنتى.
- سور و ادعیه: وزیرى، جلد روغنى عالى، دو سرلوح مرصع عالى، نسخ كتابت عالى با رقم «... به محروسة اصفهان، سنة ۱۱۹۲»، در كتابخانه سلطنتى.
- دوازده امام خواجه نصیر: رحلى، جلد روغنى عالى، دو صفحه اول متن و حاشیه مرصع عالى، تمام صفحات متن و حاشیه مذهب، با رقم «... فى سنة ۱۱۳۲»، در كتابخانه سلطنتى.
- دعوات: وزیرى، جلد روغنى عالى، دو صفحه اول متن و حاشیه مرصع عالى، نسخ كتابت خوش، با رقم «... فى ۱۱۳۸ به محروسة اصفهان»، در كتابخانه سلطنتى.
- ادعیه و تعقیبات: نیم ربعى، جلد روغنى، ترنج و سرلوح مرصع، نسخ كتابت خوش، با رقم «... فى سنة ۱۱۴۰ به محروسة اصفهان»، در كتابخانه سلطنتى.
- سور و ادعیه: نیم ربعى، جلد روغنى عالى، تمام متن طلا، نسخ كتابت خوش، با رقم «... ۱۱۴۱»، در كتابخانه سلطنتى.
- سور و ادعیه: وزیرى، جلد روغنى عالى، سرلوح مذهب به قلم زر و سفیداب و مرکب مشكى، نسخ كتابت خفى متوسط، با رقم «... فى سنة ۱۱۴۶»، در كتابخانه سلطنتى.
- دعای احتجاج: وزیرى، جلد روغنى عالى، سرلوح مذهب، نسخ كتابت عالى، با

- رقم «... فی دارالسلطنة اصفهان، فی ۱۱۲۰»، در کتابخانه سلطنتی.
- ادعیه: نیم‌ربعی، جلد روغنی، سرلوح مرصع، نسخ کتابت خفی متوسط، بارقم «... فی سنة ۱۱۴۹»، در کتابخانه سلطنتی.
- **نثر اللثالی**: نیم‌ورقی، جلد روغنی عالی، سرلوح مذهب، صفحات طلاندازی، نسخ کتابت جلی ممتاز، بارقم «... فی سنة ۱۱۲۰»، در کتابخانه سلطنتی.
- دعای علوی مصری: نیم‌ورقی، جلد روغنی عالی، سرلوح مذهب، نسخ کتابت جلی عالی، بارقم «... ۱۱۴۵»، در کتابخانه سلطنتی.
- دعای احتجاج: نیم‌ربعی، جلد روغنی، یک ترنج و سرلوح مذهب، نسخ کتابت ممتاز، بارقم «... فی سنة ۱۱» (بقیه محو شده است)، در کتابخانه سلطنتی.
- دوازده امام خواجه نصیر: نیم‌ربعی، جلد روغنی، سرلوح مرصع، متن و حاشیه تشعیرسازی مذهب، نسخ کتابت عالی، بارقم «... فی ۱۱۲۲»، در کتابخانه سلطنتی.
- ادعیه: نیم‌ربعی، جلد روغنی، سرلوح مرصع، نسخ کتابت عالی، بارقم «... فی سنة ۱۱۱۷»، دارالسلطنة اصفهان»، در کتابخانه سلطنتی.
- ادعیه‌الاسبوع: نیم‌ربعی، جلد روغنی عالی، دو صفحه اول متن و حاشیه مذهب، نسخ کتابت جلی عالی، بارقم «... سنة ۱۱۱۸»، در کتابخانه سلطنتی.
- **نثر اللثالی**: نیم‌ورقی، مذهب، نسخ کتابت جلی عالی، بارقم «... فی ۱۱۱۱»، در کتابخانه سلطنتی.
- دعوات: نیم‌ربعی، جلد روغنی عالی، سرلوح مرصع به قلم زر، نسخ کتابت خوش، بارقم «... فی سنة ۱۱۲۰»، در کتابخانه سلطنتی.
- دعای صباح: نیم‌ربعی، جلد ضربی یا عالی مذهب، نسخ کتابت جلی و رقاع و شکسته خفی خوش، بارقم «... فی سنة ۱۱۴۳»، در کتابخانه سلطنتی.
- سوره و ادعیه: نیم‌ربعی، جلد روغنی عالی، نسخ کتابت ممتاز، بارقم «... سنة ۱۱۱۲ فی بلدة اصفهان»، در کتابخانه سلطنتی.
- ادعیه جانمازی: جلد روغنی، چهار سرلوح، دو صفحه اول متن و حاشیه مذهب، نسخ کتابت عالی، بارقم «... فی سنة ۱۱۱۷، فی سنة عشرومئة بعدالالف...، ۱۱۱۰»، در کتابخانه سلطنتی.
- دعای صباح و غیره: جانمازی، جلد روغنی، سرلوح مرصع، نسخ کتابت خوش، با

رقم «... ۱۱۳۷»، در کتابخانه سلطنتی.

- ادعیه الاسبوع: جانمازی، جلد روغنی، سرلوح مرصع، دو صفحه اول متن حاشیه مذهب، نسخ کتابت عالی، با رقم «... فی سنة ۱۱۱۴»، در کتابخانه سلطنتی.

- دعای احتجاج: نیم ربعی، جلد روغنی، سرلوح مرصع، حواشی تماماً تشعیر سازی مذهب، نسخ کتابت عالی، با رقم «... سنة ۱۱۱۵... فی بلدة اصفهان...»، در کتابخانه سلطنتی.

- قصیده برده و غیره: نیم ربعی، جلد روغنی، سرلوح مرصع، نسخ کتابت ممتاز، با رقم «... فی سنة ۱۱۳۱»، در کتابخانه سلطنتی.

- سور قرآن: نیم ربعی، جلد روغنی، سرلوح مرصع، دو صفحه اول متن و حاشیه مذهب، نسخ کتابت عالی، با رقم «... فی سنة ۱۱۲۸»، در کتابخانه سلطنتی.

- دعای کمیل و غیره: وزیری، جلد روغنی عالی، سرلوح مرصع، متن و حاشیه تماماً تشعیر سازی مذهب، نسخ کتابت خفی متوسط، با رقم «... فی ۱۱۱۶»، در کتابخانه سلطنتی.

- مرقع (غیر از پنجاه رقعہ): نسخ کتابت عالی، با رقم «... سنة ۱۱۲۴»، در کتابخانه سلطنتی.

- مرقع (۳۴ رقعہ): نسخ رقاع کتابت ممتاز، با رقم «... فی سنة ۱۱۳۳»، در کتابخانه سلطنتی.

- مرقع (شانزده رقعہ): نسخ کتابت، ممتاز «با رقم «... فی سنة ۱۱۳۵»، در کتابخانه سلطنتی.

- مرقع (چهارده رقعہ): نسخ کتابت ممتاز، با رقم «... فی سنة ۱۱۳۲»، در کتابخانه سلطنتی.

- مرقع (پنجاه رقعہ از اول قرآن): نسخ کتابت ممتاز، با رقم «... فی ۱۱۳۰»، در کتابخانه سلطنتی.

- ۴۴ رقعہ (از مرقع) سورة آل عمران و اعراف از قرآن: نسخ کتابت ممتاز، با رقم «... فی ۱۱۳۰» و «کتبه العبد الاقل تراب اقدام المؤمنین احمد النیریزی فی سنة ۱۱۲۲ من الهجرة»، در کتابخانه سلطنتی.

- مرقع (۳۲ رقعہ): نسخ کتابت ممتاز، با رقم «... فی سنة ۱۱۲۱»، من الهجرة به

محروسة اصفهان...»، در کتابخانه سلطنتی.

- مرقع (ده رقعہ ۴۸): نسخ کتابت و کتابت خفی ممتاز، با رقم «... سنة ۱۱۲۲ در اصفهان مسوده شد» و «حرره العبد الاقل الداعی لدوام الدولة القاهرة... فی سنة ۱۱۲۴» و «کتبه المفتقر الی ربه احمد السلطانی ۱۱۱۰» و «حرره العبد الاقل احمد النیریزی فی سنة ۱۱۱۲»، در کتابخانه سلطنتی.

- مرقع (۲۴ رقعہ): نسخ کتابت ممتاز، با رقم «کتبه العبد احمد النیریزی السلطانی ۱۱۱۵» و «کتبه العبد احمد النیریزی فی ۱۱۳۹» و «حرره العبد الاقل... احمد النیریزی فی سنة ۱۱۳۴... فی دارالسلطنة اصفهان»، در کتابخانه سلطنتی.

- مرقع (بازده صفحہ وقفنامه فرح آباد امضا و مهر شاه سلطان حسین): نسخ رقاع ممتاز، در کتابخانه سلطنتی.

- یک رقعہ (از مرقع): نسخ کتابت عالی، با رقم «... سنة ۱۱۲۰»، در کتابخانه سلطنتی.
- یک رقعہ (از مرقع): نسخ کتابت خوش، «با رقم... فی سنة ۱۱۳۶»، در کتابخانه سلطنتی.

- دو رقعہ (از مرقع): نسخ کتابت خفی متوسط با رقم... فی سنة ۱۱۴۸، در کتابخانه سلطنتی.

- چهار رقعہ (از مرقع): نسخ دودانگ جلی ممتاز، با رقم «... فی ۱۱۱۱»، در کتابخانه سلطنتی.

- یک رقعہ (از مرقع): نسخ کتابت ممتاز، با رقم «... فی ۱۱۱۹... فی دارالسلطنة اصفهان»، در کتابخانه سلطنتی.

- دو رقعہ (از مرقع): نسخ کتابت ممتاز، با رقم «... فی ۱۱۲۱» و «فی دارالسلطنة اصفهان سنة ۱۱۱۷»، در کتابخانه سلطنتی.

- دو رقعہ (از مرقع): نسخ کتابت جلی عالی با رقم «... فی سنة ۱۱۱۸ من الهجرة»، و «حرره تراب اقدام المؤمنین احمد النیریزی فی ۱۱۲۸»، در کتابخانه سلطنتی.

- دو قطعہ: نیم دودانگ نسخ عالی، با رقم «... فی سنة ۱۱۲۱»، و «احمد النیریزی فی ۱۱۱۴ فی بلدة اصفهان ۱۱۳۴»، در مجموعه حاج سید نصرالله تقوی.

- یک قطعہ: طلائندازی نسخ کتابت، با رقم «... ۱۱۱۸»، در کتابخانه ملی پاریس.
- دو قطعہ از مرقع: نسخ و رقاع کتابت عالی، با رقم «... فی سنة ۱۱۱۹»، «نقلت من

- خط طاب ثراه العبد علی عسکرا لارسنجانى سنة ۱۲۸۷»، در مجموعه ضیا لشکر.
- یک قطعه: رقاع کتابت خوش، با رقم «... فى سنة ۱۱۲۸ من الهجرة المباركة المحترمة»، از مرقع شماره ۱۲ کتابخانه آستانه رضوی.
 - یک رقعۀ از مرقع: نسخ کتابت جلی عالی، با رقم «... ۱۱۱۹»، در مدرسه سپهسالار.
 - یک قطعه از مرقع: نسخ کتابت عالی، با رقم «... سنة ۱۱۲۳ من الهجرة»، در مدرسه سپهسالار.
 - دو قطعه مذهب از مرقع: رقاع کتابت جلی عالی، با رقم «... سنة ۱۱۳۰ من الهجرة فى دار السلطنة اصفهان»، در مدرسه سپهسالار.
 - دو قطعه مذهب از مرقع: نسخ کتابت جلی ممتاز با رقم «... فى سنة ۱۱۱۹ من الهجرة النبوية» و «حرره العبد الاقل احمد النيريزى فى سنة ۱۱۲۳»، کتابفروشی اقبال.
 - شش قطعه نسخ نیم دودانگ جلی ممتاز و دو قطعه رقاع نیم دودانگ جلی ممتاز از یک وقفنامه به نام شاه سلطان حسین صفوی، با رقم «... فى ۱۱۱۶» و «کتبه احمد النيريزى فى ۱۱۱۷» و «فى سنة ۱۱۲۳» و «احمد النيريزى ۱۱۲۰»، در مجموعه حاج سید نصرالله تقوی.
 - یک قطعه مذهب: نسخ کتابت خوش با رقم «... فى سنة ۱۱۳۶»، در مجموعه مهدی بیانی.
 - یک قطعه نسخ نیم دودانگ جلی عالی، با رقم «... ۱۱۲۰»، للسید الاعز الاکرم میرسید کاظم الحسینی و فقه الله تعالى»، در مجموعه افخم السلطنة اعتضادی.
 - یک قطعه (از مرقع) نسخ کتابت عالی، با رقم «... فى سنة ۱۱۳۸ من الهجرة»، در مجموعه مهدی بیانی.
 - یک قطعه نسخ کتابت ممتاز، با رقم «... فى ۱۱۲۸»، در مجموعه مهدی بیانی.
 - یک رقعۀ نسخ کتابت عالی، با رقم «... فى ۱۱۱۸»، در مجموعه مهدی بیانی.
 - یک قطعه نسخ کتابت ممتاز، با رقم «... فى سنة ۱۱۲۲ من الهجرة المقدسه به محروسة اصفهان لجناب الاخ الاعز الاکرم محمدرضا بیکا رزقه الله سعاده الدارين»، در مجموعه مهدی بیانی.
 - یک قطعه نسخ کتابت ممتاز، با رقم «... فى سنة ۱۱۲۷»، در مجموعه مهدی بیانی.
 - یک قطعه نسخ کتابت ممتاز، با رقم «... فى سنة ۱۱۲۸»، در کتابخانه ملی.

- یک رقعه (از مرقع) نسخ کتابت ممتاز با رقم «... فی ۱۱۱۸ من الهجرة المقدسة»، در کتابخانه ملی.
- یک رقعه (از یک مرقع): نسخ و رقاع کتابت عالی با رقم «... فی ۱۱۴۵»، در کتابخانه مجلس.
- یک رقعه (از یک مرقع)، نسخ کتابت خوش، با رقم «... فی سنة ۱۱۱۲»، در کتابخانه مجلس.
- یک قطعه: نسخ کتابت ممتاز، با رقم «... سنة ۱۱۱۶»، در مجموعه امیرالکتاب.
- وقفنامه موقوفات شاه سلطان حسین صفوی: رقاع دودانگ ممتاز، با رقم «... فی سنة ۱۱۲۹»، در کتابخانه آستانه رضوی شماره ۵۸۳۲.
- ادعیه و سور: جلد روغنی، وزیری نوشته نسخ کتابت و رقاع عالی، ترجمه نستعلیق کتابت خوش (شاید به خط خود نیریزی)، با رقم «... فی سنة ۱۱۴۲»، به محرسه اصفهان صانهاالله عن الحدثن»، برای فروش.
- دعای ایام هفته: نیمربعی باریک، یک سرلوح مذهب، مجدول مذهب، نسخ کتابت جلی ممتاز، با رقم «... فی شهر ربیع الاول سنة ۱۱۳۰»، در مجموعه مهدی بیانی.
- شرح دعای سابع صحیفه سجادیه (محمد سعید لاریجانی): نیمربعی باریک، یک سرلوح مذهب، مجدول مذهب، نسخ کتابت جلی ممتاز، با رقم «... ۱۱۳۱»، در مجموعه مهدی بیانی.
- عدة الداعی: وزیری، مجدول مذهب، سرلوح مذهب، کاغذ اصفهانی، نسخ کتابت خوش، با رقم «... ۱۱۵۱»، در کتابخانه ملی.
- ادعیه: نسخ کتابت خفی متوسط، با رقم «... سنة ۱۱۵۱»، در کتابخانه ملی.
- ادعیه: وزیری، کاغذ ترمه قابسازی، مجدول مذهب، یک سرلوح مذهب عالی، جلد روغنی عالی، نسخ کتابت ممتاز و اندکی رقاع ممتاز، با رقم «... فی سنة ۱۱۱۸ من الهجرة المقدسة»، در کتابخانه ملی.
- اشارات رموز (سلیمان): وزیری، کاغذ ترمه، مجدول مذهب، یک سرلوح مذهب، جلد روغنی، نسخ کتابت متوسط، با رقم «... ۱۱۱۵»، در کتابخانه ملی.
- ادعیه مختلفه: نیمربعی، سرلوح مذهب، کاغذ الوان قابسازی، به قلم زر و برخی مشکی، نسخ کتابت عالی، با رقم «... فی سنة ۱۱۳۶ من الهجرة»، در کتابخانه مجلس.

- سور قرآن: ربی قاسبازی شده، دو سرلوح مذهب بین سطور طلااندازی، از بهترین خطوط نیریزی و رقاع کتابت ممتاز، با رقم «... ۱۱۱۶»، «کتبه العبدالمذنب احمد النیریزی فی ۱۱۱۹»، یک صفحه آخر نسخ کتابت ممتاز، با رقم «راقمه الاثم محمد هاشم ۱۲۰۰ من الهجرة»، در کتابخانه مجلس.

- شانزده قطعه: نسخ کتابت ممتاز و عالی و خوش، با رقم «احمد النیریزی السلطانی بدارالسلطنة اصفهان صانهاالله عن الحدثان ... کتبه العبدالاقل احمد النیریزی، سنة ۱۱۱۶-۱۱۲۰-... ۱۱۲۴»، از مرقع شماره ۱۱ کتابخانه آستان قدس رضوی.

- ادعیه و سور متفرقه: نیم ربی، جلد سوخت مذهب، نسخ کتابت ممتاز و عالی حواشی شکسته نستعلیق متوسط، خاتمه رقاع ممتاز، با رقم «... ۱۱۴۵»، برای فروش (تاریخ ۹ اردیبهشت ۲۸).

- صحیفه سجاده: وزیری یک سرلوح مذهب عالی، مجدول مذهب، نسخ کتابت عالی، ترجمه حواشی نستعلیق کتابت خفی متوسط، با رقم «... ۱۱۲۷»، پشت صفحه اول به خط رقاع کتابت خوش: «این صحیفه مبارکه از خطوط ممتاز استادالاساتید مرحوم میرزااحمد نیریزی... العبد محمد علی خوانساری»، مجموعه کتابخانه عمومی نیویورک. - سورة واقعه: جلد روغنی، حاشیه چند حدیث به خط رقاع، رقم نیریزی، تاریخ ۱۱۳۲ دارد، مزین مرصع، نسخ کتابت جلی و رقاع عالی، با رقم «... فی ۱۱۳۲»، در مجموعه مهدوی.

گفته شده که میرزا احمد نیریزی نستعلیق و مخصوصاً شکسته را نیز خوش می نوشت.

- صفحه ای در پایان یک نسخه دعای صباح، به قلم شکسته کتابت خوش، رقم دار. - یک قطعه از مرقعی که به قلم نسخ است و صفحه ای به قلم شکسته کتابت خوش دارد با رقم و تاریخ: «اقل احمد النیریزی فی سنة ۱۱۲۷»، در مجموعه مهدوی، تهران. - مقدمه دوازده امام خواجه نصیر، که متن آن به قلم نسخ کتابت عالی و مقدمه آن به قلم شکسته کتابت جلی متوسط است. در مجموعه نگارنده، رقمهای متعددی که در قطعات فراوان به خطوط نسخ خود کرده است، غالباً به قلم شکسته کتابت خوش.

از مجموع آثار قلمی این خوشنویس عالیقدر معلوم شد که نام پدر او شمس الدین محمد و محل اقامت او اصفهان و اختصاص او به دربار شاه سلطان حسین صفوی و

تقرب او به درجه‌ای بوده که رقم خود را «سلطانی» می‌نگاشته و آثار قلمی او در این مجموعه محصور بین ۱۰۹۴ و ۱۱۷۷ است که جمعاً ۸۳ سال می‌شود و از این رو استاد هم عمر درازی یافته و هم از آغاز جوانی به خوشنویسی مشهور و ممتاز بوده است.

خطوط بدیع‌الزمان تبریزی

وی فرزند علی‌رضا عباسی تبریزی، خوشنویس شهیر دوره شاه عباس صفوی بود. او تا سال ۱۰۳۸ ق عمر کرد. میرزا سنگلاخ به او لقب «نیک‌نگار» داده است. از آثار وی: دو قطعه در کتابخانه سلطنتی، به قلم سه‌دانگ، دودانگ و نیم‌دودانگ خوش، یکی با رقم «در شهر تبریز نوشته شده. نقله العبد بدیع‌الزمان غفرالله ذنوبه و سترالله عیوبه»، و دیگری قطعه شعری است که خود او گفته است.

خطوط حسن‌علی مشهدی

وی از شاگردان میرسیداحمد مشهدی است که به سال ۱۰۰۳ ق درگذشت. از آثار اوست: شش قطعه در مرقعهای مختلف کتابخانه خزینه اوقاف استانبول، به قلمهای سه دو و نیم‌دودانگ و کتابت خوش، با رقمهای «کتابه العبد المذنب حسن علی‌المشهدی ببلدة هراة» و «کتابه المذنب حسن علی‌المشهدی» و «در کربلا مرقوم گشت. کتبه المذنب حسن علی مشهدی» و «فقیرالمذنب حسن علی، در کربلا نوشته شد» و یکی، که قطعه شعر معروف میرعلی هروی است با رقم «کتابه المذنب حسن علی غفرالله ذنوبه و ستر عیوبه» و «مشقه حسن علی».

خطوط رشید

عبدالرشید دیلمی خواهرزاده و شاگرد میرعماد قزوینی بود. او پس از قتل میرعماد، چندی در اصفهان به سربرد و سرانجام رخت به هندوستان کشید و به دربار شاه جهان پادشاه (۱۰۳۷-۱۰۶۹) راه یافت. کتابها و رسالات به خط وی، از این قرار است:

- یک نسخه خلد برین به قلم کتابت عالی و رقم و «به تاریخ شهر جمادی‌الآخر سنه الف، به دارالعباد یزد مرقوم شد. کتبه العبد المذنب عبدالرشید غفر ذنوبه»، محفوظ در کتابخانه سلطنتی تهران.

- یک نسخه ترجمه الصلوة، به قلم نیم دودانگ خوش، با رقم «کتبه العبد المذنب عبدالرشید»، محفوظ در کتابخانه سلطنتی تهران.
- یک نسخه مقالات خواجه عبدالله انصاری، به قلم کتابت خوش، با رقم «کتبه عبدالرشید»، محفوظ در کتابخانه سلطنتی تهران.
- یک نسخه چهل کلمه، به قلم نیم دودانگ و کتابت عالی، با رقم و تاریخ «شرف بکتابتها العبد الحقیر رشید، غفرالله ذنوبه، فی سنة ۱۰۳۲ من الهجرة النبویه»، محفوظ در کتابخانه سلطنتی تهران.
- یک نسخه ترجیع بند، به قلم کتابت خوش، با رقم عبدالرشید، محفوظ در کتابخانه سلطنتی تهران.
- یک نسخه از شش دفتر مثنوی مولانا، به قلم کتابت خوش، با رقم «کتبه العبد المذنب الفقیر الحقیر، عبدالرشید الدیلمی، غفرله» در کتابخانه دکتر مهدوی، تهران.
- و قطعات متفرقه دیگر، مشتمل بر ۵۲ قطعه به قلمهای پنج، چهار، سه، دو و نیم دودانگ و کتابت جلی، خفی، غبار، عالی و خوش؛ موجود در کتابخانه‌های داخلی و خارجی. قطعه‌ای از بهترین خطوط او در یک مجموعه خصوصی، که سوره فاتحه را به قلم دودانگ نوشته است این رقم و تاریخ را دارد: «کتبه العبد الفقیر المذنب عبدالرشید دیلمی غفر ذنوبه و ستر عیوبه، فی شهر سنة خمسین و الف».

خطوط عبدالله حسینی

- میرعبدالله ظاهراً از خوشنویسان دربار شاه جهان پادشاه هندوستان (۱۰۳۷-۱۰۶۸ق) و مؤخر بر میرعبدالله مشکین قلم بوده است و قطعات متعدد موجود وی شاهد زبردستی او در خط نستعلیق و از آن جمله است:
- ده قطعه، در مرقعی که ظاهراً برای شاه جهان فراهم آمده است، به قلمهای از سه دانگ تا کتابت خفی عالی و خوش، همگی با رقم «عبدالله الحسینی»، محفوظ در یک مجموعه خصوصی.
- شش قطعه از مرقعی و یک قطعه جدا، به قلم دودانگ و نیم دودانگ و کتابت خفی خوش، با رقم «الفقیر عبدالله الحسینی»، محفوظ در کتابخانه ملی تهران.
- یک قطعه از مرقعی، به قلم دودانگ و نیم دودانگ خوش، با رقم و تاریخ «کتبه العبد

المذنب الفقیر، عبدالله الحسینی غفرالله ذنوبه، فی شهر سنه ۱۰۶۳»، محفوظ در کتابخانه ملی پاریس.

- یک قطعه، به قلم دودانگ خوش، با رقم «فقیر عبدالله الحسین»، محفوظ در کتابخانه مجلس شورای ملی (سابق)، تهران.
این قطعات همگی به یک شیوه، یک مایه و یک پایه از خوشنویسی است.

خطوط علی تبریزی جواهررقم

از خطوط جواهررقم، کتابتی دیده نشده، ولی قطعات متعددی به خط او موجود است، به این قرار:

- پنج قطعه از مرقعهای مختلف، به قلمهای سه دانگ و دودانگ و کتابت خفی خوش، با رقم «جواهررقم» و به تاریخ «بنده مهجور جواهر رقم سنه ۱۰۸۳» در کتابخانه سلطنتی، تهران.

- یک قطعه از مرقع، به قلم دودانگ خوش، رقم «کته العبد جواهررقم»، در کتابخانه مجلس شورای ملی (سابق)، تهران.

- دو قطعه، به قلمهای دودانگ و نیم دودانگ و کتابت جلی عالی، با رقمها و تاریخهای «جواهررقم غفرله، سنه ۱۰۸۰» و «کته العبد سیدعلی الحسینی غفرله فی سنه ۱۰۸۳» در مجموعه عباس مزدا در تهران.

- یک قطعه، به قلم نیم دو دانگ عالی، با رقم و تاریخ «حرره العبد جواهررقم سنه ۱۰۸۱»، در موزه دولتی افغانستان در کابل.

- دو قطعه، به قلم سه دانگ، با رقم «جواهررقم» کتابخانه سرکاری، رامپور؛ یک صفحه از بیاض بختاورخان، به قلم کتابت خوش، با رقم «الفقیر الحقیق سیدعلی الحسینی»، در موزه باستان شناسی دهلی.

- یک قطعه از مرقعی به قلم دودانگ و نیم دودانگ خوش، با رقم و تاریخ «کته العبد سیدعلی غفرله ۱۰۶۲»، در موزه آثار اسلامی و ترک، استانبول.

- دو قطعه، به قلم نیم دودانگ عالی، که مهر شاه جهان در ظهر آن است، با رقم «جواهررقم»، در مجموعه آقای سلطان القزایی در تهران.

- پنج قطعه، به قلمهای نیم دو دانگ و کتابت خوش و عالی، با رقمها و تاریخهای «کته العبد سیدعلی الحسینی» و «سیدعلی» و «کته العبد سیدعلی الحسینی غفرله، فی سنه

۱۰۸۶، در بلدة فاخرة اورنگ آباد مرقوم گشت»، در مجموعه مهدی بیانی.

خطوط محتشم اصفهانی

- یک نسخه گلستان سعدی، بدون رقم، با ترجمه ترکی، به قلم نستعلیق کتابت متوسط، با رقم و تاریخ «کاتبه الضعیف محتشم ترجمه نویس قرآن مجید ربانی»، در کتابخانه سلطنتی تهران.

- یک نسخه صحیفه سجادیه، بدون رقم، با ترجمه و حواشی، به قلم نستعلیق کتابت خوش، با رقم «کاتبه الضعیف فی ترقیم هذه الترجمة ملا محتشم اصفهانی»، در کتابخانه سلطنتی تهران.

- نسخه دیگر صحیفه سجادیه به خط جعفر، حواشی آن به قلم کتابت خوش، با رقم «کتبه العبد الجانی محتشم» و «کاتب ترجمه و حواشی، کاتب السلطانی، محتشم اصفهانی»، در همان کتابخانه.

- یک نسخه رساله در وحدت وجود، به قلم کتابت خوش، با رقم و تاریخ «... کاتب السلطانی محتشم الاصفهانی غفرله و سنه ۱۱۱۲»، در کتابخانه مدرسه سپهسالار تهران.

- یک نسخه قرآن بدون رقم، با ترجمه به قلم نستعلیق کتابت خفی متوسط، با رقم و تاریخ «تمت علی ید الکاتب الجانی محتشم الاصفهانی، غفرله ولوالدیه المدعو به کاتب السلطانی، ۱۱۲۸»، در مجموعه مهدوی در تهران.

- یک قطعه، به قلم دودانگ و کتابت جلی متوسط، با رقم «مشقه العبد الجانی محتشم»، در مجموعه مهدی بیانی.

خطوط محمدشریف

محمدشریف از خوشنویسان قرن یازدهم است که ظاهراً در هندوستان می زیسته است، ازوست:

- دو قطعه، به قلم سه دانگ خوش، با رقم «مشقة محمدشریف سنة ۱۰۵۸» و «مشقه المذنب محمدشریف غفر ذنوبه و سر عیوبه»، در کتابخانه ملی و کتابخانه مجلس شورای ملی (سابق)، تهران.

- هفت قطعه از مرقعی، به قلمهای چهار و سه و دودانگ خوش، با رقم و تاریخ «کتبه المذنب محمد شریف غفر له» و «شریف» و «الحقیر محمد شریف» و «المذنب الحقیر محمد شریف غفر ذنوبه و سر عیوبه، فی شهر ۱۰۳۹»، در کتابخانه بادلیان، انگلستان.

خطوط محمد صادق

محمد صادق از خوشنویسان دربار اورنگ زیب پادشاه هند (۱۰۶۸-۱۱۱۹ ق) بود. آثار موجود وی عبارتند از:

- یک صفحه از بیاض بختاورخان، به قلم نستعلیق و شکسته کتابت متوسط، در موزه باستان شناسی دهلی.

- یک قطعه از مرقعی، به قلم سه دانگ و نیم دودانگ خوش، با رقم «کتبه العبد محمد صادق»، در کتابخانه بادلیان، انگلستان.

خطوط محمد صالح اصفهانی

از آثار وی بسیاری از کتیبه های ابنیه دوره آخر صفوی اصفهان است، به این قرار:

- کتیبه بالای ایوان چهل ستون، که اخیراً از زیر گچ بیرون آورده اند، به قلم دودانگ کتیبه خوش، که چنین تمام می شود:

«بجست او نو بطاق آسمان بنوشت تاریخش

(مبارک باد تالار بلند ایوان جم جاهی)

- کتبه محمد صالح که تاریخ آن سال ۱۱۱۸ ق می شود.

- کتیبه دولنگه در ورودی مدرسه مادرشاه چهارباغ، به قلم دودانگ کتیبه عالی، که چنین تمام می شود:

«نگاشت کلک بدیع از برای تاریخش (گشود حق به صفاهان در مدینه علم)

کاتب الحروف محمد صالح غفر ذنبه» که تاریخ آن سال ۱۱۲۰ ق می شود.

- کتیبه خاتم غرفه های راهروی مدرسه چهارباغ، به قلم دو دانگ کتیبه خوش که چنین تمام می شود:

«رسید چون که باتمام این مقام منیع به فکر مصرع تاریخ هر کسی افتاد

قلم گرفت و نوشت ازهری به تاریخش (به نام مدرسه شه شد از کمال آباد)

کتابه محمد صالح» که تاریخ آن سال ۱۱۹۱ق. می شود و... (مدرس کلب علی شاه دین سلطان حسین)، کتابه محمد صالح» که آن نیز سال ۱۱۹۱ق. می شود.

- کتیبه گلوی ایوان شمالی مدرسه چهار باغ، به قلم چهار دانگ کتیبه خوش با رقم و تاریخ «کتابه محمد صالح ۱۱۱۹».

- چهار قطعه مختلف، به قلمهای دودانگ و نیم دودانگ و کتابت خوش و عالی، با رقمها و تاریخهای «الفقیر المذنب محمد صالح غفرالله ذنوبه و ستر عیوبه سنه ۱۰۹۷» و «ابن ابوتراب، محمد صالح الاصفهانی غفر ذنبه ۱۰۹۲» و «جهت خواهش حضرت میرزا محمد حفظه الله الحقیق المذنب، محمد صالح غفر له و ستر عیوبه سنه ۱۱۱۶» و «الفقیر المذنب الراجی محمد صالح غفرالله ذنوبه»، در کتابخانه سلطنتی تهران.

- دو قطعه، به قلم دودانگ و نیم دودانگ خوش، با رقمها و تاریخ «مشقه الفقیر المذنب المستغفر الراجی محمد صالح غفرالله ذنبه»، و «مشقه العبد الحقیق الفقیر محمد صالح ۱۱۱۰»، در کتابخانه ملی، تهران.

- دو قطعه، به قلم سه دانگ جلی خوش، با رقم و تاریخ «مشقه محمد صالح غفر له، سنه ۱۱۲۳»، در کتابخانه مدرسه سپهسالار، تهران.

- یک قطعه، به قلم دودانگ عالی، با رقم و تاریخ «افقر العباد محمد صالح ۱۱۰۹»، در کتابخانه ملک، تهران.

- دو قطعه، به قلم دو دانگ و کتابت خوش، با رقم و تاریخ «کتابه المذنب محمد صالح الکاتب غفر ذنوبه و ستر عیوبه» و «فقیر المذنب محمد صالح غفر ذنوبه و ستر عیوبه» در کتابخانه آستان قدس رضوی، مشهد.

- دو قطعه، به قلم دودانگ و کتابت عالی، با رقم و تاریخ «کتابه الفقیر محمد صالح غفر له، ببلده حلب الشهباء فی سنه ۱۰۷۱» و «مشقه اضعف العباد محمد صالح غفر ذنوبه و ستر عیوبه ۱۱۱۵» در مجموعه مرحوم پناهی در تهران.

- سه قطعه، به قلم دودانگ و کتابت خوش و عالی، با رقمها و تاریخ «مشقه العبد الضعیف المذنب محمد صالح غفرالله له و لوالدیه» و «الفقیر محمد صالح غفرالله ذنوبه» و «سوژه اضعف العباد محمد صالح غفر ذنبه فی سنه ۱۱۱۷»، در مجموعه مهدی بیانی.

- دو قطعه از مرقعی، به قلم دو دانگ و کتابت عالی، با رقمها و تاریخ «العبد محمد صالح غفر له» و «العبد المذنب، ابن ابوتراب محمد صالح ۱۰۹۴»، در کتابخانه دانشگاه استانبول.

خطوط محمد صالح خاتون آبادی

میرزا سنگلاخ به او لقب «خاقان الخطاطین» داده است. آثارش عبارت‌اند از:
- دیوان حافظ، به قلم کتابت خفی عالی، با رقم و تاریخ «تمت الکتاب بعون الملك الوهاب، فی تاریخ شهر جمیدی الاول سنه ۱۰۳۱؛ کتبه العبد محمد صالح بن میرزا علی خاتون آبادی»، در کتابخانه ملی، تهران.

- دیوان عرفی، به قلم کتابت خوش، با رقم «تمت الکتاب بعون الملك الوهاب، حرره محمد صالح خاتون آبادی»، در کتابخانه ملی، تهران.

- نگارستان غفاری، به قلم کتابت خوش، که چنین تمام می‌شود: «تم الکتاب الموسوم به نگارستان فی سلخ شهر شوال ۱۰۲۶، کتبه العبد المذنب ابن میرزا علی کاتب، محمد صالح غفرالله ذنوبهما و ستر عیوبهما، در قریه خاتون آباد جی فی بلوکات اصفهان عراق عجم، سمت تحریر یافت»، در کتابخانه سلطنتی، تهران.

- دیوان صائب (که در حواشی اشعاری به خط خود صائب دارد)، به قلم کتابت متوسط، با رقم و تاریخ: «تمام شد کتاب بعون الملك الوهاب، حرره صالح خاتون آبادی غفرالله ذنوبه و ستر عیوبه، فی تاریخ شهر ربیع الاول سنه ۱۰۷۱»، در کتابخانه سلطنتی، تهران.

- رساله در امامت (که قاضی کهرودی به نام شاه عباس تألیف کرده است)، به قلم کتابت خفی خوش، که چنین تمام می‌شود: «... قد وقع الفراغ من تسوید هذه الرسالة الشریفه، فی غره شهر ربیع الاول سنه ثلث و ستین و الف، کتبه العبد الفقیر المذنب محمد صالح خاتون آبادی غفرله»، در کتابخانه حاج سید نصرالله تقوی در تهران.

- قطعات متعدد دیگر به قلمهای مختلف خوش، در مجموعه‌های کریم‌زاده، مهدی بیانی و غیره.

خطوط محمد مقیم تبریزی

برخی از خطوط وی عبارت‌اند از:

- یک قطعه، به قلم دودانگ خوش، با رقم و تاریخ: «به تاریخ بیست و دوم رجب نوشته شد، فقیر محمد مقیم»، در موزه باستان‌شناسی دهلی.

- یک قطعه در مرقعی که مقابل یک قطعه عالی از خطوط رشیدا، سوره فاتحه را عیناً

نقل کرده بود و دست کمی از آن نداشت، با رقم «کتابه العبد المذنب محمد مقیم الحسینی غفر ذنوبه»، در دست فروشنده‌ای، تهران.
- یک قطعه، به قلم سه‌دانگ و نیم‌دودانگ خوش، با رقم «مشقه الفقیر المذنب الراجی محمد مقیم الحسینی غفر ذنوبه»، در مجموعه کریم‌زاده، تهران.

خطوط میرعماد حسینی

آنچه از آثار متنوع و متعدد میرعماد باقی مانده، مشتمل است بر: کتابها، جزوه‌ها، رساله‌ها، مرقعها و قطعات منفرد.

۱. کتابها:

- تحفه‌الاحرار جامی، به قلم کتابت عالی، با رقم و تاریخ «کتابه العبد الراجی الی رحمة الله الغنی، عمادالحسینی، بدارالامان الاصفهان، فی شهر سنه ۱۰۱۶ الهجرية»، در کتابخانه سلطنتی، تهران.

- گلشن راز شبستری، به قلم کتابت خفی عالی، با رقم و تاریخ «به زیور اتمام رسید این نسخه شریف به تاریخ نوزدهم شهر رمضان المبارک، کتبه العبد المذنب عماد الحسینی، غفر ذنوبه و ستر عیوبه»، در کتابخانه سلطنتی، تهران.

- دیوان حافظ شیرازی، به قلم کتابت عالی، با تاریخ و رقم «تمت الکتاب بعون الملک الوهاب، فی سنه ثلاث و الف الهجرية النبویه، فقیر عماد الحسینی»، در کتابخانه سلطنتی، تهران.

- گلستان سعدی، به قلم کتابت ممتاز، که چنین تمام می‌شود: «نقل کرده شد این نسخه شریف، از خط مصنف عفا الله تعالی عنه، کتبه العبد المذنب الفقیر الحقیق الراجی، عماد الحسینی غفر الله ذنوبه و ستر عیوبه، فی اواخر شهر ربیع الثانی سنه ثلاث و عشرين و الف من الهجرة النبویه»، در کتابخانه سلطنتی، تهران.

- نسخه دیگر گلستان و در حاشیه آن بوستان سعدی، به قلم کتابت و کتابت خفی عالی، با رقم و تاریخ «تمت بعون الله و توفیقه، والحمد لله رب العالمین و صلی الله علی خیر خلقه محمد وآله اجمعین، کتبه العبد المذنب المحتاج الی رحمة الله و غفرانه عمادالملک الحسینی، غفر الله و لمن قرأ و نظر فیہ، فی عشر اوسط من شهر الصفر ختم بالخیر و الظفر، بدارالسلطنة قزوین سنه ۹۹۸»، در کتابخانه سلطنتی، تهران.

- تکملة النفحات عبدالغفور لاری (ضمیمه نفحات الانس جامی به خط ضیاء الدین قزوینی مذکور) و حواشی بسیار بر نفحات الانس و فهرست اعلام نفحات، به قلم کتابت خفی عالی، با رقمها و تاریخهای «تمت الحاشیه الشریفه اللطیفه بعون الله تعالی عز و جل فی تاریخ ۲۰ شهر صفر سنه ۹۹۲، علی يد عبدالضعیف المحتاج الی رحمة الله الغنی عماد بن ابراهیم الحسنی، عفی عنهما» و «تمت الرسالة فی ۴ شهر ذی الحجة سنة اثنی و تسعین و تسعنه من هجره النبویه، علی يد عبدالضعیف عماد الحسنی، عفی عنه»، در همان کتابخانه.

- نسخه دیگر بوستان سعدی، به قلم کتابت خفی ممتاز، با رقم «کتبه العبد المذنب، عماد الحسنی القزوینی غفرالله ذنوبه. حسب الامر بندگان نواب مستطاب قبله گاهی اعتقاد خان، سمت اتمام پذیرفت»، در کتابخانه مجلس شورای ملی، تهران.

- نسخه دیگر بوستان سعدی، به قلم کتابت ممتاز، با تاریخ و رقم «تم الكتاب بعون الملك الوهاب، العبد الفقير المذنب عماد الحسنی، غفر ذنوبه و ستر عيوبه، فی تاریخ شهر ربیع الاول سنه ۱۰۱۲ هجری»، در مجموعه دولتی افغانستان، کابل.

- مثنوی گوی و چوگان عارفی، به قلم کتابت خفی عالی، با رقم «کتبه وراقمه العبد، میر عماد حسنی قزوینی»، در مجموعه دولتی افغانستان، کابل.

- تحفة الملوك، به قلم دودانگ ممتاز، با رقم «عماد الحسنی» و تاریخ «سنه ۱۰۱۹»، در کتابخانه سرکاری رامپور، هند.

- الاسماء الحسنی، به قلم دودانگ و غبار ممتاز، با رقم «عماد الحسنی» و تاریخ «سنه ۹۸۷»، در همان کتابخانه.

- سبحة الابرار جامی، به قلم کتابت خفی عالی، با رقم «عماد الحسنی» و تاریخ «سنه ۹۷۲»، در کتابخانه سرکاری رامپور، هند.

۲. رساله ها و جزوه ها:

- نصایح، به قلم دودانگ و کتابت عالی، که چنین تمام می شود: «کتبه الفقير المذنب،... فی سنه ۱۰۰۵»، در کتابخانه سلطنتی، تهران.

- مناجات خواجه عبدالله انصاری، به قلم نیم دودانگ ممتاز، با رقم «کتبه العبد، عماد الحسنی غفرله»، در کتابخانه سلطنتی، تهران.

- زینة الملوك، به قلم نیم دودانگ ممتاز، با تاریخ و قلم «تمت الرسالة بعون الله»، در کتابخانه سلطنتی، تهران.

- مناجات حضرت علی بن ابی طالب، با ترجمه فارسی، به قلم نیم دودانگ و کتابت خفی ممتاز، با رقم و تاریخ «شرف بکتابتها العبد الفقیر الحقیر... فی شهر سنه عشر و الف»، در کتابخانه سلطنتی، تهران.

- پندنامه جامی به فرزند خود، به قلم کتابت خفی ممتاز، با رقم و تاریخ «کتابخانه ملک، تهران.

- نسخه دیگر مناجات خواجه عبدالله انصاری و اشعاری از قاسمی، به قلم دودانگ و کتابت خفی ممتاز، با رقم و تاریخ «کتابه العبد المذنب عمادالحسنی، غفرله، ۱۰۱۰» در مجموعه عبدالله فروهر، تهران.

- هفت بند حسن کاشانی، به قلم دودانگ ممتاز، با رقم «کتابه الفقیر الحقیر عماد الحسنی غفرله»، در مجموعه جمعوری ادیب اصفهانی، تهران.

- رباعیات خیام، به قلم نیم دودانگ ممتاز، با رقم و تاریخ «کتابه العبد عماد الحسنی ۱۰۱۶»، در مجموعه عالی تورک گللدی سفیر پیشین ترکیه، تهران (و بعضی از همین رباعیات در یک مجلد، بدون رقم، در کتابخانه سلطنتی، تهران).

- نسخه دیگر مناجات حضرت علی بن ابی طالب، بدون ترجمه، به قلم دودانگ ممتاز، با رقم «شرف به کتابتها العبد الفقیر عمادالحسنی، غفر ذنوبه و ستر عیوبه»، در کتابخانه دانشگاه استانبول.

۳. مرقعها (مستعمل بر قطعات و مشقها):

- یک مرقع مستعمل بر تصاویر و از جمله ۶۸ قطعه از خطوط میر، به قلمهای از سه دانگ تا غبار ممتاز و عالی، با رقمها و تاریخهایی از جمله «کتابه الفقیر المذنب عماد الحسنی، غفرله، جهت حاجی الحرین خواجه شاه علی، نوشته شد» و «کتابه الفقیر المذنب عماد الحسنی ۱۰۱۸» و «کتابه... عمادالحسنی... فی سنه الف و اربع عشر» و «کتابه... عمادالحسنی... فی ۱۰۱۲» در کتابخانه سلطنتی، تهران.

- مرقع مستعمل بر یک صد قطعه، به قلمهای از چهار دانگ تا غبار ممتاز و عالی، با تاریخهایی بین سالهای ۱۰۰۷ و ۱۰۲۴ و رقمهایی از جمله «مشقه العبد عماد الحسنی السیفی غفر ذنبه بدارالسلطنة اصفهان ۱۰۲۲» و «الفقیر المذنب عمادالملک الحسنی» و «جهت فرزند نورالدین محمد [لاهیجی] طول عمره نوشته شد، به دارالسلطنة اصفهان» و «الحقیر الفقیر المذنب، عمادالملک الحسنی السیفی، غفرالله ذنوبه و ستر عیوبه، فی

سنه ۱۰۲۴» (این مرقع عکس خطوط است و نمی‌دانم اصل این قطعات در کجاست).
- مرقع مشتمل بر ۲۵ قطعه، به قلم از شش دانگ تا کتابت خفی ممتاز، با رقمهایی از جمله «جهت فرزند میرزا محسن حفظه الله تعالی نوشته شد، الفقیر میر عماد» و «کتبه المذنب عماد الحسنی»، در کتابخانه ملی پاریس.

- مرقع مشتمل بر ۲۱ قطعه، به قلمهای از سه دانگ تا کتابت خفی ممتاز و رقمها و تاریخهایی از جمله «نقل خط قبله الکتاب مولانا میر علی الکاتب علیه الرحمة... ۱۰۱۳» و «الحقیر المذنب، علی الکاتب السلطانی، عبد کم عماد الحسنی»، از متروکات ولی الدین افندی، در کتابخانه دانشگاه استانبول.

- مرقع دیگر مشتمل بر ۴۶ قطعه، به قلمهای از پنج دانگ تا کتابت خفی ممتاز، با تاریخهایی بین سالهای ۱۰۰۳ و ۱۰۲۴ و رقمهایی از جمله «کتبه العبد المذنب عماد الحسنی غفرله، بدمشق الشام فی سنه ۱۰۱۳»، ایضاً از متروکات ولی الدین، در کتابخانه دانشگاه استانبول.

۴. قطعات منفرد یا در ضمن مرقعها با قطعات خطوط خوشنویسان دیگر، که شماره قطعات رقم دار به نام میر عماد به ۱۶۰ می‌رسد.

- این قطعات به قلمهای از شش دانگ تا غبار ممتاز و عالی و با تاریخهایی بین سالهای ۹۷۲ ق (میر عماد در این تاریخ حدود یازده سال داشته است) و ۱۰۲۴ ق (سال قتل او) است.

رقم غالب و مستمر میر «عماد الحسنی» است، ولی به تفاریق به این طرزها نیز رقم کرده است: عماد، میر عماد، میر عماد حسنی، میر عماد الحسنی، میر عماد حسنی قزوینی، عماد الملک الحسنی، عماد الملک القزوینی، عماد الملک الحسنی السیفی، عماد الملک الحسنی السیفی القزوینی، عماد الحسنی القزوینی.

قطعات مذکور در کتابخانه‌های عمومی و خصوصی و جزو مجموعه‌های شخصی است. علاوه بر کتابها، قطعات، رسالات و مرقعات مذکور، کتیبه‌ای با رقم میر، در تکیه معروف میرفندرسکی، در اصفهان موجود است و اکنون در اتاقی مجاور آرامگاه میرفندرسکی، قرار دارد. چون این کتیبه بر روی گچ تعیبه شده، به تدریج محو و فرسوده گردیده است و زشت‌تر آنکه، چون برای تعمیر آن کوشیده‌اند، رنگ سیاهی روی آن کتیبه کشیده و به کلی آن را مسخ کرده‌اند. شاید اگر بادقت رنگ مشکی آن گرفته شود و

خوشنویسی که آشنایی به شیوه میرعماد داشته باشد، دوباره آن را رنگ کند، از صورت نازیبا و اسفبار کنونی بیرون آید. این کتیبه، به قلم دودانگ کتیبه، غزل معروف حافظ شیرازی است که مطلع آن این است:

روضه خلد برین خلوت درویشان است مایه محتشمی خدمت درویشان است
و رقم صریح «میرعمادالحسینی» را دارد.

خطوط میرعماد حسینی

- یک نسخه از قصیده پیامی، به قلم کتابت خوش با رقم «کتبه الفقیر المذنب عمادالحسینی، غفر ذنوبه و ستر عیوبه» در کتابخانه سلطنتی، تهران.

- یک نسخه از سرمایه ایمان عبدالرزاق لاهیجی، به قلم کتابت خفی خوش، که چنین تمام می شود: «تمت هذه الرسالة سرمایه ایمان بعون الملك المنان، به تاریخ روز دوشنبه ۱۹ شهر جمادی الاول سنه احدى و سبعین و الف، کتبه العبد عمادالحسینی، به جهت فرزندی برخورداری میرعبدالکریم نوشته شد»، در مجموعه مهدی بیانی.

- یک نسخه از غزلیات جامی، به قلم کتابت خفی خوش، با رقم «کتبه العبد الفقیر الحقیق عمادالحسینی»، در کتابخانه دانشگاه استانبول.

- یک نسخه از دیوان امیرشاهی، به قلم کتابت خوش، با رقم «میرعماد الحسینی»، در مجموعه چستر بیتی، انگلستان.

- دو قطعه، به قلم چهاردانگ متوسط، با رقم «مشقه عماد ثانی حسینی»، در کتابخانه سلطنتی، تهران.

- یک قطعه، به قلم دودانگ خوش، با رقم «فقیر خاص عماد حسینی، غفرالله ذنوبه»، در کتابخانه ملک، تهران.

- یک قطعه از یک مرقع، به قلم دودانگ و کتابت جلی متوسط، با رقم «کتبه العبد الاقل، عمادالحسینی، غفر ذنوبه و ستر عیوبه»، در کتابخانه خزینه اوقاف استانبول.

خطوط میرمحمدامین سیفی

وی نواده میرعماد سیفی حسینی است و خود هم در رقمها قید «نواده میرعماد

- حسنى» را کرده است. میرزا سنگلاخ به او لقب «دانا دبیر» داده است. از آثار اوست:
- تحفة المؤمنین، به قلم کتابت متوسط، موجود در کتابخانه سلطنتی، تهران.
 - یک قطعه از مرقع، به قلم دودانگ و کتابت خوش، با رقم و تاریخ ۱۱۱۷، در کتابخانه سلطنتی، تهران.
 - رفیق توفیق محمدعلی قزوینی، به قلم کتابت جلی خوش، با رقم و تاریخ «ذره بی مقدار نواده مرحوم میرعمادالحسنی غفرله، مسوده نمود سنه ۱۱۱۲»، موجود در مجموعه مهدی بیانی.
 - یک قطعه، به قلم نیم دودانگ و کتابت خوش، با رقم و تاریخ «حرره العبد محمدامین نواده مرحوم میرعمادالحسنی غفر ذنوبه فی شهور سنه ۱۱۱۸»، در مجموعه مهدی بیانی.

خطوط میرمحمد صالح کشفی

- فرزند میرعبدالله مشکین قلم نسخ نویس، ازوست:
- یک قطعه، به قلم سه دانگ و نیم دودانگ و کتابت خوش، یک رباعی از اشعار خود او، با رقم و تاریخ «مشقه محمدصالح کشفی غفر ذنوبه، فی شهور سنه ۱۰۴۸»، در کتابخانه ملی، تهران.
 - سه قطعه از مرقعی، به قلمهای سه دانگ و دودانگ و کتابت خوش، با رقمهای «احقرالعباد کشفی» و «سوده کشفی» و «سوده محمدصالح الحسینی»، در کتابخانه بادلیان، انگلستان.

خطوط نورالدین محمد لاهیجانی

- چهار قطعه، به قلمهای چهار دانگ، سه دانگ، دودانگ عالی و خوش، با رقمها و تاریخ «کته نورالدین محمد اللاهیجی» و «مشقه نوره لاهیجی» و «به رسم یادگار جهت برادر عزیز خواجه علی بیگ نوشته شد. مشقه نورالدین محمد لاهیجی»، در کتابخانه بادلیان، انگلستان.
- یک نسخه نگارستان قاضی احمد غفاری، به قلم کتابت خوش، با رقم «... حیران بی سامانی اعنی بنده شرمنده نوره المنشی اللاهیجی»، در کتابخانه ملی، تهران.

- یک مجموعه از دیوان حافظ، دیوان مغربی، دیوان اوحدی و غیره، به قلم کتابت جلی خوش، با رقم و تاریخ «الفقیر نورالدین محمد اللاهیجی... فی سنه ۱۰۳۲ من الهجرة»، در کتابخانه مهدوی، تهران.

- یک قطعه، دودانگ و کتابت خفی ممتاز، با رقم و یادداشت «کتبه العبد نورالدین محمد اللاهیجی الملقب به خوشنویس ایران غفرالله ذنوبه، به جهت مجموعه کمالات صوری و معنوی وحید زمان مولانا علی خان خوشنویس سلمه الله تعالی، مرقوم قلم شکسته رقم شد، فی سنه ۱۰۳۹»، در مجموعه مهدی بیانی.

خلد برین از وحشی بافقی

کتابخانه سلطنتی ۲۲۰×۱۵۰، جلد دولایی ابره تیماج یشمی ترنج و نیم ترنج ضربی بوته نارنجی متن طلایی، اندرون و سجاف تیماج سرخ بغدادی ترنج و نیم ترنج و حاشیه و جدول مذهب، صفحه‌ها متن و حاشیه، کاغذ متن سمرقندی، حاشیه اصفهانی پشت گلی زرفشان، ۴۶ صفحه، دوازده سطری، عنوانها به لاجورد در سرسختیهای نقش مذهب مرصع، یک سرلوح مذهب مرصع عالی، در سه صفحه آخر لچکیهای مذهب مرصع و آخر نسخه مذهب و ترصیع شده است، خط نستعلیق کتابت عالی، رقم رشیدای دیلمی، تاریخ تحریر سال ۱۰۰۰ ق، ش ۴۹۱۷.

خمس از امیر خسرو دهلوی، محمد شاه دارابی

یک نسخه خمس از امیر خسرو دهلوی در کتابخانه سلطنتی به خط محمد شاه دارابی از کاتبان گمنام قرن یازدهم هجری، موجود است. قلم کتابت متوسط، که چنین تمام می شود: «تمام شد کتاب خمس از امیر خسرو دهلوی رحمه الله علیه، فی تاریخ غره شهر ذی حجه الحرام سنه ۱۰۵۲، کتبه الفقیر الحقیر محمد شاه دارابی».

خمس از امیر خسرو دهلوی

کتابخانه سلطنتی ۲۸۰×۱۷۰، جلد میشن ماشی ساده، کاغذ عادل شاهی جدول زرین، عنوانها به زر تحریردار در سرفصلهای بوته اندازی لاجوردی، دو صفحه اول هر مثنوی متن و حاشیه بین سطور بوته اندازی مذهب منقش و بین مصراعها تسمه مذهب

لاجوردی، حاشیه بوت‌اندازی مذهب میناسازی عالی، پنج سر لوح مذهب مرصع عالی که در کتیبه هر یک عنوان مثنوی و ناظم به سفیداب تحریردار روی متن زر (و اشتباهاً اسکندرنامه را به نام نظامی) نوشته، ۴۵۸ صفحه، نوزده سطری، خط نستعلیق کتابت خفی متوسط، رقم محمدشاه دارابی، تاریخ تحریر سال ۱۰۵۲ق، ش ۱۱۶۴۲.

خمسۀ جامی

کتابخانه سلطنتی ۲۳۵×۱۵۵، جلد تیماج ماشی حاشیه منگنه مذهب جدید، کاغذ سمرقندی جدول زرین، عنوانها به زر و لاجورد، پنج سر لوح مذهب لاجوردی عالی که در کتیبه هر یک روی متن زر به خط کوفی تزیینی «بسمه» و «الله و لاسواه» و «الحمد» نوشته شده است. دو صفحه پیش از متن دو مجلس شکار مینیاتور خوش فرسوده و محو شده و قلم برده، ۳۷۹ صفحه، ۲۱ سطری، خط نستعلیق کتابت خفی نزدیک بغابر، بدون رقم و تاریخ تحریر سده یازدهم هجری، ش ۲۲۷. (فهرست ناتمام / ۲۹۶)

خمسۀ نظامی گنجوی

- خط نستعلیق ریز عالی، کاتب: سید فتح‌الله بن سید محمد، ربیع‌الآخر ۱۰۰۲ق، ۲۸۸ برگ، چهارستونی ۲۵ سطری، کاغذ آهارزده، حاشیه کرم‌خورده، جلد تیماج سرخ و فرسوده.

آرایش: مجداول طلایی و الوان، کمندی، عنوانها قرمز، شش سر لوحه مذهب (ب ۱، ب ۲۳، ب ۸۲، ب ۱۴۵، ب ۱۸۱، ب ۲۵۱).

خمسۀ نظامی

کتابخانه سلطنتی ۲۱۵×۱۹۵، جلد ابره تیماج مشکی و قهوه‌ای ترنج و نیم‌ترنج و گوشه سوخت معرق زمینه لاجوردی و پخته زمینه طلاپوش، اندرون زمینه طلایی ساده، حاشیه مشکی، کاغذ اصفهانی جدول زرین زمینه زرفشان غبار، سرسختها به خط نستعلیق به سفیداب تحریردار روی متن زر بوت‌اندازی، دو صفحه اول متن و حاشیه مذهب مرصع لاجوردی عالی که در میان دو ترنج در هشت سطر به سفیداب تحریردار روی متن زر بوت‌اندازی شده، عنوان و ناظم کتاب و شش بیت در هر صفحه از آغاز

منظومه نوشته شده، ۷۰۰ صفحه، ۲۱ سطری، یازده مجلس تصویر مینیاتور عالی، خط نستعلیق کتابت خوش، رقم محمد قوام شیرازی، بدون تاریخ سده‌های دهم و یازدهم هجری، ش ۵۶۴.

خمسه نظامی

کتابخانه سلطنتی ۲۲۵×۱۵۰، جلد تیماج مشکی ساده اندرون تیماج سرخ ساده، کاغذ بخارایی جدول زرین، بسیاری از صفحات وصالی شده، عنوانها به شنگرف، دو صفحه اول متن و حاشیه مذهب مرصع متوسط که در وسط هر صفحه هشت بیت از مخزن الاسرار نوشته شده و بین سطور طلاندازی است. دو صفحه اول هر مثنوی بین سطور طلاندازی و بین مصراعها تسمه منقش، در هر سر لوح «بسمله» و عنوان هر مثنوی به سفیداب تحریردار روی متن زر نوشته، خط نستعلیق کتابت خفی متون بدون رقم، تاریخ تحریر سده‌های دهم و یازدهم هجری، ش ۱۰۰۰۸.

خمسه نظامی

کتابخانه سلطنتی ۲۷×۱۵۰، جلد ابره ساغری مشکی ترنج و سرترنج ضربی طلاپوش بریده خوش، اندرون میشن سرخ ترنج و سرترنج سوخت تحریر طلاپوش. روی زمینه لاجوردی و سفید که اندکی ریختگی دارد و مرمت شده است، عنوانها شنگرف روی متن زر، ۴۵۸ صفحه، نوزده سطری، هر سطر دو بیت، یک سرلوح مذهب مرصع الحاقی، نه مجلس تصویر مینیاتور عالی، خط نستعلیق کتابت خفی خوش، رقم محمدبن ملا میر، تاریخ تحریر (؟) ۱۰۲۶ ق، ش ۱۲۲۲۲۹.

خمسه نظامی

کتابخانه سلطنتی ۲۶۳×۱۵۵، جلد تیماج یشمی ترنج و سرترنج منگنه بوته گلی رنگ، کاغذ اصفهانی جدول زرین و عنوانها به شنگرف، دو صفحه اول و صفحات متفرق در وسط و آخر هر مثنوی بین سطور طلاندازی، پنج سرلوح مزدوج مذهب لاجوردی خوش که در کتیبه هر یک روی متن زر به خط رقاع خوش عنوان هر مثنوی به سفیداب نوشته شده است. ۵۴۶ صفحه، ۲۱ سطری، هر سطر دو بیت، ۲۳ مجلس تصویر به

سیاهه برخی از آثار ادبی و هنری / ۱۴۵

رنگ جدید متوسط، خط نستعلیق، کتابت متوسط، رقم روح الله بن نورالله، بدون تاریخ
تحریر سده یازدهم هجری، ش ۵۵۵.

دُرّالمجالس از سیف ظفربخاری

درباره اش اطلاعی به دست نیامد.

- خط نستعلیق، ظاهراً سده یازدهم هجری، ۱۱۱ برگ، هفده سطری، کاغذ آهارزده
لکه دار مرکب رنگ پریده، جلد تیماج قهوه ای ضربی با ترنج کرم خورده تعمیر شده.
آرایش: عنوانها قرمز، سرلوحه آراسته مزدوج، مجدول مزدوج.

دستورالعمل و تصحیح الجدول میرم چلبی، محمود بن محمد بن قاضی زاده رومی

- خط نسخ، کاتب: محمد بن مصطفی، شعبان ۱۰۸۵ ق، ۲۱۵ برگ، ۲۳ سطری، کاغذ زرد
آهارزده، متن و حاشیه شده، جلد تیماج سرخ جدید طغرادار.
آرایش: عنوانها قرمز، مجدول طلایی و مشکی، سرلوحه مذهب.

دیوان ابوطالب کلیم کاشانی

کتابخانه سلطنتی ۲۰۰×۱۱۰، جلد تیماج مشکی ترنج و سرترنج منگنه، کاغذ
دولت آبادی جدول زرین و عنوانها به شنگرف و لاجورد، دو صفحه اول و دو صفحه
آغاز غزلیات متن و حاشیه بین سطور طلاندازی حاشیه حل کاری (ترصیع)، دو سرلوح
مذهب مرصع متوسط، ۵۰۸ صفحه، پانزده سطری، خط نستعلیق کتابت متوسط، رقم
محمدتقی خاتون آبادی، تاریخ تحریر سال ۱۰۵۷ ق، ش ۴۸۴.

دیوان اثیرالدین اخسیکتی

- خط نستعلیق ممتاز، ظاهراً سده یازدهم هجری، ۵۹ برگ، متن هفده و هامش چهارده
سطری، یک مصراعی، کاغذ زرد آهارزده آب رسیده و لکه دار، جلد تیماج سرخ جدید.
آرایش: مجدول طلایی سبز و لاجوردی، سرلوحه مذهب فرسوده.

دیوان امیرشاهی

کتابخانه سلطنتی ۲۵۵×۱۵۵، جلد تیماج سرخ ساده جدید، صفحات متن و حاشیه،

کاغذ متن سمرقندی، حاشیه اصفهانی حنایی و یک حاشیه باریک آبی، دو جدول زرین، یک سرلوح مزدوج مذهب مرصع متوسط، ۸۶ صفحه، سیزده سطری، خط نستعلیق کتابت متوسط، بدون رقم، تاریخ تحریر سال ۱۰۰۵ ق، ش ۳۸۷.

دیوان امیرسیفی

- خط نستعلیق ممتاز، ظاهراً سده یازدهم هجری، ۱۶ برگ، دو ستونی، نوزده سطری، کاغذ زرد آهارزده، جلد مقوایی الوان، عطف میشن تعمیر شده (استانبول ۴۴۳).

دیوان امیرغیاث الدین

- خط نستعلیق ممتاز، جمادی الاول ۱۰۸۸ ق، ۵۳ برگ، دو ستونی هفده سطری، کاغذ آهارزده، جلد پارچه ای مشکی عطف مقوایی. آرایش: سرلوحه ای آراسته دارد، ورق ۱ و ۲ مجدول طلایی.

دیوان انوری

کتابخانه سلطنتی ۲۴۰×۱۴۰، جلد ساغری مشکی ترنج و سرترنج و گوشه بریده ضربی بوم مذهب، اندرون تیماج ساده تریاکی، کاغذ اصفهانی جدول زرین، عنوانها به زر و شنگرف، یک سرلوح مذهب مرصع خوش، خط نستعلیق کتابت خفی خوش، بدون رقم، تاریخ تحریر ۱۰۱۵ ق، ش ۲۰۰.

دیوان انوری

کتابخانه سلطنتی ۲۴۵×۱۴۵، جلد ساغری سرخ ترنج و سرترنج بریده منگنه ضربی، زمینه مذهب، اندرون ساغری مشکی ترنج و سرترنج سوخت معرق بوته مذهب زمینه لاجوردی خوش، کاغذ بخارایی متن زرافشان جدول زرین، جای عنوانها بیاضی، یک سرلوح مذهب مرصع خوش، ۶۹۰ صفحه، پانزده سطری، خط نستعلیق کتابت خوش، بدون رقم و تاریخ تحریر (سده یازدهم هجری)، ش ۲۰۱.

دیوان انوری

کتابخانه سلطنتی ۲۴۵×۱۴۵ جلد ساغری سرخ ترنج و سرترنج و گوشه بریده ضربی

سیاهه برخی از آثار ادبی و هنری / ۱۴۷

طلاپوش. اندرون تیماج قهوه‌ای ترنج و سرترنج و گوشه سوخت معرق بوته مذهب زمینه سبز و سرخ خوش، کاغذ اصفهانی جدول زرفشان غبار، سرسخنها طلاکشیده، عنوانها به سرخی و سفیداب و بعضی بیاض، یک سرلوح مذهب مرصع خوش که در کتیبه آن روی متن زر عنوان کتاب به شنگرف نوشته شده است. متن ۷۶۹ صفحه، هفده سطری، خط نستعلیق کتابت خوش، بدون رقم و تاریخ تحریر (سده یازدهم هجری)، از آخر نسخه و پیش از صفحه ۷۲۸ لاقل یک ورق ساقط.

دیوان جامی

- خط نستعلیق ممتاز، ظاهراً سده یازدهم هجری، ۲۳۶ برگ، دو ستونی هفده سطری، کاغذ آهارزده آب رسیده و کرم خورده، جلد تیماج آلبالویی مطلا و لولادار. آرایش: مجدول طلایی و قرمز، دو سرلوحه مذهب (ب ۱ و ب ۴).

دیوان جسمی همدانی

کتابخانه سلطنتی ۲۳۰×۱۳۰، جلد تیماج مشکی ساده، کاغذ کشمیری الوان، بعضی صفحات وصال شده، ۴۱۶ صفحه، ۲۱ سطری، خط شکسته نستعلیق متوسط، رقم محمد مقیم جسمی (ناظم دیوان)، تاریخ تحریر سال ۱۰۴۸ ق، ش ۳۱۴۲.

دیوان حافظ

- خط نستعلیق خوش، ظاهراً سده یازدهم هجری، ۱۷۹ برگ، دوازده سطری، کاغذ آهارزده، جلد تیماج آلبالویی مطلا. آرایش: مجدول طلایی و لاجوردی، سرلوحه مذهب مزدوج، برگ ۱ و ۲ مجدول آراسته.

دیوان حافظ

- خط نستعلیق خوش، کاتب: سینان سیواسی، جمادی الاول ۱۰۰۴ ق، ۸۸ برگ، دو ستونی، پانزده سطری، کاغذ زرد آهارزده لکه دار، جلد مقوایی الوان عطف میشن. آرایش: عنوانها قرمز، مجدول قرمز، سرلوحه مذهب.

دیوان حافظ

کتابخانه سلطنتی ۲۲۲×۱۴۵، جلد ساغری مشکی ترنج و نیم ترنج و سرترنج و حاشیه بریده ضربی حاشیه منگنه مذهب، صفحات متن و حاشیه شده، کاغذ متن بخارایی افشان، کاغذ حاشیه اصفهانی نباتی یک حاشیه، باریک طلااندازی، بین مصراعها تسمه مذهب منقش، سرغزلها به خط رقاع خوش به سفیداب تحریردار، روی متن زر بوته اندازی، صفحه اول متن و حاشیه مذهب مرصع عالی که در میانه صفحه در ترنجی روی متن لاجوردی یک رباعی به خط رقاع خوش به سفیداب نوشته شده است. صفحه دوم یک مجلس مینیاتور خوش تصویر جوان بازدار است که چهره آن را محو کرده اند، دو صفحه آغاز متن کتاب متن و حاشیه مذهب مرصع عالی که در میان هر صفحه شش مصرع از آغاز دیوان دیوان نوشته شده که بعضی کلمات آن محو گردیده است، ۳۳۸ صفحه، هر صفحه دوازده سطری، خط نستعلیق کتابت عالی، رقم عمادالحسنی، تاریخ تحریر ۱۰۰۳ق، ش ۱۱۰۶۴.

دیوان حافظ

کتابخانه سلطنتی ۲۲۵×۱۴۰، جلد مقوای روغنی ممتاز بوم زرک، ترنج و سرترنج بوم مشکی که در ترنجهای تصویر زن جوانی نقاشی شده است. حاشیه بوم آلبالویی بوته ریزه نقاشی، اندرون بوم مشکی تصویر زن جوانی با شاخ و شکوفه مذهب، حاشیه بوته ریزه نقاشی، صفحات متن و حاشیه شده، کاغذ متن قطعه ختایی، کاغذ حاشیه فرنگی آهار و مهره کشیده و بین سطور تماماً طلااندازی و بین مصراعها تسمه مذهب منقش، سرسخنها عموماً مذهب مرصع، جای عنوانها طلا کشیده خالی، حواشی یک جدول دندان موشی مذهب، دو صفحه اول متن و حاشیه بین سطور طلااندازی منقش، حاشیه بوته اندازی مذهب عالی که در چهار ترنج روی متن لاجورد بوته اندازی به خط ثلث خوش، ۳۷۰ صفحه، دوازده سطری، خط نستعلیق کتابت عالی، بدون رقم و تاریخ تحریر (نیمه دوم سده دهم تا نیمه اول سده یازدهم هجری)، ش ۲۷۰.

دیوان حافظ

کتابخانه سلطنتی ۱۸۰×۱۰۳، جلد تیماج آلبالویی گل اشرفی منگنه مذهب، کاغذ ترمه،

تمامی صفحات متن و حاشیه بوته‌اندازی مذهب منقش بین مصراعها تسمه مذهب و سر هر قطعه شعر دو لوح بوته‌اندازی مذهب، دو صفحه اول و آغاز غزلیات بین سطور طلائندازی، سه سرلوح مذهب مرصع خوش، ۳۵۵ صفحه، شانزده سطری، خط شکسته نستعلیق کتابت خوش، بدون رقم، تاریخ تحریر ۱۱۲۲ق، ش ۲۷۱.

دیوان حافظ

کتابخانه سلطنتی ۲۷۲×۱۶۵، جلد مقوای ابره تیماج مشکی ترنج و نیم ترنج و لچکی منگنه سرخ اندرون میشن سرخ جدید، صفحات متن و حاشیه، کاغذ متن قطعه سمرقندی زرفشان غبار جدول زرین، کاغذ حاشیه الوان که بعضی نقش عکاسی قدیم و بعضی حل‌کاری (ترصیع) دارد و بعضی ساده است، بعضی صفحات تسمه مذهب دارد و مقداری از سرسخنها طلائندازی و بعضی مرصع است. یک سرلوح مذهب مرصع خوش فرسوده، آخر نسخه دو لچکی مذهب مرصع و بین عبارات که در آخر نوشته شده طلائندازی است، دو مجلس تصویر مینیاتور عالی در متن و یک صفحه تصویر در پایان نسخه که ریختگی دارد، ۲۶۹ صفحه، چهارده سطری، هر سطر یک بیت، خط نستعلیق کتابت عالی، رقم شاه قاسم، تاریخ تحریر ۱۰۰۳ق، ش ۲۶۱.

دیوان حافظ

کتابخانه سلطنتی ۲۵۳×۱۵۳، جلد ساغری مشکی ترنج و نیم‌ترنج و سرترنج و گوشه منگنه، حاشیه منگنه مذهب جدید، صفحات متن و حاشیه قطعه‌سازی کاغذ ختایی جدول زرین حواشی الوان حل‌کاری و تشعیر سازی عالی، سرغزلها مذهب، حاوی عنوانها بیاض، یک سرلوح مذهب مزدوج عالی که در کتیبه آن روی متن زر «بسمله» نوشته شده است، ۳۹۰ صفحه، چهارده سطری، خط نستعلیق کتابت جلی عالی، رقم شاه قاسم، تاریخ تحریر سال ۱۰۱۰ق، ش ۱۶۵.

دیوان حافظ

کتابخانه سلطنتی ۴۰۰×۲۵۵، جلد مقوای روغنی متوسط بوم زرک ترنج و سرترنج و گوشه بوم سبز گل و بوته نقاشی، اندرون بوم سرخ ترنج و سرترنج و حاشیه بوم سبز

بوته‌اندازی مبتذل (اندرون جلد و حاشیه کاغذ سمرقندی الوان)، بین سطور طلااندازی، هر صفحه حاشیه دارد یکی باریک که تشعیرسازی است یکی عریض که عموماً حل‌کاری (ترصیع) خوش منقش به نقوش مختلف است. نقش حاشیه صفحه اول جدید است، دو صفحه اول بین سطور و مصراعها طلااندازی منقش و چهار لوح کوچک مذهب مرصع و یک سرلوح مذهب مرصع عالی دارد، ۳۷۶ صفحه، چهارده سطری، هر سطر یک بیت، خط نستعلیق دو دانگ متوسط، رقم حکیم رکن‌الدین مسعود، تاریخ تحریر سال ۱۰۳۹ق، ش ۴۷۵۳.

دیوان حافظ

کتابخانه سلطنتی ۲۶۵×۱۶۵، جلد ساغری مشکی ترنج و نیم‌ترنج و سرترنج و گوشه بریده ضربی زمینه طلا بوته عنابی، اندرون میشن سرخ جدول مذهب، صفحات متن و حاشیه، کاغذ متن خانبالغ جدول زرین حاشیه حنایی که تمام حواشی حل‌کاری (ترصیع) عالی به زر الوان است. دو صفحه اول مقدمه، قصاید، غزلیات و مخمسات بین سطور طلااندازی منقش و بین مصراعها تسمه لاجورد مذهب، چهار سرلوح مذهب مرصع عالی که در کتیبه هر یک روی متن زر به سفیداب تحریردار عنوان هر قسمت نوشته شده است، ۴۴۲ صفحه، پانزده سطری، خط متن نستعلیق کتابت جلی عالی و عبارات عربی نسخ کتابت خوش به زر و لاجورد، بدون رقم و تاریخ تحریر (قرن یازدهم هجری)، ش ۱۲۲۰۷.

دیوان حافظ

یک نسخه از دیوان حافظ به خط محمد مسیح شیرازی در کتابخانه مجلس شورای ملی (سابق) به قلم کتابت خفی نزدیک به غبار عالی وجود دارد که در ۱۰۷۲ق سمت تحریر یافته است.

دیوان خاقانی

- خط نستعلیق، ۱۰۳۱ق، ۱۳۱ برگ، ۲۳ سطری، کاغذ آهارزده جلد پارچه‌ای عطف میشن تعمیر شده.

آرایش: مجدول قرمز، سرلوحه مذهب آراسته.

دیوان خاقانی

در هامش دیوان خاقانی، دیوان انوری نوشته شده است.

- خط نستعلیق ممتاز، کاتب: صالح، ۱۰۴۸ق، ۶۷۸ برگ، متن ده و هامش ۲۴ سطری، کاغذ نازک آهارزده درون جدول زرافشان، جلد تیماج قهوه‌ای ضربی نفیس منقش طلا.

آرایش: از برگ ۱ تا ۴۲ در هامش نقشهای مطلا، عنوانها قرمز، مجدول طلایی و الوان، سرلوحه مذهب، مزدوج.

دیوان خاقانی

کتابخانه سلطنتی ۲۹۰×۱۷۵، جلد تیماج مشکی ترنج و سرترنج و گوشه منگنه، اندرون تیماج سرخ ترنج و سرترنج بریده طلاکشیده ساده، کاغذ اصفهانی جدول زرین، عنوانها به شنگرف یک سرلوح مذهب لاجوردی خوش، ۸۵۸ صفحه، هفده سطری، خط نستعلیق کتابت جلی متوسط، رقم معزالدین حسین لنگری، تاریخ تحریر ۱۰۱۹ق، ش ۳۰۲.

دیوان سلیم طهرانی

- خط نستعلیق ممتاز، کاتب: علی رضا، ربیع الاول ۱۰۸۰ق، ۲۷۷ برگ، دو ستونی نوزده سطری، کاغذ آهارزده فرسوده و آب رسیده، جلد تیماج آلبالویی معمولی. آرایش: چهار سرلوحه مذهب و مرصع (ب ۱، ب ۴۸، ب ۸۹، ب ۹۷)، مجدول طلایی.

دیوان سلیمی، سلطان سلیم خان عثمانی

کتابخانه سلطنتی ۲۳۲×۱۳۲، جلد میشن تریاکی ترنج و نیم ترنج و گوشه ضربی عالی، اندرون تیماج ساده لولادار، کاغذ بغدادی الوان جدول زرین، یک سرلوح مذهب مرصع خوش که در کتیبه آن روی متن زر به سفیداب تحریردار به خط نستعلیق نوشته شده

است: «دیوان سلطان سلیم طاب ثراه». عنوانها به لاجورد، ۵۸ صفحه، سیزده سطری، خط نستعلیق کتابت متوسط، رقم عبدالواحد، بدون تاریخ (سده یازدهم هجری)، ش ۹۳۷۳.

دیوان شانی تکلو

کتابخانه سلطنتی ۲۰۲×۱۱۷، جلد مقوای ابره کاغذ ابری عطف و گوشه تیماج خیالی جدید، کاغذ اصفهانی جدول زرین متن زرفشان غبار، دو صفحه اول و دو صفحه در میان کتاب متن و حاشیه بین سطور طلائندازی حاشیه بوته اندازی مذهب منقش، دو سرلوح مزدوج مذهب مرصع عالی که در کتیبه هر یک عنوان کتاب و ناظم به سفیداب تحریردار روی متن زر بوته اندازی نوشته شده است، ۷۰۴ صفحه، شانزده سطری، خط نستعلیق کتابت خوش، بدون رقم، تاریخ تحریر ۱۰۴۸ ق، ش ۲۷۰۹.

دیوان شاه نعمت الله ولی

کتابخانه سلطنتی ۲۶۵×۱۶۳، جلد تیماج عنابی ترنج و سرترنج بریده منگنه طلاپوش، اندرون تیماج تریاکی جدول مذهب، کاغذ ختایی نخودی جدول زرین، یک سرلوح مذهب مرصع عالی که در کتیبه آن روی متن از بوته اندازی به خط ثلث خوش به سفیداب تحریردار «بسمله» نوشته شده است، ۸۱۲ ص، هفده سطری، خط نستعلیق کتابت متوسط، بدون رقم و تاریخ تحریر (سده یازدهم هجری)، ش ۳۹۰.

دیوان شاهی

- خط نستعلیق عالی، کاتب: میرعلی الکاتب الحسینی، ۱۰۰۸ ق، ۷۵ برگ، شش مورب و دو عمودی، هشت سطری، کاغذ ضخیم آهارزده هامش منقش، مطلا، جلد روغنی گل و بوته عطف میشن مطلای نفیس.
آرایش: مجدول طلایی و کمندی، سرلوحه مذهب بسیار نفیس.

دیوان شاهی

- خط نستعلیق عالی، کاتب: پیر محمد، ظاهراً سده یازدهم هجری، ۴۴ برگ، دو ستونی

سیزده سطری، کاغذ زرد آهارزده، جلد مقوایی مشکی عطف میشن سرخ.
آرایش: عنوانها لاجوردی، مجدول طلایی، سرلوحه مذهب.

دیوان شاهی

- خط نستعلیق ممتاز، ظاهراً سده یازدهم هجری، ۱۰۱ برگ، مورب هشت سطری،
کاغذ آهارزده اندکی کرم خورده، جلد مقوایی عطف میشن.
آرایش: مجدول طلایی، آغاز افتاده است.

دیوان شرف الدین

- خط نستعلیق ممتاز، ظاهراً سده یازدهم هجری، ۸۱ برگ، دو ستونی، دوازده سطری،
کاغذ آهارزده آب رسیده فرسوده، جلد مقوایی الوان، عطف پارچه سرخ.
آرایش: سرلوحه مذهب فرسوده، برگ ۱ و ۲ مجدول طلایی.

دیوان شریف

- خط نستعلیق ممتاز، ظاهراً سده یازدهم هجری، ۴۱ برگ، دو ستونی سیزده سطری،
کاغذ زرد آهارزده آب رسیده، جلد تیماج یشمی ساده.
آرایش: مجدول طلایی.

دیوان شفایی اصفهانی

- خط نستعلیق عالی، ظاهراً سده یازدهم هجری، ۲۲۷ برگ، دو ستونی هفده سطری،
کاغذ آهارزده، جلد روغنی فرسوده.
آرایش: سرلوحه مذهب نفیس، مجدول طلایی و لاجوردی، عنوان قرمز، و طلایی.

دیوان شوکت بخاری

از شاعران سده های یازدهم و دوازدهم هجری. (ف ۱۱۰۷ یا ۱۱ یازدهم هجری در
اصفهان)

- خط نستعلیق خوش، کاتب: فضل عدنی بن شعبان، ۱۳۲ برگ، دو ستونی، کاغذ زرد

آهارزده، جلد مقوایی عطف می‌شن قهوه‌ای.
آرایش: ب ۱ و ب ۱۹ مجدول سرخ.

دیوان شوکت بخاری

- خط نستعلیق، کاتب: نرگسی زاده، ظاهراً سده یازدهم هجری، ۵۲ برگ، دوستونی ۳۳
سطری، کاغذ آهارزده الوان، جلد مقوایی عطف و حاشیه می‌شن لولادار.

دیوان صائب تبریزی

- خط نستعلیق ممتاز ریز، کاتب: گفتی ادرنوی، رمضان ۱۰۶۴ ق، ۱۹۵ برگ، دو ستونی
۲۷ سطری، کاغذ آهارزده، جلد تیماج آلبالویی ضربی کمندی لولادار.
آرایش: عنوانها قرمز، مجدول طلایی، دو سرلوحه مذهب نفیس مزدوج (ب ۱ و ب
۱۱) و آ ۱۱ و آ و ب ۱۹۵ تذهیب نفیسی هندسی.

دیوان صائب تبریزی

- خط نستعلیق، ۱۰۷۴ ق، ۳۹۴ برگ، دوستونی پانزده سطری، کاغذ آهارزده براق
کرم خورده، جلد تیماج ملفف به تافته، زربفت.
آرایش: سرلوحه مذهب نفیس، آ و ب زرافشان، مجدول طلایی، شماره‌ها مطلا، ب
۳۸۴ سرلوحه مذهب دیگر.

کلیات دیوان صائب تبریزی

- خط نستعلیق عالی، کاتب: رحیم همدانی، شعبان ۱۰۶۲ ق، ۴۶۰ برگ، متن هفده و
هامش ۳۰ سطری، کاغذ آهارزده کرم خورده، جلد تیماج آلبالویی ضربی مطلا با ترنج و
سرترنج و لچک و لولا.
آرایش: مجدول طلایی و لاجوردی، کمندی سرلوحه مذهب ساده، سرلوحه
دیگری ب ۵.

دیوان صائب تبریزی

کتابخانه سلطنتی ۲۷۰×۱۴۵، جلد تیماج تریاکی ترنج و نیم‌ترنج و سرترنج و گوشه،

عمل محمدباقر، کاغذ دولت آبادی جدول و کمند زرین، دو صفحه اول متن و حاشیه بین سطور طلائندازی منقش با حاشیه بوته اندازی مذهب منقش، سه سرلوح مذهب خوش، ۱۰۱۴ صفحه، ۲۱ سطری، خط نستعلیق کتابت متوسط، رقم صالح خاتون آبادی، تاریخ تحریر سال ۱۰۷۱ ق، ش ۱۰۱۲۸.

دیوان صائب تبریزی

کتابخانه سلطنتی ۲۵۰×۱۳۵، جلد تیماج تریاکی به ترنج و سرترنج منگنه، کاغذ دولت آبادی جدول زرین، ۹۳۲ صفحه، هفده سطری، خط نستعلیق تحریر کتابت متوسط، رقم محمدحسین، تاریخ تحریر سال ۱۰۷۳ ق، ش ۴۲۳، صفحات وصالی و مذهبات صفحه اول محو شده است.

دیوان صائب تبریزی

کتابخانه سلطنتی ۲۵۵×۱۴۵، جلد ابره تیماج قهوه ای ترنج و سرترنج بریده ضربی ریخته، اندرون تیماج زیتونی ساده سجاف تیماج سبز، کاغذ دولت آبادی جدول زرین، ۸۰۰ صفحه، نوزده سطری، هر سطر یک بیت، یک سرلوح مذهب مرصع خوش که در کتیبه آن «بسمله» نوشته شده است، شش مجلس مینیاتور خوش جدید که از بیاضها استفاده کرده و گاهی روی اشعار را تصویر کرده اند، خط نستعلیق تحریر کتابت متوسط، بدون رقم و تاریخ تحریر (زمان حیات صائب، سده یازدهم هجری)، ش ۱۲۱۶۱.

دیوان طالب آملی

- خط نستعلیق ممتاز، کاتب: صاحب حسن، ۱۰۵۵ ق، ۲۰۸ برگ، دوستونی پانزده سطری، کاغذ زرد آهارزده، جلد تیماج قهوه ای ضربی مطلا با ترنج و تعمیر شده. آرایش: مجداول طلائی.

دیوان طالب آملی

- خط شکسته نستعلیق، کاتب: حاجی مصطفی، شوال ۱۰۷۳ ق، ۱۴۶ برگ، دوستونی ۲۱ سطری، کاغذ آهارزده و متن و حاشیه شده، جلد تیماج مشکی معمولی تعمیر شده.

آرایش: سرلوحه آراسته ملون، برگ ۱ و ۲ مجدول طلایی، عنوانها قرمز، محشی.

دیوان ظهیر فاریابی

کتابخانه سلطنتی ۲۰۵×۱۲۵، جلد تیماج یشمی ترنج و سرترنج منگنه کار قرمز، کاغذ بخارایی جدول زرین، یک سرلوح مذهب متوسط فرسوده، ۲۰۸ صفحه، هفده سطری، خط نستعلیق کتابت تحریر متوسط، بدون رقم و تاریخ تحریر (سده یازدهم هجری)، ش ۳۰۸۷.

دیوان عرفی شیرازی

- خط نستعلیق، ظاهراً سده های یازدهم و دوازدهم هجری، ۱۶۸ برگ، سطور مختلف، کاغذ آهارزده، جلد پارچه ای مشکی، ناشیانه تعمیر شده.
آرایش: سرلوحه ای مذهب در ب ۱۵، برگ ۱۶ در صحافی به آغاز کتاب آمده، جدولها در ب ۱۵ و آ ۱۶ طلایی، و جدولهای دیگر و پاره ای خالی از جدول.

دیوان عرفی شیرازی

- خط نستعلیق ممتاز، کتابت: عبدالکریم شاهی، ربیع الآخر ۱۰۵۴ ق، ۱۷۵ برگ، دوستونی نوزده سطری، کاغذ آهارزده، جلد مقوایی الوان، عطف و حاشیه میش لولادار.
آرایش: عنوانها قرمز، محشی به قلم ریز.

کلیات دیوان عرفی شیرازی

- خط نستعلیق ممتاز، رجب ۱۰۲۷ ق، ۱۵۲ برگ، دوستونی پانزده سطری، کاغذ زرد آهارزده، جلد تیماج سرخ ضربی مطلای جدید.
آرایش: مجدول طلایی و قرمز، دو سرلوحه مذهب (ب ۱ و ب ۶۵).

دیوان فیضی هندی

- خط نستعلیق ممتاز، ظاهراً سده یازدهم هجری، ۳۵۰ برگ، دوستونی پانزده سطری،

کاغذ آهارزده ورق اول متن و حاشیه شده، جلد تیماج تریاکی جدید.
آرایش: مجدول طلایی، سرلوحه مذهب.

دیوان فیضی دکنی

- خط نستعلیق خوش، ظاهراً سده یازدهم هجری، ۲۳۳ برگ، دو ستونی نوزده سطری، کاغذ آهارزده و کرم خورده، جلد تیماج زیتونی با ترنج و سرترنج و لچک مطلا و لولادار.
آرایش: دو سرلوحه مذهب نفیس (۱ و ب ۹۴)، مجدول طلایی، عنوانها طلایی و شنگرفی.

دیوان فیضی دکنی فیضی هندی متخلص به «فیضی» و «فیاضی» (۹۵۴-۱۰۰۴ق)
- خط نستعلیق خوش، ظاهراً سده یازدهم هجری، ۳۳۲ برگ، متن حاشیه شده، جلد تیماج آلبالویی ضربی با ترنج و کمندی.
آرایش: ب ۳ مذهب، مجدول طلایی و مشکی، عنوانها قرمز، دارای ۱۱۰ مینیاتور زیبا.

دیوان قصاید عرفی شیرازی

- خط نستعلیق ممتاز، ظاهراً سده یازدهم هجری، ۱۰۱ برگ، دو ستونی پانزده سطری، کاغذ آهارزده، جلد تیماج آلبالویی ضربی دف زیرین ساده.
آرایش: سرلوحه مذهب، مجدول طلایی.

دیوان ابوطالب کلیم همدانی

- خط نستعلیق، ظاهراً سده دوازدهم هجری، ۱۷۹ برگ، دو ستونی ۲۳ سطری، کاغذ زرد آهارزده، جلد تیماج قهوه ای ضربی کمندی مطلا و لولادار.
آرایش: سرلوحه مذهب، برگ ۱ و ۲ مجدول طلایی، دیگر برگها و عنوانها قرمز.

دیوان کمال الدین اسمعیل اصفهانی

- خط نستعلیق خوش، رمضان ۱۰۸۱ق، ۲۷۱ برگ، ۲۹ سطری، کاغذ زرد آهارزده، جلد

تیماج مشکی ضربی منقش با ترنج و سرترنج و لچک و لولادار فرسوده.
آرایش: عنوانها قرمز، مجدول طلایی، سر لوحه مذهب مرصع.

دیوان کمال الدین اسمعیل اصفهانی

کتابخانه سلطنتی ۱۵۰×۲۴۳، جلد تیماج یشمی ترنج و سرترنج چهره‌ای منگنه، کاغذ اصفهانی جدول زرین متن زرفشان غبار، عنوانها به خط رقاع خوش به شنگرف، دو صفحه اول بین سطور طلااندازی، یک سرلوح مزدوج مذهب مرصع خوش، ۸۷۶ صفحه، هجده سطر، خط نستعلیق، کتابت خفی خوش، رقم عبدالغنی جامی لنگری، تاریخ تحریر سال ۱۰۲۱ق، شماره ۴۹۱.

دیوان کمال الدین اسمعیل اصفهانی

کتابخانه سلطنتی ۱۴۵×۲۵۵، جلد تیماج مشکی متن و حاشیه ضربی طلاپوش، اندرون میشن عنابی ترنج و گوشه سوخت معرق زمینه فیروزه‌ای مذهب لولادار عالی، کاغذ دولت آبادی جدول زرین، عنوانها به شنگرف، دو صفحه اول متن و حاشیه بین سطور طلااندازی منقش، حاشیه گلکاری، یک سرلوح مزدوج مذهب مرصع خوش، ۵۳۲ صفحه، شانزده سطر، خط نستعلیق کتابت متوسط، بدون رقم و تاریخ تحریر (سده یازدهم هجری)، شماره ۴۹۶.

دیوان مجذوب، میر محمد مجذوب

- خط نستعلیق خوش، ظاهراً سده یازدهم هجری، ۲۱۷ برگ، دو ستونی پانزده سطری، کاغذ آهارزده لکه دار کرم خورده، جلد پارچه‌ای تعمیر شده الحاق جدید.
آرایش: عنوانها قرمز.

دیوان معزی، امیر الشعرا معزی

- خط نستعلیق، ظاهراً سده یازدهم هجری، ۲۰۱ برگ، دو ستونی هفده سطری، کاغذ آهارزده براق، جلد تیماج قهوه‌ای ضربی با ترنج و کمند مطلا و لولادار.

دیوان مولانا جلال الدین رومی

- خط نستعلیق ممتاز، کاتب: درویش جعفر، ذی القعدة ۱۰۵۹ق، ۳۷۱ برگ، دوستونی ۲۷ سطری، کاغذ آهارزده متن و حاشیه شده، جلد تیماج سرخ ضربی، مطلا. آرایش: عنوانها قرمز، برگ ۱ و ۲ مجدول طلایی.

دیوان میر محمد مؤمن استرابادی

کتابخانه سلطنتی ۲۰۷×۱۱۷، جلد تیماج حنایی ترنج و سرترنج و گوشه منگنه ماشی، کاغذ اصفهانی نباتی جدول زرین، عنوانها به شنگرف، یک سرلوح مزدوج مذهب مرصع خوش، ۱۷۲ صفحه، دوازده سطری، خط نستعلیق کتابت خوش، رقم معجزی یزدی، تاریخ تحریر سال ۱۰۲۲ق، ش ۳۰۲۳.

دیوان ناظم هراتی، میرزا عبدالله خان (ف ۱۰۵۸ق)

- خط نستعلیق خوش، ذی القعدة ۱۳۱۵ق، ۱۲۳ برگ، دوستونی پانزده سطری، کاغذ الوان آهارزده، جلد تیماج و پارچه ای مشکی و مطلا.

دیوان نفعی

- خط نستعلیق خوش، ظاهراً سده یازدهم هجری، ۴۸ برگ، دوستونی هفده سطری، کاغذ آهارزده کرم خورده، جلد تیماج آلبالویی ضربی منقش با ترنج مطلا. آرایش: عنوانها قرمز.

دیوان نظیری نیشابوری

کتابخانه سلطنتی ۲۰۰×۸۵، جلد تیماج ماشی حاشیه منگنه مذهب جدید، کاغذ بخارایی جدول زرین، دو سرلوح مذهب ساده متوسط، ۲۰۰ صفحه، شانزده سطری، نستعلیق تحریر کتابت خفی متوسط، بدون رقم و تاریخ تحریر سده یازدهم هجری، شماره ندارد.

دیوان نظیری نیشابوری

کتابخانه سلطنتی ۲۶۰×۱۴۰، جلد تیماج سرخ به ترنج و سرترنج و گوشه منگنه مطلا،

کاغذ بخارایی جدول زرین، جای عنوانها بیاض، دو صفحه اول و دو صفحه در میان کتاب متن و حاشیه بین سطور طلاندازی حاشیه گلکاری، دو سرلوح مذهب مرصع خوش، ۷۰۴ صفحه، چهارده سطر، خط نستعلیق کتابت جلی متوسط، بدون رقم، تاریخ تحریر ۱۰۶۹ق، ش ۵۹۲.

دیوان، نظیری نیشابوری

کتابخانه سلطنتی ۲۳۳×۱۳۵، جلد میشن عنابی ترنج و سرترنج سوخت معرق بوم لاجوردی و سفید، کاغذ دولت آبادی جدول زرین، دو صفحه اول و دو صفحه در میانه، متن و حاشیه بین سطور طلاندازی، حاشیه بوته اندازی مذهب منقش، دو سرلوح مذهب و یک سرلوح ساده مرصع خوش، جای عنوانها بیاض، ۶۳۸ صفحه، پانزده سطر، خط نستعلیق کتابت خفی متوسط، رقم عبدالنبی، تاریخ تحریر ۱۰۷۳ق، ش ۵۹۱.

دیوان هلالی

کتابخانه سلطنتی ۱۸۰×۱۱۵، جلد تیماج حنایی ترنج و سرترنج و گوشه منگنه، کاغذ کشمیری جدول کمند زرفشان، دو صفحه اول بین سطور طلاندازی و تمامی صفحات بین هر غزل و مصراعها تسمه مذهب میناسازی خوش، یک سرلوح مذهب مرصع متوسط کشمیری، ۱۴۴ صفحه، چهارده سطر، خط نستعلیق کتابت خفی متوسط، بدون رقم و تاریخ تحریر (۱۱۱۲ق)، ش ۶۱۰.

رباعیات جلال الدین رومی

- خط نستعلیق خوش، کاتب: درویش اسماعیل البیکشهری، ربیع الاول ۱۰۷۱ق، ۱۹۰ برگ، دوستونی ۲۱ سطر، کاغذ زرد آهارزده لکه دار. جلد تیماج آلبالویی ضربی با ترنج و لولادار.

آرایش: بین برگ ب ۹۳ و ب ۱۴۵ خالی رها شده، عنوانها قرمز.

رباعیات سحابی استرآبادی

مولانا سحابی استرآبادی مقیم نجف ۱۰۱۶، ۱۰۱۰ق.

- خط نستعلیق ممتاز، ظاهراً سده یازدهم هجری، ۴۱۹ برگ، دوستونی هفده سطری، کاغذ زرد آهارزده براق، جلد تیماج کبود ضربی منقش لولادار.
آرایش: عنوانها قرمز، مجدول طلایی و لاجوردی، برگهای ۳۷، ۴۲، ۵۳، ۵۶، ۶۰، ۶۲، ۶۳ به رنگ دیگر و اندکی فرسوده است. سرلوحه مذهب، برگهای ۱ و ۲ مجدول طلایی پرزرق، مستطیل مذهب در ب ۴۰.

رساله العلیه و احادیث النبویه حسین بن علی واعظ البیهقی
- خط نستعلیق و نسخ، کاتب: محمدعلی غریب، جمادی الثانی ۱۰۸۶ ق، ۱۰۷ برگ ۲۵ سطری، کاغذ آهارزده، جلد مقوایی مشکی عطف و حاشیه میشن.
آرایش: عنوانها و خط روی احادیث و پاره ای علامات قرمز، مجدول طلایی و الوان، سرلوحه مذهب مرصع.

روضات الجنات فی تاریخ الهرات از معین الزمعی الاسفزاری
- خط نستعلیق عالی، ظاهراً سده یازدهم هجری، ۲۱۱ برگ هفده سطری، کاغذ نازک آهارزده، درون جدول زرافشان، جلد روغنی با گل و بوته، سرلوحه مذهب مرصع نفیس.

روضة الصفای میرخواند
- خط نستعلیق، کاتب: ابن درویش، جمادی الثانی ۱۰۶۳ ق، ۴۵۶ برگ ۲۵ سطری، کاغذ آهارزده، جلد تیماج زیتونی ضربی با ترنج و سرترنج.
آرایش: عنوانها قرمز.

روضة الصفای (جلد ثالث)، میرخواند
- خط نستعلیق، کاتب: درویش بقایی، ذی القعدة ۱۰۱۶ ق، ۴۳۴ برگ، ۲۵ سطری، کاغذ آهارزده، اوراق نخستین فرسوده، جلد تیماج مشکی ضربی با ترنج و سرترنج درون سوخت.
آرایش: مجدول طلایی، عنوانها قرمز، سرلوحه مذهب.

زینت المجالس مجدی

کتابی فارسی در تاریخ و اخبار و حکایات است که مجدالدین محمد الحسنی متخلص به مجدی، در ۱۰۰۴ ق تألیف کرده است.

- خط نستعلیق ممتاز، کاتب: قاهر سلطانی ابن محمود اصفهانی، ۱۲۴۴ ق، ۴۵۹ برگ نوزده سطری، کاغذ آهارزده، جلد تیماج تریاکی ضربی مطلا ترنجدار. آرایش: عنوانها قرمز، ورق اول و آخر کتاب متن و حاشیه شده.

ساقینامة ظهوری ترشیزی

کتابخانه سلطنتی ۱۷۳×۹۵، جلد روغنی بوم زرک ساده حاشیه بوته اندازی سرخ، اندرون تیماج تریاکی ساده، کاغذ دولت آبادی متن زرفشان غبار جدول زرین، ۳۰۶ صفحه پانزده سطری، خط نستعلیق کتابت خفی خوش، رقم مخدوش، تاریخ تحریر سال ۱۰۹۷ ق، ش ۳۱۶۳.

سبحة الابرار جامی

کتابخانه سلطنتی ۲۵۰×۱۵۰، جلد میشن سرخ بغدادی ترنج و نیم ترنج سوخت تحریر زمینه مشکی گل سفید جدول منگنه مذهب عالی، اندرون میشن یشمی ساده، کاغذ اصفهانی الوان جدول زرین، عنوانها به شنگرف، یک سرلوح مذهب متوسط، ۵۵ صفحه، ۲۶ سطری، خط نستعلیق کتابت خوش، بدون رقم و تاریخ تحریر (قرن یازدهم هجری)، شماره ندارد.

سبعة جامی

کتابخانه سلطنتی ۳۱۷×۱۸۵، جلد تیماج مشکی ترنج و جدول منگنه زمینه سبز، کاغذ بخارایی جدول زرین، عنوانها به شنگرف، دو صفحه اول متن و حاشیه مذهب مرصع خوش که در میان هر صفحه دوازده سطر از آغاز کتاب نوشته شده و بین سطور طلائندازی منقش است، صفحه ابتدای هر یک از قسمتهای کتاب بین سطور طلائندازی، ده سرلوح مزدوج مذهب مرصع خوش که در کتیبه هر یک روی متن زر به خط ثلث عنوان هر قسمت نوشته شده است، ۸۵۲ صفحه، ۲۰ سطری، خط نستعلیق کتابت

متوسط، بدون رقم، تاریخ تحریر (؟) ۱۰۳۸ق، ش ۲۲۱.

سراج‌المنیر، الملک اللطیف ابن شمس‌الدین محمد شریف کاشف
سال اتمام تألیف ۱۰۳۲ق، کتابی است در فلسفه عملی و اخلاق و مشتمل بر بیست لمعه
که در پایان هر لمعه حکایتی مناسب آمده است.

- خط شکسته نستعلیق ممتاز، ۷۷ برگ، جلد روغنی با گل و بوته.

آرایش: مجدول طلایی و لاجوردی و کمند طلایی، دو سر لوحه مذهب نفیس (ب ۲
و ب ۶۲) و حاشیه صفحات ب ۲، آ ۳، ب ۶۲ و آ ۶۳ گل افشان و طلائندازی بین سطور.

سلامان و ابسال جامی

کتابخانه سلطنتی ۱۸۰×۲۹۵، جلد روغنی ممتاز زمینه نارنجی نقش مجلس بوم و گل و
درخت و پرند، حاشیه زمینه مشکی بوته مذهب، اندرون تیماج مشکی ترنج، و سرترنج
و نیم‌ترنج و گوشه منگنه طلاپوش صفحات متن و حاشیه، کاغذ متن سمرقندی شکری
زرفشان جدول زرین حاشیه الوان عکس‌کاری مذهب ممتاز، یک سرلوح مذهب عالی،
یک مجلس مینیاتور ممتاز تصویر شکارگاه، ۹۸ صفحه، سیزده سطری، خط نستعلیق
کتابت خفی خوش، رقم محمد امین کاتب، تاریخ تحریر ۱۰۰۱ق، ش ۲۵۳.

سماع جلال‌الدین رومی در محله زرگران؛ برگرفته از مجالس‌العشاق کمال‌الدین حسین
غازگاهی

سال ۱۹۱۲ق، نسخه آغاز سده یازدهم هجری.

- نسخه خطی انستیتوی خاورشناسی فرهنگستان علوم جمهوری ازبکستان، موسوم
به بیرونی، تاشکند، شماره ۳۴۷۶، ص ۶۵ ب. جلال‌الدین رومی درگذر از محله
زرگران، از نوای کوبش چکش زرکوبان، آن چنان به شوق می‌آید که به وجد و سماع آغاز
می‌کند. چون چشم شیخ صلاح‌الدین در خروج از دکان به دیدار مولانا روشن می‌شود،
سر در قدم آن حضرت نهاده و در سلک مریدانش درمی‌آید. هنرمند در بازنمایی
حرکات ویژه رقص و جذبه عارفانه جلال‌الدین در مرکز ترکیب‌بندی، اثری موفق پدید
آورده است.

سوز و گداز نوعی خوبوشانی

کتابخانه سلطنتی ۲۱۸×۱۳۰، جلد میشن مشکی جدول منگنه مذهب صفحات متن و حاشیه، کاغذ متن سمرقندی زرفشان غبار جدول زرین، حاشیه دولت آبادی نباتی، ۳۶ صفحه چهارده سطر، خط نستعلیق کتابت خوش، رقم محمد یحیی لاهیجی، بدون تاریخ تحریر سده یازدهم هجری، ش ۵۸۴.

شاهنامه

- تهران، کتابخانه مرکزی دانشگاه، ش ۱۳۳۹ (جلد دوم، خط نستعلیق برهان، با ۱۵۹ مجلس)، ۱۰۰۱ ق.
- برلین، معرفی شده در فهرست پرچ، No. 703، ۱۰۰۲ ق.
- پاریس، کتابخانه ملی، No. 1168، ۱۰۰۴ ق.
- نیویورک، مجموعه کورکیان، No. 125 (با هفتاد و دو مجلس)، ۱۰۰۵ ق؛ تهران، مجموعه اصغر مهدوی، شماره ۶۳ (خط نستعلیق، با هجده مجلس)، ۱۰۰۵ ق.
- استانبول، توقایی سرای، H.1422 (با ۳۰ مجلس)، ۱۰۰۶ ق؛ حیدرآباد (دکن)، کتابخانه آصفیه، No. 262، ۱۰۰۷ ق.
- سنت پترزبورگ، کتابخانه عمومی، فهرست گوزلیان، No. 15 (نستعلیق، با پنجاه و نه مجلس)، ۱۰۰۷ ق.
- لندن، کتابخانه دیوان هند، Cat. 860 (خط محمد حافظ چشتی)، ۱۰۰۷/۸ ق.
- بانکپور، کتابخانه عمومی شرقی (خدابخش)، Cat. I, No. 4 (خط نستعلیق کمال الدین بن ابراهیم)، ۱۰۰۸ ق.
- نسخه خطی شاهنامه موجود در کتابخانه فرح پهلوی، نستعلیق محمد مؤمن فرزند محمد قاسم معروف به اصح کرمانی با چهل و چهار مجلس به فرمایش حسین خان شاملو، ۱۰۰۸ ق.
- نیویورک، مجموعه کورکیان No. 116 (خط محمد بن حسین الکاتب اصفهانی، با صد و سه مجلس)، ۱۰۰۸ ق.
- لندن، کتابخانه دیوان هند (23 Jones) Cat. 873 (خط نستعلیق آدینه بخارایی در سمرقند، با بیست و پنج مجلس)، ۱۰۰۸ ق.
- آکسفورد، کتابخانه بادلیان، Ousley, Cat. 496، 344، ۱۰۰۹ ق، تهران، کتابخانه

- مجلس سنا (با سی و یک مجلس)، ۱۰۰۹ق.
- حیدرآباد (هند)، موزه سالار جنگ، No. A./Nm.581 (با سه مجلس)، ۱۰۰۹ق.
- لندن، کتابخانه دیوان هند، Cat. 875 (خط نستعلیق حافظ احمد بن محمد، و مصور)، ۱۰۰۹ق.
- استانبول، توپقایی سرای، H.1501 (با سی و نه مجلس)، ۱۰۱۰ق.
- نیویورک، مجموعه کورکیان، No.76 (خط علی جان بن حیدر علی الهروی، با ۶۲ مجلس)، ۱۰۱۱ق.
- معرفی شده در فهرست جکسن، No.2 (به خط نستعلیق کمال الدین بن ابراهیم، با هفتاد و مجلس)، ۱۰۱۱ق.
- لوند (Lund)، کتابخانه دانشگاه (خط مراد بن علی الکاتب شیرودی، با سی و یک مجلس)، ۱۰۱۱ق.
- سنت پترزبورگ، کتابخانه عمومی، فهرست گوزلیان، No. 16 (خط نستعلیق میرزا محمد بن عزیز البخاری، با بیست و سه مجلس)، ۱۰۱۱ق.
- تاشکند، کتابخانه فرهنگستان اوزبکستان، Cat.372 (با بیست و دو مجلس)، ۱۰۱۲ق.
- تهران، کتابخانه مرکزی دانشگاه، شماره ۷۷۵۱ (خط نسخ شمس الدین حسین امامی)، ۱۰۱۲ق.
- کمبریج، مجموعه سر هرولد بیلی (نستعلیق آدینه کاتب بخاری)، ۱۰۱۲ق.
- لندن، کتابخانه دیوان هند Cat. 864 (نستعلیق مجد الدین ابراهیم حافظ، و مصور)، ۱۰۱۲ق.
- لندن، کتابخانه دیوان هند، Cat. 876 (به خط نستعلیق، با شصت و سه مجلس)، ۱۰۱۲ق.
- پاریس، کتابخانه ملی، Cat. 1171 (به خط نستعلیق، مصور)، ۱۰۱۲ق.
- تهران، کتابخانه ملی ملک (در دو جلد)، (خط محمد مؤمن بن شاه محمود هروی)، ۱۰۱۳ق.
- نیویورک، موزه متروپولیتن، No.12.228.16 (به خط نستعلیق محمد بن ملا میرحسین استاد، با هشتاد و پنج مجلس، معرفی شده در فهرست جکسن، No.3، ۱۰۱۳/۱۴ق.
- سیدنی (Sydney)، مجموعه Gorling (خط محمد بن عنایت الله، با بیست و هشت

مجلس)،

- آکسفورد، کتابخانه بادلیان، مؤسسه تحقیقات هندی، No. 2539 (به خط نستعلیق کبیر بن شیخ نظام کاتبی)، ۱۰۱۶ ق.

- وین، کتابخانه سلطنتی، Cat. 502، ۱۰۱۶ ق.

- لندن، موزه بریتانیا، Add.7724 (به خط نستعلیق محمد مؤمن بن کمال الدین، با ده مجلس)، ۱۰۲۱ ق.

- بمبئی، کتابخانه ملا فیروز، Cat. 95، ۱۰۲۱ ق.

- تهران، کتابخانه سلطنتی، ش ۱۱۰۶۵ (با سیزده مجلس).

- مونترآل (کانادا) مجموعه خصوصی محمد عبدالرحمن بارکر (نستعلیق محسن بن احمد کرمانی)، ۱۰۲۱ ق.

- آکسفورد، کتابخانه بادلیان، Cat.497، ۱۰۲۲ ق.

- لندن، موزه بریتانیا، Add.16761 (خط نستعلیق محمد زمان بن حسین خاتون آبادی، با چهل مجلس)، ۱۰۲۳ ق.

- نسخه معرفی شده در فهرست اسمیت که در نیویورک است، ۱۰۲۳ ق.

- پاریس، کتابخانه ملی، Cat. 1307 (خط نستعلیق، با بیست و شش مجلس)، ۱۰۲۳ ق.

- پاریس، کتابخانه ملی، Cat.1172، ۱۰۲۳ ق.

- منچستر، کتابخانه John Reylands (منتقل از کتابخانه لیندزیانا، No. 121)،

- منچستر، کتابخانه John Reylands (منتقل از کتابخانه لیندزیانا، No. 121)، ۱۰۲۴ ق.

- برلن، معرفی شده در فهرست پرچ، و Cat. 129 (خط نستعلیق و مصور)، ۱۰۲۵ ق.

- حیدرآباد (هند)، موزه سالار جنگ، ۱۰۲۶ ق، A./Nm.577 (با سی و هفت مجلس)

- وین، کتابخانه سلطنتی، Cat. 503 (خط نستعلیق، با بیست و چهار مجلس)، ۱۰۲۶ ق.

- پاریس، کتابخانه ملی، Cat. 1173 (به خط نستعلیق، مصور)، ۱۰۲۷ ق.

- نیویورک، مجموعه کورکیان، 875 a-b (دو جلد به خط مداری؟ بن حاجی شاهین دهلوی، با پنجاه مجلس)، ۱۰۲۸ ق.

- کراکوی، موزه کراکوی لهستان، No. 1800 (خط کمال الدین اصیل)، ۱۰۲۸ ق.

- بالتیمور، مجموعه گالری هنری والترز، No. 10602، ۱۰۲۸ ق.

- کراچی، موزه ملی، N.M.No.1957, 881 (خط نستعلیق عبدالله، با سه

- مجلس)، ۱۰۲۹ق.
- تهران، کتابخانه مدرسه سپهسالار، ش ۳۱۴ (خط محمدامین قمی)، ۱۰۳۹ق.
- مجموعه کلرک، No.19 (معرفی شده در فهرست اسمیت)، ۱۰۳۰ق.
- گوتینگن، کتابخانه دانشگاه، No.70 Asch (خط نستعلیق، با نوزده مجلس)، ۱۰۳۰ق.
- کمبریج (امریکا)، نزد ریچارد فرای (نستعلیق خلیل الله هفت قلمی)، ۱۰۳۴ (مهدی بیانی آن را کار ۱۱۳۴ دانسته است).
- بمبئی، کتابخانه ملا فیروز، No.93، ۱۰۳۵ق.
- لندن، موزه بریتانیا Add. 27258 (خط نظام بن میرعلی، با شصت و سه مجلس)، ۱۰۳۷ق.
- استانبول، توقایی سرای، H.1498 (خط ابن طرخان در بغداد، با پنجاه و سه مجلس)، ۱۰۳۸ق.
- سنت پترزبورگ، کتابخانه عمومی، فهرست گوزلیان، No. 17 (نستعلیق با هفتاد و پنج مجلس)، ۱۰۳۹ق.
- کمبریج (انگلستان)، موزه فیتزویلیام، MS311 (با شصت و هفت مجلس)، ۱۰۴۰ق.
- ادینبرو، کتابخانه دانشگاه، No. 266, 267 (دو جلد)، ۱۰۴۱ق.
- [ترکیه]، فهرست Kamal Cig، ش ۲۷ (خط ملک حسن بن محمود شاه اردکانی، با هفده مجلس)، ۱۰۴۱ق.
- حیدرآباد (هند)، موزه سالار جنگ، A./Nm 278، ۱۰۴۱ق.
- برلین، موزه پادشاهی، No.181، فهرست چاپ سال ۱۹۱۰ (بانود و شش مجلس)، ۱۰۴۲ق.
- باکو، کتابخانه فرهنگستان، No. 2698/M-151، ۱۰۴۳ق.
- مونیخ، کتابخانه دولتی، فهرست Aumur، No.14، ۱۰۴۸ق.
- مونیخ، کتابخانه دولتی، فهرست دوم مونیخ (۱۹۱۰)، No. 178، ۱۰۴۸ق.
- آکسفورد، کتابخانه بادلیان، Cat. 498، ۱۰۴۹ق.
- گوتینگن، کتابخانه دانشگاه، No. 28، ۱۰۵۱ق.
- معرفی شده در فهرست اسمیت (که در ایران دیده شده)، ۱۰۵۲ق.
- سنت پترزبورگ، کتابخانه عمومی، فهرست گوزلیان، No. 20، ۱۰۵۲ق.

- تاشکند، کتابخانه فرهنگستان ازبکستان، ش ۱۳۷۳ (خط عرب شیرازی)، ۱۰۵۳ ق.
- لندن، کتابخانه دیوان هند، Cat. 877، ۱۰۵۳ ق.
- کمبریج (انگلستان)، کتابخانه دانشگاه، Cat. 786، ۱۰۵۳ ق.
- لندن، موزه بریتانیا، Add. 4943 (به خط نستعلیق)، ۱۰۵۴ ق.
- تهران، کتابخانه مجلس شورای ملی، ش ۲۵۲۹ (؟) (به خط نستعلیق)، ۱۰۵۵ ق.
- لندن، کتابخانه سلطنتی در کاخ ویندزور، MSA/6 (خط محمد حکیم الحسینی، با ۱۴۸ مجلس)، ۱۰۵۸ ق.
- منچستر، کتابخانه John Reylands (منتقل از کتابخانه لیندزیانا، No. 909)، (با یکصد مجلس)، ۱۰۶۰ ق.
- مجموعه کلرک، No. 11 معرفی شده در فهرست اسمیت (با یکصد مجلس)، ۱۰۶۰ ق.
- سنت پترزبورگ، کتابخانه عمومی، فهرست گوزلیان، No. 18 (خط محمد شفیع بن عبدالجبار، با صد و نود و دو مجلس)، ۱۰۶۱ ق.
- لندن، جزو حراج سادبی و معرفی شده در فهرست آن به No. 179 (چاپ ۱۹۶۸) نستعلیق جمادی الثانیة ۱۰۶۴ با ۲۹ مجلس که دو مجلس رقم معینی مصور دارد و به تاریخ سالهای ۱۰۶۵ تا ۱۰۶۷ م است، ۱۰۶۴ ق.
- مونیخ، کتابخانه دولتی، فهرست Aumer، No. 9، ۱۰۶۴ ق.
- قاهره، دارالکتب، شماره ۵۳ تاریخ فارسی (نستعلیق صفی قلی بن فرهاد غلام، با دوازده مجلس)، ۱۰۶۶ ق.
- دوبلین، کتابخانه چستر بیٹی، P. 270 (با بیست و یک مجلس، کار معین مصور)، ۱۰۶۶ ق.
- دوبلین، کتابخانه ترینیتی کالج، MS.M.2.I (با سی و هفت مجلس)، ۱۰۶۷ ق.
- نسخه معرفی شده در فهرست اسمیت که آن را در ایران دیده (با سی و هفت مجلس)، ۱۰۶۸ ق.
- حیدرآباد (هند)، موزه سالار جنگ A./N m. 579 (با سی و هفت مجلس)، ۱۰۷۱ ق.
- برلین، معرفی شده در فهرست پرچ، No. 704، ۱۰۷۳ ق.
- نیویورک، موزه متروپولیتن، 13.228.17 (خط نستعلیق شیخ محمد بن شمس الدین،

با ۴۲ مجلس)، ۱۰۷۴ ق.

- لندن، کتابخانه دیوان هند، 2859 (خط عبدالمجید ترکان دهلوی)، ۱۰۷۴ ق.

- نسخه معرفی شده در R.A.S. (سال 1892)، No. 238 (نقل از فهرست اسمیت)، ۱۰۷۷ ق.

- سنت پترزبورگ، کتابخانه عمومی، فهرست گوزلیان، No. 20، ۱۰۸۱ ق.

- تهران، کتابخانه ملی، فهرست کتابخانه عمومی معارف، ش ۱۱۶۹ (نستعلیق با هشتاد و پنج مجلس)، ۱۰۸۵ ق.

- استانبول، نور عثمانیه، No. 3384 (خط محمد محسن باغ آسیایی الجنازیدی)، ۱۰۸۵/۸ ق.

- بستون، مجموعه ادوین بینی، ۱۰۸۵ ق.

- تهران، کتابخانه ملی، ش ۱۰۷۳ (مصور)، ۱۰۸۵ ق.

- لندن، از مجموعه حراج شده سادبی که در فهرست سال ۱۹۶۸ آن به ش ۱۸۰ معرفی شده است (با سی و هشت مجلس به خط و نقاشی هندی)، ۱۰۹۲/۳ ق.
- بانکپور، کتابخانه عمومی شرقی، فهرست ۱: ۵ و ۷ و ۸، ۱۰۹۴ ق.
- استانبول، توپقاپی سرای، No. R.1541، ۱۰۹۷ ق، (خط ابوالحسن بن کلب علی اصفهانی دزفولی).

- گوتا، کتابخانه دولتی، فهرست پرچ (۱۸۹۲)، ص ۵۰۴، ۱۰۹۹ ق.

- استانبول، توپقاپی سرای، H.1476 (خط درویش علی بن منصور الانصاری)، ۱۰۰۰ ق.

- معرفی شده در فهرست اسمیت که آن را در فیلادلفیا دیده (با هفده مجلس)، ۱۰۰۰ ق.

- آکسفورد، کتابخانه بادلیان، Pers.d.44 (خط نستعلیق، مصور)، ۱۰۰۰/۱ ق.

نسخه‌های بین سالهای ۹۷۲ تا ۱۰۳۹ ق

سالهای استنساخ چندین نسخه شاهنامه متعلق به استرآباد (گران امروزی): این نسخه‌ها در کتابخانه بریتانیا (نسخ شرقی، ۱۲۰۸۴-۶ در سه مجلد به تاریخ ۹۷۲ ق/ ۱۵۶۵ م) کتابخانه توپقاپی سرای (H. 1493/1566)، کتابخانه کالج سلی اوک،

بیرمنگام (مینگانا، فارسی، ش ۹)، کتابخانه دایره سیاسی هند (نسخ خطی ۳۲۶۵، ۱۰۲۳ق/۱۶۱۴م) و موزه فیتز ویلیام، کمبریج (نسخه خطی ۳۱۱، ۱۰۳۹ق/۱۶۳۰م) گرد آمده است. نگاره‌های همه آنها به طور کلی جلوه ساده و ایالتی دارد، ولی با توانایی زیادی طراحی شده است و علایم اصالت و گاهی شوخ طبعی در آنها دیده می‌شود. اما چشمگیرترین مشخصه آنها جدول رنگ آمیزی شدید و اغلب دقیق آنها و با پرده رنگ غیرمنتظره زمین و آسمان است. (هنر نگارگری، آژند، ص ۶۲)

- ادینبرو، کتابخانه دانشگاه، Cat.295 (با پانزده مجلس)، سده یازدهم هجری.
- استانبول، مجموعه علی پاشا، ش ۶۹۸ (با سی و دو مجلس)، سده یازدهم هجری.
- آکسفورد، کتابخانه بادلیان، Dep.b.5 (با بیست و یک مجلس)، سده یازدهم هجری.
- بانکوی پور، کتابخانه عمومی شرقی، No.1792 (با بیست و شش مجلس)، سده یازدهم هجری.

- برلین، فهرست پرچ، No. 3380 (با پنجاه مجلس)، سده یازدهم هجری.
- بیرمنگام، Mingana Selly Oak Colleges در No. Pers.9 (با هفتاد و دو مجلس).
- تهران، کتابخانه سلطنتی، ش ۴۷۱ (با نود و سه مجلس)، سده یازدهم هجری.
- تهران، مجموعه دکتر اصغر مهدوی، ش ۶۲ (با پنج مجلس)، سده یازدهم هجری.
- تهران، کتابخانه مدرسه سپهسالار، ش ۳۱۳ (خط شاه محمود آراسته)، سده یازدهم هجری.

- تهران، موزه هنرهای تزیینی، ش ۱۲۷۳۳ (با پنجاه و یک مجلس)، سده یازدهم هجری.

- حیدرآباد (هند)، موزه سالار جنگ A./N m.580 (با هفت مجلس)، سده یازدهم هجری.

- دوبلین، کتابخانه چستر بیتی، P. 270 (خط معین مصور، با بیست و یک مجلس)، سده یازدهم هجری.

- دوبلین، کتابخانه چستر بیتی، P. 271 (با نه مجلس)، سده یازدهم هجری.
- دوبلین، کتابخانه چستر بیتی، P. 277 (با شانزده مجلس، یکی مورخ ۱۰۸۶ق از محمد زمان و چهار تا احتمالاً کار آقارضا، تذهیبها کار زین العابدین تبریزی)، سده یازدهم هجری.

- فیلا دلفیا، موزه هنر (با بیست و سه مجلس)، سده یازدهم هجری.
- فیلا دلفیا، موزه هنر (با صد و هفده مجلس)، سده یازدهم هجری.
- فیلا دلفیا، موزه هنر (با شانزده مجلس)، سده یازدهم هجری.
- کمبریج (انگلستان)، کتابخانه دانشگاه Add.269 (با سیزده مجلس)، سده یازدهم هجری.
- لندن، کتابخانه دیوان هند، Cat.2992 (با پنجاه و نه مجلس)، سده یازدهم هجری.
- لندن، کتابخانه دیوان هند، Cat.874 (خط علی جان بن حیدرقلی الهروی، با سی و نه مجلس)، سده یازدهم هجری.
- لندن، موزه بریتانیا، No.1950 (با سی و هشت مجلس)، سده یازدهم هجری.
- لندن، موزه بریتانیا، Add.6609 (با پنج مجلس)، سده یازدهم هجری.
- لندن، موزه بریتانیا، Add.6601 (با چهل و هفت مجلس)، سده یازدهم هجری.
- لندن، موزه بریتانیا، Add.27257 (با پنجاه و یک مجلس)، سده یازدهم هجری.
- لندن، موزه ویکتوریا و آلبرت، 691-1876 (با چهل و چهار مجلس)، سده یازدهم هجری.
- سنت پترزبورگ، فهرست گوزلیان، ش ۱۸ (با صد و نود و دو مجلس)، سده یازدهم هجری.
- سنت پترزبورگ، فهرست گوزلیان، ش ۱۹ (با پنجاه مجلس، کار رضا مصور)، سده یازدهم هجری.
- سنت پترزبورگ، فهرست گوزلیان، ش ۲۴ (با شصت و چهار مجلس)، سده یازدهم هجری.
- ملتان (پاکستان)، مجموعه سیدعباس حسین شاه گردیزی (با بیست مجلس، مقاله محمدحسین تسبیحی، مجله وحید ۱: ۸۰۰)، سده یازدهم هجری.
- منچستر، کتابخانه MS. Pers. 910, John Rylands (با یکصد مجلس)، سده یازدهم هجری.
- نیویورک، مجموعه کورکیان، No. 1068 (با بیست و هشت مجلس)، سده یازدهم هجری.
- شاهنامه، نسخه خطی موجود در کتابخانه فرح پهلوی (نستعلیق با سی و نه مجلس تصویر)، سده یازدهم هجری.

شاهنامه

- نسخه شاهنامه به شماره ۳ ق ف ۲۵۵ ذخیره انجمن ترقی اردو، کراچی ۱۲۳۲ ص، چهار صفحه آغاز به غایت مذهب، خط نستعلیق بسیار زیبا، کتابت قرن یازدهم هجری. - N.M.1958, No. 23/3 ۶۸۰ برگ، ۲۵ سطری، ۲۲×۳۴ سانتیمتر، کاتب: علیرضا قهپایی، شماره مینیاتورها ۹۱، تاریخ کتابت: ۲۰ ربیع الثانی ۱۰۷۷ ق، این نسخه از آغاز تا انجام کامل است.

- N.M.1957, No.881 ۵۳۶ برگ، در چند جاناقص است، سه مینیاتور دارد، خط نستعلیق معمولی، ترقیمه با عبارتی به خط شخصی دیگر: «کتاب شاهنامه حکیم ابوالقاسم فردوسی طوسی به قلم عبدالله کتاب شاهی در عهد شهنشاه نورالدین جهانگیر پادشاه غازی به اختتام رسید ۱۰۲۹ ق»، (دانش، ش ۱۱، ص ۸۳).

شاهنامه

کتابخانه سلطنتی ۲۹۵×۱۸۲، بدون جلد، صفحات متن و حاشیه شده، کاغذ متن خانبالغ حاشیه کشمیری جدول و کمند زرین، عنوانها شنگرف روی متن زر، دو صفحه اول بین سطور طلااندازی، یک سرلوح مذهب لاجوردی مبتذل الحاقی، دوازده مجلس تصویر مینیاتور خوش، ۷۷۸ صفحه، ۲۵ سطری، هر سطر دو بیت، خط نستعلیق، کتابت عالی، تاریخ تحریر سال ۱۰۲۱ ق، ش ۱۱۰۶۵.

شاهنامه

کتابخانه سلطنتی ۳۱۰×۲۱۵، جلد مقوای ابره اطلس سبز گلدار سجاف و عطف تیماج سرخ اندرون ترنج و سرترنج و گوشه بریده ضربی مطلا، کاغذ اصفهانی جدول زرین، بعضی صفحه‌ها و صالی و متن و حاشیه شده، عنوانها به شنگرف، پنج سرلوح مذهب مرصع خوش، بیست و هفت مجلس تصویر مینیاتور متوسط، ۱۱۵۲ صفحه، ۲۵ سطری، هر سطر دو بیت، ۱۲۵ میلی متر، خط نستعلیق، کتابت جلی متوسط، تاریخ تحریر ۱۰۶۱-۱۰۶۸ ق، نسخه در چهار جلد تقسیم شده است.

شاهنامه

کتابخانه سلطنتی ۴۴۵×۲۷۰، جلد مقوای ابره ساغری مشکی ترنج و نیم ترنج و گوشه

ضربی طلاپوش حاشیه بوته و دندان موشی مذهب، اندرون تیماج عنابی ترنج و نیم ترنج و حاشیه کرمک مذهب، کاغذ اصفهانی، جدول زرین متن افشان غبار، عنوانها شنگرف، دو صفحه اول متن و حاشیه مذهب مرصع عالی و در میان هر صفحه دوازده سطر باریک نوشته شده، بین سطور طلائندازی، صفحه اول متن شاهنامه حاشیه بوته اندازی مذهب و دو صفحه اول بین سطور طلائندازی و بین مصراعها تسمه مرصع، یک سر لوح مذهب مرصع عالی، ۹۳ مجلس مینیاتور خوش، ۷۳۸ صفحه، ۲۳ سطری، هر سطر دو بیت، به خط نستعلیق، کتابت جلی عالی، بدون رقم و احتمالاً به خط عبدالرشید دیلمی، بدون تاریخ تحریر (نیمه اول سده یازدهم هجری، ش ۴۷۱). محتمل است نسخه برای شاه عباس صفوی تهیه شده باشد و در مجالس مینیاتور گاهی تصویر پادشاه با شباهت شاه عباس است و لباس و کلاه اشخاص به سبک جامه و پوشش دوره آن پادشاه است.

شاهنامه

کتابخانه سلطنتی ۳۱۵×۱۹۰، جلد روغنی عالی که در بیرون و اندرون آن چهار مجلس از داستانهای شاهنامه تصویر شده و عطف تیماج مشکی بوته مذهب است. کاغذ اصفهانی جدول و کمند زرین، عنوانها شنگرف روی متن زر در سرسخنهای منقش، دو صفحه اول آغاز و آغاز متن شاهنامه متن و حاشیه بین سطور طلائندازی حاشیه بوته اندازی مذهب، دو سر لوح بزرگ و یک کوچک مذهب مرصع خوش، ۹۱۰ صفحه سی سطری، خط شکسته نستعلیق کتابت خفی عالی، رقم محمدرضا، تاریخ تحریر ۱۱۸۹ ق، ش ۴۶۹.

شاهنامه

یک نسخه نفیس شاهنامه مذهب مصور مزین به خط «برهان» از کاتبان خوشنویس گمنام معاصر میرعماد معروف است که مهدی بیانی در یک مجموعه خصوصی آن را دیده است که به قلم کتابت خوش نوشته شده است. صورت اتمام و تکمیل این نسخه (شاهنامه) در ماه شعبان سنه ۱۰۰۱ ق است.

شاهنامه

یک نسخه شاهنامه فردوسی در دو مجلد که محمد مؤمن هروی برای خان خانان نوشته

است، به قلم کتابت عالی، با رقم «محمد مؤمن بن شاه محمود الهروی، فی شهر سنة ۱۰۱۳»، موجود در کتابخانه ملک، تهران.

شاه و درویش هلالی جغتایی

- خط نستعلیق ممتاز، ظاهراً سده یازدهم هجری، ۶۳ برگ، دو ستونی یازده سطر، کاغذ زرد آهارزده اندکی کرم خورده، جلد روغنی فرسوده عطف می‌شن منقش. آرایش: مجدول طلایی و لاجوردی سرلوحه‌ای مذهب در ب ۳.

شبستان خیال فتاحی ملائمی نیشابوری

- خط نستعلیق ممتاز، کاتب: میرزا محمد الحسینی، شوال ۱۰۹۱ ق، چهارده برگ، متن هفده و هاشم ۲۹ سطر، کاغذ آهارزده، جلد مقوایی الوان. آرایش: مجدول طلایی، عنوانها قرمز.

شرح ابیات مشکل انوری از ابوالحسن حسین فراهانی

کتابخانه سلطنتی ۱۷۰×۹۵، جلد ساغری مشکی ترنج و سرترنج بریده ضربی طلاپوش لولادار. اندرون تیماج سرخ بغدادی، کاغذ دولت آبادی جدول زرین، عنوانها شنگرف، دو صفحه اول و دو صفحه در میانه، متن و حاشیه بین سطور طلااندازی منقش، حاشیه گلکاری خوش، دو سر لوح مذهب مرصع عالی، ۳۸۸ صفحه، هفده سطر، خط نسخ کتابت خفی خوش، رقم زینای شیرازی، تاریخ تحریر ۱۰۲۲ ق، ش ۳۵۶.

شرح حکمة العین محمدباقر شیرازی

شرح حکمة العین اثر محمدباقر شیرازی از کاتبان خوشنویس گمنام قرن یازدهم هجری، قلم کتابت خفی خوش، با رقم و تاریخ «قد تمت الامور العامة به شرح حکمة العین، فی سلخ ربیع الثانی سنة ۱۰۵۳»، به خط الفقیر... ابن قوام الدین حسین، محمد باقر الکاتب الشیرازی»، کتابخانه مجلس شورای ملی (سابق) تهران.

شرح دیوان حضرت علی

- خط نستعلیق ریز و ممتاز، کاتب: حسین بن معین الدین المیبیدی، ظاهراً سده یازدهم

هجری، ۳۱۳ برگ، ۲۱ سطری، کاغذ آهارزده آب رسیده، جلد تیماج مشکی فرسوده لولادار.

آرایش: نوشته‌ها عربی قرمز، مجدول طلایی سرلوحه‌ای مذهب ساده.

شرح قصیده نوینۀ جامی

از محمد قطب‌الدین بن محمد تقی از کاتبان گمنام قرن یازدهم هجری، موجود در کتابخانه سلطنتی. به قلم کتابت خفی متوسط، «به تاریخ جمادی الاول سنه ۱۰۸۳، در قصبه ماهان ... صورت اتمام یافت. حرره العبد، ابن محمد تقی، قطب‌الدین محمد».

شرح مشکلات دیوان خاقانی عبدالوهاب غنایی

- خط نستعلیق، کاتب: شرف‌الدین علی لاری، شوال ۱۰۲۵ ق، ۳۷۰ برگ، هفده سطری، کاغذ الوان آهارزده، جلد تیماج قهوه‌ای ضربی منقش، با ترنج و سرترنج لولادار. آرایش: چند ورق مجدول قرمز، اکثر اوراق بدون جدول.

شرفنامه احمد منیری ابراهیم شاهی فاروقی

- خط نستعلیق، صفر ۱۰۶۱ ق، ۲۱۹ برگ، ۲۲ سطری، کاغذ ضخیم آهارزده آب رسیده و کرم خورده، جلد تیماج قهوه‌ای ضربی منقش با ترنج و تعمیر شده. آرایش: عنوانها قرمز، روی پاره‌ای از عبارات مهم خط قرمز کشیده‌اند.

شفای ابن سینا

به خط محمد محسن خاتون آبادی از کاتبان قرن یازدهم هجری، کتابخانه مدرسه سپهسالار، به قلم کتابت خفی متوسط، با رقم و تاریخ: «تم فی عشرين شهر محرم الحرام سنة ثلث و خمسين والف هجری نبوی، بید العبد المذهب الخاطی محمد محسن بن محمد حسین الخاتون آبادی».

صحیفه سجاده، محمد ابراهیم قمی

محمد ابراهیم قمی از معاریف نسخ نویسان ایران و در این خط استاد میرزا احمد نیریزی

مشهور است. او در دیگر انواع خط چون ثلث، رقاع، تعلیق، شکسته و نستعلیق نیز ماهر بود و به قول سپهر، در هنر تذهیب و جلدسازی دست داشت. ازوست:

یک نسخه صحیفه سجاده، به قلم نسخ که ترجمه آن به قلم نستعلیق نیم دودانگ خوش نوشته شده است، با رقم و تاریخ: «کتبه العبد الفقیر محمد ابراهیم القمی ۱۱۱۲»، در مجموعه اصغر مهدوی در تهران.

صد کلمه حضرت علی بن ابی طالب با ترجمه

کتابخانه سلطنتی ۲۳۰×۱۵۵ بدون جلد، صفحه‌های متن و حاشیه، کاغذ متن قطعه اصفهانی سفید و آبی، حاشیه الوان، تمامی حواشی گلکاری با تسمه تشعیرسازی مذهب عالی، متن صفحه‌ها جدول‌کشی و طلاندازی هر صفحه چهار لچکی مرصع دارد. یک سرلوح مذهب مرصع عالی، ۳۴ صفحه، خط کلمات نستعلیق دودانگ و ترجمه کتابت خفی عالی، رقم عبدالجبار اصفهانی، تاریخ تحریر ۱۰۲۹ ق، ش ۱۱۲۳۴، آغاز مانند نسخه ش ۲۲۱۲۷.

عزیمت شکوهمند یوسف

آسیای میانه (ماوراءالنهر)، نسخه ۱۰۲۴ ق، براساس یوسف و زلیخا، دوربک، سال ۸۱۲ ق، خوشنویس: محمد سعید ابن میرزا محمد. نسخه ربع اول سده یازدهم هجری. - نسخه خطی انستیتوی خاورشناسی فرهنگستان علوم جمهوری ازبکستان موسوم به بیرونی، تاشکند، ۱۴۳۳، ص ۱۸.

در اینجا پیکره‌های افراد با جامه‌های درخشان و رنگارنگ، بر زمینه سبز و گلرنگ ملایم تپه‌ها به روشنی دیده می‌شود. حضرت یوسف (ع) براساس اصول سنتی نگارگری، با انواری آتشگون به گرد سر به تصویر درآمده است. در این نگاره اندام شخصیت‌های اصلی با بزرگ‌نمایی بیشتری ترسیم و با خطوط موزونی دورگیری شده، و چهره آنان با ظرافت خاصی نقاشی شده است.

عزیمت شیرین به مداین برای تاجگذاری

نسخه ۱۰۵۷ ق. براساس خمسه نظامی، ۵۹۸ ق. نسخه نیمه نخست سده یازدهم هجری.

- نسخه خطی کتابخانه دولتی موسوم به سالتیکوف شدرین، سنت پترزبورگ، مجموعه جدید نسخه های خطی فارسی و تاجیکی در کتابخانه سالتیکوف شدرین. فهرست الفبایی، تنظیم کننده: گ. ای. گاستیگروا، سنت پترزبورگ، ۱۹۷۳، ۶۶، ص ۳۷۰.
شیرین سوار بر کجاوه ای که دو خدمتکار آن را حمل می کنند، عازم مداین است تا به عقد و ازدواج خسرو درآید....

فاتحه المفاتیح حضرت علی کرم الله وجهه، قاضی حسین
شرح فارسی دیوان مشهور منسوب به حضرت علی (ع).
- خط نستعلیق، ۱۰۳۴ق، ۸۹ برگ، نوزده سطری، کاغذ آهارزده، جلد تیماج قهوه ای ضربی، با ترنج مطلا و کمندی و لولادار.
آرایش: مجدول طلایی و مشکی، عنوانها و پاره ای علامات قرمز.

فرهنگ ابراهیمی از فخرالدین ابراهیم
- خط نستعلیق ممتاز، کاتب: ابن محمد قاسم محمد مؤمن کرمانی، صفر ۱۰۰۵ق، ۲۲۵ برگ، دوازده سطری، کاغذ آهارزده آب رسیده، جلد تیماج زیتونی ضربی، لولادار و آراسته.
آرایش: مجدول طلایی و مشکی، عنوانها مطلا و مشکی.

فرهنگ جهانگیری از ابن فخرالدین حسین بن جمال الدین حسن
اتمام ۱۰۱۷ق، در یک مقدمه با دوازده آیین در دستور زبان و ۲۴ باب به ترتیب حروف آغاز در باب و دوم در فصل و یک خاتمه.
- خط نستعلیق ریز، کاتب: الطاهر البدخشی، ۱۰۹۶ق، ۴۹۴ برگ، ۲۱ سطری، کاغذ آهارزده، جلد تیماج قهوه ای ضربی منقش با ترنج، کمندی مطلا و لولادار.
آرایش: مجدول طلایی و مشکی، مفهرس در آغاز، با سه سرلوحه مذهب، عنوانها و لغات قرمز.

فرهنگ جهانگیری [فرهنگ جعفری] از محمد مقیم خان بن احمد بن مبارک
تألیف ۱۰۴۰ق، خط نستعلیق، ظاهراً سده دوازدهم هجری، ۱۸۲ برگ، هفده سطری،

کاغذ زرد آهارزده، جلد پارچه‌ای لاجوردی عطف میشن سیاه.
آرایش: برگ ۱ و ۲ مجدول طلایی و قرمز، دیگر جدولها قرمز، عنوانها قرمز.

فرهنگ سروری [مجمع الفرس] از سروری محمد قاسم بن محمد کاشانی
- خط نستعلیق، جمادی الاولی ۱۰۶۴ ق، ۲۸۷ برگ، نوزده سطری، کاغذ آهارزده، جلد
مقوایی عطف میشن.
آرایش: عنوانها قرمز، سرلوحه مذهب، برگ ۱ و ۲ مجدول طلایی.

فواتح سبعة حسین بن معین الدین میبدی

- در شرح دیوان علی بن ابی طالب (ع)
کتابخانه سلطنتی ۱۶۵×۲۹۵، جلد تیماج مشکی جدول منگنه مذهب، کاغذ
اصفهانی معدودی از صفحه‌ها جدول زرین، عنوانها و اشعار متن به شنگرف، ۴۶۲
صفحه، ۲۳ سطری، خط نستعلیق کتابت خفی خوش، متن اشعار عربی نسخ کتابت
خفی متوسط، رقم مجنون بهبهانی، تاریخ تحریر ۱۰۸۷ ق، ش ۲۶۹۶.

قرآن کریم

- خط نسخ و نستعلیق، کاتب: عبدالباقر عبدالسلام بن عبدالملک، ۱۰۳۳ ق، ۴۹۴ برگ،
۲۲ سطری، هامش مختلف، کاغذ الوان آهارزده زرافشان، جلد تیماج کبود مطلای
لولادار جدید.

آرایش: مجدول طلایی و الوان و کمندی، ترجمه فارسی به نستعلیق، دیگر قسمتها
به خط نسخ، آیات قرآن در حواشی به مرکب قرمز، شش لوح مذهب مزدوج مرصع در
آغاز.

قرآن کریم

- خط نسخ و نستعلیق، سده یازدهم هجری، ۴۱۳ برگ، متن شانزده سطری، هامش
مختلف، کاغذ زرد آهارزده، جلد روغنی گل و بوته بسیار بسیار نفیس.
آرایش: متن قرآن به خط نسخ، ترجمه به خط نستعلیق، هامش به خط نسخ و آیات با

مرکب سرخ نوشته شده، مجدول طلایی و سرخ و کمندی، سرلوحه مذهب مزدوج مرصع نفیس، ب ۶ و آ ۷ مذهب مزدوج مرصع، در بیشتر صفحات در متن و حاشیه مثلثهای مذهب نفیس، آغاز سوره‌ها درون مستطیل‌های مذهب.

قرآن کریم

زیر متن آیات قرآن معانی فارسی آنها نوشته شده است.

- خط نسخ و نستعلیق، کاتب: السید عنایت‌الله الشوشتری، ۱۰۷۰ ق، ۳۸۳ برگ، ۲۸ سطری، کاغذ زرد آهارزده، جلد تیماج مشکی ضربی مطلای با ترنج و سرترنج و لچکی و کمندی، درون سوخت با ترنج و سرترنج و لچکی بسیار نفیس. آرایش: متن قرآن به خط نسخ، ترجمه آن به خط نستعلیق و مرکب قرمز، پاره‌ای علامات قرمز، آیات طلاندازی، مجدول طلایی و لاجوردی و مشکی و کمندی، برگ ۱ و ۲ مذهب و مرصع نفیس، برگ ۲ و ۳ کاملاً مذهب نفیس، آغاز سوره‌ها و حزبهای قرآن مذهب و درون مستطیل‌های مذهب نفیس.

قرآن کریم

رحلی عظیم، موزه اسلامی و ترک، استانبول، نسخ عالی، به خط عبدالوهاب شیرازی، ۱۰۰۰ ق.

قرآن کریم

مجموعه سید نصرالله تقوی، تهران، نسخ، به خط حیدرعلی، ۱۰۰۹ ق.

قرآن کریم

نسخ و رقاع خوش. به خط محمد مهدی الکاتب مشهدی، ۱۰۱۱ ق.

قرآن کریم

رحلی، موزه ایران باستان. تهران، نسخ و ثلث و رقاع، به خط شمس‌الدین عبدالله، ۱۰۱۲ ق.

قرآن کریم، محمد ابراهیم قمی

یک نسخه قرآن به قلم نسخ، که ترجمه آن برخی، به قلم نستعلیق کتابت خفی خوش، و خواص سور آن، به قلم شکسته نستعلیق کتابت خفی عالی است، با رقم «کتبه محمد ابراهیم»، در مجموعه مهدی بیانی.

قصاید عرفی شیرازی

- خط نستعلیق خوش، ۱۱۳۵ق، ۷۱ برگ، نوزده سطری، کاغذ زرد آهارزده، جلد مقوایی الوان عطف پارچه‌ای مشکی.

قصاید مصنوع اهلی شیرازی

کتابخانه سلطنتی ۲۷۲×۱۶۵، جلد روغنی خوش بوم زیتونی برزک متن گل و بوته نقاشی در حاشیه هر دف ۵ بیت اشعار فارسی به خط رقاع به سفیداب نوشته شده، اندرون بوم سرخ بوته برگ مویی مذهب حاشیه مشکی، کاغذ سمرقندی شکری متن زرفشان غبار جدول زرین، عنوانها لاجورد و شنگرف، دو صفحه اول متن و حاشیه بین سطور طلااندازی حاشیه گلکاری، یک سرلوح مذهب مرصع عالی و دو سر صفحه مذهب که در کتیبه هر یک عنوان به شنگرف زرنگار نوشته شده است. خط نستعلیق کتابت خوش، رقم حسن علی شیرازی که تاریخ تحریر ۱۰۰۶ق، ش ۱۲۲۶.

قطعات خط، میرزا داراب

میرزا داراب فرزند عبدالرحیم خان خانان بود و نستعلیق و نسخ را خوب می نوشت. غلام محمد قطعات خط متعدد مزین وی را دیده است. وی به سال ۱۰۳۵ق درگذشته است.

قطعات خطوط، داراشکوه

داراشکوه پسر شاه جهان به فضل و هنر ممتاز بود و نستعلیق را به شیوه عبدالرشید دیلمی، استاد خط خویش، می نوشت و به سال ۱۰۶۹ق درگذشت.

از قطعات خطوط او، یکی در موزه باستان شناسی دهلی است که چنین رقم و تاریخ

دارد: «راقمه محمد داراشکوه سنه ۱۰۴۱»، و دیگری را دکر کوهنل، در تاریخ خطوط اسلامی خود آورده که رقم دارد: «راقمه داراشکوه». هر دو به قلم دودانگ و کتابت خوش است و اگر واقعاً این دو قطعه خط او باشد، وی را باید جزو خوشنویسان آورد؛ ولی قطعه‌ای از یک مرقع در کتابخانه بادلیان، به خط اوست که به قلم دودانگ و نیم‌دوی دانگ متوسط نوشته است و رقم دارد: «حرره محمد داراشکوه در سنه ۱۰۴۶ تحریر یافت» که خط آن از دو قطعه مذکور دیگر فروتر است.

قطعه گلزار رقم

این قطعه به رقم گلزار رقم، از خوشنویسان هندوستان، در کتابخانه سرکاری رامپور، به قلم دودانگ و کتابت خوش است که رقم و تاریخ چنین دارد: «راقمه گلزار رقم، سنه احد».

قطعه گلشن رای

قطعه‌ای به خط گلشن رای از خوشنویسان هندوستان در موزه پیشاور پاکستان وجود دارد به قلم سه‌دانگ متوسط، با رقم و تاریخ «کته گلشن رای، سنه ۴۴ جلوس اورنگ‌زیبی» که مطابق است با سال ۱۱۱۲ ق.

قطعه محمد افضل

قطعه‌ای در یک مرقع از کتابخانه بادلیان وجود دارد به خط محمد افضل، از خوشنویسان گمنام هندوستان که در نیمه دوم سده یازدهم هجری می‌زیسته است. این قطعه به قلم سه‌دانگ و کتابت خوش است با رقم و تاریخ: «فقیر دعاگو محمد افضل تحریر نمود در سنه ۱۰۸۱».

کتاب فواتح از حسین بن معین الدین المیبدی

- خط نستعلیق عالی ریز، کاتب: عبدالقادر الاردوبادی، شعبان ۱۰۲۱ ق، ۵۶ برگ، ۲۸ سطری، کاغذ آهارزده الوان کرم‌خورده، جلد تیماج قهوه‌ای مطلا کمندی جدید.
آرایش: عنوانها قرمز.

کلمات حضرت علی کرم الله وجهه از محمدبن محمدبن عبدالجمیل العمری الکاتب از رشیدالدین وطواط. گزارشی است از صد کلمه جاحظ، هر سخن نخست به نثر و سپس به دو بیت.

خط ثلث و نسخ و نستعلیق، ظاهراً سدهٔ دهم هجری، ۲۴ برگ، دوازده سطری، کاغذ آهارزده، جلد تیماج آلبالویی ضربی مطلا با ترنج و لولا.

آرایش: عنوانها مطلا و لاجوردی و قرمز.

کلیات اهلی شیرازی

کتابخانه سلطنتی ۲۶۷×۱۶۵، جلد ساغری مشکی ترنج و سرترنج و لچکی و حاشیه بند رومی بریده ضربی طلاپوش، اندرون تیماج آلبالویی ترنج و سرترنج و گوشه لچکی و حاشیه به زه می سوخت معرق طلاپوش زمینه لاجوردی و سفید عالی، کاغذ حنایی نباتی با دو جدول زرین متن زرفشان غبار، در هر صفحه سه لچکی و تمامی سرسخنها بوته اندازی مذهب، دو صفحهٔ اول متن و حاشیه مذهب مرصع عالی بین سطور طلااندازی منقش، شش مرصع در آغاز هر قسمت دو صفحهٔ اول متن و حاشیه بین سطور طلااندازی منقش و حاشیه بوته اندازی مذهب میناسازی عالی، شش سرلوح مذهب مرصع عالی که در کبّه هر یک عنوان هر قسمت به سفیداب روی متن زر بوته اندازی نوشته شده است، ۵۸۴ صفحه، شانزده سطری، خط نستعلیق کتابت خفی متوسط، بدون رقم، تاریخ تحریر ۱۰۳۶ ق، ش ۴۱۰.

کلیات اهلی شیرازی

کتابخانه سلطنتی ۲۶۸×۱۵۰، جلد ابره و سجاف ساغری مشکی ترنج و نیمه ترنج، سرترنج منگنه طلاپوش مستعمل، اندرون تیماج سرخ ترنج و سرترنج سوخت معرق خوش، کاغذ اصفهانی جدول زرین، عنوانها شنگرف، پنج سرلوح مذهب مرصع خوش که در کبیه هر یک عنوان آن قسمت به سفیداب روی متن زر نوشته شده، دو صفحهٔ اول هر قسمت متن و حاشیه، حاشیه گلکاری و متن بین سطور طلااندازی منقش، دو صفحهٔ پیش از متن و دو صفحه در میان کتاب که بیاض بوده جدیداً شش مجلس میناتور تصویر کردند، هفتصد صفحه، هجده سطری، خط نستعلیق کتابت خفی بد، بدون رقم و تاریخ

تحریر (سده یازدهم هجری)، ش ۱۲۱۶۳.

کلیات اهلی شیرازی

کتابخانه سلطنتی ۲۸۸×۱۶۰، جلد ساغری سرخ ترنج و سرترنج بریده ضربی طلاپوش، اندرون تیماج تریاکی ترنج و سرترنج سوخت معرق زمینه سبز و نارنجی بوته مذهب لولادار خوش، کاغذ دولت آبادی جدول زرین، عنوانها به خط رقاع متوسط به شنگرف، پنج سرلوحه مزدوج مذهب مرصع خوش که در کتیبه هر یک عنوان هر قسمت به سفیداب تحریردار روی متن زر بوته اندازی شده است، ۷۱۸ صفحه، ۲۰ سطری، خط نستعلیق کتابت متوسط، رقم جمال شیرازی، تاریخ تحریر ۱۰۵۷ق، ش ۱۰۱۲۵.

کلیات اهلی شیرازی

کتابخانه سلطنتی ۲۷۰×۱۶۵، جلد ساغری مشکی ترنج و سرترنج و گوشه بریده ضربی طلاپوش، اندرون تیماج عنابی ترنج و سرترنج و گوشه سوخت معرق زمینه لاجوردی طلاپوش، کاغذ دولت آبادی جدول زرین، سرغزلها و قطعات بوته اندازی مذهب، دو صفحه اول و دو صفحه در میانه متن و حاشیه، بین سطور طلائندازی منقش و حواشی بوته اندازی مذهب میناسازی با دو سرلوح مزدوج مذهب مرصع عالی، ۷۲۲ صفحه، نوزده سطری، خط نستعلیق کتابت خوش، بدون رقم، تاریخ تحریر ۱۰۵۶ق، ش ۴۸۰۰.

کلیات خاقانی

کتابخانه سلطنتی ۲۵۷×۱۵۵، جلد تیماج مشکی حاشیه منگنه مذهب جدید، کاغذ اصفهانی، دو جدول زرین، عنوانها به زر و شنگرف، صفحه اول موجود متن و حاشیه بین سطور طلائندازی منقش دسته لچکی و تسمه مرصع، ۷۰۷ صفحه، دوازده سطری، خط نستعلیق کتابت جلی خوش، رقم معجزی یزدی، تاریخ تحریر ۱۰۰۹ق، صفحه اول ساقط و از صفحه ۲۱ تا ۲۵ نونویس، ش ۲۹۸. نسخه مشتمل است بر دیوان و تحفة العراقین.

کلیات خاقانی

کتابخانه سلطنتی ۲۶۰×۱۷۰، جلد روغنی خوش بوم لیمویی گل و بوته نقشی، حاشیه بوم سرخ گل ریزه نقاشی، اندرون بوم سرخ گل نرگس و شکوفه، کاغذ بخارایی دو جدول زرین، دو صفحه اول لچکی و یک سرفصل و یک سرلوح بوته اندازی مذهب متوسط، دو صفحه آخر متن و حاشیه، حاشیه بوته اندازی مذهب، جای عنوانها بیاض، ۵۸۰ صفحه، چهارده سطر، خط متن نستعلیق کتابت و حاشیه کتابت خفی متوسط، بدون رقم به تاریخ تحریر ۱۰۰۶ق، ش ۲۹۹.

کلیات خاقانی

کتابخانه سلطنتی ۳۱۰×۱۹۰، جلد تیماج یشمی ترنج و سرترنج منگنه، عمل محمد ناصر، اندرون پارچه بخارایی، کاغذ بخارایی نخودی و قهوه ای متن زرفشان جدول زرین، عنوانها به شنگرف و لاجورد و سیلو، دو سرلوح مذهب مرصع خوش، ۵۵۸ صفحه، هجده سطر، در صفحه اول فهرست عنوانهای کلیات نوشته و به کتاب افزوده شده است و صفحه اول متن تحفه العراقین، عنوانهای تحفه العراقین به قلم دودانگ خوش کاتب نسخه به زر و لاجورد نوشته شده است، خط نستعلیق کتابت خوش، رقم شوخی بخارایی، تاریخ تحریر ۱۷-۱۰۱۵ق، بعضی صفحات ساقط و نسخه مشوش تصحیف شده است، ش ۳۰۰.

کلیات خاقانی

کتابخانه سلطنتی ۳۶۲×۲۳۰، جلد تیماج مشکی ترنج و سرترنج بریده منگنه طلاپوش، اندرون تیماج خیالی ساده، صفحات متن و حاشیه، کاغذ متن قطعه ختایی حنایی، حاشیه کشمیری جدول زرین، هفت سرلوح مزدوج مذهب مرصع ممتاز، ۳۸۵ صفحه، ۲۵ سطری، خط نستعلیق کتابت خوش، رقم فخرالدین علی بخاری، سده یازدهم هجری، ش ۲۹۶، نسخه در هفت جزو متمایز تنظیم شده است. تذهیبات زیبای ممتاز این نسخه ظاهراً به دست خواجه یاقوت مذهب شده است.

کلیات خاقانی

به خط محمدلطیف شوخی بخارایی، به قلم کتابت متوسط، اواخر سنه ۱۰۱۵ق، در

کتابخانه سلطنتی تهران موجود است.

کلیات سعدی شیرازی

- خط نستعلیق ممتاز، کاتب: محمدجان الکرمانی، ربیع الثانی ۱۰۲۱ق، ۲۹۴ برگ، متن هفده و هامش ۳۴ سطری، کاغذ زرد آهارزده، جلد روغنی باگل و بوته. آرایش: عنوانها طلایی و قرمز، مجدول طلایی و سبز و قرمز، سرلوحه مذهب مزدوج نفیس، اوراق ۲۲، ۱۵۴، ۲۱۶، ۲۴۴، ۲۶۰، ۲۷۶، ۲۸۰، ۲۸۴ مذهب مزدوج نفیس.

کلیات سعدی

کتابخانه سلطنتی ۳۱۵×۱۸۰، جلد روغنی عالی، عمل احمد، به تاریخ ۱۲۳۱ق، دو مجلس تصویر شعرا که جامی، سنایی، مولانا، سعدی، حافظ، خاقانی، نظامی، فردوسی، انوری و کمال الدین اسمعیل، را به اسم مشخص کرده است، اندرون جلد زمینه سرخ بوته اندازی تشعیر شده مذهب، حاشیه زمینه مشکی بوته ریزه نقاشی، کاغذ دولت آبادی دو جدول زرین متن زرفشان، در هر صفحه یک لچکی بوته مذهب، عنوانها به سرخی در سرفصلهای بوته اندازی مذهب، متن و حاشیه بین سطور طلائع اندازی، حواشی بوته اندازی مذهب منقش و حل کاری عالی، نه سرلوح مزدوج مذهب مرصع عالی که در کتیبه هر یک به سفیداب روی متن زر عنوان هر قسمت نوشته شده است، ۷۵۶ صفحه، دوازده سطری، خط نستعلیق کتابت خوش، رقم مقصود علی شیرازی، تاریخ تحریر ۱۰۷۰ق، ش ۳۲۴.

کلیات سلمان ساوجی

کتابخانه سلطنتی ۲۴۵×۱۵۵، جلد تیماج مشکی ترنج و سرترنج منگنه زمینه چهره ای بوته برجسته ماشی، کاغذ اصفهانی جدول زرین، یک سرلوح مذهب مرصع خوش، ۸۴۲ صفحه، پانزده سطری، خط نستعلیق کتابت متوسط، رقم سلطان محمد تایبادی، تاریخ تحریر ۱۰۶۷ق، ش ۳۶۹.

کلیات دیوان صائب تبریزی

خط نستعلیق، کاتب: درویش یقین الحسینی، رجب ۵۰۵ یازدهم هجری، ۴۵۱ برگ، دو ستونی ۲۷ سطری، کاغذ آهارزده، جلد تیماج آلبالویی با کمند مطلا. آرایش: مجدول طلایی سه سرلوحه مذهب (ب ۲، ب ۷، ب ۱۷).

کلیات دیوان صائب تبریزی

- خط نستعلیق ممتاز، ۱۱۲۰ ق، ۱۸+۶۲۱ برگ، دو ستونی ۲۷ سطری، کاغذ آهارزده طلااندازی، جلد تیماج ضربی مطلا با ترنج و سرترنج کمندی و لولادار نفیس. آرایش: مجدول طلایی و قرمز، محشی، سه سرلوحه مذهب نفیس در آغاز، بیشتر اوراق مذهب.

کلیات ظهوری ترشیزی

کتابخانه سلطنتی ۳۴۲×۲۲۰، جلد تیماج حنایی ترنج و سرترنج منگنه زمینه ماشی، اندرون میشن عنابی ترنج و سرترنج و گوشه سوخت معرق زمینه الوان گل مذهب عالی که ریختگی دارد، کاغذ اصفهانی جدول زرین متن زرفشان غبار، عنوانها به شنگرف، دو صفحه اول متن و حاشیه مذهب مرصع خوش که در میان هر صفحه هفت سطر از آغاز کتاب نوشته شده و بین سطور تحریر به سرخی شده است، شش سرلوح مذهب مرصع خوش، ۷۹۸ صفحه، ۲۲ سطری، خط نستعلیق کتابت متوسط، بدون رقم، تاریخ تحریر ۱۰۷۰ ق، ش ۴۳۲.

کلیات عرفی شیرازی

- خط نستعلیق ممتاز، کاتب: احمد، رجب ۱۰۲۷ ق، ۲۸۴ برگ، دو ستونی، نوزده سطری، کاغذ زرد آهارزده، جلد تیماج تریاکی ضربی با ترنج و لولا. آرایش: مجدول قرمز، محشی، سرلوحه آراسته مطلا، برگهای ب ۳۸، ب ۱۳۳، ب ۲۸۰ با سرلوحه آراسته.

کلیات عرفی شیرازی

خط نستعلیق ممتاز، کاتب: احمد النجاری، ۱۰۵۹ ق، ۳۳۰ برگ، دو ستونی هفده

سطری، کاغذ الوان زرافشان آهارزده، جلد تیماج قهوه‌ای ضربی با ترنج و سرترنج و لچک مطلا و لولادار، درون سوخت نفیس.
آرایش: مجدول الوان، عنوانها طلایی و الوان، سرلوحه مذهب و فرسوده، جای سرلوحه‌های دیگر خالی است.

کلیات عرفی شیرازی

خط نستعلیق ممتاز، کاتب: هدایت‌الله، ذی‌الحجه ۱۰۱۷ ق، ۲۹۱ برگ، دو ستونی، هفده سطری، کاغذ آهارزده، جلد تیماج مشکی ضربی با ترنج و سرترنج لولادار.
آرایش: مجدول طلایی، پنج سرلوحه مذهب (ب ۵، ب ۱۴، ب ۹۵، ب ۲۰۹ و ب ۲۳۴).

کلیات عرفی شیرازی

خط نستعلیق ممتاز ریز، کاتب: نظیر بلخی، ۱۰۶۳ ق، ۲۳۲ برگ، دو ستونی ۲۱ سطری، کاغذ زرد آهارزده براق، جلد پارچه‌ای عطف و حاشیه میشن سبز تعمیر شده.
آرایش: مجدول طلایی و مشکی، سرلوحه مذهب ساده.

کلیات عرفی شیرازی

کتابخانه سلطنتی ۲۱۵×۲۳۰، جلد تیماج یشمی ترنج و سرترنج و گوشه منگنه، اندرون تیماج سرخ ساده، کاغذ دولت‌آبادی جدول زرین، بعضی صفحات وصال شده، جای عنوانها بیاض، ۷۰۴ صفحه، چهارده سطری، خط نستعلیق کتابت خوش، رقم عبدالجبار اصفهانی، تاریخ تحریر ۱۰۳۸ ق، ش ۴۵۷.

کلیات عرفی شیرازی

کتابخانه سلطنتی ۱۶۰×۲۸۴، جلد تیماج مشکی متن و حاشیه ضربی اندرون تیماج سرخ ترنج و گوشه سوخت معرق خوش زمینه پسته‌ای لولادار فرسوده، کاغذ اصفهانی جدول زرین، دو صفحه اول و سه موضع دیگر در سر هر قسمت کتاب متن و حاشیه بین سطور طلاندازی منقش، حاشیه گلکاری، صفحات اول و آخر فرسوده و وصال شده، چهار

سرلوح مذهب مرصع خوش که در کتیبه هر یک روی متن زر عنوان هر قسمت به خط رقاع خوش به سفیداب تحریردار نوشته شده است، ۴۴۴ صفحه، چهارده سطری، خط نستعلیق کتابت متوسط، بدون رقم و تاریخ تحریر (سده یازدهم هجری)، ش ۴۴۱.

کلیات عرفی شیرازی

کتابخانه سلطنتی ۲۰۳×۱۰۵، جلد تیماج ماشی ترنج و سرترنج منگنه، کاغذ اصفهانی جدول زرین، پنج سرلوح مذهب خوش، ۵۳۰ صفحه، هجده سطری، خط نستعلیق کتابت متوسط، بدون رقم و تاریخ تحریر (سده یازدهم هجری)، شماره ۴۴۲.

کلیات ملا احمد یزدی فوقی

خط نستعلیق ریز، جمادی الاولی ۱۲۱۲ ق، ۱۴۱ برگ، هفده سطری، کاغذ آهارزده الوان، جلد مقوایی عطف و حاشیه میشن. آرایش: عنوانها و نسخه بدلهای قرمز.

کلیات کلیم کاشانی

کتابخانه سلطنتی ۲۸۰×۱۵۵، جلد ساغری مشکی ترنج و سرترنج بریده ضربی (ریخته) لولادار، اندرون تیماج سرخ ساده، کاغذ دولت آبادی جدول زرین، عنوانها به سرخی، ۱۳۰۸ صفحه، نوزده سطری، خط نستعلیق کتابت متوسط بدون رقم، تاریخ تحریر ۱۰۸۵۶، ش ۴۸۵.

کلیات (گلزار ابراهیم) ظهوری ترشیزی

کتابخانه سلطنتی ۲۳۰×۱۲۰، جلد میشن مشکی اندرون عنابی ساده لولادار، کاغذ کشمیری پسته ای جدول زرین، بسیاری از صفحات وصالی شده، جای عنوانها بیاض، پنج سرلوحه مذهب مرصع لاجوردی خوش، ۶۰۴ صفحه، هفده سطری، خط نستعلیق تحریر متوسط، بدون رقم، تاریخ تحریر ۱۰۳۳ ق، ش ۴۳۴.

کلیات محتشم کاشانی

خط نستعلیق خوش، ظاهراً سده یازدهم هجری، ۳۶۲ برگ، دوستونی ۲۴ سطری، کاغذ

زرد آهارزده کرم خورده، جلد تیماج تریاکی ضربی منقش با ترنج و سرترنج و لچکی.
آرایش: عنوانها قرمز.

کلیات محمد حسن زلالی خوانساری

کتابخانه سلطنتی ۱۲۰×۲۲۷، جلد تیماج یشمی ترنج و سرترنج و گوشه منگنه، صفحات متن و حاشیه، کاغذ کشمیری زرفشان غبار، حاشیه چهره‌ای پوست ماری، ۹۳۹ صفحه، چهارده سطری، پنج سرلوح مذهب مرصع متوسط، خط نستعلیق کتابت متوسط، بدون رقم و تاریخ تحریر (احتمالاً سده یازدهم هجری)، ش ۳۱۷.

کلیات محمد طاهر وقایع نویسنده قزوینی

کتابخانه سلطنتی ۱۱۰×۱۹۵، جلد تیماج سبز منگنه مذهب جدید، کاغذ دولت آبادی جدول زرین متن افشان زر غبار، عنوانها شنگرف، شش سرلوح مذهب مرصع عالی، ۱۱۸۹ صفحه، پانزده سطری، خط نستعلیق شکسته خفی خوش، بدون رقم و تاریخ تحریر (احتمالاً سده یازدهم هجری)، ش ۴۸۷.

کلیات ملا نورالدین عبدالرحمن جامی

خط نستعلیق ممتاز، کاتب: مجنون، ذی الحجه ۱۰۸۱ ق، ۱۹۰ برگ، متن شانزده و هامش ۷۱ سطری، کاغذ زرد آهارزده، جلد تیماج تریاکی نرم اندکی فرسوده بیاضی.
آرایش: عنوانها قرمز و کمندی، جدول طلایی، پنج سرلوحه مذهب (ب ۱، ب ۳۳، ب ۸۴، ب ۱۲۴، ب ۱۶۳).

کلیات ملک محمد قمی

کتابخانه سلطنتی ۱۴۵×۲۵۰، جلد تیماج یشمی، ترنج و سرترنج و گوشه منگنه، کاغذ کشمیری نباتی جدول و کمند زرین، عنوانها به شنگرف، یک سرلوح مذهب کوچک خوش که در کتیبه آن «بسمله» نوشته شده است، ۴۹۹ صفحه، هفده سطری، خط نستعلیق کتابت خفی متوسط، رقم محمد معین، تاریخ تحریر ۱۰۶۷ ق، ش ۵۴۳.

کلیات وحشی

یک نسخه کلیات وحشی به خط غیاث‌الدین محمود بن سلیم گیلانی، از کاتبان گمنام سده یازدهم هجری به قلم کتابت خوش، به شیوه عبدالجبار اصفهانی در مجموعه آقای سلطان‌القرایی در تهران موجود است که چنین تمام می‌شود: «تمت الکتاب المسمی بديوان الوحشي، بعون الله الملك الوهاب، كتبه العبد، غياث‌الدین محمود بن سلیم گیلانی».

کنز الهدایات فی کشف البدایات و النهایات محمد باقر بن شرف‌الدین

کتابی است فارسی در تصوف که در ذی‌القعدة ۱۰۸۰ ق، به انجام رسیده است. خط نستعلیق، کاتب: امان‌الله، ربیع الاول ۱۱۳۱ ق، ۶۵ برگ، ۲۱ سطری، کاغذ الوان آهارزده اندکی کرم‌خورده، جلد مقوایی الوان عطف می‌شن تعمیر شده. آرایش: عنوانها قرمز.

گلستان سعدی شیرازی

خط نستعلیق خوش، کاتب: سلیمان نکیه، ظاهراً سده یازدهم هجری، ۷۰ برگ، ۲۱ سطری، کاغذ آهارزده، جلد تیماج سرخ مطلای جدید. آرایش: عنوانها قرمز، تا برگ آ ۶۱، مجدول قرمز، محشی و زیرنویسی در توضیح لغات، سرلوحه مذهب ساده.

گلستان و بوستان سعدی شیرازی

خط نستعلیق، ظاهراً سده یازدهم هجری، ۱۴۱ برگ، متن یازده سطری و هامش ۳۰ سطری، کاغذ آهارزده، جلد تیماج سرخ جدید. آرایش: مجدول طلایی و الوان، عنوانها قرمز و مطلا، سرلوحه مذهب و مرصع مزدوج نفیس و کاغذ زرافشان.

گلستان سعدی

یک نسخه گلستان سعدی، به قلم نیم‌دودانگ متوسط، با رقم و تاریخ «تمت علی ید...

خلیفه محمد طاهر بن قوام‌الدین محمد بن عبدالله الحسینی الزنجانی... سنه ۱۰۸۱»، کتابخانه سلطنتی، تهران.

گلشن راز محمود شبستری

خط نستعلیق خوش، ظاهراً سده یازدهم هجری، ۲۸ برگ، دو ستونی بیست سطری، کاغذ آهارزده، جلد تیماج تریاکی ساده. آرایش: عنوانها قرمز، محشی، تا برگ ب ۵ مجدول سبز.

گلشن راز شیخ محمود شبستری

کتابخانه سلطنتی ۲۴۰×۱۵۰، جلد روغنی ممتاز زمینه مشکی با نقوش درخت و گل و جانوران مختلف، حاشیه روی متن زر در کتیبه‌های هر دف شش بیت شعر فارسی به خط نستعلیق نوشته شده، اندرون تیماج ساق چناری ساده، صفحات متن و حاشیه، کاغذ متن عادلشاهی شکری زرفشان غبار، کاغذ حاشیه باریک ختایی و حاشیه پهن خانبالغ سفید، هر صفحه دو جدول و یک کمند زرین، یک سرلوح مذهب مرصع عالی، سرسخنها و آخر نسخه مذهب منقش عالی، عنوانها شنگرف، هشتاد صفحه، یازده سطری، خط نستعلیق کتابت عالی، رقم رشید، بدون تاریخ تحریر (سده یازدهم هجری)، ش ۱۱۰۷۶.

گلشن راز شیخ محمود شبستری

کتابخانه سلطنتی ۲۷۰×۱۶۵، جلد روغنی بوم آلبالویی مرغش ترنج و سرترنج زمینه مشکی گل و بوته نقاشی حاشیه زمینه مشکی بوته ریزه، اندرون زمینه قهوه‌ای بوته نرگس عالی، صفحات متن و حاشیه قطعه‌سازی، کاغذ متن سمرقندی زرفشان جدول زرین کاغذ حاشیه لاجوردی و صورتی کمنددار، دو صفحه اول متن و حاشیه بین سطور طلااندازی حاشیه حل‌کاری (ترصیع)، یک سرلوح مذهب مرصع عالی، ۷۸ صفحه، چهارده سطری، خط نستعلیق کتابت عالی، رقم میرعماد، بدون تاریخ (سده یازدهم هجری)، ش ۱۱۰۶۹.

لُب لباب معنوی حسین بن علی واعظ الکاشفی

خط نستعلیق ممتاز، کاتب: صفی المراحی، یازدهم هجری، ۲۴۵ برگ، دوستونی هجده سطری، کاغذ الوان آهارزده، جلد تیماج آلبالویی ضربی با ترنج و سرترنج و کمند مطلا و لولادار.

آرایش: برگهای ۱ و ۲ دورنگ جدول مطلا، مجدول طلایی و سرخ، عنوانها قرمز، روی آیات خط قرمز کشیده‌اند.

لُب لباب معنوی (فی انتخاب مثنوی) کمال‌الدین حسین بن علی واعظ کاشفی

- خط نستعلیق عالی، ظاهراً سده یازدهم هجری، ۲۶۰ برگ، دوستونی هفده سطری، کاغذ آهارزده آب‌رسیده، جلد مقوایی عطف پارچه‌ای ملفف به پارچه سبز. آرایش: عنوانها قرمز، فهرس در آغاز، پاره‌ای برگها افتاده و بعداً الحاق شده.

لغت قرآن کریم

درباره‌اش اطلاعی به دست نیامد.

خط نستعلیق، کاتب: محمدبن حسین السماوی، محرم ۱۰۷۲ق، ۱۱۱ برگ، ۲۷ سطری، کاغذ آهارزده، جلد تیماج آلبالویی کمندی مطلا. آرایش: عنوانها و علامات و خط بین سطور قرمز.

لیلی و مجنون هاتفی

خط نستعلیق، جمادی الاخر ۱۰۷۱ق، ۷۵ برگ دوستونی سیزده سطری، کاغذ الوان آهارزده، جلد تیماج ضربی با ترنج و کمند فرسوده قهوه‌ای. آرایش: عنوانها قرمز.

لیلی و مجنون مکتبی شیرازی

کتابخانه سلطنتی ۷۸×۱۴۰، جلد ابره ساغری آجری جدول زرین، اندرون تیماج زیتونی، کاغذ اصفهانی پسته‌ای متن زرفشان غبار جدول زرین، یک سرلوح مزدوج مذهب مرصع خوش، دو صفحه اول بین سطور طلااندازی حاشیه گلکاری محو شده،

سیاهه برخی از آثار ادبی و هنری / ۱۹۳

۱۴۴ صفحه، پانزده سطری، خط نستعلیق کتابت خفی خوش، رقم علی رضای کاتب، تاریخ تحریر ۱۰۳۲ق، ش ۳۱۶۵.

مثنوی مولانا جلال الدین رومی

خط نسخ ممتاز، جمادی الاول ۱۰۸۳ق، ۴۲۵ برگ، متن نوزده و هاشم ۳۰ سطری، کاغذ زرد آهارزده اندکی کرم خورده، جلد تیماج تریاکی مطالای منقش با ترنج و سرترنج و لولادار.

آرایش: عنوانها قرمز، مجدول طلایی و قرمز، سرلوحه هر دفتر مذهب مرصع نفیس.

مثنوی مولانا جلال الدین رومی

خط نسخ ممتاز، ظاهراً سده یازدهم هجری، ۴۲۸ برگ، متن نوزده و هاشم ۳۰ سطری، کاغذ زرد آهارزده نازک براق، جلد تیماج مشکی ضربی مطالای منقش با ترنج و سرترنج و لچکی و لولادار و قابدار.

آرایش: عنوانها طلایی و لاجوردی، مجدول طلایی و مشکی، سرلوحه مذهب مرصع نفیس، جای سرلوحه های دفترهای دیگر خالی مانده و فاقد مقدمه است.

مثنوی جلال الدین رومی

- خط نسخ ممتاز، کاتب: درویش مصطفی، محرم ۱۰۲۰ق، ۲۹۲ برگ، چهار ستونی ۲۳ سطری، کاغذ زرد آهارزده کرم خورده، جلد تیماج دف رویی وزیری متفاوت، رویی تیماج آلبالویی ضربی مطالا با ترنج و سرترنج، زیری تیماج ضربی مشکی با ترنج، لولادار.

آرایش: مجدول طلایی و مشکی، عنوانها درون مستطیل مذهب، شش سرلوحه مذهب (ب ۱، ب ۵۰، ب ۹۵، ب ۱۲۷، ب ۱۷۵ و ب ۲۳۱).

مثنوی مولانا جلال الدین (شش دفتر)

کتابخانه سلطنتی ۲۰۰×۱۲۲، جلد ساغری مشکی ترنج و سرترنج و گوشه و حاشیه بریده منگنه طلاپوش، اندرون تیماج سرخ ترنج و سرترنج بریده سوخت معرق زمینه

مشکی گل و بوته مذهب خوش، عنوانها شنگرف، هر صفحه سه لچکی مذهب منقش، دو صفحه اول متن و حاشیه بین سطور طلاندازی و بین مصراعها تسمه مذهب منقش حاشیه بوته اندازی مذهب منقش، دو صفحه اول هر دفتر بین سطور طلاندازی، در حاشیه یک سرفصل مذهب مرصع، شش سرلوح مزدوج مذهب مرصع خوش کشمیری، ۷۴۷ صفحه، نوزده سطری، خط نستعلیق کتابت خفی متوسط، رقم محمد لطیف، تاریخ تحریر ۱۰۰۲ق، ش ۳۱۰۰.

مثنوی مولانا جلال الدین (شش دفتر)

کتابخانه سلطنتی ۲۹۵×۱۸۵، جلد مقوای روغنی عالی متن مرغش گل و بوته نقاشی برجسته ترنج و سرترنج و لچکی بوم مشکی مذهب که در ترنجهای تصویر حضرت مسیح و مریم نقاشی شده، حاشیه بوم سرخ گل ریز نقاشی اندرون بوم تریاکی تصویر مذهب زن جوان با شاخ و گل و شکوفه و پرنده و دیگر جانوران، حاشیه بوم مشکی گل ریز نقاشی، کاغذ دولت آبادی، دو جدول مذهب، هر صفحه سه لچکی مذهب، عنوانها به شنگرف، دو صفحه اول متن و حاشیه مذهب مرصع عالی که در میان هر صفحه چهار بیت از آغاز مثنوی نوشته شده و بین سطور طلاندازی است، ۵۱۶ صفحه، ۲۰ سطری، خط نستعلیق کتابت خفی متوسط، رقم حسن علی بن حیدر شیرازی، تاریخ تحریر ۱۰۶۵-۱۰۶۷ق، ش ۱۲۲۹۱.

مثنوی مولانا جلال الدین (سه دفتر اول)

کتابخانه سلطنتی ۲۵۷×۱۵۵، جلد تیماج سرخ جدول منگنه مذهب، کاغذ دولت آبادی جدول زرین کمند متن زرفشان غبار، عنوانها شنگرف، متن دو صفحه اول متن و حاشیه بین سطور جدول کشی بین مصراعها تسمه مذهب حاشیه مذهب مرصع خوش، سه سرلوح مذهب ساده، ۴۱۰ صفحه، ۲۱ سطری، خط نستعلیق کتابت خفی متوسط، بدون رقم و تاریخ تحریر (احتمالاً سده یازدهم هجری)، (ش ۵۱۰).

مثنویات حکیم زلالی

در این مجموعه شش مثنوی از حکیم محمد حسن زلالی خوانساری (ف ۱۰۱۶ تا

۱۰۳۱ق) آمده است.

خط نستعلیق ممتاز ریز، کاتب: عزیزالله، ظاهراً سده یازدهم و دوازدهم هجری، ۲۲۳ برگ، دو ستونی سیزده سطری، کاغذ نازک آهارزده الوان، جلد تیماج سبز ضربی، با ترنج و سرترنج قهوه‌ای و صالی شده. آرایش: مجدول طلایی و مشکی، عنوانها قرمز، جای سرلوحه خالی رها شده.

مجالس العشاق حسین بن سلطان منصور بایقرا

خط نستعلیق، ظاهراً سده یازدهم هجری، ۲۰۵ برگ، هفده سطری، کاغذ آهارزده کرم خورده، جلد مقوایی مشکی و عطف پارچه‌ای مشکی. آرایش: عنوانها قرمز، چند ورق مجدول قرمز، مفهرس در آغاز.

مجمع الفرس محمد قاسم بن محمد کاشانی سروری

خط نستعلیق، کاتب: محمد قاسم بن محمد کاشانی سروری، رمضان ۱۰۷۷ق، ۳۶۲ برگ، هفده سطری، کاغذ زرد آهارزده، جلد تیماج تریاکی تعمیر شده. آرایش: عنوانها و لغات قرمز، محشی، پاره‌ای اوراق فرسوده و پاره‌ای متن و حاشیه شده.

مجموعه اشعار

اشعاری از شاعران مختلف در این مجموعه گرد آمده است. خط شکسته نستعلیق، کاتب: محمد یوسف، شوال ۱۱۱۲ق، ۴۲ برگ، سه ستونی با سطور مختلف، کاغذ آهارزده، جلد تیماج بنفش. آرایش: مجدول طلایی و الوان، عنوانها قرمز، پاره‌ای اوراق خالی رها شده.

مجموعه اشعار

حاوی منظومه‌ای از صائب و شعری از عرفی و دیوانچه‌ای از شهری علی چلبی ملاطیه‌ای است: ۱. مرآت جمال صائب، ۲. ترجمه الشرقی مولانا عرفی تخمیس صائب، ۳. دیوان شهری علی چلبی ملاطیه‌ای.

خط نستعلیق خوش، کاتب: ایوب چلبی اسماعیل حلمی، شوال ۱۰۹۰ ق، ۱۱۸ برگ، دوستونی هفده سطری، کاغذ آهارزده، جلد تیماج مشکی و سرخ. آرایش: از آغاز تا آ ۸۱ مجدول قرمز و مشکی، عنوانها قرمز، از ب ۸۲ به بعد دو سه ستونی مورب.

مجموعه اشعار فخری محمد سلطان بن امیری

خط نستعلیق ممتاز، ظاهراً سده یازدهم هجری، ۱۳۶ برگ، دوستونی، پانزده سطری، کاغذ آهارزده اندکی کرم خورده و آب رسیده، جلد پارچه ای مشکی، عطف میشن مشکی تعمیر شده. آرایش: عنوانها قرمز.

مجموعه اشعار

در این مجموعه اشعاری از شاعران فارسی گوی آمده است. خط نستعلیق ممتاز، ظاهراً سده یازدهم هجری، ۱۵۷ برگ، سه ستونی دوازده سطری، کاغذ آهارزده سرتا پا زرافشان، جلد تیماج ضربی فرسوده با ترنج و سرترنج. آرایش: سرلوحه مذهب بوده و افتاده، مجدول طلایی، عنوانها مطلا.

مجموعه اشعار

در این مجموعه اشعاری از شاعران مختلف آمده است. خط نستعلیق عالی، کاتب: عمادالحسینی، ظاهراً سده یازدهم هجری، ۳۳ برگ، مورب هش عمودی دو سطر، کاغذ آهارزده، وصالی کاملاً زرافشان، جلد تیماج ضربی مطلای منقش، درون سوخت با ترنج و سرترنج و لچک و لولا. آرایش: مجدول طلایی و لاجوردی، سرلوحه مذهب مرصع مزدوج بسیار نفیس.

مجموعه اشعار

در این مجموعه شش اثر منظوم آمده است. خط نستعلیق ممتاز، کاتب: عرفی شیرازی (?)، ظاهراً سده یازدهم هجری، متن

مختلف ۱۲۵ برگ، شانزده تا ۲۰ سطری، کاغذ زرد آهارزده و اندکی کرم‌خورده، جلد تیماج پشمی کمندی مطلا.

مجموعه اشعار

در این مجموعه منتخب اشعار دو شاعر آمده است: سنایی غزنوی و محمد صوفی مازندرانی.

خط نستعلیق ممتاز ریز، کاتب: مسعود ابراهیم بن امرالله بن عبدی، صفر ۱۰۸۱ق، ۵۸ برگ، دو ستونی ۲۵ سطری، کاغذ آهارزده لکه‌دار، جلد پارچه‌ای عطف میشن تعمیر شده.

آرایش: عنوانها قرمز.

مجموعه اشعار

در این مجموعه اشعاری از این شاعران آمده است: ملا عرفی، ملا نظیری، ملا ظهوری، جامی، انوری، باباغانی، نوایی، میرصیدی، شیخ علی نقی، ملا محتشم، صائب، نادم، میرزا نظام، میرزا صادق، و خواجه حافظ.

خط نستعلیق عالی، ظاهراً سدهٔ یازدهم هجری، ۹۵ برگ، دو ستونی دوازده تا چهارده سطری، کاغذ آهارزده، متن سفید هاشم گل افشان، جلد تیماج آلبلوری ضربی مطلا با ترتیج و کمندی.

آرایش: جدول طلایی، فهرس در آغاز.

مجموعه اشعار

در مجموعه ساقینامه‌ها و غزلیات و رباعیات از شاعران مختلف گرد آمده است.

خط نستعلیق ممتاز، ظاهراً سدهٔ یازدهم هجری، ۹۹ برگ، سه ستونی چهارده سطری، کاغذ الوان آهارزده کرم خورده جلد تیماج قهوه‌ای ضربی مطلا.

آرایش: عنوانها قرمز.

مجموعه اشعار

دو رساله زیر در این مجموعه هست: گلدهسته گلشن معانی از محمد صابرین محمد صالح

همت، و دیوان اطعمه (کنزالاشتها) از شیخ جمال‌الدین ابواسحق.
خط نستعلیق خوش، شعبان ۱۱۰۱ ق، ۲۲۴ برگ، پانزده سطری، کاغذ زرد آهارزده،
جلد تیماج تریاکی ضربی مطلا با ترنج و کمندی جدید.
آرایش: مجدول لاجوردی و قرمز، پاره‌ای اوراق متن حاشیه شده، سرلوحه مذهب
(ب ۱۲۹).

مجموعه اشعار

مجموعه اشعار از شاعران مختلف است. در آغاز رباعیات از شاعران مختلف آمده است.
خط نستعلیق ممتاز، ظاهراً سده یازدهم هجری، ۹۸ برگ، سطور مختلف، کاغذ
آهارزده آب‌رسیده و متن و حاشیه شده، جلد تیماج قهوه‌ای ساده.
آرایش: مجدول تا برگ ب ۵۶، مجدول، طلایی و الوان، سرلوحه‌ای مذهب در ب
۸، اسامی خاص طلایی، آرایشهای مذهب دیگر نیز دارد، عنوانها قرمز.

مجموعه اشعار

مجموعه اشعار شاعران مختلف فارسی‌گوی
خط نستعلیق، ظاهراً سده یازدهم هجری. ۱۲۰ برگ، سطور مختلف، کاغذ آهارزده،
پاره‌ای اوراق خالی، جلد مقوایی، عطف و حاشیه میشن بیاضی.
آرایش: مجدول مشکی و طلایی، عنوانها قرمز.

مجموعه اشعار

مجموعه‌ای است که اشعار پراکنده‌ای از شاعران ایرانی در آن آمده است.
خط نستعلیق ممتاز، ظاهراً سده یازدهم هجری، ۱۵۴ برگ، سطور مختلف، کاغذ
آهارزده، جلد مقوایی، عطف میشن.
آرایش: در ورق ب ۱۰۵ نقش گل و بوته هست، عنوانها قرمز.

مجموعه اشعار

مجموعه حاوی اشعار فارسی، عربی و ترکی است.

خط نستعلیق، کاتب: فرخ غلام، ۱۰۰۱ق، ۲۱۱ برگ، سطور مختلف، کاغذ آهارزده، جلد پارچه‌ای مشکی عطف میشن.
آرایش: مجدول قرمز و مشکی.

مجموعه اشعار

محتوی اشعار شاعران مختلف پارسی‌گوی است.
خط نستعلیق، ظاهراً یازدهم هجری، ۲۵۷ برگ، سطور مختلف، کاغذ آهارزده متن و حاشیه شده، جلد تیماج آلبالویی تعمیر شده.
آرایش: عنوانها قرمز، فهرس در آغاز.

مجموعه اشعار و مکتوبات

خط نستعلیق ممتاز، ظاهراً سده یازدهم هجری، ۴۶۷ برگ، سطور مورب مختلف، کاغذ الوان آهارزده، جلد تیماج سرخ ضربی منقش با ترنج و سرترنج و کمندی.
آرایش: مجدول طلایی و لاجوردی و قرمز، سه سرلوحه مذهب (ب ۱، ب ۷۸ و ب ۱۸۳)، برگهای ب ۷۸، آ ۷۹ و ب ۱ و آ ۲ و ب ۱۸۳، آ ۱۸۴ زرافشان.

مجموعه اصطلاحات صوفیه و کتاب غوثیه و اشعار

درباره‌اش اطلاعی به دست نیامد.
خط شکسته نستعلیق، ظاهراً سده یازدهم هجری، ۳۴ برگ، سطور مختلف، کاغذ آهارزده کرم‌خورده، جلد پارچه‌ای مشکی ساده.
آرایش: مجدول الوان، عنوانها طلایی و قرمز، سرلوحه مذهب فرسوده، بعضی اوراق خالی رها شده.

مجموعه

در این مجموعه پانزده رساله فارسی و ترکی آمده است.
خط نسخ و نستعلیق، ظاهراً سده یازدهم هجری، ۱۶۰ برگ، سطور مختلف، جلد مقوایی میشن، تعمیر شده.

آرایش: عنوانها قرمز، مجدول لاجوردی و قرمز، در هامش اشعار و توضیحاتی دیگر به فارسی و ترکی علاوه شده است.

مجموعه

در این مجموعه ده رساله آمده است.

خط نستعلیق ممتاز، ظاهراً سده یازدهم هجری، ۱۱۹ برگ، سطور مختلف، کاغذ الوان آهارزده اندکی آب رسیده، جلد تیماج تریاکی منقش با ترنج و سرترنج نرم. آرایش: عنوانها قرمز، مجدول طلایی و لاجوردی، پاره‌ای برگها بدون جدول، دو مجلس در آ ۹۴ و آ ۱۰۷، در چند برگ تصویر هست.

مجموعه

در این مجموعه سه رساله جای گرفته است: ترجمه لباب الاخبار محمد محمود، چهل حدیث نبوی، تحفة النصایح. خط نستعلیق خوش، ظاهراً سده یازدهم هجری، ۱۲۲ برگ، سطور مختلف، کاغذ آهارزده فرسوده، جلد مقوایی عطف میشن. آرایش: عنوانها قرمز.

مجموعه دواوین

دیوان حکیم حسین ثنایی و دیوان نفعی

خط نستعلیق ممتاز، کاتب: حاجی بابا جان، رمضان ۱۰۴۴ ق، ۶۶ برگ، متن هفده و هامش ۳۶ سطری، کاغذ آهارزده زرافشان، جلد تیماج یشمی مطلای کمندی. آرایش: عنوانها مطلا.

مجموعه دواوین

سه دیوان در این مجموعه نوشته شده است: دیوان طالب، دیوان قدسی، دیوان ظهوری. خط نستعلیق ممتاز، ظاهراً سده یازدهم هجری، ۲۱۶ برگ، سه ستونی مورب چهارده سطری، کاغذ آهارزده، جلد تیماج تریاکی ضربی با ترنج و سرترنج.

آرایش: سه سرلوحه مذهب (ب ۱، ب ۹۱، ب ۱۵۸).

مجموعه

دو رساله در این مجموعه جای گرفته است: معیار جمالی شمس الدین محمد فخر اصفهانی، شبستان نکات فتاحی نیشابوری.

خط نستعلیق ممتاز، کاتب: محمدحسین ولد حاجی الحسن الشریفین حاجی فتاح، جمادی الآخر ۱۰۹۸ق، ۱۶۶ برگ، پانزده تا هفده سطری، کاغذ آهارزده براق، جلد مقوایی الوان عطف میشن مشکی.
آرایش: عنوانها قرمز.

مجموعه

دو رساله عرفانی در این مجموعه جای دارد: کاشف الاسرار و مطلع الانوار ظرفی حسین چلبی، الجانب الغربی فی حل مشکلات شیخ محیی الدین عربی، شیخ المکی.
خط نستعلیق و نسخ، کاتب: درویش محمد بن الحاج رجب الخطیب البولوی، ربیع الاول ۱۰۹۰ق، ۱۵۸ برگ، پانزده و ۲۵ سطری، کاغذ آهارزده، جلد پارچه ای مشکی، عطف میشن مشکی تعمیر شده.
آرایش: از آغاز تا ۱۰۷ مجدول طلایی، سرلوحه مذهب نفیس مزدوج، برگهای ۱ و ۲ مجدول و مذهب.

مجموعه رسائل

پنج رساله در این مجموعه آمده است.
خط نسخ ممتاز، کاتب: عبدالله بن اسماعیل، ۱۱۳۴ق، ۸۹ برگ، پانزده سطری، آهارزده متن و حاشیه شده لکه دار، جلد تیماج مشکی تعمیر شده.
آرایش: عنوانها و پاره ای عبارات قرمز، چند ورق مجدول طلایی، آ ۳۷ منقش.

مجموعه رسائل

در این مجموعه هفت رساله عرفانی نوشته شده است.

خط نستعلیق خوش، ربیع‌الثانی ۱۰۰۳ق، ۳۵ برگ، هجده سطری، کاغذ آهارزده لک‌دار، جلد تیماج قهوه‌ای ضربی منقش با ترنج و تعمیر شده. آرایش: عنوانها قرمز.

مجموعه

سه اثر در این مجموعه نوشته شده است: دیوان قاسم دیوانه، دیوان کلیم همدانی، [رساله در احوال بزرگان].

خط نستعلیق ممتاز، ۱۰۹۷ق، متن مختلف، ۱۹۸ برگ، نوزده سطری، کاغذ آهارزده کرم‌خورده و فرسوده، جلد تیماج تریاکی منقش با ترنج فرسوده. آرایش: مجداول طلایی، سه سرلوحه ساده (ب ۲، ب ۴۵ و ب ۸۴).

مجموعه

سه رساله عرفانی در این مجموعه گرد آمده است. خط نستعلیق خوش، ظاهراً سده یازدهم هجری، ۱۴۱ برگ، پانزده سطری، کاغذ آهارزده لک‌دار، جلد مقوایی الوان عطف میشن. آرایش: عنوانها عبارات عربی و جدولها قرمز.

مجموعه قصاید

قصایدی از خاقانی، خسرو دهلوی، جامی، عطار، امیدی، محتشم، و شاعران دیگر. خط نستعلیق، ظاهراً سده یازدهم هجری، ۴۹ برگ، دوستونی پانزده سطری، کاغذ زرد آهارزده، جلد پارچه‌ای مشکی عطف میشن. آرایش: عنوانها قرمز.

مجموعه

کتابخانه سلطنتی ۱۵۵×۲۶۳، جلد میشن لاجوردی حاشیه منگنه مذهب، کاغذ اصفهانی قطعه جدول زرین متن صفحات زرفشان، در سرلوح کوچک مذهب مرصع خوش، ۱۱۲ صفحه، دوازده سطری، خط نستعلیق نیم‌دودانگ خوش، رقم عبدالرشید،

بدون تاریخ تحریر (سده یازدهم هجری)، ش ۶۵۰.

مجموعه

کتابخانه سلطنتی ۲۱۵×۱۱۵، جلد تیماج سرخ منگنه زرکوب جدید کاغذ سمرقندی قطعه الوان جدول زرین، ۴۱۲ صفحه، چهارده سطری، سه سرلوح مذهب مرصع عالی، دو صفحه اول متن و حاشیه تشعیر سازی مذهب، سرفصلها مذهب مرصع و عنوانها به قلم الوان روی متن زر، دو مجلس تصویر مینیاتور ممتاز که حاشیه مجلس اول تشعیر سازی مذهب است، خط نستعلیق کتابت خفی عالی، رقم شاه قاسم، تاریخ تحریر ۱۰۱۸ ق، ش ۵۱۵.

مجموعه

کتابخانه سلطنتی ۱۹۸×۱۱۲، جلد مقوای روغنی ممتاز کار دوره صفوی اصفهان، بوم مشکی دو مجلس بزم نقاشی، حاشیه مذهب، اندرون تیماج ساده ساق چناری، کاغذ دولت آبادی الوان جدول و کمند زرین، یک سرلوح مزدوج مذهب متوسط که در کتیبه آن «بسمله» نوشته شده است، ۱۶۸ صفحه، شانزده سطری، خط نستعلیق تحریر کتابت خفی متوسط، رقم محمد فصیح، تاریخ تحریر ۱۰۷۱ ق، ش ۵۸۶.

مجموعه

کتابخانه سلطنتی ۳۰۰×۱۸۵، جلد تیماج سرخ به ترنج و نیم ترنج و سرترنج منگنه مذهب جدید، کاغذ بغدادی الوان نیمه ای جدول زرین و نیمه ای ساده، جای عنوانها بیاض، دو سرلوح مذهب خوش، ۳۸۵ صفحه، سی سطری، خط نستعلیق تحریر کتابت متوسط، رقم شمس الدین سیستانی، بدون تاریخ (سده یازدهم هجری).

مجموعه

کتابخانه سلطنتی ۲۶۰×۱۵۵، جلد ساغری مشکی ترنج و سرترنج و گوشه منگنه مطلا، اندرون تیماج ساده حنایی، کاغذ بخارایی با دو جدول زرین، متن زرفشان غبار، هر صفحه سه لچکی بوته مذهب، عنوانها در متن به خط رقاع خوش به زر تحریر دار در

سرسخنهای بوته‌اندازی لاجوردی و در حاشیه به خط نستعلیق به شنگرف، دو صفحه اول و چهار موضع دیگر در درج کتاب، متن و حاشیه بین سطور طلائندازی منقش، حاشیه بوته‌اندازی مذهب میناسازی عالی، پنج سرلوح مذهب مرصع عالی در کتیبه هر یک به خط رقاع خوش به سفیداب تحریردار عنوان هر کتاب روی متن زر بوته‌اندازی...، خط نستعلیق کتابت خفی خوش، بدون رقم و تاریخ اصیل نیمه اول (سده یازدهم هجری)، ش ۵۶۲.

مجموعه

کتابخانه سلطنتی ۳۵۷×۱۷۷، جلد تیماج حنایی ترنج و سرترنج و نیم ترنج و گوشه منگنه مطلا، کاغذ کشمیری جدول و کمند زرین، عنوانها شنگرف، یک سرلوح مزدوج مذهب لاجوردی خوش، هفتصد صفحه، ۳۱ سطری، خط متن نستعلیق، تعلیق‌نامه کتابت متوسط و خط حاشیه نستعلیق تحریر کتابت متوسط، رقم محمدرضا رستم‌داری و کاتب دیگر، تاریخ تحریر ۱۰۷۳ و ۱۰۸۳ ق، ش ۵۲۴.

مطلع الانوار امیر خسرو دهلوی

کتابخانه سلطنتی ۲۶۵×۱۶۵، جلد تیماج سرخ ترنج و سرترنج و حاشیه منگنه، اندرون میشن سرخ ترنج و سرترنج و گوشه و حاشیه سوخت معرق طلاپوش خوش روی زمینه الوان، صفحات قطعه‌سازی و متن و حاشیه متن سمرقندی، قطعه جدول زرین کاغذ حاشیه الوان عموماً عکاسی قدیم مذهب، سه صفحه اول و صفحه آخر مصراعها قابسازی مذهب مرصع خوش، عنوانها به زر و لاجورد، یک سرلوح مزدوج مذهب مرصع خوش، ۲۳۹ صفحه، سیزده سطری، خط نستعلیق کتابت خفی خوش، رقم عزیز محمد، تاریخ تحریر ۱۰۲۴ ق، ش ۱۷۶.

مجنون بر مزار لیلی

نسخه ۱۰۵۷ ق، براساس خمسه نظامی سروده ۵۹۸ ق. نسخه خطی کتابخانه دولتی موسوم به سالتیکف شدین، سنت‌پترزبورگ، ۶۶، ص ۱۰۳ ب، نسخه نیمه نخست سده یازدهم هجری.

مجنون پس از وقوف بر مرگ لیلی با اندوه بسیار بر مزار او می‌آید:
از بس که سرشک لاله‌گون ریخت لاله زگ‌سیاه گورش انگ‌یخت
خوناب جگر چو شمع پالود بگشاد زبان آتش‌آلود
وانگه به دخمه سرفرو کرد می‌گفت و همی‌گریست از درد
کای تازه گل‌خزان رسیده رفته ز جهان جهان‌ندیده...
هنرمند در ترسیم این مضمون با بیانی مؤثر به بازنمایی آشفتگی و جنون او پرداخته،
یأس و نومییدی را در چهره مجنون رقم زده است.

مرآت الادوار محمد مصلح‌الدین اللاری

خط نستعلیق خوش، ۱۰۸۶ ق، ۴۴۸ برگ، ۲۱ سطری، کاغذ زرد آهارزده، جلد تیماج
ترياکي ساده.

آرایش: عنوانها قرمز، مجدول طلایی و لاجوردی، پاره‌ای اوراق متن و حاشیه شده،
سرلوحه مذهب فرسوده‌ای نیز دارد.

مرقعات

آلبوم خط و مینیاتور است، هر ورق به خط کاتبی است.
خط مختلف، ظاهراً سده‌های یازدهم تا سیزدهم هجری، شصت برگ، سطور
مختلف، کاغذ الوان آهارزده و صالی رنگارنگ، جلد روغنی گل و بوته سخت نفیس.
آرایش: تمام برگهای مجموعه با مینیاتور و تذهیب آراسته است، مجدول رنگارنگ
و زرافشان، هامش برگها منقش، برگهایی که مینیاتور دارند: ۳، ۴، ۷، ۸، ۱۱، ۱۲، ۱۵،
۱۶، ۱۹، ۲۰، ۲۳، ۲۴، ۲۷، ۲۸، ۳۱، ۳۲، ۳۵، ۳۶، ۳۹، ۴۰، ۴۳، ۴۴، ۴۷، ۴۸، ۵۱،
۵۲، ۵۵، ۵۶، ۵۹، ۶۰.

مرقعات احمد الحسینی

درباره این خوشنویس اطلاعی به دست نیامد.
خط نستعلیق ممتاز، کاتب: احمد الحسینی، ظاهراً سده یازدهم هجری، پانزده
صفحه، دو سطری، کاغذ آهارزده آراسته زرافشان، جلد مقوایی الوان عطف میشن.

آرایش: مجدول طلائی و لاجوردی، طوماری.

مرقعات، حیدرالحسینی

خط نستعلیق عالی، کاتب: حیدرالحسینی، ظاهراً سده یازدهم هجری، چهارده صفحه، دوستونی چهارده سطری، کاغذ زرافشان ضخیم آهارزده، جلد مقوایی معمولی. آرایش: مجدول طلائی، درون جلد و صالی، طوماری.

مرقعات

از خطوط عمادالحسنی گردآوری شده است. میرعماد حسنی سیفی را عموماً میرعماد خوانده‌اند. میر یقیناً به سال ۱۰۲۴ ق در اصفهان کشته شده است. خط نستعلیق عالی، کاتب: عمادالحسنی الکاتب، ۱۰۱۶ ق، متن مختلف، ۲۲ برگ، سطور مختلف، کاغذ ضخیم الوان آهارزده گل افشان، جلد تیماج سرخ و پارچه‌ای منقش. آرایش: مجدول رنگارنگ درون اکثر جدولها مذهب نفیس، آ و ب ۲۲ منقش. در ب ۲۰ تاریخ ۹۷۵ هجری آمده است.

مرقعات، ولی‌الدین

ولی‌الدین افندی از عالمان دین و شیخ الاسلام دولت عثمانی بود. خط نستعلیق ممتاز، کاتب، ولی‌الدین، ظاهراً سده یازدهم هجری، دو برگ، سطور مختلف، کاغذ مقوایی بیرون جلد زرافشان، جلد مقوایی. آرایش: مجدول طلائی و الوان به صورت کتیبه.

مرقعات

خط نستعلیق عالی، کاتب: عماد، سده دهم هجری، شش برگ، سطور مختلف، کاغذ الوان آهارزده زرد، جلد ترمه‌ای منقش طوماری. آرایش: مجدول لاجوردی منقش نفیس.

مرقعات عماد الحسنی

خط نستعلیق عالی، نام کاتب: عمادالحسنی، سده یازدهم هجری، ده صفحه، شش سطری، کاغذ آهارزده الوان منقش ضخیم، جلد تیماج کبود مطلای آراسته. آرایش: مجدول طلایی پر زرق، درون جدول آراسته، سرلوحه مذهب مرصع نفیس.

مرقعات عماد الحسنی

نمونه های خط نستعلیق است.

خط نستعلیق عالی، کاتب: عمادالحسنی، ۱۰۱۶ق، ده صفحه، سطور مختلف، کاغذ الوان آهارزده، جلد تیماج سرخ ضربی با ترنج و سرترنج. آرایش: مجدول طلایی و الوان منقش، حواشی رنگارنگ و آراسته.

مرقعات مصور

جنگ بسیار نفیسی از خط و مینیاتور تنی چند از خطاطان معروف است.

خط نستعلیق عالی، کاتبان مختلف، ظاهراً سده های دهم و یازدهم هجری، متن مختلف، ۲۹ برگ، سطور مختلف، کاغذ ضخیم آهارزده زرافشان، جلد تیماج تریاکی مطلای ضربی منقش با ترنج و سرترنج.

آرایش: مجدول طلایی پر زرق، برگهایی که مینیاتور دارند: ب ۲، آ ۳، ب ۴، آ ۵، ب ۶، آ ۷، ب ۸، آ ۹، ب ۱۰، آ ۱۱، ب ۱۲، آ ۱۳، ب ۱۴، آ ۱۵، ب ۱۶، آ ۱۷، ب ۱۸، آ ۱۹، ب ۲۰، آ ۲۱، ب ۲۲، آ ۲۳، ب ۲۴، آ ۲۵، ب ۲۶، آ ۲۷، ب ۲۸، آ ۲۹، نوشته ها درون جدولهای طلایی (طلاندازی بین سطور).

مرقعات

نمونه هایی از خطهای عماد و میرعلی است.

خط نستعلیق و شکسته نستعلیق، کاتب: عمادالحسنی و علی، سده های یازدهم و دوازدهم هجری، هجده برگ، سطور مختلف، کاغذ الوان آهارزده آراسته، جلد تیماج سرخ ضربی مطلا با ترنج و سرترنج.

مرقعات

نمونه‌های خط عماد الحسنی و ولی‌الدین است.

خط نستعلیق عالی، کاتب: عمادالحسنی و ولی‌الدین، بین ۱۰۱۷ تا ۱۱۲۱ق، متن مختلف، ۲۵ برگ، سطور مختلف، کاغذ آهارزده‌الوان، جلد تیماج سرخ و پارچه‌ای منقش.

آرایش: مجدول طلایی پرزرق، درون جدولها مذهب نفیس، برگهای ب ۱، آ ۲، آ ۲۵، منقش، در ب ۱ درون ترنجی مذهب، امضای «سلطان مصطفی سلیمی ۱۱۸۴» آمده است.

مرقع (پندنامه لقمان حکیم)

خط نستعلیق عالی، کاتب: عمادالحسنی، سده یازدهم هجری، چهار برگ، هفت سطری، کاغذ مقوایی زرد زرافشان، جلد تیماج مشکی ضربی مطلای منقش به نقوش جانوران با ترنج و سرترنج.

آرایش: مجدول طلایی و آراسته، درون جدولها مذهب، سرلوحه مذهب مرصع نفیس، در آ ۱ و ب ۸، درون ترنجی مطلا نوشته‌اند که برای کتابخانه شاه عباس نوشته شده است.

مرقع

خط نستعلیق عالی، کاتبان مختلف، سده یازدهم هجری، متن هشت صفحه، سطور مختلف، کاغذ الوان آهارزده، جلد تیماج آلبالویی ضربی مطلای منقش با ترنج و سرترنج و لولادار.

آرایش: برگها با میشن نرم به هم چسبیده‌اند، پاره‌ای برگها منقش، مجدول طلایی.

مرقع

سیاه مشق.

خط نستعلیق عالی، ظاهراً سده یازدهم هجری، هفت برگ، سطور مختلف، کاغذ آهارزده‌الوان وصالی، جلد مخملی عطف و حاشیه میشن.

آرایش: مجدول نقره‌ای، ورق ب ۶ منقش به نقوش گل و گیاه.

مرفع

سیاه مشقی است که در ظهریه نوشته‌اند به خط عماد است. خط نستعلیق عالی، کاتب: عمادالحسنی، سده یازدهم هجری، هفت برگ، چهار سطری، کاغذ ضخیم آهارزده الوان، جلد روغنی گل و بوته. آرایش: مجدول طلایی پرزرق، درون جدولها الوان و منقش به نقش گل و گیاه.

مرکز ادوار فیضی هندی (دکنی)

خط نستعلیق ممتاز، کاتب: محمد نرگسی، ذی القعدة ۱۰۲۹ق، ۴۹ برگ، دو ستونی ۲۱ سطری، کاغذ آهارزده، جلد تیماج آلبالویی ضربی با ترنج. آرایش: مجدول طلایی، سرلوحه مذهب.

مظهر الآثار میر هاشمی کرمانی (ف ۹۴۶ق)

خط نستعلیق ممتاز، کاتب: محمد بن احمد، صفر ۱۰۰۲ق، ۹۸ برگ، دو ستونی، سیزده سطری، کاغذ زرد آهارزده کرم خورده، جلد مقوایی الوان، عطف میشن. آرایش: عنوانها لاجوردی و قرمز، مجدول قرمز.

معمیات حسین بن محمدالحسینی

خط نسخ ممتاز، کاتب: عبدالکریم الشهیر به دعاجی زاده، جمادی الاول ۱۱۰۰ق، ۶۹ برگ، پانزده سطری، کاغذ آهارزده، جلد مقوایی الوان عطف میشن لولادار. آرایش: عنوانها قرمز، سرلوحه مذهب.

مفاتیح الاعجاز فی شرح گلشن راز شمس الدین محمد بن یحیی بن علی لاهیجی

خط نستعلیق، کاتب: ابن معین الدین محمد عنایت الله، ۱۰۳۳ق، ۳۱۰ برگ، ۲۱ سطری، کاغذ آهارزده، جلد تیماج آلبالویی ضربی با ترنج و سرترنج مطلا و لولادار. آرایش: عنوانها و ابیات گلشن راز قرمز، سرلوحه مذهب بسیار نفیس، دو لوح

مذهب مزدوج نفیس، مجدول طلایی و الوان.

مقطعات

نمونه‌هایی از خط نستعلیق است.

خط نستعلیق عالی، ظاهراً سده یازدهم هجری، دوازده برگ، دو ستونی هشت سطری، کاغذ الوان ضخیم آهارزده، جلد تیماج زیتونی، عطف تاج سرخ کمندی، مطلا. آرایش: حروف مقطعه روی کاغذ وصالی شده، مجدول الوان.

مکتوبات قدسیه امام ربانی، شیخ احمد فاروقی نقشبندی

جمع کننده: محمدالبدخشی الطالقانی (درگذشته ۱۰۳۴ق)

خط نستعلیق جلی، کاتب: محمد سعید، ۵۴۸ برگ، نوزده سطری، کاغذ آهارزده، جلد تیماج سوخت ملفف به پارچه سبز.

آرایش: عنوانها قرمز، مجدول طلایی، پاره‌ای اوراق جدول ندارد، سه جلد کتاب یکجاست.

مناجات

بیت اول با اندکی اختلاف اولین بیت منطق‌الطیر عطار است. اکثر کتیبه‌ها و مرقعات میرعماد حسنی سیفی از سده یازدهم هجری است.

خط نستعلیق ریز عالی، کاتب: ظاهراً عماد، ظاهراً سده یازدهم هجری، ۸ برگ، دو ستونی هشت سطری، کاغذ زرد آهارزده وصالی شده، جلد مقوایی عطف میشن فرسوده.

آرایش: مجدول طلایی و لاجوردی.

مناظره عقل و عشق، صابن‌الدین علی اصفهانی

خط نستعلیق ممتاز، ظاهراً سده یازدهم هجری، ۲۴ برگ، سطور مورب و مختلف، کاغذ آهارزده، جلد تیماج زیتونی لولادار ضربی با ترنج و سرترنج مطلا.

آرایش: عنوانها قرمز، پاره‌ای علامات قرمز.

مناقب حضرت فاطمه (س)

درباره مؤلف اطلاعی به دست نیامد.

خط نستعلیق، ظاهراً سده یازدهم هجری، ۶۴ برگ، یازده سطری، کاغذ زرد آهارزده، جلد تیماج سرخ مطلاً با ترنج و سرترنج و لچکی و لولادار.
آرایش: مجدول طلایی و لاجوردی و مشکی، روی عبارات عربی خط بریده قرمز کشیده اند، دو سر لوحه مذهب (ب ۱ و ب ۵).

منتخبات دیوان صائب

گزینش گر شناخته نیست.

خط نستعلیق ممتاز، ظاهراً سده یازدهم هجری، ۲۹۵ برگ، متن شانزده و هامش ۲۷ سطری، کاغذ زرد آهارزده اندکی لکه دار، جلد تیماج سبز.
آرایش: آغاز افتاده است و پاره ای اوراق متن و حاشیه شده، در هامش نیز ابیات صائب نوشته شده است.

منتخب حدیقه سنایی

خط نستعلیق ممتاز، ظاهراً سده یازدهم هجری، ۴۵ برگ، دوستونی دوازده سطری، کاغذ آهارزده کرم خورده، جلد تیماج تریاکی ضربی با ترنج و تعمیر شده.
آرایش: عنوانها قرمز، مجدول طلایی و لاجوردی، سرلوحه مذهب، برگهای ۱ و ۲ مجدول طلایی.

منتخب دیوان مولانا جلال الدین رومی

خط نسخ، کاتب: درویش عبدالکریم المولوی، ربیع الآخر ۱۰۷۸ق، ۱۱۸ برگ، دو ستونی پانزده سطری، کاغذ زرد آهارزده کرم خورده لکه دار، جلد تیماج آلبالویی.
آرایش: عنوانها قرمز.

منتخب دیوان صائب تبریزی

خط شکسته نستعلیق ریز، کاتب: صائب، جمادی الثانی ۱۰۸۶ق، کاغذ آهارزده براق،

جلد تیماج قهوه‌ای آراسته مطلا.

منتخب مثنوی از ابوبکر کاشی [چاچی]

ابوبکر چاچی در کتاب خود، عقاید صوفیانه موجود در مثنوی را در ۶۳ باب مورد بحث قرار داده است.

- خط نستعلیق ممتاز، ظاهراً سده یازدهم هجری، ۶۶ برگ، دوستونی ۲۱ سطری، کاغذ زرد آهارزده و کرم خورده، جلد پارچه‌ای قهوه‌ای.
آرایش: سرلوحه مذهب، عنوانها قرمز، مجدول طلایی.

منشآت جامی

خط نستعلیق، کاتب: شیخ محمد، ذی‌الحجه ۱۰۹۳ ق، ۷۲ برگ، پانزده سطری، کاغذ آهارزده آب‌رسیده، جلد تیماج مشکی فرسوده.
آرایش: مجدول قرمز از ب ۱، ب ۵۸، عنوانها و خط بریده بین سطور قرمز.

منظومه عقاید از محمدجلیل بن ابی‌تراب البدخشی

درباره مؤلف اطلاعی به دست نیامد.

خط نستعلیق ممتاز، ۱۰۱۶ ق، ۱۳۱ برگ، دوستونی سیزده سطری، کاغذ آهارزده، جلد تیماج سرخ سوخت با ترنج و سرترنج و لچکی.
آرایش: عنوانها قرمز، از برگ ب ۱، آ ۶، و ب ۷۲ تا ۷۳ مجدول قرمز و سبز، سرلوحه‌ای آراسته، گاه محشی.

مواهب علیه از حسین واعظ الکاظمی

خط نستعلیق ممتاز و نسخ، ظاهراً سده یازدهم هجری، ۵۳۱ برگ، ۲۳ سطری، کاغذ زرد آهارزده، جلد تیماج سرخ ملفف به ترمه سبز.
آرایش: آیات به قلم جلی و خط نسخ و مرکب سرخ نوشته شده، در گوشه‌ها و حواشی مثلثهای مذهب نفیس، آغاز سوره‌ها درون مستطیل‌های مذهب نفیس، دو لوحه مذهب مرصع بسیار نفیس و طلائندازی بین سطور و کاملاً مذهب بسیار نفیس. تفسیر

قرآن از آغاز تا سوره کهف است.

مواهب علیه از حسین بن علی الواعظ الکاشفی

خط نسخ عالی، ظاهراً سده یازدهم هجری، ۴۶۰ برگ، متن ۲۵ و هامش ۴۲ سطری، کاغذ زرد آهارزده، جلد تیماج قهوه‌ای ضربی منقش با ترنج و سرترنج و لچک و کمندی، درون سوخت نفیس، قابدار.

آرایش: عنوانها و اول آیات و خط بریده روی آیات به قرمز، سرلوحه مذهب مرصع مزدوج، سرلوحه مذهب دیگر (ب ۲۳۱)، سه مثلث مذهب در هامش صفحات.

مهر و محبت شفایی اصفهانی (ف ۱۰۳۷ ق)

خط نستعلیق خوش، ربیع الاخر ۱۰۳۵ ق، ۷۱ برگ، دوستونی هفده سطری، کاغذ زرد آهارزده، جلد تیماج تریاکی ساده.

نان و حلوائی شیخ بهایی عاملی

مثنوی در ۴۰۸ بیت با دیباچه‌ای منثور در سوانح سفر حجاز بر وزن مثنوی معنوی. خط نستعلیق ممتاز، ظاهراً سده یازدهم هجری، پانزده برگ، دوستونی دوازده سطری، کاغذ آهارزده کرم خورده و متن و حاشیه شده، جلد مقوایی، عطف میشن تعمیر شده.

آرایش: عنوانها قرمز، مجدول طلایی و الوان.

نزهة القلوب محمودبن احمد حمدالله المستوفی القزوينی

خط نستعلیق خوش، رجب ۱۰۱۱ ق، ۳۱۰ برگ، ۲۳ سطری، کاغذ زرد آهارزده، جلد تیماج یشمی جدید.

آرایش: عنوانها قرمز، پاره‌ای اوراق متن و حاشیه شده، سر ورق اول الحاقی، اشکال قرمز و مشکی.

نصاب مولوی از اسماعیل انقروی

اسماعیل انقروی شارح معروف مثنوی (ف ۱۰۴۱ ق)

خط نسخ، ظاهراً سده یازدهم هجری، ۴۹ برگ، ۲۳ سطری، کاغذ زرد آهارزده
لکه دار اندکی آب رسیده، جلد تیماج سرخ مطلای کمندی لولادار.
آرایش: عنوانها قرمز.

نصایح حکیمانه

به نامهای صد پند، نصایح لقمان و پند لقمان از لقمان حکیم است، در نصیحت به
فرزندش.

خط نستعلیق خوش، ظاهراً سده یازدهم هجری، یازده برگ، نوزده سطری، کاغذ
نازک آهارزده، جلد تیماج سرخ جدید.
آرایش: عنوانها قرمز.

نقش بدیع غزالی مشهدی

کتابخانه سلطنتی ۱۷۵×۲۸۰، جلد تیماج مشکی ترنج و نیم ترنج و لچکی سوخت بوته
میشن سرخ و زمینه زر جدول کرمک طلایی، اندرون میشن سرخ ساده، صفحه ها متن و
حاشیه کاغذ متن قطعه اصفهانی گلی زرفشان جدول زرین، حاشیه کاغذ ابری و بعضی
عکس سازی برخی، تحریر زر، عنوانها به لاجورد، دو سرلوح مذهب مرصع خوش، سه
مجلس تصویر مینیاتور خوش، ۸۶ صفحه، دوازده سطری، خط نستعلیق نیم دودانگ
عالی، رقم نورای لاهیجی، تاریخ تحریر ۱۰۲۰ ق، ش ۴۶۲.

نگارستان شمس الدین احمد بن سلیمان بن کمال پاشا زاده

خط نستعلیق متوسط، ظاهراً سده یازدهم هجری، ۲۱۵ برگ، هفده سطری، کاغذ
آهارزده براق، جلد مقوایی، عطف و حاشیه میشن لولادار.
آرایش: عنوانها قرمز، مجداول قرمز.

نل و دمن فیض الهندی شیخ ابوالفیض

خط نستعلیق ممتاز، ظاهراً سده های دهم و یازدهم هجری، ۱۲۳ برگ، دوستونی پانزده
سطری، کاغذ ضخیم آهارزده زرافشان آب رسیده، جلد تیماج مشکی تعمیر شده.

آرایش: مجدول طلائی، عنوانها قرمز، سرلوحه مذهب مرصع، پاره‌ای برگهای متن و حاشیه شده.

نل و دمن فیضی دکنی

کتابخانه سلطنتی ۲۳۰×۱۴۵، جلد گالینگور مشکی منگنه عطف تیماج مشکی، صفحات متن و حاشیه، کاغذ متن خانبالغ جدول زرین، حاشیه الوان و ابری، یک سرلوح مذهب لاجوردی خوش، ۲۷۶ صفحه، پانزده سطری، خط نستعلیق کتابت خوش، بدون رقم، تاریخ تحریر سال ۱۰۲۳ق، ش ۱۰۱۱۵.

هشت بهشت (کتابه هفتم) ادريس بتلیسی

خط نستعلیق، محرم ۱۱۲۴ق، ۱۹۳ برگ، نوزده سطری، کاغذ آهارزده، جلد تیماج آلبالویی ضربی مطلا با ترنج. آرایش‌ها: عنوانها قرمز، برگهای ۱ و ۲ و ب ۱۹۳ مجدول طلائی و لاجوردی، سرلوحه مذهب.

هفت اورنگ جامی

خط نستعلیق، ظاهراً سده یازدهم هجری، ۵۱۵ برگ، سه ستونی دوازده سطری، کاغذ آهارزده، جلد تیماج سبز فرسوده و تعمیر شده. آرایش: مجدول طلائی و الوان، عنوانها قرمز، ده سرلوحه مذهب (ب ۱، ب ۸۸، ب ۱۲۶، ب ۱۵۲، ب ۱۸۱، ب ۱۸۲، ب ۲۲۲، ب ۲۸۹، ب ۳۷۹ و ب ۴۶۴).

هفت بند حسن کاشانی

کتابخانه سلطنتی ۲۵۰×۱۶۰، جلد مقوای ابره کاغذ آبی زرفشان، صفحه‌ها قطعه‌سازی متن و حاشیه، کاغذ متن سمرقندی جدول زرین شکری زرفشان غبار، حواشی الوان حل‌کاری خوش، ترجیعات و عنوانها به سرنج و لاجورد و زر، یک سرلوح مذهب مرصع خوش که در کتیبه آن روی متن زر عنوان به سفیداب نوشته شده است، بیست صفحه، ده سطری، خط نستعلیق نیم‌دودانگ عالی، رقم عبدالجبار اصفهانی، بدون

تاریخ تحریر (سده یازدهم هجری)، ش ۲۹۴۳.

هفت بند (در نعت حضرت علی بن ابی طالب) حسن کاشانی

کتابخانه سلطنتی ۱۷۵×۲۵۰، جلد روغنی عالی بوم زرک ترنج و سرترنج و حاشیه بوم مشکی نقش گل و بلبل، اندرون متن سرخ ساده جدول مذهب کار علی اشرف به تاریخ ۱۱۳۵ق، به طریق مرقع و صفحه‌ها قطعه‌سازی، کاغذ متن خانبالغ بین سطور طلااندازی منقش، دو حاشیه باریک و پهن تشعیرسازی ممتاز به زر سبز و زرد، کار محمد هادی مذهب تاریخ ۱۱۵۲ق، ده رقع هشت سطری، خط نستعلیق کتابت ممتاز، بدون رقم و تاریخ تحریر و به احتمال نزدیک به یقین به خط میرعماد حسنی (سده یازدهم)، ش ۲۹۴۴.

نسخه ناقص و فاقد دو بند آخر است.

یک قطعه از مرقع، فایضی

از علی فایضی که به گفته‌ی واله داغستانی در ریاض الشعرا، خطوط را خوش می‌نوشت و به سال ۱۰۳۶ق درگذشت.

به قلم کتابت سه‌دانگ متوسط، با رقم و تاریخ «مشقه علی الفایضی، به دارالسلطنة اصفهان، فی سنة ۱۰۱۴»، در کتابخانه سلطنتی تهران.

یوسف و زلیخای ملا عبدالرحمن جامی

خط نستعلیق عالی، ظاهراً سده یازدهم هجری، ۱۷۰ برگ، دو ستونی دوازده سطری، کاغذ آهارزده و صالی زرافشان، جلد تیماج مشکی ضربی کاملاً مطلاً با نقش حیوانات و انسان، درون جلد سوخت منقش و لولادار نفیس.

آرایش: عنوانها با مرکب سفید و منقش درون مستطیلهای مطلاً، مجدول طلایی، بین دو ستونی و مصراعها منقش، سرلوحه مذهب مرصع مزدوج نفیس، پنج مینیاتور نفیس (ب ۱، آ ۲، ب ۵۰، ب ۱۰۴، ب ۱۴۸).

یوسف و زلیخای جامی

خط نستعلیق، ظاهراً سده یازدهم هجری، ۱۷۶ برگ، دو ستونی دوازده سطری، کاغذ

آهارزده زرافشان، جلد تیماج ضربی با تریج و سرتریج و لچک و لولا، فرسوده.

آرایش: سرلوحه مذهب، مجدول طلایی و الوان، عنوانها طلایی، برگها آراسته در آ

۳ و ب ۱۷۶ دو مینیاتور.

یوسف و زلیخا، محسن

محسن، کاتب گمنام سده یازدهم هجری یک نسخه یوسف و زلیخا دارد به قلم کتابت جلی متوسط، با تاریخ و رقم «تمام شد تصنیف رساله یوسف و زلیخا، در روز چهارشنبه بیست و سیم ماه ذی الحجه در سال هزار و پنجاه و شش، در شهر کشمیر جنت نظیر، کاتبه العبد محسن غفرله»، کتابخانه سلطنتی، تهران.

- یک قطعه از مرقع، به قلم چهاردانگ خوش، با رقم و تاریخ «رقمه محسن ۱۰۶۲»، در کتابخانه سلطنتی، تهران.

یوسف و زلیخا، ناشناس

کتابخانه سلطنتی ۲۴۲x۱۳۵، جلد ساغری مشکی، صفحات متن و حاشیه، کاغذ متن کشمیری نخودی زرفشان غبار، حاشیه ترمه جدول و کمند زرین، عنوانها به شنگرف، دو صفحه اول متن و حاشیه بین سطور طلااندازی حاشیه بوته اندازی مذهب منقش، یک سرلوح مذهب مرصع خوش، ۳۵۴ صفحه، چهارده سطر، خط نستعلیق نیمه دودانگ متوسط، رقم محسن، تاریخ تحریر ۱۰۵۶ق، ش ۴۷۷۷.

یوسف و زلیخا، ناشناس

کتابخانه سلطنتی ۲۱۷x۱۲۵، جلد ساغری مشکی ساده، کاغذ اصفهانی جدول و کمند زرین، عنوانها شنگرف، هفت مجلس تصویر آب رنگ متوسط جدید که در مواقع بیاض بعداً نقاشی کرده اند، دو صفحه اول متن و حاشیه، حاشیه و سرلوح آب رنگ مبتذل، صفحات بعضی فرسوده و بعضی وصالی شده و از آخر لااقل یک ورق ساقط است، خط نستعلیق کتابت جلی متوسط، بدون رقم و تاریخ تحریر (احتمالاً سده یازدهم هجری)، ش ۲۴۰.

یوسف و زلیخا؛ ناظم هروی

کتابخانه سلطنتی ۲۵۸×۱۴۳ جلد مقوای ابره پارچه قلمکار لعابدار صفحه‌ها متن و حاشیه جدول زرین و کمند، کاغذ حاشیه ابری و پوست ماری الوان کاغذ متن اصفهانی، عنوانها شنگرف، ۳۶۲ صفحه، پانزده سطری، خط نستعلیق کتابت متوسط، رقم میر مؤمن، بدون تاریخ تحریر (احتمالاً سده یازدهم هجری)، ش ۳۰۶۳.

منابع

- آتابای، بدری، (۱۳۵۳) فهرست مرقعات کتابخانه سلطنتی، تهران.
- آژند، یعقوب، (۱۳۸۴) «سلطان محمد، شیر بیشه تصویر»، فصلنامه هنر، ش ۶۳، بهار.
- (۱۳۸۴) «سیمای سلطان محمد تبریزی در منابع دوره صفوی»، فصلنامه هنر، ش ۶۳، بهار.
- آیت‌اللهی، حبیب‌الله، (۱۳۸۰) کتاب ایران؛ تاریخ هنر، تهران، مرکز مطالعات فرهنگی - بین‌المللی سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، چاپ اول.
- اثرآفرینان، (۱۳۸۰) زیر نظر عبدالحسین نوایی، تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، چاپ اول.
- اشرفی، م.م، (۱۳۸۲) بهزاد و شکل‌گیری مکتب مینیاتور بخارا در قرن ۱۶ میلادی، ترجمه نسترن زندی، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- (۱۳۶۷) همگامی نقاشی با ادبیات در ایران، ترجمه رویین پاکباز، تهران، نگاه، چ ۱، ۱۳۶۷ ش.
- البرز، پرویز، (۱۳۸۱) گامی در قلمرو شعر و موسیقی، تهران، نشر آن.
- انصاری، شریف‌النساء، (۱۳۷۳) «جنبه‌های سیاسی و اجتماعی و ادبی عادلشاهیة دکن»، قند پارسی، ش ۸، پاییز.

- برت، د، (۱۳۴۶) «هنر ایران در دوره اسلام»، میراث ایران، به قلم سیزده تن از خاورشناسان، زیر نظر ا.ج. آربری، ترجمه احمد بیرشک و دیگران، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۶ ش.
- برزگر کشتلی، حسین، (۱۳۸۰) «نامی بهکری»، دانشنامه ادب فارسی (۴)، ادب فارسی در شبه قاره، به سرپرستی حسن انوشه، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ اول.
- برزین، پروین، (۱۳۴۵) «نگاهی به تاریخچه تذهیب قرآن»، هنر و مردم، س ۵، ش ۴۹، آبان.
- بهنام، عیسی، (۱۳۴۸) «مکتب دوم هنر نقاشی ایران در تبریز»، هنر و مردم، س ۸، ش ۸۸، بهمن.
- (۱۳۴۳)، «نقاشان ایران در هندوستان»، هنر و مردم، س ۲، ش ۲۳، شهریور.
- بیانی، مهدی، (۱۳۴۶) احوال و آثار خوشنویسان، تهران، دانشگاه تهران.
- پرایس، کریستین، (۱۳۴۶) تاریخ هنر اسلامی، ترجمه مسعود رجب نیا، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ دوم.
- پرنده، غلامرضا، (۱۳۷۹) «هنر تذهیب در عهد تیموری»، مجموعه مقالات کنگره بین المللی کتاب و کتابخانه در تمدن اسلامی (۲۱-۲۳ شهریور ۱۳۷۴)، مشهد، بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی - کنگره کتاب و کتابخانه در تمدن اسلامی.
- پوروش، بیتا، (۱۳۸۴) «بررسی کتاب: در جستجوی بهشت، هنرهای ایران در دوره صفویان»، گلستان هنر، ش ۱، بهار.
- ترکمان منشی، اسکندریگ، (۱۳۵۰) تاریخ عالم آرای عباسی، به کوشش ایرج افشار، تهران و اصفهان: امیرکبیر، چاپ دوم.
- چغتایی، محمد، (۱۳۵۶) «سخنی پیرامون هنر بهزاد و آقارضا»، ترجمه محمد ریاض، هنر و مردم، س ۱۶، ش ۱۸۲، آذر.
- حبیبی، عبدالحی، (۱۳۵۵) هنر عهد تیموری و متفرعات آن، تهران، بنیاد فرهنگ ایران.
- حجتی، حمیده، (۱۳۸۰) «شاهرخ گورکانی»، دانشنامه ادب فارسی (۳)، ادب فارسی در افغانستان، به سرپرستی حسن انوشه، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ اول.

- حقیقت، عبدالرفیع، (۱۳۶۹) تاریخ هنرهای ملی و هنرمندان ایرانی، تهران، شرکت مؤلفان و مترجمان ایران، چاپ اول.
- خان سالار، زهرا، [بی تا] «پژوهشی در تصویرسازی عامیانه و کتاب آرایی دوره قاجار»، فصلنامه فرهنگ مردم، س ۴، ش ۱۴.
- دانش پژوه، محمدتقی، (۱۳۵۹) «مرقع سازی و جنگ نویسی»، فرخنده پیام، یادگارنامه استاد دکتر غلامحسین یوسفی، مشهد، دانشگاه مشهد.
- دایرةالمعارف زن ایرانی، (۱۳۸۲) به سرپرستی مصطفی اجتهادی، تهران، مرکز امور مشارکت زنان ریاست جمهوری - بنیاد دانشنامه بزرگ فارسی، چاپ اول.
- ذکاء، یحیی، [بی تا] «محمد زمان» سخن، دوره ۱۳، ش ۹ و ۱۰.
- ذیلابی، نگار، (۱۳۸۰) «تبریز، مکتب»، دانشنامه جهان اسلام، زیر نظر غلامعلی حداد عادل، تهران، بنیاد دایرةالمعارف اسلامی.
- راینسون، ب. و، (۱۳۷۶) هنرنگارگری در ایران، ترجمه یعقوب آژند تهران، مولی، چاپ اول.
- رجبی، محمدحسن، (۱۳۷۴) مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی، تهران، سروش.
- رزاقی، حسین، (۱۳۷۹) «هنر ایرانی»، مجموعه مقالات کنگره بین المللی کتاب و کتابخانه در تمدن اسلامی (۲۱-۲۳ شهریور ۱۳۷۴ ش)، مشهد، بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی - کنگره کتاب و کتابخانه در تمدن اسلامی.
- زراعی مهرورز، عباس، [بی تا] میراث جاویدان، س ۲، ش ۲.
- محمدحسن، زکی، (۱۳۵۷) تاریخ نقاشی در ایران، ترجمه ابوالقاسم سحاب، تهران، سحاب، چاپ سوم.
- ساریخانی، مجید، (۱۳۸۴) «تأثیر شاهنامه بر هنر نگارگری ایران»، سریرسخن، مجموعه مقالات دومین همایش پژوهشهای ادبی، به کوشش حسن ذوالفقاری، تهران، مرکز تحقیقات زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تربیت مدرس - دانش پژوهان آینده ساز، س ۱.
- سوچک، پریسیلا، (۱۳۷۷) «سلطان محمد تبریزی»، ترجمه یعقوب آژند، دوازده رخ (یادنگاری دوازده نقاش نادره کار ایران)، تهران، مولی، چاپ اول.
- دیماوند، س. م، (۱۳۶۵) راهنمای صنایع اسلامی، ترجمه عبدالله فریار، تهران: چ ۲،

ص ۵۳.

- (۱۳۸۴) «هنرمندان ایرانی در هند گورکانی»، ترجمه عباس آقاجانی، گلستان هنر، ش ۲، پاییز و زمستان.
- سرمدی، عباس، (۱۳۷۰) «تأثیر عوامل اقلیمی و اجتماعی بر روی هنر خوشنویسی در روند تاریخی»، فصلنامه چلیپا، ش ۲.
- (۱۳۷۹) «جامی، خط و خطاطان»، نامواره محمود افشار، به کوشش ایرج افشار و کریم اصفهانیان، تهران، بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار، ج ۱۲.
- شریف‌زاده، عبدالمجید، (۱۳۷۵) تاریخ نگارگری در ایران، تهران، حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ اول.
- شریف، میان محمد، (۱۳۶۲) تاریخ فلسفه در اسلام، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.
- شکفته، صغری بانو، (۱۳۸۳) «مدیریت هنری در دوره کمال‌الدین بهزاد و تأثیر امیرعلیشیر نوایی در شکل‌گیری مکتب هرات»، فصلنامه دانش پاکستان، ش ۷۶-۷۷، بهار و تابستان.
- شیروانی، ریاض احمد. [بی‌تا] غنی کشمیری، سرینگر، جمون‌الله کشمیر اکیدمی آف ارت کلچراینند لینگویجز.
- شیمیل، آن‌ماری. (۱۳۶۸) خوشنویسی و فرهنگ اسلامی، ترجمه اسدالله آزاد، مشهد: آستان قدس رضوی.
- صادقی کتابدار، صادق بیگ، (۱۳۲۷) مجمع‌الخواص، ترجمه عبدالرسول خیامپور.
- عابدی، امیرحسن. (۱۳۷۷) «زبان فارسی در حیدرآباد و قطب‌شاهیان»، گفتارهای پژوهشی در زمینه ادبیات فارسی، گردآوری سیدحسن عباس، تهران، بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار.
- (۱۳۷۷)، «شاهنامه، کتاب شاهان»، گفتارهای پژوهشی در زمینه ادبیات فارسی، گردآوری سیدحسن عباس، تهران، بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار، چاپ اول.
- عزیز احمد. (۱۳۶۷) تاریخ تفکر اسلامی در هند، ترجمه نقی لطفی و محمدجعفر یاحقی، تهران، کیهان و انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ اول.
- فتوحی، محمود، (۱۳۷۹) نقد خیال، تهران، نشر روزگار.
- فرهاد، معصومه، (۱۳۷۷) «آئینه زمان، معین مصور»، ترجمه یعقوب آژند، دوازده رخ،

- تهران: انتشارات مولی، چاپ اول.
- قندی، سیاوش، (۱۳۸۰) «نقش شاهنامه در هنرهای بومی»، کتاب ماه هنر، ش ۳۹ و ۴۰، آذر و دی.
- کاویانی، مصطفی (۱۳۸۴)، «شاه عباس آمیزه‌ای از اضداد»، پردگیان خیال، ارجنامه محمد قهرمان، به درخواست و اشراف محمدرضا شفیعی کدکنی و محمدجعفر یاحقی، مشهد، دانشگاه فردوسی - انجمن آثار و مفاخر فرهنگی خراسان رضوی.
- کریم‌زاده تبریزی، محمدعلی، (۱۳۶۳) احوال و آثار نقاشان قدیم ایران و برخی از مشاهیر نگارگری هند و عثمانی، لندن.
- کفافی، محمد عبدالسلام، (۱۳۸۲) ادبیات تطبیقی، پژوهشی در باب نظریه ادبیات و شعر روایی، ترجمه حسین سیدی، مشهد، آستان قدس رضوی - شرکت به نشر.
- کنبی، شیلا. (۱۳۷۷) «سن و سال در نگاره‌های آقا رضا»، ترجمه یعقوب آژند، دوازده رخ، تهران: انتشارات مولی، چاپ اول.
- مایل هروی، نجیب، (۱۳۷۲) کتاب‌آرایی در تمدن اسلامی، مشهد.
- (۱۳۵۳)، لغات و اصطلاحات فن کتابسازی، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- مصاحب، غلامحسین، (۱۳۸۰) دایرةالمعارف فارسی، تهران: جیبی.
- منشی قمی، قاضی میراحمد، گلستان هنر، به کوشش احمد سهیلی خوانساری، تهران: بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۲ ش.
- میرجعفری، حسین، (۱۳۵۳) «نامه‌ای از کمال‌الدین بهزاد به پادشاه صفوی»، هنر و مردم، س ۱۲، ش ۱۴۲، مرداد.
- نامور مطلق، بهمن. «دفتر حسن»، (۱۳۸۱)، فصلنامه خیال، ش ۴.
- نفیسی، نوشین دخت (۱۳۴۳) «مجلسهای نعاة شاهنامه قاسمی»، میراث جاویدان، س ۷، ش ۴.
- نقشی تبریزی، محمد، (۱۳۴۳) «میرعمادالحسنی قزوینی»، هنر و مردم، س ۲، ش ۱۸، فروردین.
- وحدتی دانشمند، مهرداد. (۱۳۸۳) «بررسی کتاب دیباچه‌نگاری بر تصویر»، فصلنامه خیال، ش ۱۱، پاییز.
- ولش، آنتونی، «دید جهانی میرسیدعلی»، ترجمه یعقوب آژند، دوازده رخ، تهران:

انتشارات مولی، چاپ اول.

- ولش، استوارت کری. (۱۳۸۴) نقاشی ایرانی نسخه نگاره‌های عهد صفوی، ترجمه احمد رضا تقا، تهران، فرهنگستان هنر، چاپ اول.

- هاشم‌پور سبحانی، توفیق و آق سو، حسام‌الدین. (۱۳۷۴) فهرست نسخه‌های خطی فارسی کتابخانه دانشگاه استانبول، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۷۴ ش.

- همایون‌فرخ، رکن‌الدین، [بی‌تا] «هنر کتابسازی در ایران»، راهنمای کتاب، س ۱۴، ش ۶-۴.

- یزدانجو، پریرسا، (۱۳۸۰) «تذهیب»، دانشنامه جهان اسلام، زیر نظر غلامعلی حداد عادل، تهران، بنیاد دایرةالمعارف اسلامی.

نمایه

- آذربایجان: ۲۲، ۲۵
 آسیای مرکزی: ۴۳
 آصف الدوله آصفجاه یحیی خان بهادر: ۹۵، ۹۶
 آصفی، محمد: ۵۴
 آقارضا ← رضا عباسی
 آقامعینا ← معین مصور
 آقامیرک اصفهانی: ۵۴، ۵۵
 آق قوینلو، یعقوب: ۵۴
 آگره: ۵۷، ۷۸
 آل اینجو: ۷۹
 آلبانیا: ۸۲
 آمریکا: ۱۸
 آنندرای دهلوی لاهوری: ۹۶
 آیین اکبری (کتاب): ۲۸، ۸۶، ۸۷، ۹۴
 ابراهیم بیگ منشی: ۱۱۷
 ابراهیم عادل شاه دوم: ۳۱
 ابراهیم میرزا (فرزند شاهرخ تیموری): ۲۰، ۴۷
 ابراهیم میرزا صفوی: ۲۳، ۲۴، ۵۷، ۵۹، ۶۲، ۶۳، ۷۰
 ابن سینا، حسین بن عبدالله: ۱۷۵
 ابن فخرالدین حسین: ۱۷۷
 ابن معین الدین محمد عنایت الله: ۲۰۹
 ابوالحسن نادرالزمان: ۷۱، ۷۲، ۹۸
 ابوالفتح اینجو: ۹۷
 ابوالفتح سلطان میرزا جاهی: ۹۳
 ابوالفتح میرزا: ۹۳، ۹۴
 ابوالفیض دکنی ← فیضی، ابوالفیض بن مبارک
 ابوالقاسم بابر تیموری: ۴۷
 ابوبکر کاشی: ۲۱۲

- اثر اخسیکتی: ۱۴۵
 احمد بن علی محمد: ۱۱۴
 احمد موسی: ۴۹
 احمد نقاش: ۸۳
 ادبیات فارسی: ۱۷، ۱۸، ۳۰، ۴۱-۴۳، ۴۸، ۱۰۷
 اردبیل: ۷۸
 اروپا: ۱۸، ۶۳، ۷۹، ۸۱، ۸۲، ۱۰۸
 اُرینتل کالج مگزین (مجله): ۹۵
 ازبکان: ۵۱
 استانبول: ۲۱، ۹۲
 استرآباد: ۴۷
 استنلی: ۳۹
 اسفزاری، معین الدین محمد: ۱۶۱
 اسفندیار: ۴۳، ۴۴
 اسکندریگ ترکمان ۛ اسکندریگ منشی
 اسکندریگ منشی: ۵۹، ۷۱، ۷۲، ۷۴، ۱۰۹
 اسکندرخان: ۶۱
 اسکندرنامه (کتاب): ۱۰۶
 اسلام: ۳۶، ۴۱، ۸۲
 اشرف خان سیدی حسینی: ۲۸
 اشرف مازندرانی: ۹۶
 اشرفی، م.م: ۷۱
 اصفهان: ۲۵، ۲۶، ۳۷، ۵۲، ۶۳، ۶۹، ۷۱، ۸۶، ۱۰۱، ۱۰۳
 اصفهانی: ۲۰۶
 اصفهانی، صاین الدین علی: ۲۱۰
 اصفهانی، عبدالجبار: ۲۱۵
 اصفهانی، عنایت الله: ۸۳
 اصفهانی، محمد حسین: ۷۸
 اصفهانی، محمد صالح: ۹۸
 اعراب: ۳۶
 اعظم خان کوکا (نگاره): ۸۶
 افسانه ها: ۴۲
 افضل الحسینی: ۷۴، ۷۷، ۷۸
 افندی، ولی الدین: ۲۰۶
 اقبال نامه ۛ اسکندرنامه (کتاب)
 اکبر شاه: ۲۸، ۵۷، ۷۱، ۸۴-۸۶، ۹۴، ۹۶
 ۹۷، ۹۸
 الغ بیگ: ۴۷
 امیدی طهرانی، ارجاسب بن علی: ۲۰۲
 امیر آق ملک ۛ امیرشاهی سبزواری
 امیر جوانی با لباس زرین در حال سواری (نگاره): ۸۴
 امیرحسین بیگ: ۶۰، ۹۲
 امیرخان موصولی: ۶۱
 امیر خسرو، خسرو بن محمود: ۲۰، ۲۱
 ۱۴۲، ۱۴۳، ۲۰۲، ۲۰۴
 امیر شاهی: ۱۴۵، ۱۴۶
 امیرشاهی سبزواری: ۲۰، ۴۷
 امیر علیشیر نوایی، علیشیر بن کیچکنه:
 ۲۱، ۲۲، ۴۸-۵۰، ۵۳، ۱۹۷

- امیر غیاث الدین بدخشانی: ۱۴۶
 امیر غیب‌بیگ: ۲۲، ۶۰، ۹۳
 امیر معزی، محمد بن عبدالملک: ۱۵۸
 امیریادگار بیگ سیفی: ۱۴۶
 امینه: ۷۹
 امینی، محمد: ۸۳
 انجل: ۸۰
 انجمن آسیایی بنگال: ۴۶
 انصاری، عبدالله بن محمد: ۲۲، ۱۳۰
 انصاری، علی بن حسین: ۱۰۶
 انقروی، اسماعیل: ۲۱۳
 انوار سهیلی (کتاب): ۷۱، ۷۲، ۷۵
 انوری، محمد بن محمد: ۱۸، ۱۴۶، ۱۴۷، ۱۹۷
 اورنگ زیب عالمگیر: ۳۰، ۹۵-۹۷، ۱۳۳
 اهلی شیرازی، محمد بن یوسف: ۱۸۰، ۱۸۳، ۱۸۲
 ایتالیا: ۸۱
 ایران، مینیاتور ایرانی (کتاب ۹۵):
 ایرانیان: ۱۷
 ایلخانیان: ۳۶، ۴۳، ۴۴، ۹۶
 بابا شاه اصفهانی: ۲۵
 باباغانی شیرازی: ۱۹۷
 بارگاه کیومرث (نگاره): ۵۴
 بازار قیصریه، اصفهان: ۱۰۱
 باز شکاری (نگاره): ۸۶
 باقر (خوشنویس): ۹۴
 بالچند: ۹۸
 بانکپور: ۴۶
 بایسنقر میرزا: ۲۰، ۲۲، ۳۷، ۴۷، ۴۸، ۵۰
 بایسنقری، جعفر: ۲۲، ۴۵، ۵۰
 بایقرا ← حسین بایقرا
 بخارا: ۵۱، ۹۳
 بداونی، عبدالقادر: ۲۸
 بدخشانی، امیر غیاث‌الدین: ۱۴۶
 بدخشی، محمد جلیل بن ابی تراب:
 ۲۱۰، ۲۱۲
 بدرخان: ۶۱
 بدیع الزمان تبریزی: ۱۲۹
 بدیع الزمان میرزا: ۲۱، ۵۱
 برز عالی: ۲۴
 برزو و اسفندیار (نگاره): ۷۶
 برهن، چندربهان: ۲۹
 بساون (نقاش): ۸۷
 بسطام: ۲۵
 بشنداس: ۸۴، ۹۶، ۹۸
 بغداد: ۲۲، ۴۴، ۴۶، ۵۲
 بغدادی، حسن: ۳۸، ۵۹
 بلبل روی یک شاخه شکوفه (نگاره):
 ۹۸
 بودا: ۱۰۷
 بوستان (کتاب): ۲۷، ۴۷، ۴۹، ۵۱
 بهائی، محمد بن حسین ← شیخ بهایی،
 محمد بن حسین

- بها در شاه ظفر: ۳۰
بهارستان (کتاب): ۵۱
بهرام گور در شکارگاه (نگاره): ۶۰
بهرام میرزا صفوی: ۲۲، ۲۳، ۵۴، ۵۷، ۶۰، ۹۲، ۹۳
بهزاد، کمال‌الدین: ۴۸، ۴۹، ۵۱-۵۳، ۵۵، ۵۶، ۵۸، ۶۰، ۸۴، ۹۲-۹۶، ۹۸
بهشتی همدانی: ۷۳
بهکر: ۲۸
بهمن دلاور در شکارگاه (نگاره): ۸۲
بی‌تابی فریدون در مقابل جسد فرزندش (نگاره): ۸۳
بیجاپور (هندوستان): ۳۰، ۳۱، ۸۵
پاریس: ۹۲
پاشازاده، شمس‌الدین احمد بن سلیمان: ۲۱۴
پائولو و محمد زمان
پتنا: ۴۶
پرتره‌سازی: ۸۵
پیرمرد عصا به دست (نگاره): ۷۶، ۸۳
تاریخ خطوط اسلامی (کتاب): ۲۹
تاریخ عالم‌آرای عباسی و عالم‌آرای عباسی (کتاب)
تاریخ نگارگری در ایران (کتاب): ۷۱
تاشکند: ۱۰۸
تبریز: ۲۱-۲۳، ۲۵، ۳۷، ۴۴، ۴۶، ۴۹، ۵۱-۵۵، ۵۷، ۵۸، ۶۰، ۷۷
تبریزی، پیرسید احمد: ۷۶، ۸۳
تبریزی، محمدحسین: ۲۵، ۹۳، ۹۴
تبلیسی، ادريس: ۲۱۵
تجلید: ۱۱، ۱۴، ۲۲، ۲۳، ۱۸، ۳۵، ۳۹
تحفة الاحرار (کتاب): ۲۲
تحفة سامی (کتاب): ۲۳
تذکره سرخوش: ۹۶
تذکره الشعراء (کتاب): ۲۰
تذهیب: ۱۸، ۲۲، ۲۳، ۳۵-۳۷، ۴۷-۴۹، ۵۳، ۶۱، ۶۲، ۷۶، ۷۷، ۷۹، ۸۰، ۸۳
۸۵
تربت جام: ۶۰
تربتی، مظفر علی: ۶۰
ترصیع: ۳۵، ۵۳، ۱۴۲، ۱۴۵، ۱۴۹، ۱۵۰، ۱۹۱
ترکان: ۱۷
ترکمانان: ۵۴
تشعیر: ۳۷، ۵۳، ۵۵، ۸۶
تصویر جوانی با تفنگ (نگاره): ۷۸
تک‌چهره رضا عباسی (نگاره): ۷۷
تک‌چهره یک جوان (نگاره): ۷۶
تلسی (نقاش): ۸۵
توزک جهانگیری (کتاب): ۷۲
تولد رستم (نگاره): ۸۱
تهران: ۱۵، ۴۸، ۷۹
تهمورث و دیوها (نگاره): ۷۵
تیمور گورکانی: ۱۹، ۴۶

- تیغ‌موریان: ۱۹-۲۱، ۲۳، ۲۷، ۳۰، ۳۶، ۳۹، ۴۵، ۴۶، ۴۹، ۵۰، ۷۲، ۸۳، ۸۴، ۹۴، ۹۶
- ثنایی، حسین: ۲۰۰
- جامع‌التواریخ (کتاب): ۸۷
- جامی، عبدالرحمن بن احمد: ۲۲، ۵۱، ۶۰، ۱۱۲، ۱۱۴، ۱۴۳، ۱۴۷، ۱۶۲، ۱۶۳، ۱۷۵، ۱۸۹، ۱۹۷، ۲۱۲، ۲۱۵، ۲۱۶
- جسمی همدانی: ۱۴۷
- جغتایی، محمد عبدالله: ۷۱، ۹۵
- جلال‌الدین یوسف نقاش: ۴۸
- جلالیریان: ۴۵
- جلدآرایی ← تجلید
- جلوس افراسیاب (نگاره): ۸۳
- جلوس شاه عباس دوم (نگاره): ۸۲
- جلوس نادرشاه افشار (نگاره): ۹۷
- جمال مشهدی: ۹۴
- جنگ: ۷۸
- جنگ مرو: ۵۱
- جوان و خروس (نگاره): ۷۷
- جوان و درویش (نگاره): ۷۴
- جوانی در صحرا (نگاره): ۷۶
- جواهر رقم ← علی‌اصغر کاشی
- جوینی، عطاملک: ۵۰
- جهانگیر شاه گورکانی: ۲۸، ۲۹، ۷۱، ۷۲، ۸۴، ۸۵، ۸۷، ۹۵، ۹۶، ۹۸
- جهانگیرنامه (کتاب): ۸۵
- جهانگیر نورالدین محمد سلیم: ۱۱۶
- چترمن: ۹۸
- چهره‌گشا، قاسم‌علی: ۴۸، ۵۲، ۵۳
- چین: ۳۶، ۴۴، ۵۸، ۷۶، ۸۴
- الحسنی، عماد: ۲۰۶-۲۰۹، ۲۱۶
- الحسینی، احمد: ۲۰۵
- الحسینی، حسین بن محمد: ۲۰۹
- الحسینی، حیدر: ۲۰۶
- الحسینی، عبدالله: ۱۳۰، ۱۳۱
- حاجی محمد: ۴۸
- حافظ، شمس‌الدین محمد: ۴۶، ۹۱
- ۱۴۷-۱۵۰، ۱۹۷
- حبیب‌الله مشهدی: ۷۴، ۷۸
- حجاز: ۲۵
- حرم علی بن موسی (ع)، مشهد: ۲۶، ۱۰۳
- حسن خان شاملو ← شاملو، حسن خان
- حسن علی مشهدی: ۱۲۹
- حسنی، عبدالله: ۹۴
- حسین بایقرا: ۱۹، ۲۱، ۲۲، ۴۸-۵۰، ۸۴، ۹۵، ۱۹۵
- حسینعلی مصور: ۵۹
- حسین فراهانی ← فراهانی، ابوالحسن
- حسینی، ابوالمعالی: ۱۱۹
- حسینی، امیرعلی: ۹۲
- حسینی تبریزی، لطف‌الله: ۳۰

- حسینی مذهب، ابوالقاسم: ۳۸
حکیم زلالی ← زلالی خوانساری،
محمد حسن
حلّ کرای: ۵۳
حمدالله مستوفی، حمدالله بن ابی بکر:
۲۱۳
حمزه میرزا: ۵۸، ۶۰
حمزه‌نامه (کتاب): ۲۸، ۵۷، ۹۴
حمزه آذرک سیستانی: ۹۴
حملة اژدها به یک انسان (نگاره): ۷۷
حملة ببر به یک جوان (نگاره): ۷۷
حیدرآباد: ۳۰
حیدر صفوی: ۵۹
حیدرعلی: ۶۰
خاقانی، بدیل بن علی: ۱۸، ۱۱۲، ۱۱۳،
۱۵۰، ۱۵۱، ۱۸۳، ۱۸۴، ۲۰۲
خانی، محمدحسن: ۸۳
خدابنده، محمد ← محمد خدابنده
خدابنده لوی افشار (ایل): ۶۰
خراسان: ۱۹، ۲۴، ۲۵، ۲۷، ۴۸
خردنامه اسکندری (کتاب): ۱۰۶
خزینه اوقاف استانبول: ← کتابخانه
خزینه اوقاف استانبول
خسرو و شیرین (داستان): ۱۷۶، ۱۷۷
خط تعلیق: ۲۰، ۲۳، ۲۴
خط ثلث: ۲۳، ۲۴
خط جلی: ۳۰
خط رقاع: ۲۳
خط ریحان: ۲۳
خط شکسته: ۲۳، ۲۶
خط کوفی: ۳۶
خط نستعلیق: در اکثر صفحات
خط نسخ: ۲۰، ۲۳، ۲۴، ۲۷، ۳۱، ۳۶
خلیل الله خان (نگاره): ۸۶
خلیل بن اسماعیل: ۱۰۸
خلیل مصور: ۴۵، ۴۷، ۴۸، ۵۰
خمسه امیرخسرو دهلوی (کتاب): ۷۱
خمسه خواجوی کرمانی (کتاب): ۴۵
خمسه نظامی (کتاب): ۲۱، ۲۹، ۳۸، ۴۷،
۴۹، ۵۰، ۵۴-۵۶، ۷۴، ۸۱، ۸۴، ۸۵
خواجوی کرمانی، محمود بن علی: ۴۵
خواجه عبدالله مروارید: ۹۲
الخوارزمی، کمال الدین حسین بن حسن:
۱۱۵، ۱۱۶
خواندمیر: ۹۲
خوشنویسان: ۴۲، ۵۲، ۶۹، ۹۱
خوشنویسی: ۱۷، ۱۸، ۲۰-۲۳، ۵۳، ۶۱،
۹۱، ۹۲
خیال: ۱۹
دبشلیم: ۷۲
داراشکوه (شاهزاده هندی): ۲۰، ۲۹،
۳۰، ۹۵، ۱۸۰، ۱۸۱
دارالکتب قاهره: ۹۴
دامغان: ۲۵

- دیوان حافظ: ۱۸، ۲۶، ۲۷، ۷۱، ۷۲
 دیوان حافظ سام میرزا: ۵۶
 دیوان خطایی شاه اسماعیل: ۵۴
 دیوان شاهی: ۷۹
 دیوان شریف کاشی: ۳۰
 دیوان طوسی: ۳۰
 دیوان فاریابی: ۷۹
 دیوان مغربی: ۲۶
 دیوان هاتفی: ۷۹
 دیوانه مشهدی ← قاسم دیوانه
 رابینسون، ب. و: ۶۱، ۶۲، ۷۴، ۸۲
 راشد دهلوی، ملا محمد: ۹۶
 رامی، شرف‌الدین: ۱۰۷
 رزم اسکندر کبیر با داریوش (نگاره): ۵۳
 رزنامه جیپور (نگاره): ۸۶
 رستم‌داری، محمد رضا: ۲۰۴
 رستم در خواب (نگاره): ۸۴
 رستم دستان: ۴۳، ۶۲
 رستم زال در نخجیرگاه (نگاره): ۶۰
 رستم و فیل دمان (نگاره): ۷۴، ۷۵
 رشید و طواط، محمد بن محمد: ۱۸۲
 رضا عباسی: ۴۲، ۵۸، ۶۲، ۶۳، ۷۰، ۷۱
 ۷۲، ۷۳، ۷۴، ۷۵، ۷۷، ۷۸، ۸۳، ۸۵
 ۸۷، ۹۴، ۹۶، ۹۷، ۱۱۳، ۱۱۶
 رضایی (نقاش): ۹۵
 رفتن جندل به خواستگاری دختران شاه
 یمن (نگاره): ۶۱
- دختر زیبای هندی کمانچه به دست
 (نگاره): ۸۷
 درویش احمد: ۱۰۹
 درویشان و محفل اخوت (نگاره): ۸۲
 درویش بهشتی همدانی (نگاره): ۹۷
 درویش عبدالمطلب: ۹۶
 درویش محمد: ۵۲، ۵۴
 دریافت رودابه هدایایی از زال (نگاره):
 ۶۱
 دسوته: ۸۵-۸۷
 دعا: ۱۲۱-۱۲۳، ۱۲۷، ۱۲۸
 دکن: ۳۰
 دلرس بانویگم: ۹۶
 دوست محمد: ۵۴
 دوست محمد گواشانی هروی: ۲۳، ۹۲
 ۹۳
 دولت (نقاش): ۸۳
 دولتشاه سمرقندی: ۲۰، ۱۱۳
 دهلی: ۵۷
 دیدار مجنون از لیلی (نگاره): ۶۰
 دیلمی، عبدالرشید ← عبدالرشید
 دیلمی
 دیموند: ۷۴
 دیوان امیر علیشیر نوایی: ۵۴، ۵۶
 دیوان اوحدی: ۲۶
 دیوان بیخودی: ۳۰
 دیوان جامی: ۵۱

- رقعات ابوالفضل (کتاب): ۹۴
رم: ۸۰
رومی، احمد: ۱۱۸
روزبه شیرازی: ۱۰۶
ریاض الشعرا (کتاب): ۲۱۶
رئالسم: ۷۰
زال و سیمرغ (نگاره): ۷۵
زبان فارسی: ۱۷
زرکوب، پیراحمد: ۴۷، ۴۸
زمجی اسفزاری ← اسفزاری، معین
الدین محمد
زلالی خوانساری، محمدحسن: ۱۸۹،
۱۹۴، ۱۹۵
زنان: ۲۷، ۷۷، ۷۹، ۱۰۸
زنی در حال دوشیدن گاو (نگاره): ۹۷
زیب النساء بیگم: ۹۵، ۹۶
زیبایی: ۸، ۹، ۲۵، ۳۰، ۳۶، ۳۸، ۴۱، ۴۳،
۴۶، ۴۸، ۵۴، ۶۹، ۷۱، ۷۵، ۷۷، ۱۰۲
زیبایی شناسی: ۹، ۱۳، ۱۷، ۴۲
زین العابدین محمود: ۹۷
زین العابدین مذهب اصفهانی: ۳۸، ۶۲
زین العابدینی: ۵۹
ساسانیان: ۱۰۲
ساسک، پرسیلا: ۷۲
سام میرزا: ۲۳، ۵۶، ۱۱۴
سبزوار: ۴۷
سجوکین: ۷۵
سحابی استرآبادی: ۱۶۰، ۱۶۱
سعدی، مصلح بن عبدالله: ۱۸۵، ۱۹۰
سفر پادشاه هند (نگاره): ۸۷
سلجوقیان: ۳۶، ۷۳
سلسله الذهب (کتاب): ۲۲
سلطان بایزید در کنار شیر اهلی (نگاره):
۸۳
سلطان بغداد و دختران چینی (نگاره):
۸۵
سلطان پرویز: ۹۵
سلطان سنجر و پیرزند متظلم (نگاره):
۸۱
سلطان علی مشهدی: ۲۱، ۶۰، ۹۲، ۹۳،
۹۵
سلطان علی نیشابوری: ۲۰
سلطان محمد خندان: ۲۲، ۹۲، ۹۵
سلطان محمدقلی قطب شاه: ۳۰
سلطان محمد نور: ۲۲، ۹۲
سلطان محمد ← محمد مصور
سلطانی، عبدالله: ۳۸، ۹۷
سلطانی، میرعلی: ۹۸
سلمان ساوجی، سلمان بن محمد: ۱۸۵
سلمان و ملکه سبا (نگاره): ۷۸
سلیم طهرانی، محمدقلی: ۱۵۱
سمرقند: ۳۷، ۴۶، ۴۷، ۵۱
سمرقندی، میرمحمد: ۹۷
سنایی، مجدودبن آدم: ۱۸، ۱۱۷، ۱۱۸

شاهجهان گورکانی: ۲۹، ۸۰، ۸۵، ۹۵،

۱۲۹، ۱۳۰

شاه حسین صفوی: ۱۰۳، ۱۲۸

شاه درویش بهشتی همدانی ← بهشتی

همدانی

شاهرخ بهادر: ۱۹

شاهرخ تیموری: ۳۷، ۴۷، ۴۸، ۵۰

شاهزاده‌ای جوان با کلاه عمامه‌ای سبز

(نگاره): ۸۶

شاهزاده‌ی جوان با کلاه عمامه‌ای پردار

(نگاره): ۸۶

شاهزاده‌ی هندی با جام شراب (نگاره):

۸۲

شاه سلیمان صفوی: ۸۲

شاه صفی اول صفوی: ۷۸

شاه عباس اول صفوی: ۲۲، ۲۴-۲۶، ۴۵،

۶۰، ۶۱، ۶۹، ۷۰-۷۴، ۷۷-۸۰، ۸۴

۹۴، ۹۶، ۹۸، ۱۰۱، ۱۰۳، ۱۲۹

شاه‌عباس در زیر سایه‌ی یک درخت

(نگاره): ۷۷

شاه عباس دوم صفوی: ۳۸، ۷۳، ۷۸، ۸۰،

۸۲

شاه‌عباس و هنر اصفهان (کتاب): ۸۲

شاه قاسم کاتب: ۲۷، ۷۴، ۲۰۳

شاه محمود نیشابوری: ۵۵، ۸۱، ۹۲، ۹۴،

۹۵

شاهنامه: ۲۳، ۴۳-۴۸، ۵۴، ۵۵، ۵۹-۶۳،

۱۹۷، ۲۱۱

سنبل کوهی (نگاره): ۸۱

سن‌پترزبورگ: ۴۴، ۷۷، ۷۸، ۸۱، ۸۲،

۱۱۶، ۱۶۴، ۱۶۵، ۱۶۷، ۱۶۸، ۱۶۹،

۱۷۱، ۱۷۷، ۲۰۴

سند (پاکستان): ۲۷، ۲۸

سورج (دایی جهانگیرشاه): ۸۵

سیاوش: ۶۲

سیاوش بیگ گرجستانی: ۵۹، ۶۰، ۸۵

سیبک نیشابوری، یحیی: ۲۰، ۱۷۴، ۲۰۱

سید احمد مشهدی: ۳۱، ۹۳

سیدعلی تبریزی جواهرقلم: ۳۰

سیستانی، شمس الدین: ۲۰۳

سیف ظفر بخاری: ۱۴۵

سیفی، میرمحمدامین: ۱۴۰، ۱۴۱

شادیشاه مولانا قاسم: ۲۳

شاعران: ۴۲

شاملو، حسن‌خان: ۷۹

شانی تگلو، وجیه‌الدین: ۱۵۲

شاه اسماعیل اول صفوی: ۲۲، ۲۳، ۳۸،

۴۹، ۵۱-۵۳، ۵۵، ۵۶، ۶۰

شاه اسماعیل دوم صفوی: ۲۴، ۵۹،

۶۰-۶۲، ۷۰، ۹۲، ۹۳، ۹۷، ۱۰۳

شاه تهماسب اول صفوی: ۲۳، ۲۴، ۲۷،

۳۸، ۵۲-۵۹، ۷۰، ۸۱، ۸۴-۸۶، ۹۲،

۹۳، ۱۰۱، ۱۰۳

شاه تهماسب در جوانی (نگاره): ۸۵

- ۷۴-۷۹، ۸۱، ۸۳، ۱۰۸، ۱۶۴، ۱۷۲، ۱۷۳
- شاهنامه بایسنقری: ۴۳، ۴۵، ۵۰، ۷۹
- شاهنامه تهماسبی: ۴۳، ۵۴، ۵۵، ۵۶، ۶۰
- شاهنامه دموت: ۴۴
- شاهنامه قاسمی: ۵۶
- شاهنامه کوچران: ۷۷
- شاهنامه محمد جوکی: ۵۰
- شاهنامه هوتن ← شاهنامه تهماسبی
- شاهنوازخان صفوی: ۹۶
- شاهی، آقا ملک: ۱۵۲، ۱۵۳
- شاهی بیگ اوزبک: ۲۱
- شاهی فاروقی، ابراهیم: ۱۷۵
- شبستری، محمود بن عبدالکریم: ۱۹۱
- شبلی نعمانی، محمد: ۲۲
- شبه قاره ← هندوستان
- شرف الدین، محمدباقر: ۱۹۰
- الشروانی، ابراهیم بن حاجی عبدالجلیل: ۱۱۰
- شریفا شیرازی ← کاشف شیرازی، محمد شریف بن شمس الدین
- شریف زاده، عبدالمجید: ۷۱
- شعر: ۱۷-۱۹، ۲۲، ۲۳، ۳۰، ۴۲، ۴۳، ۴۶، ۶۰، ۹۵، ۹۷، ۱۰۳
- شفایی اصفهانی، حسن بن محمد حسین: ۱۵۳، ۲۱۳
- شفیع عباسی: ۷۳، ۷۴، ۷۶، ۷۸، ۹۶
- شکارچی سواره (نگاره): ۷۴
- شکوفه بادام (نگاره): ۸۱
- شمخال: ۲۴
- شمس الدین، محمد کاشی: ۹۷
- شوکت بخاری، محمد اسحاق: ۱۵۳
- ۱۵۴
- شیبانی، محمدخان ← شیبیک خان ازبک
- شیبیک خان ازبک: ۴۹، ۵۰، ۵۱
- شیخ ابوالفیض ← فیضی، ابوالفیض بن مبارک
- شیخ بهایی، محمد بن حسین: ۱۰۵، ۱۱۵، ۲۰۱، ۲۱۳
- شیخ زاده: ۵۲، ۵۳
- شیخ شیر احمد (نگاره): ۸۶
- شیخ عباسی: ۸۰-۸۳
- شیخ علی نقی: ۱۹۷
- شیخ محمد: ۷۴
- شیخی یعقوبی: ۵۴
- شیراز: ۲۰، ۴۳، ۴۴، ۵۲
- شیرازی، عبدالصمد: ۸۴، ۸۶، ۸۷، ۹۴، ۹۵
- شیرازی، عبدالله: ۳۸
- شیرازی، محمدباقر: ۱۷۴
- شیرین ← خسرو و شیرین (داستان)
- شعی سبزواری، حسن بن حسین: ۱۶۱
- صائب، محمد علی: ۱۵۴، ۱۵۵، ۱۸۶، ۱۹۵، ۱۹۷، ۲۱۱

- صادقی بیگ افشار: ۵۹، ۶۰، ۶۱، ۷۰، ۹۳، ۷۵
- صالح الاسکداری: ۱۱۱
- صحافان: ۴۲، ۹۱
- صحافی: ۲۳، ۳۹
- صفویان: ۲۳، ۲۷، ۳۱، ۳۷-۳۹، ۴۶، ۵۳، ۶۹، ۷۰، ۷۱، ۷۶، ۷۹، ۸۰، ۸۴، ۹۲، ۹۷، ۹۸، ۱۰۳، ۱۳۳
- صنعاو دختر ترسا (نگاره): ۵۳
- صنعتگران و خوشنویسان هرات (کتاب): ۲۲
- صوفی مازندرانی، محمد: ۱۹۷
- طالب آملی: ۱۵۵، ۲۰۰
- طبرستان: ۲۵
- طبقات اکبری (کتاب): ۹۴
- طبیعت: ۵۸
- طغماج خان: ۹۶
- طوطی روی شاخه گل سیب (نگاره): ۷۸
- ظفر (نقاش): ۹۸
- ظفرخان: ۹۶
- ظهور سیمرخ بر رودابه (نگاره): ۸۱
- ظهوری ترشیزی، نورالدین محمد: ۱۶۲، ۱۸۶، ۱۸۸، ۱۹۷، ۲۰۰
- ظہیرالدین: ۲۰
- ظہیر فاریابی، طاهر بن محمد: ۱۵۶
- عادل شاهیان: ۳۰
- عاشق (نگاره): ۷۷
- عالم آرای عباسی (کتاب): ۵۹، ۶۷، ۷۲، ۷۷، ۸۷، ۱۰۹
- عالم خان: ۹۶
- عالی افندی، مصطفی: ۴۹، ۵۹
- عاملی، بهاء الدین محمد ← شیخ بهایی، محمد بن حسین
- عبدالحق بن سیف الدین دهلوی: ۱۰۷
- عبدالحی: ۵۹
- عبدالرحیم خان خانان: ۲۸، ۲۹
- عبدالرحیم عنبرین قلم هراتی: ۲۹
- عبدالرشید حسنی: ۹۶، ۹۸
- عبدالرشید دیلمی: ۲۹، ۱۱۳، ۱۲۹، ۱۳۰، ۲۰۲
- عبدالصمد زرین قلم: ۵۷
- عبدالصمد شیرازی ← شیرازی، عبدالصمد
- عبدالصمد نقاش: ۵۷، ۸۴
- عبدالعزیز: ۲۸، ۵۱، ۵۲
- عبدالله (خوشنویس): ۹۷
- عبدالله مشکین قلم: ۲۹، ۵۱
- عثمان، قاسم بن فیره: ۱۰۸
- عثمانی: ۲۱، ۲۵، ۲۰۶
- عثمانی، سلطان سلیم: ۱۵۱
- عراق: ۱۹
- عرفان: ۱۱، ۱۷، ۱۸
- عرفی شیرازی، جمال الدین محمد:

- غیاث‌الدین مذهب: ۳۸، ۴۷، ۵۰
 فاروقی نقشبندی، احمد: ۲۱۰
 فاریابی، محمود بن احمد: ۱۱۹
 فاضل (نقاش): ۸۷
 فاطمه زهرا (س): ۲۱۱
 فیضی، علی: ۲۱۶
 فتاحی نیشابوری ← یحیی سبیک
 نیشابوری
 فخر اصفهانی، محمد: ۱۹۶
 فخرالدین ابراهیم: ۱۷۷
 فراهانی، ابوالحسن: ۱۷۴
 فرخ‌بیگ: ۶۰، ۸۵، ۹۸
 فردوسی، ابوالقاسم: ۴۳، ۴۴
 فرهادخان قرامانلو: ۲۵
 فرهاد کوهکن و شیرین (نگاره): ۵۳
 فرهنگستان علوم جمهوری ازبکستان:
 ۱۰۸
 فریدون با فرزندان و زنان (نگاره): ۷۵
 فلسفه: ۱۰۷
 فلک کردن شاگرد تنبل (نگاره): ۷۷
 فوقی یزدی، احمد: ۱۷۷
 فیضی، ابوالفیض بن مبارک: ۱۵۷، ۲۱۴
 فیضی سرهندی، الله داد: ۱۵۶، ۱۵۷
 ۲۰۹، ۲۱۵
 قاسم دیوانه ← قاسم مشهدی
 قاسم علی چهره‌گشا ← چهره‌گشا،
 قاسم علی
 ۱۵۶، ۱۵۷، ۱۸۰، ۱۸۶-۱۸۸، ۱۹۵
 ۱۹۶، ۱۹۷
 عروسی سیاوش (نگاره): ۸۳
 عزیز محمد: ۲۰۴
 عشاق (نگاره): ۷۶
 عصمت‌الله: ۳۱
 عطار، محمد بن ابراهیم: ۴۹، ۲۰۲، ۲۱۰
 علامی، ابوالفضل: ۲۸، ۸۶، ۸۷
 علاءالدوله: ۲۲
 علاءالدین محمد هروی: ۹۲، ۹۳
 علی اصغر کاشی: ۶۲، ۷۰، ۷۱، ۷۲
 علی بن ابی طالب (ع)، امام اول: ۲۰، ۲۴
 ۳۵، ۱۷۴، ۱۷۶
 علی تبریزی جواهر رقم: ۱۳۱
 علیرضا عباسی: ۲۴-۲۶، ۹۴، ۹۷، ۱۰۲
 ۱۲۹
 علیقلی بیگ جبه‌دار: ۸۱، ۹۶، ۹۷
 علی (مولانا): ۴۵
 علینقی: ۸۲، ۸۳
 عماد حسنی اصفهانی: ۹۶
 عماد حسینی: ۹۴
 عمارت عالی قاپو ← کاخ عالی قاپو،
 اصفهان
 عیسی مسیح (ع): ۸۱
 غزالی مشهدی: ۲۱۴
 غزنین: ۴۳، ۴۸
 غنایی، عبدالوهاب: ۱۷۵

- قاسم مشهدی: ۲۰۲
قاضی احمد: ۲۴
قاضی حسین: ۱۷۷
قاضی زاده رومی، محمود بن محمد: ۱۴۵
قاضی عیسی صدر: ۲۲
قاضی میراحمد منشی قمی: ۷۴، ۷۱، ۷۰
قائینی، سلطان علی: ۲۲
قدسی مشهدی، حاج محمدجان: ۲۰۰
قرآن: ۲۰، ۲۲، ۲۳، ۲۶، ۲۷، ۳۰، ۳۵-۳۷، ۴۹، ۱۰۸، ۱۱۹-۱۲۱، ۱۲۴، ۱۲۸
۱۷۸-۱۸۰، ۱۹۲
قربانی ابراهیم (نگاره): ۸۱
قزوین: ۲۴، ۲۵، ۳۷، ۵۸، ۶۰، ۶۹
قطاعی: ۲۳
قطب الدین بن حسن: ۱۱۸
قطب الدین محمد قصه خوان: ۹۲
قلمدان تابوتی (نگاره): ۸۱
قلمدان سازی: ۸۰
قم: ۲۷
قمرالدین خان: ۹۶
قمی، محمد ابراهیم: ۱۷۵، ۱۷۶
قمی، محمدیوسف: ۸۰
قمی مذهب، محمد ابراهیم: ۲۷، ۳۸
قمی، ملک ← ملک قمی، ملک محمد
قندهار: ۷۲
قوام الدین: ۴۵، ۶۳
قوام الدین حسین مذهب: ۳۸
قوام الدین مسعود: ۳۸
کابل: ۵۷
کاتبی شیرازی، محمد: ۲۰
کاخ چهلستون، اصفهان: ۱۰۲
کاخ عالی قاپو، اصفهان: ۷۷، ۱۰۲، ۱۰۳
کاخ موزه گلستان، تهران: ۲۰، ۵۰، ۷۳
۷۵، ۹۱، ۹۳
کاخ وینزور: ۷۸
کاخ هشت بهشت، اصفهان: ۱۰۲
کاشانی، حسن: ۲۱۵، ۲۱۶
کاشف شیرازی، محمد شریف بن
شمس الدین: ۱۶۳
کاشفی، حسین بن علی: ۱۰۶، ۱۰۸
۱۹۲، ۲۱۲، ۲۱۳
کاشیکاری: ۱۰۱
کبک چاق روی شاخه گل سیب (نگاره):
۷۸
کتاب آرایشی: ۳۶، ۳۷، ۳۹، ۴۲، ۵۴، ۵۵
۵۶
کتابخانه آستان قدس رضوی: ۱۰۷
کتابخانه برلین: ۷۸
کتابخانه پیرپونت مورگان، نیویورک: ۸۱
کتابخانه تویقاپو سرای استانبول: ۲۲، ۴۸
۵۴، ۹۳، ۹۶، ۹۷
کتابخانه حسن خان شاملو: ۲۷
کتابخانه خزینه اوقاف استانبول: ۶۰، ۹۲
۱۲۹، ۱۴۰
کتابخانه دانشگاه حیدرآباد: ۲۷

- کتابخانه دانشگاه لس آنجلس: ۹۲
کتابخانه دانشگاه ییلدیز استانبول: ۹۲
کتابخانه دیوان ناصری هند: ۴۶
کتابخانه دیوان هند: ۹۵
کتابخانه سالتیکف شدرین، سن پترزبورگ: ۱۱۶، ۲۰۴
کتابخانه سلطان علی چگنی: ۲۷
کتابخانه سلطنتی: ۲۷، ۲۸، ۵۲، ۵۴-۵۶، ۶۱، ۷۰، ۷۸، ۱۰۸، ۱۰۹، ۱۱۲، ۱۱۴، ۱۵۵-۱۱۶، ۱۲۱، ۱۷۹
کتابخانه سلطنتی قطبشاهیان: ۳۰
کتابخانه عمومی سن پترزبورگ: ۲۳، ۷۷
کتابخانه عمومی شرقی خدابخش هند: ۴۶
کتابخانه کاخ گلستان تهران ← کاخ موزه گلستان، تهران
کتابخانه ملی ایران: ۲۰، ۷۱، ۹۲
کتابخانه ملی پاریس: ۳۹، ۷۳
کتابخانه ملی قاهره: ۴۹، ۵۱
کتاب سازی: ۳۶
کتابهای خطی ← نسخه های خطی
کحوری، قنبرعلی: ۱۱۱
کریم زاده تبریزی، محمدعلی: ۷۱، ۷۲، ۸۰، ۸۱، ۸۵
کشتن دیو سیاه را (نگاره): ۵۵
کشمیر: ۲۱۷
کشفی، میر محمد صالح: ۱۴۱
کشمیری، محمدحسین: ۲۸، ۹۴
کشور (نقاش): ۸۵
کشورهای اسلامی: ۱۷، ۳۶
کلکته: ۴۶
کلیات جامی (کتاب): ۲۲
کلیات سعدی (کتاب): ۲۰
کلیله و دمنه (کتاب): ۴۸، ۴۹، ۵۰
کلیم کاشانی، ابوطالب: ۹۵، ۱۴۵، ۱۵۷، ۱۸۸
کلیم همدانی: ۲۰۲
کمال الدین اسماعیل، اسماعیل بن محمد: ۱۵۷، ۱۵۸
کنبی، شیلا: ۷۱
کوردن: ۹۸
کونل: ۲۹
کیخسرو: ۶۲
گازرگاهی، کمال الدین حسین: ۱۶۳
گاستیگووا، گ.ا: ۱۱۶
گالری فریر ← موزه فریر، واشنگتن
گالری کل نقی، لندن: ۴۵، ۶۲
گجرات: ۲۸
گدار، آندره: ۹۵
گرجستان: ۵۹
گری، بازیل: ۹۵
گشوان (هرات): ۲۳
گلزار رقم: ۱۸۱
گلستان (کتاب): ۸، ۲۷، ۴۷، ۴۸، ۵۱، ۵۳
۹۱، ۱۹۰
گلستان هنر (کتاب): ۲۴، ۷۰

- گلشن رای: ۱۸۱
 گلکنده: ۳۰
 گنبد علویان: ۴۳
 گورکانیان: ۹۲
 گوهر سلطان خانم صفوی: ۲۴، ۹۳
 گوهر شاد: ۲۷
 اللاری، محمد مصلح: ۲۰۵
 لاهور: ۲۸، ۷۲
 لاهیجان: ۲۶
 لاهیجی، شمس‌الدین محمد: ۲۶، ۲۰۹
 لچتر: ۹۸
 لطائف‌نامه (کتاب): ۵۲
 لطف‌الله مذهب: ۳۸
 لعل (نقاش): ۸۷
 لقمان: ۲۰۸، ۲۱۴
 لندن: ۹۲
 لوکار: ۸۰
 لیلی و مجنون (داستان): ۲۰۴، ۲۰۵
 مآثر الامرا (کتاب): ۹۶
 مادو (نقاش): ۸۵
 مالک دیلمی: ۲۴، ۹۲-۹۴
 مالک فیلوآگوش قزوینی دیلمی: ۹۲
 مانی: ۹۴
 ماوراءالنهر: ۱۹، ۵۲
 مبارزه بین دو سوار (نگاره): ۹۷
 مثنوی جمال و جلال (کتاب): ۵۴
 مثنوی گوی و چوگان عارفی (کتاب):
 ۲۳، ۵۴
 مثنوی معنوی (کتاب): ۸۰
 مجدد الف ثانی ← فاروقی نقشبندی،
 احمد
 مجددی، احمد ← فاروقی نقشبندی،
 احمد
 مجددی: ۱۶۲
 مجذوب، محمد: ۱۵۸
 مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی: ۱۱۵
 مجموعه اسپنسر کتابخانه عمومی
 نیویورک: ۷۹
 مجموعه سابق روچیلد: ۷۴
 مجموعه لویی کارتیه، پاریس: ۵۰
 محتشم اصفهانی: ۱۳۲
 محتشم، علی بن احمد: ۱۸۸، ۱۸۹
 ۱۹۷، ۲۰۲
 محسن (کاتب): ۲۱۷
 محمد ابراهیم: ۸۳
 محمد ابراهیم قمی: ۲۷
 محمد افضل: ۱۸۱
 محمدباقر نقاش: ۷۳، ۸۳
 محمد بن احمد: ۲۰۹
 محمد بن علی بن محمدالحسینی: ۱۱۲
 محمدتقی: ۷۸، ۸۲
 محمدحسین نیریزی: ۹۷
 محمدخان مصور هندی: ۸۶، ۹۵
 محمد خداینده: ۵۹، ۶۱
 محمدرضا (خوشنویس): ۹۴، ۹۶
 محمد زمان: ۵۵، ۸۰-۸۳، ۹۸

- محمد مقیم مصور: ۸۳، ۸۴
 محمد مهدی نقاش: ۹۸
 محمد نادر: ۸۵
 محمد نادر سمرقندی: ۸۶
 محمدی: ۷۷، ۷۳، ۶۱
 محمد یوسف حسینی مصور: ۵۸، ۷۶
 محمدی هروی: ۵۷، ۴۸
 محمود (مولانا): ۳۸
 محمود ای نقاش: ۸۳
 محمود بن اسحاق شهبانی: ۹۳
 محمود شبستری ← شبستری، محمود بن عبدالکریم
 محمود غزنوی: ۴۸
 محمود، محمد: ۲۰۰
 محمود مذهب: ۵۱، ۴۸
 مخزن الاسرار (کتاب): ۵۱، ۷۴
 مذهبیان: ۳۵، ۳۷، ۳۸، ۴۲، ۵۲، ۶۹، ۹۳
 مذهب شیرازی، عبدالله: ۹۴
 مراد دیلمی: ۶۲
 مراد (نقاش): ۹۸
 مرتضی قلی بن حسن شاملو: ۱۱۸
 مرد جوان با ردای آبی (نگاره): ۷۴
 مرد جوان با یک خربزه (نگاره): ۹۷
 مردی، با پوشش خردار (نگاره): ۷۴
 مردی جوان با شاخه گلی در دست (نگاره): ۹۷
 مرصع ← ترصیع
 مرغ زیبا (نگاره): ۸۲
- محمد سلیمان: ۲۹
 محمد شاه دارابی: ۱۴۲
 محمد شاه گورکائی: ۹۷
 محمد شریف: ۸۴، ۱۳۲
 محمد شفیع پنجو: ۱۱۷
 محمد شفیع عباسی ← شفیع عباسی
 محمد شفیع هروی حسینی: ۲۶
 محمد شمسا: ۷۳
 محمد صادق (خوشنویس): ۱۳۳، ۹۴
 محمد صادق ارجمستانی: ۲۷
 محمد صالح اصفهانی: ۹۴، ۹۸، ۱۳۳، ۱۳۴
 محمد صالح خاتون آبادی: ۱۳۵
 محمد صالح مشهدی: ۱۱۹
 محمد طاهر: ۸۳
 محمد فخری: ۵۲
 محمد فصیح: ۲۰۳
 محمد قاسم مصور تبریزی: ۵۸، ۷۷، ۹۴، ۹۸، ۱۱۷، ۱۹۵
 محمد گوشتوانی هروی ← دوست
 محمد گواشانی هروی
 محمد لاهیجی ← لاهیجی، شمس الدین محمد
 محمد مراد: ۸۵
 محمد مسیح: ۹۸
 محمد مصور: ۵۲، ۵۴، ۵۵، ۵۶، ۵۸، ۶۲
 محمد مقیم تبریزی: ۱۳۵، ۱۳۶، ۱۷۷، ۶۳، ۸۱

معماری: ۱۰۱، ۱۰۲، ۱۰۳
 معین مصور: ۵۸، ۷۴، ۷۶، ۷۷، ۸۱
 مغولان: ۳۶، ۴۳، ۴۴، ۷۶، ۸۴، ۸۵
 مغولان اعظم (مرقع): ۹۲
 مقبره خواجه ربیع، مشهد: ۱۰۳
 مکتب اصفهان: ۲۴، ۲۶، ۲۷، ۳۵، ۳۸
 ۷۳، ۷۵، ۷۶، ۷۷، ۷۸، ۷۹، ۸۳، ۸۴
 ۸۵، ۸۶، ۸۷، ۱۰۲
 مکتب بخارا: ۴۶، ۵۱، ۵۲
 مکتب تبریز: ۱۹، ۲۳، ۲۴، ۳۸، ۴۶، ۵۴
 ۵۵، ۵۶، ۵۷، ۵۸، ۶۳
 مکتب شیراز: ۳۷، ۳۸
 مکتب قزوین: ۴۶، ۶۰، ۶۱، ۶۲، ۶۳
 مکتب ولایتی: ۴۴
 مکتب هرات: ۱۹، ۲۰، ۲۱، ۲۴، ۳۷، ۳۸
 ۴۵، ۴۶، ۴۷، ۴۹، ۵۰، ۵۱، ۵۲، ۵۳
 مکتب هند و ایرانی: ۸۳
 مکتب هندی: ۱۹
 مکتبی شیرازی: ۱۹۲
 ملا اظهر هروی: ۲۱
 ملا علائیگ تبریزی: ۲۵
 ملاقات علی فارسی (نگاره): ۴۹
 ملا محمدحسین تبریزی: ۲۵
 ملا هلال مذهب: ۳۸
 ملک قمی، ملک محمد: ۱۸۹
 منازعه بهرام گور با ازدها (نگاره): ۸۱
 منتخب التواریخ (کتاب): ۲۸، ۵۷، ۹۴
 منصور میر مصور: ۵۷

مرغ سینه سرخ در روی ساقه نرگس
 (نگاره): ۷۸
 مرغ شانه به سر (نگاره): ۷۸
 مرقع: ۲۱، ۲۸، ۲۹، ۴۴، ۵۵، ۶۰، ۷۱، ۷۲، ۸۴، ۸۵، ۸۷، ۹۱-۹۹، ۱۲۴-۱۲۶، ۱۳۱
 مرقع گلشن: ۲۸، ۲۹، ۷۱، ۷۲، ۸۵، ۸۷، ۹۴، ۹۵
 مرگ ضحاک (نگاره): ۵۵
 مستوفی قزوینی ← حمدالله مستوفی،
 حمدالله بن ابی بکر
 مسجد جامع فتحپور سیکری: ۲۸
 مسجد شاه، اصفهان: ۱۰۱
 مسجد شیخ لطف الله، اصفهان: ۱۰۱، ۱۰۲
 مسجد مقصودبیگ، اصفهان: ۱۰۱
 مسکینه: ۷۹، ۹۸
 مشرقی، شمس الدین: ۲۳
 مشهد: ۲۰، ۲۱، ۲۳، ۲۶، ۲۸، ۵۹، ۶۳، ۷۲، ۹۳، ۹۴، ۱۰۳
 مشهدی، سلطان علی: ۲۲
 مشهدی، عبدالصمد: ۲۲
 مطول (کتاب): ۳۰
 مظفر حسین فدایی خان (نگاره): ۸۶
 مظفر علی: ۵۵، ۵۶، ۵۹، ۶۰، ۶۱، ۹۳
 معراج پیغمبر اکرم (نگاره): ۵۵
 معزی، محمدبن عبدالملک ← امیر
 مُعزّی، محمدبن عبدالملک
 معماران: ۷۰

- منصور نادر العصر: ۸۵، ۹۸
 منطق الطیر (کتاب): ۴۹، ۸۷، ۲۱۰
 منوهر (نقاش): ۸۵، ۸۶، ۹۸
 موزه‌ها: ۸، ۱۸، ۳۰، ۴۶، ۹۲
 موزه هنرهای تزئینی تهران: ۸۲
 موزه آرتور سکلر: ۷۴
 موزه آستان قدس رضوی: ۲۶
 موزه ارمیتاژ، سنت پترزبورگ: ۷۸، ۸۱، ۸۲
 موزه استانبول: ۶۲، ۹۴
 موزه استکهلم: ۷۳
 موزه باستان‌شناسی دهلی: ۲۹
 موزه بریتانیا، لندن: ۴۴، ۴۵، ۴۹، ۵۴، ۵۵، ۶۰، ۷۱، ۸۵، ۸۶
 موزه چسترییتی، لندن: ۴۴، ۴۸، ۶۲، ۷۴، ۷۵، ۸۱، ۸۵
 موزه حیدرآباد: ۴۶
 موزه دارل‌آثار العربیه: ۸۰
 موزه دولتی الوار، راجستان: ۴۶
 موزه رضا عباسی، تهران: ۵۹، ۷۵
 موزه فریر، واشنگتن: ۶۰
 موزه گلستان ← کاخ موزه گلستان، تهران
 موزه گیومه پاریس: ۸۷
 موزه متروپولیتن، نیویورک: ۲۰، ۴۴، ۴۹، ۷۴، ۷۸، ۸۳
 موزه ملی ایران: ۷۵
 موزه ملی دهلی نو: ۴۶
 موزه ویکتوریا و آلبرت، لندن: ۷۴
- موسی (ع): ۹۷
 موسیقی: ۲۳، ۳۰، ۶۱، ۱۰۱، ۱۰۳
 موسیقیدانان: ۱۰۳
 مولوی، جلال الدین محمد: ۱۵۹، ۱۶۰، ۱۶۳، ۱۹۳، ۱۹۴، ۲۱۱
 مولوی، درویش عبدالکریم: ۲۱۱
 المیددی، حسین بن معین الدین: ۱۸۱
 میدان شاه، اصفهان: ۱۰۲
 میرانشاه، جلال الدین: ۲۲
 میرخلیل الله شاه: ۳۱
 میرخواند، محمد بن خاوند شاه: ۱۶۱
 میردوری کاتب الملك هراتی: ۲۸
 میرزا تقی: ۸۷
 میرزا داراب: ۱۸۰
 میرزا شرف: ۱۵۳
 میرزا صادق: ۱۹۷
 میرزا علی: ۵۵، ۵۶، ۸۱
 میرزا غلام: ۸۳
 میرزا نظام: ۱۹۷
 میرزین العابدین ← زین العابدین مذهب اصفهانی
 میرسید علی: ۵۵، ۵۶، ۵۷، ۸۱، ۸۴، ۸۶، ۸۷، ۹۴
 میرسید محمد نقاش: ۸۳
 میرصیدی: ۱۹۷
 میرعبدالله: ۲۲
 میرعزض مذهب: ۴۸
 میرعلاء الدین: ۲۰

۱۶۳، ۱۶۴، ۱۷۰، ۱۷۱، ۱۷۶، ۱۷۷،

۲۰۴

نشمی کماندار (نگاره): ۷۴

نصرالله منشی، نصرالله بن محمد: ۵۰

نظامی، الیاس بن یوسف: ۴۶، ۱۴۳، ۱۴۴

نظیری، محمدحسین: ۱۵۹، ۱۶۰، ۱۹۷

نعمت‌الله ولی، نعمت‌الله بن عبدالله:

۱۵۲

نعیمی، علی احمد: ۲۲

نفایس المآثر (کتاب): ۹۴

نفعی، عمر بن عبدالله: ۱۵۹، ۲۰۰

نقاشان: ۴۲، ۵۲، ۶۹

نقاشخانه سلطنتی ← نگارخانه سلطنتی

نقاشی: ۲۳، ۳۰، ۳۶، ۳۷، ۳۹، ۴۱، ۴۲،

۴۳، ۴۴، ۴۵، ۴۶، ۴۷، ۴۹، ۵۰، ۵۲،

۶۹-۸۷

نقدی‌بیک: ۶۱، ۶۲

نگارخانه سلطنتی: ۵۷، ۸۵

نگارستان منیر لاهوری: ۹۵

نواب اود: ۹۵

نورالدین محمد لاهیجانی: ۹۷، ۱۴۱، ۱۴۲

نورس (کتاب): ۳۱

نوعی خوشانی، محمدرضا: ۱۶۴

نیریز: ۲۷

نیریزی، احمد: ۲۷، ۹۷، ۱۱۹، ۱۲۸

نیریزی، محمدحسین: ۹۷

نیم‌تنه مرد جوان (نگاره): ۹۸

نیویورک: ۴۶

میرعلی تبریزی: ۲۰، ۲۲، ۴۵

میرعلی سلطانی: ۹۸

میرعلی کاتب: ۲۱

میرعلی کاتب حسنی سلطانی: ۹۶

میرعلی هروی: ۲۴-۲۶، ۲۸، ۵۱، ۶۰،

۹۳، ۹۵، ۱۲۹

میرعماد: ۲۵-۲۷، ۳۰، ۹۷، ۹۸، ۱۲۹،

۱۳۶، ۱۴۰، ۲۱۰

میرکلان: ۹۶

میرک هروی: ۳۸، ۴۸، ۴۹، ۵۲، ۵۳، ۸۱

میرمحمد معصوم: ۲۸

میرمصور: ۵۴، ۸۴

میرمُعز کاشانی: ۹۳

میرمنشی قمی: ۲۴

میرمنصور مذهب: ۵۶

میرمؤمن اکبرآبادی مشکین‌رقم: ۲۹

میرهاشمی کرمانی: ۲۰۹

میناتور: ۴۶، ۴۹، ۵۱-۵۳، ۶۰، ۶۲، ۷۲،

۸۲، ۸۵، ۹۳، ۹۴، ۹۷

مؤمن استرآبادی: ۱۵۹

نادره بانو: ۸۷، ۹۵

نادم خوافی، محمدجعفر: ۱۹۷

ناصرالدین همایون: ۲۷

ناظم هروی: ۱۵۹، ۲۱۸

نجات یوسف از چاه (نگاره): ۶۰

نجوم السماء: ۳۰

نسخه‌های خطی: ۱۸، ۲۲، ۲۴، ۳۰،

۴۱-۴۴، ۷۴، ۷۹، ۸۰، ۱۰۷، ۱۰۸،

واضع: ۲۰

واعظ بیهقی ← شیعی سبزواری،
حسن بن حسن

واعظ کاشفی ← کاشفی، حسین بن علی
واله داغستانی، علیقلی بن محمدعلی:
۲۱۶

وحشی بافقی، کمال الدین: ۱۹۰، ۱۴۲
وحید قزوینی، محمد طاهر بن حسین:
۱۸۹

وصاف بن فضل الله شیرازی: ۱۱۰، ۱۱۱
وصفی، شمس الدین: ۹۲
وقایع نویس ← وحید قزوینی،
محمد طاهر بن حسین

ولنسکی، آرتمی پتروویچ: ۸۲
ولی الدین: ۲۰۸

ولی الله: ۴۹

ولی محمدخان: ۹۲

ویمر، مارتیو: ۷۲

هاتفی، عبدالله بن محمد: ۱۹۲

هاشم (نقاش): ۹۸

هدایت الله: ۹۷

هدیه انگشتر (نگاره): ۸۱

هرات: ۲۰-۲۳، ۲۷، ۳۶، ۳۷، ۳۹

۴۷-۴۹، ۵۱-۵۴، ۵۶، ۷۹، ۷۹، ۸۴

هفت اورنگ (کتاب): ۶۰

هلالی جغتایی، بدرالدین: ۱۶۰، ۱۷۴

همایون (پادشاه هندوستان): ۵۷، ۹۴

همت، محمد صابر بن محمد ۱۹۷، ۱۹۸

همدان: ۶۱

همگامی نقاشی با ادبیات ایران (کتاب):
۷۱

هندوستان: ۱۹، ۲۷-۳۰، ۴۶، ۵۷، ۷۱،
۷۲، ۷۸، ۸۰، ۸۴، ۹۴، ۹۶-۹۸، ۱۰۳،
۱۲۹، ۱۳۲

هندو شاه نخبجوانی: ۱۰۹

هنر اسلامی: ۸، ۱۸، ۴۴، ۶۶، ۱۰۳، ۱۰۴،
۲۳۰

یاری مذهب: ۴۸

یاقوت حموی، یاقوت بن عبدالله: ۲۰

یحیی سبیک نیشابوری ← سبیک
نیشابوری، یحیی

یزدی، شرف الدین: ۲۰

یعقوب آق قوینلو ← آق قوینلو، یعقوب

یکه صورت سازی ← پرتره سازی

یمین، محمد: ۱۱۱

یوحنا: ۷۹

یوسف عادل شاه: ۳۰

یوسف وزلیخا (داستان): ۱۷۶، ۲۱۶-

۲۱۸

یوسف وزلیخا (کتاب): ۷۹



